



اسلام المسلم باسلام محمد خاتم الانبياء

فی فقہ ابوحنیفہ رحمۃ اللہ علیہ

(ترجمہ مختصر الوقایہ ہمراہ با دلائل مستند)

جلد ۲

ویژہ اہل سنت

مؤلف: عبدالصديق کشمیری

حمایت: محمد آخوند کشمیری

حافظ کل قرآن کریم - مدرس حوزہ - کارشناس علوم قرآن و حدیث - کارشناس ارشد

علوم قرآنی تفسیر - دکترای زبان و ادبیات عرب

سرشناسه	:	آخوند کشمیری، عبدالصديق، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پديدآور	:	اسلام المسلم باسلام محمد خاتم الانبياء (فى فقه ابوحنيفه (ره)) ويژه اهل سنت / مؤلف عبدالصديق کشميرى ؛ حمايت محمد آخوندکشميرى.
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزى، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري	:	۳ ج.
شابک	:	دوره ۶-۹۵۴-۱۵۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۳۱-۹۵۵-۱۵۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۰۲-۹۵۶-۱۵۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۷۳-۹۵۷-۱۵۱-۹۶۴-۹۷۸؛
وضعيت فهرست نویسی	:	فيا
موضوع	:	فقه حنفی
موضوع	:	حنفيه -- عقايد
شناسه افزوده	:	آخوند کشميرى، محمد
رده بندى کنگره	:	BP۱۷۲/ک۵الف ۱۳۹۲
رده بندى ديويى	:	۳۳۲/۲۹۷
شماره کتابشناسى ملي	:	۳۴۱۸۸۳۱

نام اثر:اسلام المسلم باسلام محمد خاتم الانبياء
مؤلف:عبدالصديق کشميرى
نوبت چاپ:اول-۱۳۹۳
مشخصات ظاهري:۱۶۴ ص
قطع:وزيرى
شمارگان:۱۰۰۰
شماره شابک:ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۱-۹۵۵-۳
نشر:نوروزى، گرگان/۰۱۷۱۲۲۴۲۲۵۸
چاپ:اميد شمال/۲۲۳۰۰۸۰
قيمت:رايگان

کلمه ی تشکر:

با سپاس از پدر بزرگوارم و مادر جانم و برادرانم و دوستانی که مرا در این امر یاری نمودند.

این تحفه تقدیم ایشان باد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لولیه و الصلاة لنبيه و على آله و صحبه المتأدیین بأدابه.

اما بعد:

شکر و سپاس بی پایان الله تعالی را که توفیق خدمت به فقه حنفی را به بنده ناچیز عطا نمود.
دین مبین اسلام فضلی از الله تعالی می باشد که برای نجات عالمیان از ظلمت و بدبختی در دنیا و آخرت بر پا داشته است و دشمنان اسلام در ابتدای ظهور اسلام سعی کردند که آن را با سلاح و زور ریشه کن کنند ولی در آخر این اسلام بود که پیروز شد.

و دشمنان دست به کار شدند تا از طریقی دیگر نور اسلام را خاموش کنند و برای این کار وارد اسلام شدند و سعی کردند با شبهه افکنی بین مسلمین و وارونه کردن احکام به فساد در دین مبین اسلام بپردازند و این کار در زمان حضرت رسول الله ﷺ برای دشمنان غیر ممکن بود زیرا هر کسی حکمی بیان می کرد، صحابه رضی الله عنہم آن را از حضرت رسول الله ﷺ می پرسیدند و همچنین در زمان صحابه نیز چنین امری برای دشمنان اسلام ممکن نبود زیرا اینان صحابه ی رسول الله ﷺ بودند که در قبول احکام موشکافی می کردند و آنان می دانستند که باید مواظب باشند مبدا حکمی غیر از آنچه حضرت رسول الله ﷺ به آنان آموخته بود را کسی وارد اسلام کند و وقتی گذر زمان کم کم صحابه مکرم حضرت رسول الله ﷺ را از روی زمین برچید در این برهه از زمان بود که دشمنان که بین مسلمین نفوذ کرده بودند شروع به فتوی دادن احکامی مغایر دین اسلام پرداختند و ادعا می کردند که این حکم رسول الله ﷺ و یا حکم شاگردان وی هستند و در این برهه از زمان، این امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت رضی الله عنہ بودند که با تنی چند از دوستان و بزرگان دین قیام کردند و برای قبول حکم اصول وضع کردند و در این کار بحمد الله موفق نیز بودند؛ زیرا در عصر حاضر، مسلمانان حنفی مذهب بیشترین درصد را در اختیار خود دارند یعنی بیش از هشتاد درصد مسلمانان را حنفی مذهبان تشکیل می دهند که متشکل از زبان های مختلفی هستند و علمای بعد از ایشان نیز در اشاعه مذهب کوشش های بسیار نمودند و کتاب ها نوشتند و از بین این کتاب ها مسائلی هستند که به ظاهر روایت مشهور می باشند و گروهی دیگر از مسائل را روایت نوادر و بعضی از احکام هستند که از امامان مذهب روایتی در آن نیست ولی بر پایه اصولی که امام اعظم رضی الله عنہ بنا نهاده است پایه گذاری شده اند.

امام شافعی رضی الله عنہ: مردم در علم فقه همه به مانند اهل خانه هستند برای پدر. (رد المختار ج ۱ ص ۵۰)
در این زمان با اینکه کتاب های بسیاری از کتب مذهب به زبان های مختلف نگارش شده است، کمبود کتابی فارسی که مسائل را بیان و ادله ی آن را ذکر کند، احساس می شد و مؤلف به دستور استاد و پدر بزرگوارشان الحاج محمد آخوند کشمیری و به املا ی ایشان، به این مهم مشغول گشتند و برای علاقه مندان تقدیم می گردد، این کتاب در بیست فصل جمع آوری شده است که شامل مسائل فقهی و عقیدتی مذهب حنفی می باشد، امید است پاسخگوی تشنگان علم راستین باشد.

محتاج دعای خیر برادران و خواهران دینیم عبدالصدیق کشمیری.

هیچ کسی غیر از انبیاء معصوم نیست، پس از دوستان و علمای عظام تقاضا می شود که اگر لغزشی و یا خطائی در این تحریر مشاهده نمودند، راهنمایی فرمایند.
و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

بسم الله الرحمن الرحيم

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يُقْبَضَ، وَقَبْلَ أَنْ يُرْفَعَ.

(الاربعون حديثا للاجرى ج ١ ص ٧٥)

حضرت محمد ﷺ: بر شماست که علم را لازم بگیرید قبل از اینکه علم برداشته شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». (سنن ابن ماجه ج ١ ص ١٥١)

رسول الله ﷺ: طلب علم فرض است بر هر شخص مسلمان.

عن رسول الله ﷺ: وَطَالِبُ الْعِلْمِ أَوْ صَاحِبُ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحُوتُ فِي الْبَحْرِ»

بر طالب علم و یا صاحب علم همه ی اشیاء استغفار گویند؛ حتی ماهیان در دریا. (از الله ﷻ طلب آمرزش طالب علم می کنند)

رسول الله ﷺ: وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ. (سنن ابن ماجه ج ١ ص ١٥١)

رسول الله ﷺ: برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه بر ستاره های دیگر است.

و عنه ﷺ: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، (همان)

رسول الله ﷺ: هر کس قدمی در راه علم بپیماید، الله ﷻ بر وی راه بهشت را آسان می گرداند.

و عنه ﷺ: وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا رِضًا لَطَالِبِ الْعِلْمِ. (همان)

رسول الله ﷺ: همانا فرشتگان بال های خود را از روی رضایت بر سر طالب علم می نهند.

و عنه ص"مَنْ دَخَلَ مَسْجِدَنَا هَذَا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ يُعَلِّمَهُ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

(صحيح ابن حبان ج ١ ص ٢٨٨)

هر کس بر مسجدمان برای آموختن علم خیر وارد شود، وی مانند مجاهد در راه الله ﷻ است.

فهرست مطالب

فصل ۷ - حدث اثناء نماز (شکستن وضوء در نماز).....	۱
فصل ۸ - مفسدات نماز (چیزهایی که نماز را باطل می کند).....	۳
عمل کثیر:.....	۶
مکروهات نماز:.....	۷
کارهایی که مکروه نیستند:.....	۱۲
حکم عبور از جلوی نمازگزار:.....	۱۳
فصل ۹: نماز وتر.....	۱۵
نمازهای سنت:.....	۱۹
نمازهای مستحبی:.....	۲۱
نماز تراویح:.....	۲۹
ختم قرآن در نماز تراویح:.....	۳۰
نماز آیات:.....	۳۱
فصل ۱۱ - ادراک فرض به جماعت.....	۳۳
فصل ۱۲ - رعایت ترتیب بین قضای فرائض، فرض می باشد.....	۳۷
فصل ۱۳ - سجده ی سهو.....	۳۹
فصل ۱۴ - سجده ی تلاوت.....	۴۶
فصل ۱۵ - نماز مریض.....	۵۵
فصل ۱۶ - نماز مسافر.....	۶۰
احکام مسافر.....	۶۱
فصل ۱۷ - نماز جمعه.....	۶۸
فصل ۱۸: نماز عید (فطر و قربان).....	۷۶
فصل ۱۹: نماز بر میت (جنازه).....	۸۸

کارهایی که بر فرد در حال مرگ انجام داده می شود:	۸۸
چگونگی کفن:	۹۳
آداب و رسوم مشروع، برای میت و چگونگی احوال میت پس از مرگ:	۱۰۹
فصل ۲۰- احکام شهید	۱۱۹
فصل ۲۱- نماز خوف	۱۲۲
فصل ۲۲- احکام نماز خواندن در کعبه	۱۲۴
کتاب زکات	۱۲۷
شرایط وجوب زکات از اموال:	۱۲۷
اموال نامی (اموال رشد کننده):	۱۳۰
انواع و اقسام زکات و مقدار آن و ذکر نصاب:	۱۳۵
نصاب شتر و مقدار واجب در آن:	۱۳۵
نصاب گاو و مقدار واجب در آن:	۱۴۰
نصاب گوسفند و بز و مقدار واجب در آن ها:	۱۴۲
نصاب اسب و مقدار واجب در آن:	۱۴۴
نصاب طلا:	۱۴۷
نصاب نقره:	۱۴۷
فصل: نصب عاشر (قرار دادن دولت اسلامی، کسی را برای گرفتن زکات تجار بر سر راه آن ها)	۱۵۳
مطلب خمس:	۱۵۷
مطلب عشر:	۱۶۱
مصرف زکات (مستحق زکات و کسانی که زکات به آن ها داده می شود).	۱۶۷
هفت نفر واجد شرایط دریافت زکات می باشند:	۱۶۷
صدقه ی فطریه:	۱۷۴
فصل مفسدات روزه (اعمالی که روزه را باطل می کنند)	۱۸۶

فصل اعتکاف:	۲۰۵
مفسدات اعتکاف [کارهایی که اعتکاف را باطل می کند]:	۲۰۷
کتاب حج	۲۰۹
شرایط وجوب حج:	۲۰۹
فرائض حج:	۲۱۳
واجبات حج:	۲۱۴
عمره سنت است.	۲۱۷
طریقه ی ادای مناسک (اعمال) حج:	۲۲۰
محرم (کسی که احرام بسته است) باید از این اشیاء دوری کند:	۲۲۲
کارهایی که برای حاج جائز است:	۲۲۶
در این مواقع تلبیه زیاد گوید:	۲۲۷
طریقه ی ادای حج:	۲۲۸
طریقه ی طواف کردن:	۲۲۹
طریقه ی سعی:	۲۳۱
فصل حج قرآن:	۲۴۶
طریقه ی ادای حج قرآن:	۲۴۷
حج تمتع:	۲۴۸
فصل جنایات در حج:	۲۵۰
فصل احصار (ممنوع شدن محرم از حج):	۲۶۵
حج از طرف دیگری:	۲۶۸
کتاب نکاح	۲۷۴
الفاظی که نکاح با آن منعقد می گردد:	۲۷۷
شرایط صحت نکاح:	۲۷۸
نکاح کسانی که بر یک فرد حرام است:	۲۸۰

فصل اولیاء و اکففاء ۲۹۴

کیفیت اجازه گرفتن از دختر برای جاری ساختن نکاح: ۲۹۶

«ولی» چه کسانی هستند؟ ۲۹۹

کفائت (مثل و مانند و همسان بودن) ۳۰۱

کفائت در نکاح از چند منظر مورد اعتناء می باشد: ۳۰۱

فصل مهر: ۳۰۳

زمان وجوب مهر (زمانی که دادن مهریه از آن به بعد بر گردن زوج واجب می شود): ۳۰۴

اسبابی که مانع از نزدیکی و جماع محسوب می شوند: ۳۰۵



فصل ۷- حدث اثناء نماز (شکستن وضوء در نماز)

مسئله ۱۶۱ ◀ (۱) اگر بر کسی در اثناء نماز حدثی عارض شود (وضویش به غیر عمد فاسد شود) پس وی باید دوباره وضوء گرفته و نمازش را ادامه دهد و بین این اعمال حرف نزند و اگر حرف زد نماز وی باطل می شود و باید از اول شروع کند.
گرچه بعد از تشهّد باشد.

مسئله ۱۶۲ ◀ (۲) و البته شروع کردن نماز از اول بهتر است.
دلیل:

رسول الله ﷺ وقتی کسی از شما در نماز قی (استفراغ) کند و یا که خون دماغ شود؛ پس از نماز انصراف کرده و برود وضوء بگیرد و مادامی که سخن نگفته باشد ادامه ی نمازش را بخواند. (صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۲۶۰ - مصباح الزجاجة ج ۱ ص ۲۲۳ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۱۷ - سنن الکبری للبیهقی ج ۳ ص ۱۳۹ - الفتح الکبیر ج ۳ ص ۱۶۱ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۸۵ - سنن الدارقطنی ج ۱ ص ۱۶۰)

مسئله ۱۶۳ ◀ (۳) و اگر این اتفاق برای امام بیافتد (در اثناء نماز حدثی عارض شود) پس امام کس دیگری را بجای خود بکشد و جایگزین کند و خودش برود و وضوء گیرد و نمازش را ادامه دهد. اگر جایگزینش نماز را تمام کرده باشد پس وی می تواند در مکانی که



وضوء گرفته است، نمازش را تمام کند یا اینکه برگشته و نماز را در همان جای قبلی خود به اتمام برساند و اگر جایگزینش نماز را تمام نکرده باشد برگشته و پشت سر جایگزین ادامه دهد.

دلیل:

از حضرت علی رضی الله عنه: اگر کسی هنگام امامت وضویش باطل شود، پس بینی خود را بگیرد و کس دیگری را بجای خود بیاورد. (سنن الدارقطنی ج ۱ ص ۱۶۲ - جامع المسانید و المراسیل ج ۱ ص ۳۶)

مسئله ۱۶۴ ◀ و شرایط مقتدی نیز مانند امام می باشد و فقط دیگری را بجای خود نکشد.

مسئله ۱۶۵ ◀ اگر کسی در نماز باشد و در این حال بر وی جنون عارض شود و یا اینکه بیهوش شود و یا اینکه احتلامی شود (در نماز بخوابد و بر وی غسل واجب شود) و یا اینکه با صدا بخندد و یا اینکه از روی عمد وضویش را بشکند و یا اینکه بر وی ادرار زیاد برسد و یا اینکه عضوی از بدن زخمی شود و از آن خون روان شود و یا به گمان اینکه وضویش شکسته است از مسجد خارج شود و بعد از خروج معلوم شود که وضویش نشکسته است؛ در همه ی این صورت ها نماز وی باطل می شود و باید از اول شروع بکند.

دلیل:



زیرا پیدا شدن این عوارض در نماز نادر است. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۳۸۸ - اللباب ج ۱ ص ۵۱)

مسئله ۱۶۶ ◀ اگر کسی بعد از تشهّد آخر کاری منافی نماز انجام دهد، پس نمازش تمام است و واجبش (با سلام خارج شدن) ترک شده است.

مسئله ۱۶۷ ◀ و اگر امام این کار را انجام دهد، نماز مسبوق باطل است. مسبوق: کسی که به یک یا چند رکعت از نماز امام نرسیده باشد.

مسئله ۱۶۸ ◀ اگر متیمّم (کسی که با تیمّم نماز می خواند) بعد از تشهّد آخر آب ببیند، پس نماز وی باطل است.

دلیل:

زیرا باعث خروج غیر اختیاری از نماز شد و خروج اختیاری نزد امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرض است و امامین (امام محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و امام ابویوسف رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شاگردان امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) گویند که نماز وی تمام است.

فصل ۸- مفسدات نماز (چیزهایی که نماز را باطل می کند)

مسئله ۱۶۹ ◀ (۱) تکلم (حرف زدن) چه عمدی باشد و چه غیر عمدی.

دلیل:

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: این نماز ما صلاحیت آن را ندارد که در آن چیزی از کلام مردم در آن باشد، بلکه نماز تسبیح است و تکبیر و تلاوت قرآن.



(سنن النسائي الكبرى ١ ص ٣٦٢ - سنن الكبرى للبيهقي ج ٣ ص ١٢٩)

- صحيح ابن حبان ج ٣ ص ٢٦٣ - معجم الطبراني الكبير ج ١٩ ص ٤٠١

- صحيح مسلم ج ٥ ص ١٧)

مسئله ١٧٠ ◀ (٢) به عمد سلام دادن:

زیرا سلام، اگر به عمد باشد جزو کلام محسوب می شود. (الهدایه و

البنایه ج ٢ ص ٤٠٨)

مسئله ١٧١ ◀ (٣) جواب سلام چه عمدی باشد و چه غیر عمدی.

دلیل:

زیرا جواب سلام خطاب کردن مردم است؛ پس جزو کلام خواهد بود.

(شرح الیاس ج ١ ص ١٥٦)

مسئله ١٧٢ ◀ (٤) ناله کردن و مانند آن؛ اگر همراه با صوت باشد.

دلیل:

زیرا این نیز جزو کلام محسوب می شود. (الهدایه و البنایه

ج ٢ ص ٤٠٩)

مسئله ١٧٣ ◀ (٥) گریه کردن همراه با صوت و اگر گریه به خاطر امر آخرت

باشد از قبیل به یاد آوردن بهشت یا جهنم، پس در این صورت مفسد

نماز نیست.

مسئله ١٧٤ ◀ (٦) سینه صاف کردن (اح اح کردن و سرفه) بدون عذر.



مسئله ۱۷۵ ◀ ۷) جواب دادن به عطسه کننده (وقتی کسی عطسه می کند در جواب وی «يَرْحَمَك اللهُ» گفته می شود).

مسئله ۱۷۶ ◀ ۸) جواب کلام کسی را دادن، گرچه این جواب با ذکر یا آیه ی قرآن باشد.

مسئله ۱۷۷ ◀ ۹) لقمه دادن به غیر از امام خود (یعنی وقتی امام نتواند قرائت را ادامه دهد، مقتدی به وی مقداری از آیه را می خواند تا یادش بیاید و ادامه دهد).

مسئله ۱۷۸ ◀ ۱۰) خواندن قرآن از روی مصحف.

دلیل:

زیرا اگر کتاب (مصحف) را در دستش بگیرد و ورق بزند، عمل کثیر انجام داده است و اگر نیز این کار را نکند باز مانند آن است که در اثناء نماز از کسی تعلیم می گیرد. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۴۲۱)

و رسول الله ﷺ به کسی که نمی توانست قرآن حفظ کند فرمودند که پس به جای قرائت حمد و تسبیح الله جلّ و علا گوید و فرمودند که از روی مصحف بخواند و تا آنجا که ما می دانیم، کسی از ائمه نگفته است که از روی مصحف بخواند. (اعلاء السنن ج ۴ ص ۱۵۵۳)

و حضرت عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ امامت از روی مصحف را نهی کردند. (المصاحف لابن ابی داوود هل يؤم القرآن فی المصحف - جامع المسانید و المراسیل ج ۱۴ ص ۱۷۸)



مسئله ۱۷۹ ◀ (۱۱) سجده بر نجس.

دلیل: طهارت از شروط نماز می باشد.

مسئله ۱۸۰ ◀ (۱۲) دعاء کردن و خواستن آنچه که از مردم خواسته می

شود؛ مانند پول یا غذا یا ازدواج خواستن.

دلیل:

زیرا این نیز از کلام مردم خواهد بود. (المبسوط لامام محمد الشیبانی

ج ۱ ص ۲۰۲)

مسئله ۱۸۱ ◀ (۱۳) خوردن.

مسئله ۱۸۲ ◀ (۱۴) آشامیدن.

مسئله ۱۸۳ ◀ (۱۵) عمل کثیر یعنی انجام عملی زیاد که از افعال نماز نباشد.

عمل کثیر:

مسئله ۱۸۴ ◀ در این باره سه قول می باشد:

(۱) هر آنچه که برای انجام آن به دو دست نیاز باشد.

(۲) هر آنچه که خود مصلی آن عمل را زیاد ببیند.

(۳) نماز گذار مشغول عملی باشد که وقتی کسی او را ببیند فکر کند

که در نماز نیست.



مکروهات نماز:

مسئله ۱۸۵ ◀ (۱) هر هیئتی از نماز گذار که بر عدم خشوع (ترس از الله جل و علا) دلالت داشته باشد، مکروه است (مانند اینکه دست ها را بر پهلوی خود بگذارد و یا اینکه سرش را بالا بگیرد).

دلیل:

رسول الله ﷺ از خواندن نماز در حالی که دست ها را بر پهلوی خود گذاشته است نهی کردند. (مسند الطیالسی ج ۲ ص ۷۷۸ - سنن الکبری للبیهقی ج ۳ ص ۲۰۱ - صحیح مسلم ج ۵ ص ۳۰)

مسئله ۱۸۶ ◀ (۲) برداشتن سنگریزه از محل سجده مگر اینکه امکان سجده نباشد؛ پس این کار را فقط یک بار انجام دهد نه بیشتر.

دلیل:

رسول الله ﷺ فرمودند که این کار را انجام نده و اگر نیز لازم شد انجام دهی پس فقط یک بار (آن را تکرار نکن). (سنن الکبری للبیهقی ج ۳ ص ۱۹۵ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۲۲۳ - معجم الطبرانی ج ۲۰ ص ۳۵۱ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۳۰۲ - مسند امام احمد ج ۶ ص ۵۹۲)

مسئله ۱۸۷ ◀ (۳) پاک کردن پیشانی از خاک و گرد و غبار در نماز.



از ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: چهار چیز از جفاء می باشد که یکی از آن ها مسح پیشانی قبل از خروج از نماز است. (مصنف ابن ابی شیبۀ ج ۱ ص ۵۱۰ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۹ ص ۳۰۰)

مسئله ۱۸۸ ◀ (۴) سجده بر قسمتی از عمامه که بر سرش پیچیده است؛ یعنی هنگام سجده قسمتی از عمامه بین پیشانی و زمین قرار گیرد. دلیل:

ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ آن را مکروه می دانستند. (جامع المسانید و المراسیل ج ۲۰ ص ۳۹۰)

و انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بر عمامه ی خود سجده می کردند. (مجمع الوزائد ج ۲ ص ۳۱۰ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱ ص ۲۴۴) یعنی بر چین عمامه ی خود.

مسئله ۱۸۹ ◀ (۵) چسباندن آرنج خود به زمین برای مردان.

دلیل: رسول الله ﷺ از آن نهی کرده اند. (بلوغ المرام ج ۱ ص ۵۰ - مسند البزار ج ۱ ص ۹۷ - مسند امام احمد ج ۷ ص ۲۷۸ - مسند السراج ج ۱ ص ۹۷ - مصنف ابن ابی شیبۀ ج ۱ ص ۲۹۰)

مسئله ۱۹۰ ◀ (۶) جمع کردن و بستن موی سر در نماز.

دلیل:

رسول الله ﷺ از آن نهی فرموده اند. (سنن الترمذی ج ۲ ص ۳۳۹ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۳۱)



مسئله ۱۹۱ ◀ (۷) سدل لباس (انداختن لباس بر دوش خود، بدون اینکه دست های خود را وارد آستین کند).

دلیل:

رسول الله ﷺ از آن نهی فرموده اند. (سنن الترمذی ج ۲ ص ۳۳۱ - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۲۷۶ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۶۱)

مسئله ۱۹۲ ◀ (۸) جمع کردن لباس در نماز.

دلیل:

رسول الله ﷺ از آن نهی فرموده اند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۳۲۴ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱۱ ص ۴۹ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۳۱ - صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۸۰)

مسئله ۱۹۳ ◀ (۹) تخصیص مکانی برای امام (مثلاً رفتن امام به داخل محراب؛ طوری که از مردم جدا باشد و یا اینکه امام در گودی یا بلندی بایستد و با مردم برابر نباشد).

دلیل:

در مدائن عمار رضی الله عنه در حالی که خودش در جایی بلندتر از مقتدیان ایستاده بود امامت کردند و حذیفه رضی الله عنه از دستش گرفتند و وی را پایین کشیدند و عمار رضی الله عنه نیز پایین آمدند. وقتی عمار رضی الله عنه نماز را تمام کردند حذیفه رضی الله عنه به وی گفتند: مگر نشنیده ای که رسول الله ﷺ از این کار نهی کرده اند؟ و عمار رضی الله عنه گفتند: به همین خاطر



بود که وقتی از دستم کشیدی پایین آمدم. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۰۷)
- المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۳۲۸

و در تخصیص (اختصاص دادن) مکانی برای امام مانند محراب،
مشابهت به اهل کتاب است. (شرح الوقایه علی القاری کتاب الصلاه -
البنایه ج ۲ ص ۴۵۱ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲ - فتح القدیر ج ۱ ص ۴۲۰)
مسئله ۱۹۴ ◀ اگر امام در مسجد بایستد و سرش در هنگام سجده به
محراب باشد، مکروه نیست.

مسئله ۱۹۵ ◀ ۱۰) اگر در صف نماز جایی برای شخص باشد، ایستادن
پشت صف جماعت مکروه است.

دلیل:

ابی بکره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (صحابی) وقتی وارد مسجد شدند، دیدند که رسول الله
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رکوع است، پس قبل از اینکه به صف داخل شوند رکوع کردند.
رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وی گفتند که الله تَعَالَى حریص بودند بر نماز را زیاده
کند ولی دیگر این کار را مکن. (اینکه قبل از ورود به صف اقتداء
کنی). (مسند البزار ج ۹ ص ۱۰۷ - صحیح ابن حبان ج ۳ ذکر الرخصه
للدخل المسجد و الامام راکع - سنن النسائی الکبری ج ۱ ص ۳۰۲ -
مسند امام احمد ج ۶ ص ۳۰)

مسئله ۱۹۶ ◀ ۱۱) بودن عکس جاندار بر لباس و سجده گاه و هر جهتی
غیر از پشت و زیر پای نماز گزار، مکروه است.



دلیل:

زیرا در این عمل تشبیه به عبادت عکس می باشد. (شرح الوقایه علی القاری کتاب الصلاه - البنايه ج ۲ ص ۴۵۶ - فتح القدیر ج ۱ ص ۴۲۰)

مسئله ۱۹۷ ◀ اگر عکس خیلی کوچک باشد (طوری که معلوم نشود مگر با دقت نظر) و یا این که سر حیوان محو کرده شده باشد مکروه نیست.

مسئله ۱۹۸ ◀ ۱۲) نماز را با لباس خانه خواندن (لباسی که با آن به مجالس نمی روند) مکروه است.

دلیل:

از رسول الله ﷺ: وقتی نماز می خوانید لباس (مجلسی) خود را بپوشید؛ زیرا الله جلّ و علا مستحقّ آن است که برایش تزئین کرده شود. (سنن الکبری للبيهقي ج ۳ ص ۹۹ - الاوسط ابن المنذر ذکر الاشتمال المنهی عنها - مسند البزار ج ۱۲ ص ۲۱۰)

مسئله ۱۹۹ ◀ ۱۳) نماز خواندن با سر برهنه برای مرد مکروه است.

دلیل:

زیرا در آن عمل ترک وقار می باشد. (مراقی الفلاح شرح نورالایضاح ج ۱ ص ۱۷۵)

مسئله ۲۰۰ ◀ ۱۴) شمردن آیات و تسبیحات با دست مکروه است.

دلیل:

زیرا این عمل از اعمال نماز نیست. (البنايه ج ۲ ص ۴۶۳)



مسئله ۲۰۱ ◀ (۱۵) انجام عمل زناشوئی و نقض وضوء در بالای مسجد مکروه است.

دلیل:

زیرا پشت بام مسجد در حکم مسجد می باشد. (شرح الیاس ج ۱ ص ۱۶۵ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲ - فتح القدیر ج ۱ ص ۴۳۳)

مسئله ۲۰۲ ◀ بستن چشم در نماز مکروه است.
رسول الله ﷺ: وقتی در نماز هستید چشمهایتان را نبندید.

کارهایی که مکروه نیستند:

مسئله ۲۰۳ ◀ (۱) اگر نمازخانه ای در داخل خانه باشد در حکم مسجد نبوده و اعمالی که در مسجد مکروه است در این نمازخانه کراهت ندارد.

مسئله ۲۰۴ ◀ (۲) تزئین مسجد مکروه نیست.

و تزئین وقتی مکروه نیست که این کار را با اموال خود و از حلال انجام دهند و نباید با اموال مسجد انجام داد. (شرح الیاس ج ۱ ص ۱۶۷)

مسئله ۲۰۵ ◀ (۳) و نماز خواندن پشت سر کسی که نماز نمی خواند مکروه نیست.

دلیل:



از نافع رضي الله عنه: ابن عمر رضي الله عنه وقتی که به ستون مسجد راهی نمی یافت تا پشت آن نماز گزارد، به من می گفت که پشت را به من بکن و نماز می خواند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱ ص ۳۱۳)
مسئله ۲۰۶ ◀ (۴) کشتن مار و عقرب در نماز مکروه نیست.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مار و عقرب را در نماز بکشید. (صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۲۹۰ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۴۲ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۱۸۹ - مسند الطیالسی ج ۳ ص ۲۲)

حکم عبور از جلوی نماز گزار:

مسئله ۲۰۷ ◀ حکم عبور از جلوی نماز گزار: اگر کسی از جلوی نماز گزار عبور کند گناه کار می شود (اگر مسجد کوچک باشد) و در غیر مسجد کوچک (مساجد بزرگ)، اگر از جایی عبور کند که چشم نماز گزار به وی بیافتد، گناهکار می شود.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله: اگر عبور کننده از جلوی نماز گزار می دانست که بر وی چه گناهی است همانا تا چهل (سال - ماه - روز) می ایستاد. (مسند السراج ج ۱ ص ۱۰۹ - مسند البزار ج ۹ ص ۲۳۹ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۴۲ - صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۹۱)



مسئله ۲۰۸ ◀ و این کراهت در صورتی است که بین نمازگزار و عبور کننده ستره (حائل) نباشد.

مسئله ۲۰۹ ◀ و اگر کسی بر بلندی نماز می خواند و از جلوی وی کسی عبور کند، در این صورت اگر بدن عابر با بدن نمازگزار برابر باشد مکروه است و اگر برابر نباشد مکروه نیست.

مسئله ۲۱۰ ◀ ستره: چوبی (یا شیء) به طول یک ذراع (تقریباً شصت سانتی متر) و کلفتی یک انگشت که در برابر یکی از ابروان نمازگزار، نزدیک به خود راست کرده می شود. و در نماز جماعت ستره ی امام کافی است.

دلیل:

رسول الله ﷺ فرمودند وقتی پیش رویت مانند چوب جهاز شتر (ستره) قرار دهی (در نماز)، عبور کسی برای تو هیچ ضرری نخواهد داشت. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۸۰ - مسند البزار ج ۳ ص ۱۵۴ - مصنف ابن

ابی شیبه ج ۱ ص ۳۱۰ - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۲۹۷)

رسول الله ﷺ در بطحاء (نام مکانی) نماز خواندند در حالی که عصای خود را راست کرده بودند و زنان و خران از جلوی عصا عبور و مرور می کردند. (صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۸۷ - مسند البزار ج ۱۰ ص ۱۵۰ -

مسند امام احمد ج ۵ ص ۳۹۷ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۸۱)

یعنی با جماعت می خواندند و فقط ایشان ستره درست کرده بودند.



مسئله ۲۱۱ ◀ اگر در جایی نماز بخواند که عبور و مرور نباشد، ترک ستره جائز است.

مسئله ۲۱۲ ◀ اگر کسی خواست که بین ستره و نماز گزارده عبور کند، پس وی را با تسبیح گفتن و یا با اشاره دفع کند و همین طور اگر بدون ستره نماز بخواند نیز آن کس را با همین اعمال دفع کند. طوری اشاره یا تسبیح گوید تا که عابر متوجه شود و عبور نکند. دلیل:

رسول الله ﷺ: عبور چیزی نماز را فاسد نمی کند و تا می توانید عبور را دفع کنید، زیرا آن شیطان است. (بلوغ المرام ج ۱ ص ۴۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱ ص ۳۱۳ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۴۰۵)

فصل ۹: نماز وتر

مسئله ۲۱۳ ◀ (۱) وتر سه رکعت است که با یک سلام واجب است (سلام دادن به راست و چپ یک سلام است). دلیل:

رسول الله ﷺ: وتر حق است، هر کس وتر نخواند از ما نیست. (سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۹ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۴۴۷ - مسند امام احمد ج ۶ ص ۴۹۰)



رسول الله ﷺ وتر را سه رکعت می خواندند و فقط در آخر آن سه رکعت سلام می دادند. (المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۴۴۶ - سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۱۲۲ - سنن النسائی الکبری ج ۶ ص ۱۸۴ - مسند امام احمد ج ۱ ص ۵۰۱)

مسئله ۲۱۴ ◀ (۲) وقت نماز وتر بین نماز عشاء و فجر صادق است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: همانا الله جلّ و علاه شما را با نمازی که آن از شتران قرمز (بهترین شتران) بهتر است یاری داد. ما (صحابه رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ) گفتیم که آن چه نماز است؟ فرمودند که آن وتر است؛ آن را بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر صادق بخوانید. (بلوغ المرام ج ۱ ص ۷۱ - معجم البرانی الکبیر ج ۴ ص ۲۰۱ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۹۷ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۹۲ - المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۴۴۸ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۶۹ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۲۰)

مسئله ۲۱۵ ◀ (۳) در رکعت سوّم قبل از رکوع تکبیر گفته و دست هایش را بالا برده و دعای قنوت خوانده می شود.

دلیل:

رسول الله ﷺ در وتر، در رکعت اوّل سوره ی «اعلی» را می خواندند؛ در دومی سوره ی «کافرون»؛ و در سومی سوره ی توحید را و قبل از رکوع سوم دعای قنوت می خواندند. (سنن الکبری للبيهقي



ج ۴ ص ۱۴۱ - سنن الدار قطنی ج ۲ ص ۲۱ - مصنف ابن ابی شیبہ
ج ۲ ص ۲۰۲)

مسئله ۲۱۶ ◀ (۴) دعای قنوت در وتر در تمام شب های سال خوانده می
شود.

دلیل:

ابن مسعود رضی الله عنه و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله بر خواندن دعای قنوت قبل
از رکوع وتر مواظبت می کردند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۰۲ -
عمده القاری ج ۷ ص ۱۶ - نصب الراية کتاب الصلاة باب صلاة الوتر)
رسول الله صلی الله علیه و آله تا وقت فوتشان قنوت خواندند و ابوبکر رضی الله عنه تا وقت
فوتشان قنوت خواندند و عمر رضی الله عنه تا وقت فوتشان قنوت خواندند.
(مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۳۱ - مسند البزار ج ۱۳ ص ۱۳۰)

مسئله ۲۱۷ ◀ (۵) در غیر از نماز وتر دعای قنوت خوانده نمی شود.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله در نماز صبح بعد از رکوع قنوت می خواندند و در آن
طائفه ی مشرکین عرب را به مدت یک ماه نفرین می کردند و بعد از
آن، آن را ترک کردند. (صحیح ابن حبان ج ۳ باب ذکر قنوت مصطفی
صلی الله علیه و آله - صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۴۷ - مسند ابویعلی ج ۷ ص ۲۵۲ - مصنف
ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۰۹ - مسند السراج ج ۱ ص ۳۲۵)



رسول الله ﷺ در نماز صبح قنوت نمی خواندند مگر اینکه بخواهند بر قومی دعای خیری کنند یا بر علیه قومی دعاء کنند. (صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۱۵۳)

رسول الله ﷺ (در صبح) فقط برای یک ماه قنوت خواندند که این قنوت خواندن نه قبل و نه بعد از آن دیده نشد و در این قنوت بر علیه قومی از مشرکین دعاء می کردند. (الاثر لابى يوسف فى الاضحى و مسند البزار ج ۵ ص ۱۵)

مسئله ۲۱۸ ◀ ۶) در هر رکعت از وتر فاتحه و سوره ای از قرآن خوانده می شود.

دلیل:

قرائت در هر رکعت از وتر با اجماع ثابت است. (البنایه ج ۲ ص ۴۹۱)

مسئله ۲۱۹ ◀ اگر امام جماعت شافعی باشد و در وتر بعد از رکوع قنوت بخواند، پس مقتدی حنفی از وی تبعیت کرده و بعد از رکوع قنوت بخواند.

مسئله ۲۲۰ ◀ و اگر آن امام در نماز صبح قنوت بخواند، از وی تبعیت نکند بلکه سکوت کند.

دلیل:

زیرا قنوت خواندن در نماز صبح منسوخ است؛ پس تبعیت کرده نشود. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۰۰)

مسئله ۲۲۱ ◀ (۷) دعای قنوت همان دعای قنوت معروف بین ترکمن ها می باشد.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْفِدُ، نَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ».

دلیل:

زیرا صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بر خواندن آن متفق هستند. (البحر الرائق ج ۲ ص ۴۰ - البدایه ج ۱ ص ۴۳۶ - حاشیه ردالمختار علی درالمختار ج ۲ ص ۳ - حاشیه الطحطاوی علی المراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۰۵)

نمازهای سنت:

مسئله ۲۲۲ ◀ قبل از خواندن فرض نماز صبح، خواندن دو رکعت نماز سنت است و قبل از فرض ظهر چهار رکعت و بعد از آن دو رکعت و بعد از نماز مغرب دو رکعت و بعد از نماز عشاء دو رکعت سنت است.

دلیل:

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هر کس غیر از فرائض بر دوازده رکعت در طول شبانه روز مداومت کند، الله تعالی برای وی خانه ای در بهشت بنا کند. (مستخرج ابی عوانه باب صلوات السنن التی - مسند ابی یعلی)



ج ۱۳ ص ۶۰ - سنن النسائی الكبرى ج ۱ ص ۴۶۲ - مسند البزار
ج ۸ ص ۱۶۹ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۰۸ - مجمع الزوائد
ج ۲ ص ۴۸۵ - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۳۱۶ - المستدرک علی
الصحيحین ج ۱ ص ۴۵۵) (خواندن نمازها به ترتیبی که ذکر شد می
باشد).

مسئله ۲۲۳ ◀ نمازهای سنت در مسافرت نیز خوانده می شود.

دلیل:

از ابن عمر رضی الله عنہما: همراه رسول الله صلی الله علیه و آله در اقامت و مسافرت نماز
خواندم؛ پس با ایشان در حضر (غیر سفر یعنی در منزل) (فرض) ظهر
را چهار رکعت خواندم و بعدش دو رکعت (سنت) و در سفر همراه
ایشان (فرض) ظهر را دو رکعت خواندم و دو رکعت (سنت) بعد از آن
و (فرض) عصر را دو رکعت و بعد از آن چیزی نخواندند و (فرض)
مغرب را در سفر و حضر همان سه رکعت خواندند و آن وتر روز می
باشد و بعد از آن دو رکعت (سنت) خواندند و (فرض) عشاء را دو
رکعت و بعد از آن دو رکعت (سنت) خواندند. (سنن الترمذی
ج ۳ ص ۱۰۹ - مشکاة المصابیح ج ۱ ص ۳۸۶ - معجم ابن الاعرابی -
المسند الجامع الصلاة (التشهد) - مسند عبد الله بن عمر الطرسوسی -
مسند امام احمد ج ۲ ص ۲۱۷)



مسئله ۲۲۴ ◀ قبل و بعد از خواندن فرض جمعه، خواندن چهار رکعت نماز سنت است.

دلیل:

رسول الله ﷺ چنین عمل می کردند و به آن امر کردند. (معجم الطبرانی الاوسط باب من اسمه احمد - معجم ابن الاعرابی - مجمع الزوائد ج ۲ ص ۴۲۶ - معجم الطبرانی الكبير ج ۱۲ ص ۱۲۹ - جامع المسانید و المراسیل ج ۷ ص ۳۵۰)

نمازهای مستحبی:

مسئله ۲۲۵ ◀ خواندن چهار رکعت نماز قبل از فرض عصر مستحب است و همچنین است خواندن آن (چهار رکعت) قبل از فرض عشاء و بعد از آن.

دلیل:

الله جلّ و علا رحمت کند کسی را که قبل از عصر چهار رکعت بخواند. (صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۲۰۶ - سنن الترمذی ج ۲ ص ۴۳۶ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۴۹)

سنت نگفتن آن به خاطر این است که در حدیث مداومت این چهار رکعت نیامده است. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۰۹)



و چهار رکعت قبل از عشاء نیز ذکر نشده و به خاطر عدم مداومت بر آن می باشد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۱۰)

مسئله ۲۲۶ ◀ خواندن نماز نفل بیش از چهار رکعت با یک سلام، در روز مکروه است.

یعنی خواندن نماز به یک نیت و تکبیر تحریمه بیش از چهار رکعت مکروه است.

و سلام دادن به چپ و راست یک سلام محسوب می شود.
دلیل:

زیرا نصّی (حدیث یا آیه ای) در این باره وارد نشده است. (البنایه ج ۲ ص ۵۱۳)

مسئله ۲۲۷ ◀ و چهار رکعتی خواندن نفل در شب و روز افضل است (یعنی با یک سلام چهار رکعت خواندن نفل از دو رکعت دو رکعت خواندن و یا شش رکعت شش رکعت خواندن بهتر است).

مسئله ۲۲۸ ◀ و در شب، خواندن بیش از هشت رکعت با یک سلام مکروه است.
دلیل:

از حضرت عائشه رضی الله عنها از نماز شب رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال شد و ایشان فرمودند: وقتی نماز عشاء را با جماعت می خواندند به خانه بر می



گشتند و چهار رکعت نماز می خواندند (سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۲۳)

این دلیل بر نماز شب می باشد و دلیل برای نماز روز: از حضرت عائشه رضی الله عنها در باره ی نماز ضحی (نمازی که در وقت چاشتگاه یعنی بر آمدن آفتاب خوانده می شود) پرسیده شد و وی گفتند: بله؛ چهار رکعت می خواندند و اگر نیز دلش می خواست بیشتر می خواندند. (سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۱۵۵ - مسند امام احمد ج ۷ ص ۱۳۷ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۳۹)

مسئله ۲۲۹ ◀ اگر شخصی نماز نفل را شروع کند پس بر وی لازم و واجب است که آن را تمام کند.
دلیل:

ترجمه آیه: ای مؤمنان، از الله جل جلاله و رسولش صلی الله علیه و آله اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نکنید. (سوره ی محمد آیه ۳۳)
در این جا نفل از اعمال صالح می باشد و ما مأمور هستیم که آن را تمام کنیم و اگر نیز آن را نقض کردیم باید آن را قضاء کنیم و ابطال عمل حرام است. (البنایه ج ۲ ص ۵۳۰)

زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله به حضرات عائشه و حفصه رضی الله عنهما امر به قضاء روزه ی نفلی که شروع کرده و بعد افطار کرده بودند نمود. (مصنف ابن ابی



شبيهه ج ۲ ص ۴۴۵ - سنن الكبرى للبيهقي ج ۶ ص ۳۴۴ - موطا مالک
ج ۲ ص ۱۸۹ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۴۵۹ - مسند البزار ج ۱۲ ص ۱۵۰

مسئله ۲۳۰ ◀ و نماز و روزه در معنی عبادت بودن یکسان می باشند.

مسئله ۲۳۱ ◀ اگر شخصی به گمان اینکه نماز فرضش را نخوانده و با این
گمان نماز را شروع کند و بعد به خاطر بیاورد که آن فرض را اداء
کرده است، در این صورت بر وی لازم نیست که آن را تمام کند و اگر
نیز تمام کند برای وی نماز نفل حساب کرده می شود.

مسئله ۲۳۲ ◀ اگر شخصی نماز نفلی را شروع کند و نیت وی هر چند
رکعت که باشد، اگر نمازش را نقض کند (چه در شفع اول و چه در
شفع دوم) بر وی قضاء دو رکعت واجب می شود.
دلیل:

زیرا هر شفع (دو رکعت) نفل نمازی جدا از شفع دیگر می باشد؛ گرچه
با یک نیت اداء شود. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۲۹ - البحر الرائق
ج ۲ ص ۴۰ - مراقی الفلاح ج ۱ ص ۱۱۱ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۲۸)

مسئله ۲۳۳ ◀ اگر شخصی نماز نفل چهار رکعتی را شروع کند و در دو
رکعت اول قرائت را ترک کند پس نیت وی باطل است؛ یعنی نمی
تواند شفع دوم (دو رکعت دوم) را شروع کند.

پس همان دو رکعت را باید قضاء بکند. این نزد امام اعظم رحمه الله می
باشد.

دلیل:

زیرا هر شفع نفل نمازی جداگانه است و ترک قرائت در یک رکعت حکمی است که در آن مجتهدین اختلاف دارند ولی در فساد نمازی که در دو رکعت آن قرائت ترک شده باشد خلافی نیست. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۳۴)

مسئله ۲۳۴ ◀ و نزد امام محمد رحمه الله ترک قرائت در یک رکعت نیت را باطل می کند؛ یعنی نمی تواند شفع دوم را شروع کند.
دلیل:

زیرا شفع اول با ترک قرائت در یک رکعت بالاجماع باطل شد و تحریمه (نیت) با فساد افعال باقی نمی ماند. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۳۲ و ۵۳۳)

مسئله ۲۳۵ ◀ و نزد امام ابویوسف رحمه الله تحریمه (نیت) باطل نمی شود بلکه اداء آن باطل می شود.
دلیل:

زیرا قرائت رکن زائد نماز می باشد ولی از آنجا که اداء بدون قرائت صحیح نیست گفتیم که اداء فاسد است و نیت باقی؛ پس شروع شفع دوم صحیح است. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۳۳)



مسئله ۲۳۶ ◀ نتیجه ی اقوال ائمه این می شود که در مسائلی چند، تعداد رکعاتی که باید قضاء شود، بنا بر قول هر یک از امامان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ متفاوت خواهد بود.

صورت مسئله به این طریق خواهد بود:

شخصی نیت می کند که چهار رکعت نماز نفل اداء کند:

اگر آن شخص در شفع اول قرائت یک رکعت را ترک کند و در شفع دوم قرائت هر دو رکعت را ترک کند و یا قرائت یکی از آن ها را، پس نزد امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ آن شخص باید چهار رکعت قضاء کند ولی نزد امام محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دو رکعت را باید قضا کند.

و اگر در شفع اول قرائت هر دو رکعت را ترک کند، پس وی حق شروع شفع دوم را ندارد؛ پس نزد امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و امام محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ باید دو رکعت قضاء کند و نزد امام ابویوسف رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هر شفعی که در آن ترک قرائت باشد آن شفع باید قضاء شود. پس اگر در هر دو شفع ترک قرائت یافت شود پس چهار رکعت قضاء کند و اگر در یک شفع ترک قرائت یافت شود پس همان شفع را قضاء کند.

مسئله ۲۳۷ ◀ اگر شخصی نماز نفل را با نیت چهار رکعت شروع کند و بعد از رکعت دوم (برای التّحیات) ننشیند یا اینکه دو رکعت خوانده و نمازش را تمام کند، در این صورت قضاء بر وی واجب نیست.

دلیل:



گرچه هر شفع نفل نمازی جداگانه محسوب می شود ولی در اینجا نفل را مانند فرض در نظر گرفته شده است. (شرح الوقایه عبیدالله بن مسعود ج ۱ ص ۲۰۶)

مسئله ۲۳۸ ◀ نفل را می توان در حال سواره بر وسیله ی نقلیه با ایماء خواند و به هر جهتی که می تواند رو کند آن قبله حساب خواهد شد. ایماء: رکوع و سجود را با سر انجام دادن؛ یعنی به عنوان رکوع سر را تا نیمه خم می کنیم و برای سجده از آن بیشتر خم می کنیم. دلیل:

از حضرت ابن عمر رضی الله عنهما: رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که رو به خیبر و در حالی که سوار بر الاغ است نماز می خواندند. (در مدینه خیبر خلاف جهت قبله می باشد). (مسند امام احمد ج ۲ ص ۱۹۲ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱۲ ص ۳۳۵ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۳۷۷ - مستخرج ابی عوانه بیان إباحة الوتر فی السفر علی الراحلة حیث ما توجهت به - مسند الطیالسی ج ۲ ص ۴۱۰ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۷۴ - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۳۳۲)

مسئله ۲۳۹ ◀ این عمل (خواندن نماز در حال سواره) در خارج از آبادی صحیح است.

مسئله ۲۴۰ ◀ نفل را می توان نشسته خواند هر چند بر ایستاده خواندن قادر باشد.



دلیل:

رسول الله ﷺ: خواندن نماز به صورت نشسته ثوابش نصف نماز کسی است که ایستاده می خواند. (سنن النسائی الکبری ج ۱ ص ۴۳۰ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱۲ ص ۲۸۲ - الآثار لابی یوسف باب افتتاح الصلاه - مسند امام احمد ج ۴ ص ۴۴۰ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۸۸ - صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۲۳۵)

مسئله ۲۴۱ ◀ و نفل را ایستاده شروع کرده و نشسته ادامه دادن مکروه است.

مسئله ۲۴۲ ◀ اگر در حالی که سوار بر وسیله ای است نماز را شروع کند و در حالت نماز از آن وسیله پائین آید، پس وی می تواند به نمازش ادامه دهد ولی اگر عکس این عمل باشد حقّ ادامه ی نماز را ندارد. (در پائین شروع کند و بخواهد باقی نماز را سواره بخواند).

دلیل:

زیرا احرام (نیّت) سواره بر این بود که اگر رکوع و سجود انجام دهد جائز است؛ پس با فرود آمدن رکوع و سجود را انجام داد ولی در حالت دوم وی انجام رکوع و سجود را بر خود لازم کرد که با سوار شدن از آن عاجز گشت؛ پس نمی تواند ادامه دهد. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۴۸)

نماز تراویح:

مسئله ۲۴۳ ◀ خواندن نماز تراویح در ماه رمضان قبل از وتر و یا بعد از وتر سنت است.

دلیل:

رسول الله ﷺ شبی در مسجد نماز خواندند و مردم نیز مانند نماز ایشان (نماز) خواندند و شب بعد نیز خواندند و مردم زیاد شدند و در شب سوّم و چهارم نیز مردم جمع شدند تا با رسول الله ﷺ نماز بخوانند ولی رسول الله ﷺ نیامدند و صبح که شد رسول الله ﷺ فرمودند: دلیل اینکه من نیامدم این بود که ترسیدم که این نماز بر شما فرض شود و چیز دیگری مرا از خروج برای نماز منع نکرد و آن شب ها که گفته شد در ماه رمضان بود. (سنن النسائی الصغری ج ۳ ص ۲۲۳ - مستخرج ابی عوانه، بَابُ التَّرْغِيبِ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَثَوَابِهِ. - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۳۳۹ - موطا مالک ج ۱ ص ۹۰ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۴۷ - صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۷۹ - مسند امام احمد ج ۷ ص ۲۵۴ - سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۵۴ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۳۵)

رسول الله ﷺ: همانا الله جلّ و علاّ روزه ی رمضان را بر شما فرض گردانید و من برپاداشتن شب رمضان را سنت می گردانم؛ پس هر کس روزه اش را بگیرد و شب را از روی ایمان و اعتقاد با عبادت بر پا دارد پس

ابی بن کعب رضی اللہ عنہ (نماز تراویح را) امامت می کردند و بیست رکعت می خواندند و سه رکعت وتر می خواندند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۸۵)



از ابن عباس رضي الله عنه: رسول الله صلی الله علیه و آله بیست رکعت به اضافه ی وتر می خواندند. (مجمع الزوائد ج ۳ ص ۴۰۲ - معجم الطبرانی ج ۱۱ ص ۳۹۳ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۸۶)

و نباید به خاطر کاهلی و تنبلی قوم ختم کردن قرآن را ترک کرد.
مسئله ۲۴۶ ◀ و نماز وتر در غیر از ماه رمضان به جماعت خوانده نمی شود.
 دلیل:

ترک جماعت نماز وتر در غیر رمضان به اجماع مسلمین می باشد.
 (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۵۵۸)

نماز آیات:

مسئله ۲۴۷ ◀ (۱) در هنگام خورشید گرفتگی امام جمعه با مردم دو رکعت نماز نفل به جماعت می خواند و قرائت را به خفیه انجام می دهد و قرائت را طولانی بخواند و در هر دو رکعت بعد از نماز دعاء کند تا اینکه خورشید آشکار شود.
 دلیل:

از ابی بکره رضي الله عنه: ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که خورشید گرفته شد؛ پس رسول الله صلی الله علیه و آله بلند شدند و با مردم دو رکعت نماز خواندند (مانند آنچه می خوانید) تا اینکه خورشید آشکار شد و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خورشید و ماه به خاطر مرگ یا زندگی کسی گرفته نمی شوند؛ پس



اگر آن ها گرفته شدند نماز بخوانید و دعاء کنید تا آن ها آشکار شوند.
(صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۵۲ - سنن النسائی الصغری ج ۳ ص ۱۶۸ -

مسند البزار ج ۹ ص ۱۱۴ - صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۳۱۰)

مسئله ۲۴۸ ◀ اگر امام جمعه حاضر نبود پس مردم فردای نماز بخوانند و همچنین در ماه گرفتگی.

مسئله ۲۴۹ ◀ (۲) استسقاء (طلب باران کردن): فقط دعاء است و استغفار یعنی برای طلب باران باید دعاء و استغفار گفته شود.

مسئله ۲۵۰ ◀ و اگر فردای نماز بخوانند جائز است و برای استسقاء نباید لباس را معکوس پوشیده شود و نباید غیر مسلمان بین آن ها باشد.
دلیل:

ترجمه آیه: پس گفتم طلب آمرزش کنید از پروردگار خود هر آئینه اوست آمرزنده تا بفرستد بر شما باران را ریزنده. (سوره ی نوح آیات ۱۰ و ۱۱)

زیرا استسقاء برای انزال رحمت است و بر کفار لعنت نازل می شود.
(شرح الوقایه عبیدالله بن مسعود ج ۲ ص ۲۰۸ حاشیه ش ۱۸ - العنایه شرح الهدایه باب الاستسقاء)



فصل ۱۱- ادراک فرض به جماعت

مسئله ۲۵۱ ◀ (۱) شخصی نماز فرض دو رکعتی یا سه رکعتی را فردی (تنها) شروع کرده باشد و قومی بیایند و همان نماز را به جماعت شروع کنند اگر آن شخص هنوز به سجده ی رکعت اول نرفته باشد پس نماز خود را همان جا قطع کرده به جماعت ملحق شود و نماز خود را با ایشان به جماعت اداء کند.

مسئله ۲۵۲ ◀ اگر آن شخص در نماز چهار رکعتی باشد نمازش را دو رکعت کرده سلام دهد و به جماعت اقتداء کند؛ یعنی فرض خود را با جماعت بخواند و آن دو رکعت که خوانده بود برایش نفل خواهد بود.

مسئله ۲۵۳ ◀ اگر آن شخص سه رکعت از چهار رکعت را خوانده باشد نمازش را تمام کند و بعد به جماعت اقتداء کند و این نماز وی با جماعت نفل خواهد بود ولی اگر نماز عصر باشد اقتداء نکند.

دلیل:

زیرا در قطع نماز خود و اقتداء کردن احراز فضیلت جماعت می باشد (فضیلت نماز جماعت بیشتر از فردی می باشد). (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۶۳)

و در چهار رکعتی، برای نگه داشتن عمل خود از بطلان دو رکعت خوانده بعد اقتداء می کند. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۶۲)



مسئله ۲۵۴ ◀ (۲) اگر شخصی در مسجدی باشد و در آن مسجد اذان گفته شود پس بر وی مکروه است که قبل از خواندن نماز مسجد را ترک کند مگر این که آن شخص اقامه کننده ی مسجدی دیگر باشد.

دلیل:

رسول الله ﷺ: هر کس در مسجدی باشد و اذان گفته شود، پس اگر وی بدون اینکه حاجتی داشته باشد از آن مسجد خارج شود، در حالی که وی قصد برگشتن نداشته باشد، پس وی منافق است. (مصباح الزجاجة ج ۱ ص ۱۵۶ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۲۴۲)

مسئله ۲۵۵ ◀ (۳) کسی که نماز ظهر و عشاء را بخواند و در این موقع اذان گفته شود، وی می تواند از مسجد خارج شود بدون آنکه این کار وی کراهیت داشته باشد؛ ولی اگر همین شخص بعد از اذان و در هنگامی که اقامه گفته می شود از مسجد خارج شود، بر وی مکروه است که بدون نماز خواندن با جماعت آنجا را ترک کند.

دلیل:

زیرا وی یک بار به دعوت کننده حقّ (با خواندن فرض خود) جواب داده است ولی اگر بخواهد که بعد از اقامه بیرون رود پس وی متّهم به مخالفت با جماعت خواهد شد؛ پس برای دفع این اتّهام با جماعت نماز بخواند. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۶۸) و این نماز دوم با جماعت، نفل است.



مسئله ۲۵۶ ◀ اگر این مسئله در نمازهای دیگر رخ دهد در هر صورت از مسجد خارج شود.

مسئله ۲۵۷ ◀ اگر کسی به سنت مشغول شود و سنت خواندن او باعث شود که وی به جماعت نماز صبح نرسد، سنت نماز صبح را ترک کند (نخواند) ولی اگر بداند که به یک رکعت جماعت خواهد رسید پس سنت را بخواند.

دلیل:

ابن مسعود رضی الله عنه به نماز صبح آمدند و امام نماز را (فرض) شروع کرده بود؛ پس وی اول سنت را خواندند و بعد اقتداء کردند. (مجمع الزوائد ج ۲ ص ۲۲۴ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۹ ص ۲۷۷)

همچنین از سعید بن جبیر رضی الله عنه چنین روایت شده است. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۵۳)

مسئله ۲۵۸ ◀ سنت نماز صبح قضاء کرده نمی شود مگر اینکه با فرضش فوت شده باشد؛ پس اگر با فرضش فوت شود، قضا کرده شود.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله در لیلۃ التعریس وقتی نماز صبحشان فوت شد قبل از ظهر قضای سنت صبح را نیز خواندند. (المبسوط للسرخی ج ۱ ص ۱۵۱)



مسئله ۲۵۹ ◀ اگر نماز جماعت ظهر شروع شده باشد پس مشغول سنت نمی شود و اقتداء می کند.

دلیل:

زیرا سنت ظهر را می توان در وقتش بعد از فرض اداء کرد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۵۷۰)

مسئله ۲۶۰ ◀ و چهار رکعت سنت را باید قبل از دو رکعت آن خوانده شود.
مسئله ۲۶۱ ◀ غیر این دو سنت (سنت صبح و ظهر) قضاء کرده نمی شود.
 (سنت مغرب و عشاء را اگر در وقتش نخواند و به چیز دیگری مشغول شود و بعد بخواهد که آن را بخواند از سنت آن نماز محسوب نمی شود).

مسئله ۲۶۲ ◀ رسول الله ﷺ سنن و نوافل خودشان را در سفر و خانه ترک نمی کردند.

دلیل:

از براء بن عازب رضی الله عنه (صحابی): در هیجده (۱۸) سفر با رسول الله ﷺ همسفر شدم و ندیدم که رسول الله ﷺ، دو رکعت (نفل) بعد از زوال قبل از نماز ظهر را ترک کرده باشد. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۱۰۶ - مشکاه المصابیح ج ۱ ص ۳۸۷ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۸۹)

از ابن عمر رضی الله عنه: با رسول الله ﷺ در حضر (دیار خودمان) و سفر نماز خواندم و (نماز خواندن ایشان اینگونه بود): در حضر ظهر (فرضش را)



چهار رکعت و دو رکعت بعد از آن و در سفر فرضش را دو رکعت و بعد از آن دو رکعتش (سنتش) را و عصر را دو رکعت در سفر و بعد از آن چیزی (از نماز) نخواندند. و مغرب را در حضر و سفر سه رکعت خواندند و بعد از آن دو رکعت (سنتش را). (صحيح ابن خزيمة ج ۲ ص ۲۴۴ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۱۰۹ - مشکاه المصابيح ج ۱ ص ۳۸۶ - مسند امام احمد ج ۲ ص ۲۱۷)

فصل ۱۲ - رعایت ترتیب بین قضای فرائض، فرض می

باشد.

مسئله ۲۶۳ ◀ قضاء کردن نمازها (فرض و وتر) به ترتیب فوت شده فرض می باشد؛ **مگر اینکه** از فوت شدن آن نماز شش نماز دیگر گذشته و هنوز قضای آن را نگرفته باشد.

یعنی اگر کسی مثلاً ظهر و عصرش فوت شود، وقتی بخواهد قضای آن ها را بگیرد باید اول ظهر و بعد عصر را قضاء کند و بعد نماز وقت را بخواند مگر اینکه از فوت شدن آن نماز شش نماز دیگر گذشته و هنوز قضای آن را نگرفته باشد که در این صورت ترتیب در قضاء ساقط می شود و وی می تواند هر کدام را که خواست اول قضاء کند و همین طور اگر وقت برای ادای نماز تنگ باشد طوری که اگر مشغول خواندن نماز قضاء شود نماز آن وقت نیز فوت خواهد شد،



فرض ترتیب ساقط می شود؛ پس وی اول نماز وقت را بخواند و بعد مشغول قضاء شود.

مسئله ۲۶۴ ◀ همچنین اگر یادش برود که نمازش فوت شده و نماز وقت را بخواند و بعداً یادش بیاید، فرض ترتیب ساقط می شود که در این صورت نیز ادای وی درست است و می تواند قضایش را شروع کند. دلیل:

رسول الله ﷺ: هر کس نمازی را فراموش کند و بعد نماز دیگری را با امام شروع کند و در این وقت یادش بیاید که نماز قبل را نخوانده است، پس وی نماز را با امام تمام کند؛ وقتی تمام کرد برود و قضای نماز قبلی را بگیرد و بعد نمازی را که با امام خوانده است را دوباره بخواند. (سنن الکبری للبيهقي ج ۳ ص ۷۲ - جامع المسانيد و المراسيل ج ۷ ص ۳۹۶ - مسند ابی یعلی الموصلي باب اسماعيل - مجمع الزوائد ج ۲ ص ۷۸)

در تنگی وقت برای نماز همان وقت، این نماز اولویت دارد؛ زیرا فرضیت نماز وقت از فرض ترتیب مؤکدتر است. (البنایه ج ۲ ص ۵۸۷) و رسول الله ﷺ را مشرکین از خواندن چهار نماز مشغول داشتند؛ بعد رسول الله ﷺ آن ها را به ترتیب فوت قضاء نمودند. (مسند امام احمد ج ۱ ص ۶۱۹ - سنن الکبری للبيهقي ج ۲ ص ۱۵۹ - سنن النسائي

الصغرى ج ۲ ص ۳۴۶ - مصنف ابن ابى شيبه ج ۸ ص ۵۰۲ - مسند ابى يعلى ج ۹ ص ۲۳۸)

فصل ۱۳ - سجده ی سهو

مسئله ۲۶۵ ◀ (۱) سجده ی سهو: دوباره سجده کردن بعد از التّحيات و سلام دادن است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: برای هر سهوی بعد از سلام دادن دو سجده است.
(سنن الكبرى للبيهقي ج ۳ ص ۲۸۹ - مسند امام احمد ج ۶ ص ۳۷۸ -
مسند الطيالسي ج ۱ ص ۵۶۱ - معجم الطبراني الكبير ج ۲ ص ۱۹۲ -
سنن ابى داود ج ۳ ص ۳۵۷ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۸۵)

مسئله ۲۶۶ ◀ اگر به غیر عمد واجبی از واجبات نماز را ترک کند و یا تغییر دهد، سجده ی سهو واجب است.

(۲) مواضع وجوب سجده ی سهو:

مسئله ۲۶۷ ◀ ۱- فرضی را بر فرض دیگر تقدیم کند؛ مثلاً قبل از اینکه قرائت بخواند به رکوع رود.

مسئله ۲۶۸ ◀ ۲- فرضی را تأخیر کند؛ مثلاً با اضافه کردن (صلوات و یا دعاء) بر تشهد قعده ی اول رکعت سوم را به تأخیر بیاورد.



مسئله ۲۶۹ ◀ ۳- تکرار فرض؛ مثلاً دو رکوع در یک رکعت یا دو بار حمد بخواند.

مسئله ۲۷۰ ◀ ۴- واجبی را تغییر دهد؛ مثلاً امام در جایی که باید قرائت را به جهر بخواند خفیه بخواند و یا عکس آن.

مسئله ۲۷۱ ◀ ۵- واجبی را به غیر عمد ترک کند؛ مثلاً قعده ی اوّل را ننشیند و یا حمد نخواند و یا بعد از حمد سوره یا آیه ای نخواند. اینک گفته شد: «اگر به غیر عمد باشد سجده ی سهو واجب می شود» به خاطر این است که اگر عمداً واجبی را ترک کند با سجده ی سهو نقصان نماز وی جبران نمی شود. (المبسوط ج ۱ ص ۱۰ - بدائع الصنائع ج ۱ ص ۱۵۷)

مسئله ۲۷۲ ◀ ۳) اگر بر مقتدی سهوی پیش آید پس بر وی سجده ی سهو واجب نمی شود بلکه با سهو امام بر وی سجده واجب می شود که با امامش سجده کند.

سهو: ترک واجبی از واجبات نماز که به غیر عمد باشد.
دلیل:

رسول الله ﷺ: بر کسی که بر امام اقتداء کرده سهو نیست ولی اگر امامش سهو کرد و به سجده رفت پس مقتدی نیز با امام سجده کند. (سنن الدارقطنی ج ۱ ص ۳۶۵)

مسئله ۲۷۳ ◀ ۴) مسبوق: کسی که به یک یا چند رکعت امام نرسیده است.



مسبق نیز با امام به سجده برود؛ یعنی اگر امام سجده ی سهو را انجام دهد مسبوق نیز باید با وی به سجده برود.
دلیل:

زیرا تحریمه (نیّت) باقی است و بالتبع تابع بودن به امام نیز باقی است؛ پس در سجده نیز از امام تبعیت کند. (بدائع الصنائع ج ۱ ص ۲۵۹)
مسئله ۲۷۴ ◀ (۵) اگر شخصی نشستن در قعده ی اوّل را فراموش کند و بخواهد بلند شود، اگر در حالی یادش بیاید که به نشستن نزدیک است بنشیند و سجده ی سهو بر وی نیست ولی اگر موقعی یادش بیاید که به ایستادن نزدیک باشد پس بایستد و به نمازش ادامه دهد و در آخر سجده ی سهو کند.

دلیل:

زیرا نزدیک به شیء حکم خود شیء را دارد. (الجواهره النیره کتاب الصلاه باب سجودالسهو - العنایه شرح الهدایه کتاب الصلاه باب سجودالسهو - الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۱۸)
یعنی اگر به نشستن نزدیک باشد در حکم نشسته خواهد بود و اگر به قیام نزدیک باشد حکم قیام خواهد داشت.

و وجوب سجده ی سهو در اینجا به این خاطر است که قعده ی اوّلی واجب است و آن را ترک کرده است. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۱۸)



مسئله ٢٧٥ ◀ ٦) اگر بعد از قعده ی آخر (آخرین قعده) سهواً و اشتبهاً بلند شود، مادامی که به سجده ی رکعتی که اشتباهی شروع کرده نرفته باشد باید برگردد و بنشیند و سجده ی سهو کند.

دلیل:

رسول الله ﷺ در نماز عصر یا ظهر بعد از رکعت دوم ننشستند و بلند شدند و صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ تسبیح گفتند (به علامت اینکه قعده را ترک کردی) رسول الله ﷺ به نمازش ادامه دادند و در آخر سجده ی سهو نمودند. (مجمع الزوائد ج ٢ ص ٣٥٢ - مسند الشامیین ج ١ ص ٦٨ - سنن النسائی ج ١ ص ٢٥٤ - مسند امام احمد ج ٥ ص ٣٠٢ - المستدرک علی الصحيحین ج ١ ص ٤٦٨)

زیرا در این کار اصلاح نماز خود می باشد و وی بر آن قادر است؛ زیرا کمتر از رکعت را می توان ترک کرد. (الهدایه و البنایه ج ٢ ص ٦١)

مسئله ٢٧٦ ◀ اگر به سجده ی رکعتی که اشتباهی شروع کرده رفته باشد و بعد یادش بیاید که قعده ی اخیر را ترک کرده نماز وی از فرض به نفل تبدیل می شود و باید فرضش را اعاده کند. و اگر خواست می تواند به آن رکعتی دیگر اضافه کند تا شش رکعت نفل خوانده باشد.

دلیل:

زیرا یک رکعت، نماز حساب می شود؛ پس قعده ی اخیر وی که فرض است ترک شد و امکان جبران آن در نماز فرض نیست؛ زیرا

وی بعد از سجده ی رکعت پنجم در نماز نفل داخل شده است.
(ملخص از الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۲۰)

مسئله ۲۷۷ ◀ (۷) اگر در قعده ی اخیر بنشیند و سهواً بلند شود، در این صورت نیز مادامی که به سجده نرفته باشد برگردد و سلام دهد و اگر نیز به سجده رفته باشد فرض وی تمام است و یک رکعت دیگر اضافه کند و در آخر به خاطر تأخیر واجب نماز (سلام)، سجده ی سهو کند.

مسئله ۲۷۸ ◀ آن دو رکعت که بر فرضش اضافه خوانده است، برای وی نفل خواهد بود. این دو رکعت را که اشتباهاً [؟] خوانده است جای دو رکعت سنت ظهر را نمی گیرد و سنت را باید بخواند.
دلیل:

اینکه رکعتی دیگر اضافه کند برای این است که نفل وی دو رکعت شود؛ زیرا رسول الله ﷺ از نماز یک رکعتی نهی کرده است. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۲۳)

و به این خاطر از سنت ظهر واقع نمی شود که مداومت بر آن دو رکعت (سنت ظهر) با نیت مستقل بوده است. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۲۳)



مسئله ۲۷۹ ◀ اگر این عمل را امام انجام دهد و کسی بیاید و در این دو رکعت (نفل) به وی اقتداء کند، پس آن مقتدی باید آن (نفل) را بخواند و اگر باطل کند باید آن را قضاء کند.

دلیل:

زیرا عدم وجوب بر امام به خاطر دلیلی بود که مختصّ امام می باشد و آن دلیل در حقّ مقتدی یافت نشد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۲۵)

مسئله ۲۸۰ ◀ اگر کسی که سجده ی سهو بر او واجب شده بود سلام دهد و در این حین اگر بعد از سلام به سجده رود پس وی داخل نماز است و اگر به سجده نرود از نماز خارج شده است.

فرق این دو حالت در این می باشد که اگر مسافری بعد از سلام نیّت اقامت بکند، پس اگر به سجده رود فرض دو رکعتی وی به چهار رکعتی تبدیل می شود و اگر بعد از سلام به سجده سهو نرود از نماز خارج شده و نماز وی تمام شده است و آن نماز را موقعی اداء کرده است که مسافر بوده است؛ پس با همان دو رکعت تمام می شود.

مسئله ۲۸۱ ◀ همین طور اگر کسی بعد از سلام به وی اقتداء کند، اگر به سجده رود پس اقتداء وی صحیح است؛ زیرا در داخل نماز بوده که اقتداء کرده است ولی اگر به سجده نرود معلوم می شود خارج نماز به وی اقتداء کرده و این صحیح نیست.

دلیل:

زیرا سلام محلّل (خارج کننده از نماز) می باشد و بر وی سجده ی سهو می باشد؛ پس اگر به سجده رود معلوم می شود که نمازش تمام نشده و اگر سجده نکند معلوم می شود که نمازش را تمام کرده است. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۶۲۶و ۷)

مسئله ۲۸۲ ◀ ۸) اگر کسی برای اولین بار در نمازش شک کند که چند رکعت خوانده است، از اوّل بخواند. و اگر این شک زیاد شد پس گمانی که غالب است را بگیرد و اگر گمان غالب نداشت بین دو شک که یکی کمتر و دوّمی بیشتر است کمتری را بگیرد و هر جا که گمان آخر نمازش باشد بنشیند.

مثلاً شخصی شروع به خواندن نماز فرض چهار رکعتی کند و در این حین وی شک کند که چند رکعت خوانده است پس اگر این شخص برای اوّلین بار شک می کند باید نماز را از اول شروع کند و اگر زیاد شک می کند فکر کند و ببیند که شکّش به کدام طرف بیشتر است؛ مثلاً شکّ بین اینکه دو رکعت خوانده است یا سه رکعت ببیند کدام طرف را ترجیح می دهد، پس همان را بگیرد و اگر هر دو طرف مساوی باشند و اصلاً نتواند انتخاب کند پس وی حساب را بر این بگذارد که دو رکعت خوانده است؛ پس در اینجا وی باید دو رکعت دیگر بخواند. و در دو جا (برای تشهّد) بنشیند؛ یعنی در جایی که گمان سه رکعت بودن بود پس بعد از یک رکعت بنشیند و در جایی که



گمان دو رکعتی بود بنشیند؛ زیرا قعه ی اخیر فرض است و دو احتمال نیز با هم مساوی هستند.

دلیل:

از رسول الله ﷺ در باره ی کسی که نداند چند رکعت نماز خوانده است سؤال شد؛ ایشان فرمودند که نمازش را از اول شروع کند

(مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۵۴)

از رسول الله ﷺ در باره ی کسی که در نمازش نداند که چند رکعت خوانده است فتوی خواستند؛ ایشان فرمودند: از نماز خارج شود و بعد نماز را شروع کند؛ زیرا آن وسوسه ای است که بر وی عارض می شود تا نمازش را اشتباه بخواند. (مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۵۲)

فصل ۱۴ - سجده ی تلاوت

مسئله ۲۸۳ ◀ (۱) طریقه ی ادای سجده ی تلاوت: نیت سجده ی تلاوت کرده تکبیر گفته می شود و به سجده رفته «سبحان ربی الاعلی» گفته بعد تکبیر گفته می شود.

دلیل:

رسول الله ﷺ: وقتی ابن آدم آیه ی سجده بخواند و به سجده رود شیطان از وی روی برمی گرداند در حالی که گریه می کند و می گوید: وای بر من، ابن آدم را امر شد که سجده کند و وی سجده کرد

و به من امر شد و من سجده نکردم؛ پس بر وی جنت است و بر من جهنم. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۵۹ - سنن الکبری للبیہقی ج ۳ ص ۲۴۶ - مستخرج ابی عوانه بَابُ الدَّلِيلِ عَلَى إِيجَابِ السُّجُودِ عَلَى مَنْ قَرَأَ السَّجْدَةَ وَإِثْبَاتِ السَّجَدَاتِ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۳۴)

از ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ما قرآن می خواندند و وقتی به آیه ی سجده می رسیدند تکبیر می گفتند و به سجده می رفتند و ما نیز سجده می کردیم. (سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۸۷ - سنن الکبری للبیہقی ج ۳ ص ۲۶۸)

مسئله ۲۸۴ ◀ ۲ و آیه ی سجده در چهارده جای قرآن آمده است که هر کس یکی از آن ها را بخواند و یا که بشنود بر وی سجده ی تلاوت واجب می شود.

(۱) در اعراف: *إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ (۲۰۶).

هر آئینه کسانی که نزدیک پروردگار تو هستند، از عبادت او (الله جَلَّالَهُ) گردن کشی نمی کنند و او (الله جَلَّالَهُ) را به پاکی یاد می کنند و به تخصیص او (الله جَلَّالَهُ) را سجده می کنند.*

(۲) در رعد: *وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۱۵).

و هر آن که در آسمان ها و زمین است، به اختیار یا به اکراه، الله جَلَّالَهُ را سجده می کنند و سایه های ایشان به وقت صبح و شام سجده می کنند.*

(۳) نحل: *وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۴۹) يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۵۰).

و الله جَلَّالَهُ را سجده می کنند آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است از قسم جنبنده و فرشتگان نیز سجده می کنند و ایشان سرکشی نمی کنند (۴۹) می ترسند از پروردگار خود که غالب شده است بر بالای ایشان و آنچه را که امر کرده انجام می دهند (۵۰).*

(۴) نحل: *وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعاً (۱۰۹).

و گریه کنان بر روی خویش می افتند و قرآن در ایشان فروتنی را می افزاید.*

(۵) مریم: *أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيّاً (۵۸).

این جماعت آناند که انعام کرد الله جَلَّالَهُ بر ایشان از زمره پیغمبران از فرزندان آدم و از نسل آنان که با نوح برداشتیم و از ذریّت ابراهیم و یعقوب و از جمله آنان که ایشان را راه راست نمودیم و برگزیدیم،

چون آیات الله جلّ و علا بر ایشان خوانده می شد، سجده کنان و گریان می افتادند.*

(۶) حج: *أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُشَاءُ (۱۸).

آیا ندیدی آنان که در آسمان هاند و آنان که در زمین اند الله جلّ و علا را سجده می کند و آفتاب و ماه و ستاره ها و کوه ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان و بسیاری که بر او عذاب ثابت شده است و هر که را الله جلّ و علا خوار کندش پس او را هیچ گرمی دارنده نیست، هر آئینه الله جلّ و علا آنچه را می خواهد، می کند.*

(۷) فرقان: *وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (۶۰)

و چون به آنان گفته شد که رحمان را سجده کنید، گفتند: رحمان چیست؟ آیا بر هر کس که تو فرمان می دهی سجده کنیم؟ و بر نفرتشان افزوده شد.*

(۸) نمل: *أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)



چرا خدایی را که نهان آسمان ها و زمین را آشکار می کند و هر چه را پنهان می دارید یا آشکار می سازید می داند، سجده نکنند؟*

(۹) الم السجده: *إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

تنها کسانی به آیات ما ایمان آورده اند که چون آیات ما را بشنوند به سجده بیفتند و پروردگارشان را به پاکی بستانند و سرکشی نکنند.*

(۱۰) ص: *قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴) داود گفت: او که میش تو را از تو می خواهد تا به میش های خویش بیفزاید بر تو ستم می کند. و بسیاری از شریکان جز کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند -و اینان نیز اندک هستند- بر یکدیگر ستم می کنند. و داود دانست که او را آزموده ایم. پس از

پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع درافتاد و توبه کرد*

(۱۱) فصلت: *فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ (۳۸)

اگر آنان تکبر می ورزند، آن ها که در نزد پروردگار تو هستند بی آنکه ملول شوند شب و روز تسبیح او می گویند.*



(۱۲) النجم: * فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

پس الله ﷻ را سجده کنید و او را پرستید.*

(۱۳) انشقاق: * فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱).

چه می شودشان که ایمان نمی آورند (۲۰) و چون قرآن بر آن ها خوانده شود سجده نمی کنند؟ (۲۱).*

(۱۴) علق: * كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

هرگز فرمان او را (مشرک را) قبول مکن و نماز برپا دار و قرب خدا طلب نما.*

دلیل:

در مصحف حضرت عثمان رضی الله عنه چنین آمده است. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۶۵۷)

رسول الله ﷺ در مکه بودند و سوره ی النجم را خواندند و وقتی آیه ی سجده را خواندند رسول الله ﷺ و همه ی کسانی که پیش وی بودند به سجده رفتند به غیر از یک پیرمرد که با دستش خاکی از زمین برداشت و بر پیشانی خود کشید و گفت که این کافی است (سجده نکرد) و بعدها آن مرد کافر از دنیا رفت. (صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۶۲ – مسند الطیالسی ج ۱ ص ۱۴۷ – مسند امام احمد ج ۲ ص ۹ – صحیح

مسلم ج ۵ ص ۶۱)



از ابن عمر رضی الله عنهما و عثمان رضی الله عنه: سجده بر کسی که می شنود نیز واجب است. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱ ص ۴۵۷ - الاوسط ابن المنذر
ذِكْرُ سُجُودٍ مَنْ حَضَرَ الْقَارِئَ لِسُجُودِهِ)

اگر امام آیه ی سجده ای بخواند و شخصی آن را شنیده و بعد از شنیدن به امام اقتداء کند، پس آن شخص بعد از نماز سجده کند و همچنین است کسی که در نماز باشد و از کسی که بیرون نماز است بشنود (وی نیز باید بعد از نماز سجده کند).

دلیل:

زیرا سجده، سجده ی صلاتیه نیست (سجده ای که داخل نماز واجب شود نیست) پس مکان آن باید خارج از نماز باشد و این شنیدن نیز از افعال نماز نمی باشد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۶۷)

مسئله ۲۸۵ ◀ (۳) اگر کسی در رکعتی که امام آیه ی سجده خوانده است به امام اقتداء کند و با امام به سجده ی همان رکعت برود، سجده نکند و اگر قبل از سجده ی امام اقتداء کند، با امام سجده کند گرچه آیه ی سجده را نشنیده باشد.

مسئله ۲۸۶ ◀ با تلاوت مقتدی سجده واجب نمی شود.

دلیل:

زیرا مقتدی از قرائت منع کرده شده است و تصرف محجور (کسی که از چیزی منع شده باشد) حکم ندارد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۶۵)

مسئله ۲۸۷ ◀ اگر کسی که خارج از نماز است از مقتدی آیه ی سجده بشنود، بر وی سجده واجب می شود.

مسئله ۲۸۸ ◀ (۴) سجده ای که در نماز واجب شده است باید در نماز انجام شود و اگر در نماز سجده نکرد، نمی توان در بیرون آن را قضاء کرد. دلیل:

زیرا آن سجده ی واجب شده سجده ی نمازی (صلاتیّه) بود و سجده ی واجب شده در نماز را مزیتی است که در غیر آن نیست؛ پس سجده ی بیرون نماز نمی تواند جای آن را بگیرد. (الهدایه و البنايه ج ۲ ص ۶۶۹)

مسئله ۲۸۹ ◀ (۵) رکوع بدون فاصله از آیه ی سجده در نماز جای سجده کردن (سجده تلاوت) را می گیرد. دلیل:

از ابن مسعود رضی الله عنه: هر کس آیه ی سجده (اعراف و نجم و اقرأ) بخواند، اگر خواست رکوع کند و آن (برای سجده) کفایت کند و اگر هم خواست سجده کند. (مجمع الزوائد ج ۲ ص ۵۷۷ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۹ ص ۱۴۷ - سن الکبری للبيهقي ج ۳ ص ۲۶۵)

از ابن عمر رضی الله عنه در باره ی آیه ی سجده ای که در آخر سوره است سؤال شد که آیا سجده باید کرد یا اینکه رکوع کفایت کند؟ وی جواب دادند: اگر بین آیه ی سجده و سجده ی آن فقط با رکوع فاصله بیفتد



آن نزدیک است (با سجده مستقیم فرقی ندارد). (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱ ص ۴۷۳)

مسئله ۲۹۰ ◀ ۶) اگر آیه ی سجده در یک مجلس تکرار شود یک سجده کافی است.

مسئله ۲۹۱ ◀ همچنین اگر در یک نماز تکرار شود.

دلیل:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه به مردم قرآن تعلیم می دادند و آیه ی سجده را تکرار می کردند و در آخر یک سجده می کردند. (البنایه ج ۲ ص ۶۷۳)

مسئله ۲۹۲ ◀ برای شنونده ی آیه ی سجده، برای تعداد سجده های واجب بر وی مکان خود شنونده اعتبار کرده می شود.

مسئله ۲۹۳ ◀ اگر شخصی حین پارچه بافی سجده را تکرار کند پس مجلس وی دائما در حال تغییر است.

در قدیم برای پارچه بافتن دار آن را بیرون خانه به درازی چند متر درست می کردند و در دو طرف چوب می بستند و بین آن ها نخ را گرفته رفت و آمد می کردند پس شخصی که در این حالت آیه ی سجده را می خواند، مجلس وی تغییر کرده و مختلف شده است یعنی سجده های زیادی بر وی بر حسب تکرار واجب خواهد شد.



مسئله ۲۹۴ ◀ و همچنین کسی که آیه ی سجده می خواند بر روی شاخه ای قرائت کند و بعد به شاخه ای دیگر از همان درخت برود، مجلس وی تغییر کرده و وجوب سجده بر وی واجب می شود.

مسئله ۲۹۵ ◀ (۷) هنگام قرائت قرآن ترک آیه ی سجده به تنهایی مکروه است ولی اگر آیه ی سجده را بخواند و بقیه را هنگام قرائت ترک کند، کراهت ندارد.

مسئله ۲۹۶ ◀ مستحبّ است که اگر کسی بخواهد آیه ی سجده را بخواند، همراه آن چند آیه ی دیگر را نیز بخواند.
دلیل:

برای دفع توهم اینکه آیه ی سجده از دیگر آیات قرآن افضل است؛ زیرا همه ی آیات در قرآن بودن مساوی هستند و با هم فرقی ندارند.
(شرح الیاس ج ۱ ص ۲۰۸)

مسئله ۲۹۷ ◀ (۸) به خفیّه خواندن آیه ی سجده مستحبّ است.

فصل ۱۵- نماز مریض

مسئله ۲۹۸ ◀ (۱) اگر شخصی به خاطر علّتی که در نماز یا قبل از آن حادث شده است از قیام عاجز شود، پس وی نماز را نشسته بخواند و در همان حال رکوع و سجود کند.



مسئله ۲۹۹ ◀ و اگر از سجده و رکوع نیز متعذر شود، اگر بر نشستن قادر باشد نشسته و با سر به ایماء بخواند.

مسئله ۳۰۰ ◀ اگر بر رکوع و سجود متعذر باشد ولی بر قیام قادر باشد باز نیز نشسته ایماء کردن بهتر است.
دلیل:

از عمران بن حصین رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مرا عُلّتی بود و از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره ی نماز پرسیدم؛ ایشان فرمودند: با قیام نماز بخوان اگر بر قیام قادر نشدی پس نشسته بخوان و اگر بر آن نیز قادر نشدی پس به پهلو بخوان. (الاوسط ابن المنذر ذِکْرُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ مُضْطَجِعًا عَاجِزًا عَنِ الْقِيَامِ وَعَنِ الْجُلُوسِ - سنن الکبری للبيهقي بَابُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۸۳ - صحيح البخاری ج ۱ ص ۳۷۵ - سنن الترمذی ج ۲ ص ۳۲۳)

مسئله ۳۰۱ ◀ و چیزی را برای سجده بر آن بلند کرده نشود (یعنی در حالت ایماء لازم نیست که چیزی را بالا آورده شود تا پیشانی وی به آن بخورد).
دلیل:

از جابر بن عبدالله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: همراه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مریضی را عیادت کردیم و دیدیم که وی بالشتی را گذاشته بود و بر آن سجده می کرد. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن کار نهی فرمودند و گفتند که اگر توانستی بر زمین

سجده کن و اگر نمی توانی پس ایماء کن و سجده ات را پایین تر و پست تر از رکوعت بگردان. (مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۴۷ - مسند ابی یعلی ج ۳ ص ۳۴۵)

مسئله ۳۰۲ ◀ اگر بر نشستن متعذر باشد (نتواند بنشیند) پس به پهلو خوابیده و در حالی که رو به قبله است ایماء کند.

مسئله ۳۰۳ ◀ یا اینکه بر پشت و رو به قبله (پاهایش به طرف قبله باشد) خوابانده شود و این بهتر است.

دلیل:

رسول الله ﷺ فرمودند: مریض نماز بخواند اگر نتوانست پس بر پشت بخوابد و به ایماء بخواند. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۳۹ - نصب الرايه كتاب الصلاة باب صلاة المريض الحديث ثامن و الثلاثون بعد المائة - الحاوی الكبير فی الفقه الشافعی ج ۲ ص ۲۴۷)

و این عمل از ابن عمر رضی الله عنهما نیز روایت شده است. (الاوسط ابن المنظر یصلی المریض مستلقیا)

مسئله ۳۰۴ ◀ ایماء فقط با سر درست است و اگر نتواند سرش را تکان دهد پس نماز تأخیر کرده می شود (هر گاه قدرت یافت نمازهای گذشته اش را نیز بخواند).

دلیل:



زیرا در احادیث نماز مریض فقط به ایماء با سر آمده است و تعیین جانشین برای افعال نماز با قیاس ممتنع است. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۴۲)

مسئله ۳۰۵ ◀ اگر شخص ایماء کننده در اثناء (داخل) نماز قدرت یافت، نمازش را از اول شروع کند.
دلیل:

از آنجا که اقتداء فرد سالم به کسی که به ایماء نماز می خواند درست نیست همچنین بناء نماز کامل بر ایماء روا نباشد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۴۵)

بناء نماز یعنی اول نماز را با ایماء و ادامه ی آن را ایستاده ادامه دادن.
مسئله ۳۰۶ ◀ ولی کسی که نشسته می خواند و رکوع و سجود دارد، بقیه ی نمازش را (در صورت یافتن قدرت) با قیام ادامه دهد.
دلیل:

زیرا اقتداء شخص سالم به کسی که نشسته می خواند صحیح است، همچنین بناء آن نیز درست می باشد. (الهدایه و البنایه ج ۲ ص ۶۴۵)
مسئله ۳۰۷ ◀ (۲) طریقه ی ادای نماز بر روی کشتی: اگر در کشتی باشد می تواند نشسته بخواند گرچه بدون عذر باشد.
دلیل:

از ابن عباس رضی اللہ عنہ: کسی که در کشتی نماز می خواند و کسی که برای پوشاندن بدن خود لباس ندارد هر دو نشسته بخوانند. (مصنف عبد الرزاق ج ۲ ص ۵۸۳)

مسئله ۳۰۸ ◀ اگر کشتی لنگر انداخته باشد و بسته شده باشد در این صورت اگر در ایستاده خواندن عذر باشد (کشتی تکان بخورد) می تواند نشسته بخواند در غیر این صورت باید ایستاده و با قیام نماز بخواند.

مسئله ۳۰۹ ◀ (۳) اگر شخصی به مدت بیست و چهار ساعت یا کمتر جنون بر وی عارض شد یا اینکه بیهوش شود، نمازهای آن روز را قضاء کند. دلیل:

عمار بن یاسر رضی اللہ عنہ به مدت چهار نماز بیهوش شدند و در شب به هوش آمدند و نمازهایش را قضاء کردند. (مصنف ابن ابی شیبه ج ۲ ص ۱۷۰)

مسئله ۳۱۰ ◀ اگر از بیست و چهار ساعت یک لحظه نیز بگذرد، نمازهایی که در آن حالت گذشته را قضاء نکند. دلیل:

ابن عمر رضی اللہ عنہ به مدت یک شبانه روز بیهوش شدند و نمازهای آن مدت را قضاء نکردند. (سنن الدار قطنی ج ۲ ص ۶۹)



فصل ۱۶ - نماز مسافر

مسئله ۳۱۱ ◀ (۱) مسافر: کسی که به قصد طی فاصله سه شبانه روز (با سیر وسط) خانه های شهر خود را ترک می کند.
دلیل:

همراه با رسول الله ﷺ به جنگ رفتیم و رسول الله ﷺ به ما امر کردند تا مسافر به مدت سه شبانه روز بر خفین مسح کند و مقیم یک شبانه روز. (سنن الکبری للبيهقي ج ۱ ص ۴۸۸ - صحيح ابن حبان ج ۲ ص ۲۴۰ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱ ص ۲۰۶)
پس مسافرت را نمی توان کمتر از سه شبانه روز مقدّر کرد. (اعلاء السنن ج ۵ ص ۲۱۷۴)

روایت است از ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که وی در خیر قصر می کردند و مسافت آن از مدینه به مدت سه شبانه روز است. (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۳۲۸)

از علی بن ربیعۃ الوالبی: از عبدالله ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سؤال کردم که در چه مسافتی قصر می کردید؟ وی جواب دادند: آیا سویداء (نام جائی) را می شناسی؟ گفتم خیر ولی شنیده ام. وی ادامه داد: مسافت آن مدت سه شبانه روز است (از مدینه)، به آنجا که می رسیدیم قصر می کردیم. (الآثار لمحمد بن حسن ج ۱ ص ۲۴۵ شامله جدید)



از سویداء تا مدینه ۴۶ میل است (تقریباً ۹۲ کیلومتر). (مبسوط سرخسی ج ۱ ص ۲۳۵)

حضرت علی رضی الله عنه از بصره به قصد مسافرت خارج شدند و نماز ظهرش را چهار رکعت خواندند و گفتند: اگر از این خانه ی نبین (خانه ی ساخته شده از نی که جزو بیوت بصره محسوب می شود) می گذشتیم، قصر می کردیم. (عمده القاری ج ۷ ص ۱۳۰ - مرقاه المفاتیح ج ۳ ص ۴۲۳ - نصب الرايه کتاب الصلاه باب صلاه المسافر - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۳۳۷)

احکام مسافر

مسئله ۳۱۲ < (۲) انواع وطن:

۱- وطن اصلی: وطنی که شخص همراه با خانواده ی خود در آنجا زندگی می کند. (بدائع الصنائع ج ۱ ص ۱۴۵)

۲- وطن اقامت: مکانی که شخص نیت اقامت می کند که در آنجا چند مدت بماند. (بدائع الصنائع ج ۱ ص ۱۴۵)

مسئله ۳۱۳ < احکام آن: بر این شخص واجب است که نمازهای فرض چهار رکعتی را قصر کند (دو رکعت بخواند).
دلیل:



ابن عمر رضي الله عنه می گفتند: در سفر رسول الله صلی الله علیه و آله و ابوبکر رضي الله عنه و عمر رضي الله عنه را همراهی کردم؛ آن ها هیچ گاه (فرض چهار رکعتی را) از دو رکعت بیشتر نمی خواندند. (صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۷۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز مسافر دو رکعت می باشد؛ هر کس سنت را ترک کند همانا وی کافر شده است. (جامع المسانید و المراسیل ج ۵ ص ۱۰۰ - عمده القاری ج ۷ ص ۱۱۸)

أبی الکنود: از ابن عمر رضي الله عنه از نماز مسافر پرسیدم؛ وی گفتند: دو رکعت است و از آسمان نازل شده است (دو رکعت بودن آن وحی است)؛ پس هر کس خواست آن را رد کند. (یعنی چه کسی جرأت ردّ وحی را دارد). (مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۵۷)

سیر وسط: به سیر با پای پیاده گفته می شود و همچنین به وسیله ی شتر طی کرده می شود و در دریا؛ آن سیری که وقتی که باد معتدل است به وسیله ی کشتی طی می شود.

مسئله ۳۱۴ ◀ و در کوهستان سیر وسطی که لائق کوهستان است (یعنی سیری که در کوهستان به آن سیر وسط گویند).

مسئله ۳۱۵ ◀ مسافر باید تا وقتی که به خانه برگردد قصر کند یا اینکه به مدت پانزده روز در یک مکان (شهر یا روستا)، نیت اقامت کند.
دلیل:

ابن عمر رضي الله عنهما وقتی قصد اقامت در یک مکان را به مدت پانزده روز می کردند نمازشان را کامل می خواندند. (نصب الرايه كتاب الصلاه باب صلاه المسافر - عمده القارى ج ۷ ص ۱۱۴ - مصنف ابن ابی شيبه ج ۲ ص ۳۴۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله: همانا الله جل جلاله از مسافر نصف نماز و نصف روزه را برداشته است. (نصف روزه یعنی نصف ماه و آن پانزده روز است). (کنز العمال ج ۱ ص ۱۴۶۰ - سنن النسائی الصغرى ج ۴ ص ۴۹۱)

مسئله ۳۱۶ ◀ و در دار حرب (سرزمین دشمن) و یا دار بغی (سرزمینی که بر علیه دولت مسلمان شورش کرده باشد) اگر مسلمانان آن ها را محاصره کرده باشند، در این صورت با نیت اقامت نیز مقیم محسوب نمی شوند و نماز آن ها به قصر خواهد بود.
دلیل:

از ابی جمره نصر بن عمران: از ابن عباس رضي الله عنهما پرسیدم و گفتم که ما در خراسان مدت زیادی خواهیم ماند (در جنگ خراسان)؛ نماز را چگونه بخوانیم؟ وی جواب دادند که قصر کنید گرچه ده سال نیز بمانید. (نصب الرايه كتاب الصلاه باب صلاه المسافر - مصنف ابن ابی شيبه ج ۲ ص ۳۴۱ - الاوسط ابن المنذر ذکر حدّ المقام الذی یجب علی المسافر به إتمام الصلاه)



از جابر بن عبدالله رضي الله عنه: رسول الله صلى الله عليه وسلم در تبوک (جنگ تبوک) بیست روز ماندند و در این مدت قصر می کردند. (مسند امام احمد ج ۴ ص ۲۲۰ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۲ - صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۳۹۸ - سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۳۵۵)

مسئله ۳۱۷ ◀ اگر چادر نشین در یک مکان از صحرای دار اسلام نیت اقامت کند، وی نیز مقیم محسوب می شود و نماز را کامل بخواند.

مسئله ۳۱۸ ◀ اگر شخصی در یک شهر (یا روستا) [غیر از شهر یا روستای خود]، بدون اینکه قصد ماندن داشته باشد ماندن وی طولانی شود (هر چقدر که باشد)، وی نمازش را به قصر بخواند.

مسئله ۳۱۹ ◀ اگر مسافر نماز قصر خود را چهار رکعت بخواند در این صورت اگر در وسط (بعد از رکعت دوم) نشسته باشد نماز وی صحیح خواهد بود ولی بخاطر ترک واجب (دو رکعت خواندن واجب است) گناهکار می شود.

دلیل:

زیرا فرض وی دو رکعت است و با نشستن بعد از رکعت دوم فرض قعده نیز اداء شد؛ پس نماز وی تمام است. (مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۶۰ - درر الحکام شرح غرر الحکام کتاب الصلاه باب المسافر)

مسئله ۳۲۰ ◀ و اگر در وسط نشسته باشد نماز فرض وی باطل و باید دوباره بخواند.

دلیل:

زیرا قعده ی اوّل را که فرض بود ترک کرد و نفل را با فرض قبل از تمام شدن فرضش متداخل (قاطی) کرد و با این کار فرض وی نفل شد. (پس فرضش را اداء نکرده است). (مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۶۰ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۳۸)

مسئله ۳۲۱ ◀ اگر مسافری در نماز اداء (فرض وقت) به مقیم اقتداء کند، پس نمازش را کامل بخواند (یعنی چهار رکعت).

دلیل:

زیرا نماز وی به تبعیت از امام چهار رکعت می گردد. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۴ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۳۸)

مسئله ۳۲۲ ◀ (۳) اگر نماز مسافر قضاء شود وی نمی تواند برای خواندن قضای خود به مقیم اقتداء کند.

دلیل:

زیرا نماز وی بخاطر تمام شدن سبب واجب کننده ی نماز دیگر تغییر نمی کند؛ پس در صورت اقتداء به مقیم در حق قرائت یا قعده نفل گذار محسوب می شود که این با نماز وی متناقض است؛ زیرا کسی که فرض می خواند نمی تواند به کسی که نفل می خواند اقتداء کند. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۶ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۳۸ - مراقی الفلاح ج ۱ ص ۱۵۶ - الدر المختار ج ۱ ص ۵۹۰)



سبب واجب شدن نماز «وقت» است و هر گاه نماز قضا شود، پس آخرین جزء وقت آن نماز سبب واجب شدن نماز است و بعد از آن تغییر نمی کند و نماز مسافر که قضا شود همان نماز مسافر یعنی به قصر است.

مسئله ۳۲۳ ◀ اگر امام مسافر باشد و مقیم به وی اقتداء کند، در این صورت امام به قصر بخواند و مقیم ادامه ی نمازش را فردی (تنهایی) بخواند و امام به مردم اعلام کند که من مسافر هستم و شما نماز خود را تکمیل کنید.

دلیل:

زیرا مقتدی بر خود لازم گرداند که در دو رکعت موافقت کند. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۷ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۳۸ - حاشیه الطحطاوی ج ۱ ص ۲۲۸ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۶۰)

رسول الله ﷺ در مکه دو رکعت خواندند و به مردم گفتند که شما نماز خود را کامل بخوانید؛ زیرا ما مسافر هستیم. (مسند الطیالسی ج ۱ ص ۴۵۱ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱۸ ص ۲۰۹)

مسئله ۳۲۴ ◀ (۴) اگر شخصی از وطن خود کوچ کند، پس وطن اصلی وی همان جائی است که کوچ کرده و وطن قبلی وی دیگر برایش وطن اصلی محسوب نمی شود و اگر به شهر سابق خود بر گردد، قصر کند.

دلیل:

رسول الله ﷺ بعد از هجرت وقتی به مکه آمدند خودشان را از مسافرين به حساب آوردند. (الهدايه و البنايه ج ۳ ص ۳۰ - بدائع الصنائع ج ۱ ص ۱۴۵)

مسئله ۳۲۵ ◀ بحث قصر وقتی پيش می آيد که بين وطن حال وی و وطن سابق وی مسافت سفر باشد و اگر نیز نباشد وقتی پيش می آيد که وی قصد مسافت سفر داشته و گذرش به وطن سابقش بیفتد.

مسئله ۳۲۶ ◀ در برگشت از مسافرت وطن اصلی باطل نمی شود؛ یعنی وقتی به وطنش برگشت، بدون نيّت نیز مقيم می شود.

مسئله ۳۲۷ ◀ اگر شخصی در یک شهر نيّت اقامت کند و بعد به مسافرت رود، پس نيّت اقامت وی باطل است (یعنی وقتی از مسافرت به وطن اقامت برگردد با نيّت قبلی مقيم محسوب نمی شود).

دلیل:

اگر نيّت اقامت در دو موضع را برای اقامت معتبر بدانيم، اين عمل مستلزم اين است که در مواضع بیشتر نیز معتبر باشد و اين کار ممتنع است؛ پس نيّت اقامت در یک موضع معتبر است مگر اينکه شخصی نيّت کند که شب را در یک مکان باشد و در روز به غير آن نیز برود که اين نيّت وی برای اقامت صحيح است؛ زیرا نيّت معتبر در اینجا همان گذراندن شب می باشد. (الهدايه و البنايه ج ۳ ص ۳۲)



انشاء سفر: یعنی خارج شدن از بیوت وطنش با قصد رسیدن به مکانی که فاصله ی آن به اندازه ی مدت سفر باشد. (العنایه شرح الهدایه ج ۲ ص ۳۷۹ شامله جدید)

مسئله ۳۲۸ ◀ و اگر آن شخص به وطن اصلی برگردد، نیت اقامت وی باطل است (با برگشتن به وطن اقامت، با نیت قبلی مقیم نخواهد شد).

فصل ۱۷ - نماز جمعه

مسئله ۳۲۹ ◀ (۱) شرایط وجوب جمعه:

- ۱- اقامت در شهر. ۲- فرد از نظر جسمانی سالم باشد. ۳- آزاد باشد.
 - ۴- بالغ باشد. ۵- چشم و پای وی سالم باشد.
- دلیل:

رسول الله ﷺ: جمعه بر هر کس غیر از زن و کودک و مریض و بنده (غلام) و مسافر واجب است. (البنایه و الهدایه ج ۳ ص ۷۰ - مجمع الزوائد ج ۲ ص ۳۸۳ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۲ ص ۵۱ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۳ - السنن الصغری للبيهقي بَابُ مَنْ تَجِبُ عَلَيْهِ الْجُمُعَةُ - سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۴۰۷ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۳۹۴)

از رسول الله ﷺ: هر کسی که به الله جلّ و اقصی و قیامت ایمان دارد پس جمعه بر وی واجب است مگر بر مریض و مسافر و کودک و مملوک

(غلام) و هر کسی خود را بخاطر لهو (بازی) یا بخاطر تجارت از جمعه بی نیاز بداند پس الله جَلَّالَهُ از وی بیزار است. (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۴۰۷ - سنن الدارقطني ج ۲ ص ۳)

مسئله ۳۳۰ ◀ (۲) وقت ظهر (یعنی نماز جمعه در وقت ظهر اداء کرده می شود).

دلیل:

از انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمعه را بعد از زوال خورشید با ما می خواندند. (مسند امام احمد ج ۳ ص ۶۱۸ - سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۴۲۰ - صحيح البخاری ج ۱ ص ۳۰۶)

مسئله ۳۳۱ ◀ (۳) خطبه: کمترین مقدار آن مانند یک تسبیح باشد. دلیل:

از زهری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: چنین به ما رسیده (خبرش) که اولین جمعه ای که اقامه شد در مدینه بود و مصعب بن عمیر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ جمعه را خواندند و همچنین به ما رسیده که جمعه بدون خطبه نمی شود؛ هر کس خطبه نخواند پس چهار رکعت بخواند. (یعنی ظهرش را بخواند). (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۴۳۱ - نصب الرايه كتاب الصلاة باب الجمعة - البنايه و الهدايه ج ۳ ص ۵۴)

زیرا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز جمعه ای را بدون خطبه نخوانده است. (الهدايه و البنايه ج ۳ ص ۵۴)



مسئله ۳۳۲ ◀ ۴ جماعت:

دلیل:

زیرا جمعه مشتق از جماعت است؛ پس بدون آن (جماعت) تحقق نمی یابد همچنان که ضارب بدون ضرب تحقق نمی یابد. (البنایه و الهدایه ج ۳ ص ۶۳)

مسئله ۳۳۳ ◀ ۵ اذن عام (اجازه برای عموم یعنی جمعه باید در جایی برگزار شود که امکان حضور برای عموم باشد).

دلیل:

زیرا جمعه از شعائر (علامات) اسلام و خصائص دین می باشد؛ پس باید بر طریقه ی اشتهار و عمومی برگزار شود. (مراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۷۳ - حاشیه الطحطاوی ج ۱ ص ۲۷۲ - تبیین الحقائق کتاب الصلاه باب صلاه الجمعة - كنز الدقائق كتاب الصلاه باب صلاه الجمعة - درر الحکام شرح غرر الحکام كتاب الصلاه باب صلاه الجمعة)

مسئله ۳۳۴ ◀ ۶ شهر باشد.

دلیل:

از حضرت رسول الله ﷺ: جمعه و تکبیر تشریق نمی شود مگر در شهر جامع. (الآثار لابی یوسف باب العیدین)



از حضرت علی رضی الله عنه: جمعه و تکبیر تشریق نیست مگر در شهر جامع.
(سنن الکبری للبیہقی ج ۴ ص ۴۰۰ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۰
- نیل الاوتار ج ۳ ص ۲۸۰)

مسئله ۳۳۵ ◀ جمعه در غیر از شهر اداء کرده نشود.

دلیل:

صحابه در شهرها مساجد جامع بنا می کردند و جمعه ها را در شهرها
اقامه می کردند نه در روستاها. (اعلاء السنن ج ۵ ص ۲۲۵۳)
اصل در شهر بودن مکه و مدینه می باشند که از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله
تا به امروز در آن ها جمعه برگزار شده است. (اعلاء السنن
ج ۵ ص ۲۲۵۵)

تعریف شهر: مکانی بزرگ که در آن کوچه ها و بازارها باشد و دارای
روستاهای تابعه باشد و در آن والی (حاکم) باشد که بتواند حقّ مظلوم
را از ظالم بگیرد و صاحب هدایه دارای کوچه و روستاها بودن را ترک
کرده و ذکر نکرده بخاطر اینکه تنفیذ احکام و اجرای حدود در جائی
غیر از شهر اجرا نمی شود. (اعلاء السنن ج ۵ ص ۲۲۵۵ - بدائع الصنائع
ج ۱ ص ۳۸۳ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۵۰ - حاشیه ردالمختار علی
ردالمختار ج ۲ ص ۱۴۷ - تحفه الفقهاء ج ۱ ص ۱۵۹)



از حضرت عائشه رضی الله عنها: مردم از اطراف و روستاهای مدینه متناوباً (نوبتی) به جمعه می آمدند. (صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۰۵ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۱۰ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۳۸۰)

اگر جمعه بر روستاییان و اطراف مدینه واجب بود همه ی آن ها همیشه می آمدند نه نوبتی؛ پس نوبتی آمدن آن ها دال بر عدم وجوب جمعه بر غیر شهری ها می باشد.

اولین جمعه ای که بعد از مدینه اقامه شد در مسجد عبدالقیس در جواثی می باشد. (نیل الاوطار ج ۳ ص ۲۸۰ - عمده القاری ج ۱ ص ۳۰۲ - صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۵۸۸ - صحیح ابن خزیمه ج ۳ ص ۱۱۳ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۳۹۷)

جواثی شهری از شهرهای بحرین می باشد. (عمده القاری ج ۱ ص ۳۰۲)

گفته شده است که در آن بیش از چهار هزار نفر سکونت داشته اند و در آن قلعه ای بوده است به نام جواثا. (باید بدانیم که قلعه را در یک روستا بنا نمی کنند). (اعلاء السنن ج ۵ ص ۲۲۷۶)

جمعه در مکه فرض شد و رسول الله صلی الله علیه و آله نتوانستند جمعه را در مکه اقامه کنند و وقتی به قبا (نام روستا) رسیدند به مدت چهارده (۱۴) روز در آنجا ماندند ولی در آنجا (قبا) جمعه نخواندند تا اینکه به مدینه آمده



و جمعه را اقامه کردند؛ پس این دلیلی است بر عدم جواز جمعه در روستا (غیر شهر). (اعلاء السنن ج ۵ ص ۲۲۸۴)

مسئله ۳۳۶ ◀ (۷) بر معذور مکروه است که در روز جمعه نماز ظهرش را به جماعت بخواند.

دلیل:

زیرا در این کار خلل وارد کردن به جمعه است؛ زیرا غیر معذور نیز به وی اقتداء خواهد کرد. (الجوهرة النيرة کتاب الصلاة باب الجمعة - الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۷۶ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۵۰ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۶۵)

مسئله ۳۳۷ ◀ (۸) نماز ظهر خواندن شخصی که عذر ندارد قبل از خوانده شدن نماز جمعه مکروه است.

دلیل:

زیرا در این کار مخالفت با امام جمعه می باشد. (لِمَا مَرَّ مِنَ الْإِخْلَالِ وَ وَغَرِّ الْحُكَامِ کتاب الصلاة باب الجمعة - وقایه الروایه فی مسائل الهدایه کتاب الصلاة باب الجمعة)

مسئله ۳۳۸ ◀ اگر آن شخص (کسی که قبل از جمعه ظهرش را خوانده است) به طرف جمعه حرکت کند در حالی که هنگام حرکت وی امام در جمعه باشد، نماز ظهرش باطل است؛ پس اگر به جمعه برسد جمعه اش را بخواند و اگر نرسد نماز ظهرش را اعاده کند (دوباره بخواند).



دلیل:

زیرا سعی (رفتن و حرکت به سوی جمعه) از خصائص جمعه است؛ پس احتیاطاً در حق باطل شدن نماز ظهرش، سعی کردن را مانند خود جمعه به حساب آورده می شود و حکم به ابطال نماز ظهرش نموده می شود.

(الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۷۶ و ۷۷ - غرر الحکام کتاب الصلاه باب الجمعة - العنایه شرح الهدایه کتاب الصلاه باب الجمعة)

مسئله ۳۳۹ ◀ ۸) اگر قبل از سلام امام به نماز جمعه (فرضش) برسد و اقتداء کند، جمعه اش را بخواند و اگر قبل از سلام نرسد ظهرش را بخواند.

دلیل:

از رسول الله ﷺ: وقتی اقامه را شنیدید با آرامش و سکینه به سوی نماز بروید و عجله نکنید؛ اگر رسیدید بخوانید و اگر نرسیدید پس تمام کنید. (چهار رکعت ظهر را). (صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۲۷ - صحیح مسلم ج ۵ ص ۸۱ - مسند امام احمد ج ۲ ص ۴۷۰ - سنن الترمذی ج ۲ ص ۲۵۲ - سنن الدارمی ج ۱ ص ۲۹۴ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۷۸)

مسئله ۳۴۰ ◀ ۹) وقتی اذان اول گفته شود مردم باید تجارت و معامله را ترک کرده به سوی جمعه حرکت کنند.

مسئله ۳۴۱ ◀ وقتی امام بر منبر رفت، نماز خواندن و کلام (حرف زدن) حرام است.

دلیل:

رسول الله ﷺ فرمودند: اگر به رفیقت بگوئی ساکت در حالی که امام خطبه می خواند، همانا لغو کرده ای. (سنن النسائی الصغری ج ۳ ص ۱۱۵ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۵۲ - مسند ابی یعلی ج ۱ ص ۲۲۳)

لغو: سخن بیهوده که اگر در روز جمعه و در هنگام خطبه انجام شود ثوابی از نماز جمعه نمی برد.

مسئله ۳۴۲ ◀ (۱۰) وقتی امام بر منبر نشست اذان دوم گفته می شود.

دلیل:

زیرا اذان تا زمان حضرت عثمان رضی الله عنه، وقتی گفته می شد که امام بر منبر می نشست و وقتی مردم زیاد شدند در بیرون مسجد اذان اول گفته شد (در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه). (مشکاه المصابیح ج ۱ ص ۴۰۰ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۵۹ - صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۰۸ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۴۴۵)

مسئله ۳۴۳ ◀ و امام ایستاده و با طهارت دو خطبه بخواند و بین دو خطبه بنشیند.

دلیل:



رسول الله ﷺ در جمعه دو خطبه می خواندند و بین آن دو می نشستند. (صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۱۳ - مسند امام احمد ج ۲ ص ۲۳۱ - سنن ابی داود ج ۳ ص ۴۴۰)

زیرا قیام، متوارث (میراثی) از گذشتگان است (خطبه را از اول ایستاده می خوانده اند) و اگر نشسته و بدون طهارت خطبه بخواند به خاطر حصول مقصود که همان وعظ و نصیحت می باشد جائز می باشد، ولی مکروه است؛ به این خاطر که اگر به غیر طهارت باشد بین خطبه و نماز فاصله خواهد افتاد. (زیرا وی مجبور است بعد از خطبه برای وضوء بیرون رود). (الجوهرة النيرة کتاب الصلاة باب الجمعة)

فصل ۱۸: نماز عید (فطر و قربان)

(۱) مستحبات روز عید فطر:

مسئله ۳۴۴ ◀ ۱- خوردن.

دلیل:

رسول الله ﷺ در روز عید قبل از اینکه چند خرما بخورند به سوی مصلی (عیدگاه) نمی رفتند و آن ها را به عدد فرد می خوردند. (سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۳۴ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۶۱ - صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۲۴)

مسئله ۳۴۵ ◀ ۲- مسواک زدن.



دلیل:

زیرا علتی که در روز جمعه باعث شده بود که غسل و مسواک و خوشبو کرده شود در روز عید نیز وجود دارد. (البنایه و الهدایه ج ۳ ص ۱۰۰)

مسئله ۳۴۶ ◀ ۳- غسل کردن.

دلیل:

رسول الله ﷺ در روز عید فطر و قربان غسل می کردند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۱۷ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۵۲)

مسئله ۳۴۷ ◀ ۴- استعمال چیز خوشبو (عطر زدن).

مسئله ۳۴۸ ◀ ۵- پوشیدن بهترین لباس خود.

دلیل:

رسول الله ﷺ لباس راه راه (برد احمر) (لباسی که دارای خط قرمز است)) داشتند که در عید و جمعه می پوشیدند. (نصب الرايه كتاب الصلاه باب صلاة العیدین)

مسئله ۳۴۹ ◀ ۶- دادن زکات فطریه.

دلیل:

رسول الله ﷺ امر کردند که قبل از خروج به مصلی زکات فطر اداء شود. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۵۴۶ - السنن الصغری للبيهقي باب زکاه الفطر - صحیح مسلم ج ۷ ص ۵۵)



و به سوی مصلی حرکت کند.

مسئله ۳۵۰ ◀ (۲) قبل از نماز عید نماز نفل خوانده نشود.

دلیل:

زیرا رسول الله ﷺ این کار را (خواندن نفل) انجام ندادند در حالی که ایشان بر خواندن نماز حریص بودند. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۱۰۵)

مسئله ۳۵۱ ◀ شروط نماز عید در نحوه اداء و نحوه واجب شدن مانند نماز جمعه است.

یعنی بر هر کس که نماز جمعه واجب باشد نماز عید نیز واجب است و در هر جا که نماز جمعه واجب است نماز عید نیز واجب است و در هر جا که نماز جمعه جائز نیست نماز عید نیز جائز نمی باشد؛ مثلاً نماز جمعه فقط در شهر جائز است و در روستا جائز نیست پس نماز عید نیز همچنین است.

دلیل:

از حضرت علی رضی الله عنه: جمعه و تکبیر تشریق و نماز فطر و قربان نیست مگر در شهر. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۱۰)

مسئله ۳۵۲ ◀ (۳) وقت نماز عید از ارتفاع خورشید تا وقت نماز ظهر می باشد (یعنی وقتی خورشید بعد از طلوع بالا آمد تا زوال خورشید در نیم روز).

دلیل:

عبدالله بن بسر رضي الله عنه صحابه ی رسول الله صلی الله علیه و آله دیر کردن امام برای نماز عید را نپسندیدند و گفتند که ما تا الآن در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نماز را تمام می کردیم (زمان گفتن این قول موقع نماز اشراق بود). (سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۵۹ - نصب الرایه کتاب الصلاه فصل العیدین)

مسئله ۳۵۳ ◀ (۴) طریقه ی ادای نماز عید مانند نمازهای دیگر می باشد؛ فقط فرق آن این است که در هر رکعت از نماز عید سه تکبیر (الله اکبر) اضافه گفته می شود و جای تکبیرها در رکعت اول بعد از «سبحانک...» می باشد و در هر یک از تکبیرها، دست ها را مانند تکبیر تحریمه بالا برده می شود. و تکبیر در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع می باشد و در این سه تکبیر نیز دست ها بالا برده می شود. دلیل:

ابن مسعود رضي الله عنه تکبیرات عیدین (دو عید) را تعلیم می دادند که نه (۹) تکبیر است؛ در قیام رکعت اول پنج تکبیر (چهار آن قبل از قرائت) و در رکعت دوم چهار تکبیر بعد از قرائت (قبل از رکوع). (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۷۸ - موطا مالک ج ۱ ص ۳۴۹ ش جدیده - نصب الرایه ج ۳ ص ۳۸۸ ش جدیده)



مسئله ۳۵۴ ◀ اگر عذری پیش بیاید و نماز عید در روز اول اداء نشود، در روز بعد آن خوانده شود.

دلیل:

هلال ماه شوال بر رسول الله ﷺ و صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ معلوم نشد و بعد از ظهر گروهی آمدند و بر رؤیت هلال شهادت دادند و رسول الله ﷺ امر کردند که افطار کنند و نماز عید را فردا بخوانند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۲۹ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۸ ص ۳۸۵ - منتقى ابن الجارود ج ۱ ص ۱۳۶ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۱۰۷ - مسند امام احمد ج ۶ ص ۴۸)

مسئله ۳۵۵ ◀ (۵) وقتی امام نماز عید را بخواند، نماز عید دیگر قضا ندارد. (اگر توانست نماز را با امام بخواند و اگر میسر نشد قضا ندارد).

دلیل:

زیرا عبادت بودن نماز عید به طریق انفرادی ثابت نشده است بلکه به طریق جماعت ثابت شده است و این از عهده ی منفرد خارج است. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۱۲۰)

مسئله ۳۵۶ ◀ (۶) عید قربان نیز مانند عید فطر می باشد با این تفاوت که در روز قربان مستحب است که چیزی خورده نشود تا نماز عید قربان خوانده شود.

دلیل:



رسول الله ﷺ در روز عید قربان تا وقتی که از مصلی برگردند چیزی نمی خوردند.

مسئله ۳۵۷ ◀ (۷) هنگام رفتن به مصلی و در راه مصلی تکبیر تشریق به جهر گوید.

دلیل:

ابن عمر رَضِیَ اللہُ عَنْہُمَا در راه رفتن به مصلی تکبیر تشریق به جهر می گفتند.
(سنن الکبری للبیہقی ج ۵ ص ۵۴)

مسئله ۳۵۸ ◀ (۸) نماز عید قربان را می توان در هر یک از سه روز اداء کرد؛
چه از روی عذر و چه بدون عذر.

دلیل:

زیرا نماز عید قربان مقدر به ایام قربانی است. (و آن سه روز می باشد). (مراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۸۷ - حاشیه الطحطاوی ج ۱ ص ۲۸۷ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۷۲ - الہدایہ و البنایہ ج ۳ ص ۱۲۲)

مسئله ۳۵۹ ◀ (۹) در خطبه ی عید قربان به مردم تکبیر تشریق و چگونگی قربان کردن را تعلیم داده شود.

در خطبه ی عید فطر نیز احکام فطر را تعلیم کرده شود.

دلیل:

خطبه برای تعلیم مشروع وقت (آنچه در حال حاضر مأمور به انجام آن می باشیم) می باشد. (الہدایہ و البنایہ ج ۳ ص ۱۲۲)



مسئله ۳۶۰ ◀ در روز عرفه (یک روز قبل از عید قربان (۹ ذی الحجه)) بخاطر تشبّه به حاجیان نباید اجتماع کرد.

دلیل:

زیرا وقوف عرفه (جمع شدن در عرفات) عبادتی است که مخصوص یک مکان خاص می باشد پس در جایی غیر از آن مکان عبادت نخواهد بود. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۱۲۴ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۷۰ - غرر الحکام کتاب الصلاه فصل العیدین)

مسئله ۳۶۱ ◀ بعد از هر نماز فرضی که به جماعت مستحبّه اداء شود تکبیر تشریق گفتن بر مقیم در شهر و زنی که به مردی اقتداء کرده باشد و مسافری که به مقیم اقتداء کرده باشد، از نماز صبح روز عرفه (۹ ذی الحجه) تا عصر روز اوّل عید قربان، واجب است.

بر طبق قول امام اعظم رحمته الله علیه بعد از هشت نماز تکبیر تشریق گفته می شود.

دلیل:

امام اعظم رحمته الله علیه قول ابن مسعود رضی الله عنه را گرفته است؛ زیرا به چهار گفتن تکبیر بدعت است؛ پس هر کدام را که کمتر باشد گرفته می شود (در بین صحابه رضی الله عنهم مسئله اختلافی می باشد). (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۱۲۷ - نصب الرايه باب صلاه العیدین - البحر الرائق

ج ۲ ص ۱۷۰ - تبیین الحقائق باب العیدین - کنزالدقائق باب العیدین -
 اصول السرخسی ج ۱ ص ۱۱)

ترجمه ی آیه: ذکر کنید الله ﷻ را در روزهای معدود (شمرده شده و محدود). (سوره بقره آیه ۲۰۳)

و طبق نقل از اهل تفسیر منظور ایام تشریق می باشد؛ پس باید در همه ی ده (۱۰) روز ذی الحجّه باید واجب می بود ولی بخاطر اجماع صحابه رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ تا قبل از روز عرفه واجب نیست و برای بعد از روز اول عید قربان هیچ نصّ و اجماعی برای واجب بودن تکبیر نیست؛ پس کمتر گفتن اولی می باشد. (البنایه و الهدایه ج ۳ ص ۱۲۷)

مسئله ۳۶۲ ◀ (۱۰) و اصل در ذکر و تکبیر اخفاء می باشد؛ بدلیل کلام الله ﷻ: ترجمه آیه: پروردگار خود را بخوانید از روی زاری و به طور خفیه؛ همانا الله ﷻ از حدّ تجاوز کنندگان را دوست ندارد. (سوره ی اعراف آیه ۵۵)

در آیه ای دیگر می فرماید: ترجمه آیه: پروردگارت را یاد کن در دل خود از روی زاری و ترس و بدون جهر. (سوره ی اعراف آیه ۲۰۵)
 و قول رسول الله ﷺ: بهترین ذکر اخفاء آن می باشد. (مسند امام احمد ج ۱ ص ۳۰۴ - الدعاء للطبرانی باب فضل ذکر الخفی - منتخب عبد بن حمید ج ۱ ص ۷۶ - مسند شهاب ج ۲ ص ۲۱۷ - مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۸۱ - مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۸۵ - شعب الایمان للبيهقي



ج ۱ ص ۴۰۶ - المسند الشاشی باب عمر بن حکم عن سعد - مصنف
ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۱۰۸)

و ذکر خفیه به ادب نزدیکتر و از ریاء دورتر می باشد. پس این دلیل
ها را ترک کرده نشود مگر اینکه دلیل شرعی (قرآن و حدیث) بر
تخصیص این ادله باشد. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۳۵)

جهر به تکبیر بین سنت بودن و بدعت بودن مورد تردید است؛ پس
شک در تخصیص یافتن از عموم آیه ی اخفاء می باشد؛ پس آن را
(اخفاء را) ترک کرده نشود. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۳۵)

حکم فقهی: اگر بین واجب بودن و بدعت بودن تردید باشد، برای
رعایت احتیاط به آن عمل کرده شود.

و اگر بین سنت بودن و بدعت بودن تردید باشد، پس آن عمل باید
ترک شود؛ به دلیل اینکه ترک بدعت لازم است و ادای سنت غیر
لازم. (مبسوط سرخسی ج ۲ ص ۴۹۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع
ج ۲ ص ۱۸۰ - بحر الرائق شرح کنز الدقائق ج ۴ ص ۲۰۴ - رد المختار
ج ۸ ص ۵۶ و ج ۵ ص ۱۳۱ - حاشیه ی رد المختار ج ۲ ص ۱۱ و ۴۸۵)

مسئله ۳۶۳ ◀ و بدعت بودن جهر:

در سفری صحابه تکبیر را به جهر گفتند و رسول الله ﷺ به آنان گفت
که صدایتان را پائین بیاورید؛ زیرا شما کر و یا غائب را نمی خوانید
(یعنی پروردگار شما کر یا غائب نیست) بلکه وی با شماست و شنوا و

نزدیک است. (صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۵۳۸ - سنن النسائی الکبری ج ۴ ص ۳۹۸ - سنن الکبری للبيهقي ج ۳ ص ۷ - مسند امام احمد ج ۵ ص ۵۷۳ - صحیح مسلم ج ۱۷ ص ۲۳ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۱۰۸)

و دلیل جهر کردن صحابه بخاطر نشاط یا ترساندن دشمن بوده است. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۳۹)

بعضی برای جائز بودن ذکر جهر، حدیث رسول الله ﷺ را دلیل می آورند که فرمودند: الله جلّ و علا فرمودند: من در نزد گمان بنده ی خود هستم و من با بنده ی خود هستم وقتی مرا ذکر کند؛ اگر مرا در دل خویش ذکر کند من نیز او را در نفس خود ذکر خواهم کرد و اگر در بین جماعت ذکر کند، پس من وی را در جماعتی بهتر از آن یاد خواهم کرد.

اینکه گفته شده «در جماعتی» منظور در جاهایی است که ذکر در جماعت مشروع باشد (مأمور باشد)؛ مانند خطبه و مانند آن؛ زیرا اجماعاً ذکر در مجالس لهو و لعب و مانند آن حرام است و همچنین ذکر جهر هنگام جماع اجماعاً حرام است. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۴۰)

و دیگر حدیثی که ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که می گوید: من تمام شدن نماز اصحاب را با شنیدن تکبیر آن ها می فهمیدم؛ در پاسخ آن باید گفت که این کار برای مدتی اندک بوده است نه بر



سبیل مداومت و برای تعلیم بوده است و این قول را امام شافعی رحمۃ اللہ علیہ نیز قائل است. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۴۰)

و در این حدیث ابن عباس رحمۃ اللہ علیہ می گوید که در زمان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم این طور بود؛ معلوم می شود که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم همیشه انجام نمی داده است و اصحاب رحمۃ اللہ علیہ نیز آن را انجام نمی داده اند. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۴۴۰)

معنی [إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ] (خداوند از حدّ تجاوز کنندگان را دوست ندارد): متجاوزین را بلند کنندگان صدا در دعاء گفته اند. (تفسیر طبری ذیل آیه ۵۵ اعراف)

[ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً] الله جلّ جلالہ در این آیه دو چیز را قید کرده است؛ یکی تضرّع (زاری) و دیگری اخفاء؛ پس دعاء بدون تضرّع بی ارزش است، همچنین دعاء بدون اخفاء نیز بی ارزش است. (تفسیر آلوسی ذیل آیه ۵۵ سوره ی اعراف)

مسئله ۳۶۴ ◀ و امامین (امام ابویوسف رحمۃ اللہ علیہ و امام محمد رحمۃ اللہ علیہ) گویند که از صبح روز عرفه تا آخر ایّام تشریق (۱۳ ذی الحجه [یک روز بعد از آخر عید قربان]).

دلیل:

از حضرت علی رحمۃ اللہ علیہ از صبح روز عرفه تا عصر آخر ایّام تشریق تکبیر می گفتند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۷۲ - کنز العمال ج ۱ ص ۸۸۴)



(بر طبق قول امامین رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بعد از بیست و سه نماز تکبیر تشریق گفته می شود).

مسئله ۳۶۵ ◀ اگر امام جماعت تکبیر تشریق را ترک کند مقتدیان باید بگویند.

دلیل:

امام محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از امام ابویوسف رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: همراه امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نماز مغرب را در روز عرفه به امامت من خواندیم و من فراموش کردم که تکبیر تشریق بگویم، در این حال امام اعظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ تکبیر گفتند. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۱۳۳ - حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۸۷)

تکبیر تشریق

مسئله ۳۶۶ ◀ (۱۱) تکبیر تشریق: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ.

این تکبیر از حضرت ابراهیم (ع) به یادگار رسیده است. (العنایه شرح الهدایه باب العیدین)



فصل ۱۹: نماز بر میت (جنازه)

کارهایی که بر فرد در حال مرگ انجام داده می شود:

مسئله ۳۶۷ ◀ (۱) فردی را که در حال مرگ باشد، سنت است در حالی که به پهلوی راست خوابانده شده روی وی را به سوی قبله کرده شود. دلیل:

رسول الله ﷺ وقتی به مدینه رسیدند از براء بن عازب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ پرسیدند (از احوال وی جويا شدند)؛ به وی گفتند که او وفات یافته است و وصیت کرده که وقتی هنگام مرگ وی می رسد وی را رو به قبله گردانده شود؛ رسول الله ﷺ فرمودند: با فطرت موافق آمده است (یعنی در این وصیت بر دین بوده است). (سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۳۵ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۰۴)

از براء بن عازب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (صحابی): رسول الله ﷺ به من گفتند: وقتی می خواهی بخوابی وضوء بگیر و بعد بر سمت راستت بخواب و این دعاء (اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَ بِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ) را بخوان و اگر در این شب بمیری همانا بر فطرت (دین اسلام) مرده ای. (صحیح بخاری

ج ۱ ص ۹۷ - سنن ابی داود ج ۱۳ ص ۳۸۸ - سنن النسائی الکبری
ج ۶ ص ۱۹۵)

ترجمه: بار الها چهره ام را تسلیم تو نمودم و امور و کارهای خود را به تو سپردم و به تو پناه بردم از روی میل به تو و از روی ترس از تو، پناه و مکان خلاصی از تو نیست مگر خودت. یا رب ایمان آوردم به کتابت که نازل کرده ای و به نبیت که فرستاده ای.

مسئله ۳۶۸ ◀ و قول اختیار شده، این است که به پشت خوابانده شود و پاهایش به طرف قبله کرده شود.

دلیل:

زیرا با این کار روح راحتتر از بدن خارج می شود. (الهدایه و البنايه
ج ۳ ص ۱۷۵ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۸۳ - فتح القدیر ج ۲ ص ۱۰۴)

مسئله ۳۶۹ ◀ ۲) و به وی کلمه ی شهادت تلقین کرده شود (افراد کنار وی
کلمه ی شهادت را تکرار کنند).

دلیل:

رسول الله ﷺ: به مردگان (کسانی که در شرف مرگ هستند) کلمه ی
«لا اله الا الله» را تلقین کنید. (صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۸۳ - مسند امام
احمد ج ۳ ص ۳۶۸ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۱۵ - سنن ابی داود
ج ۸ ص ۳۸۶)

مسئله ۳۷۰ ◀ ۳) خواندن سوره ی یس:



نزد میّتی (در حال مرگ) سوره ی یس خوانده نمی شود مگر اینکه
جان دادن وی بر وی آسان کرده می شود. (جامع المسانید و المراسیل
ج ۶ ص ۴۰۷ - کنز العمال ج ۱ ص ۳۱۶۸)

رسول الله ﷺ: بر مردگان خود سوره ی یس بخوانید. (مشکاه
المصابیح ج ۱ ص ۴۵۴ - مسند الطیالسی ج ۱ ص ۴۹۸)

در این حدیث و احادیث بالا دو احتمال وجود دارد؛ یکی اینکه بر
کسانی که در حال مرگند بخوانید و تلقین کنید و دیگری اینکه بر
کسانی که مرده اند این کارها را انجام دهید.

مسئله ۳۷۱ ◀ (۴) وقتی بمیرد چانه هایش بسته شود.

مسئله ۳۷۲ ◀ (۵) و چشم هایش نیز بسته شود.

دلیل:

از رسول الله ﷺ: وقتی پیش مردگانتان حاضر شدید چشم های وی را
ببندید؛ زیرا چشم ها روح را نظاره می کنند و به نگاه آن را دنبال می
کنند و در باره ی میّت خود چیزهای خوب را بگوئید؛ زیرا فرشتگان
حاضر به گفته ی اهل میّت آمین می گویند. (مسند امام احمد
ج ۵ ص ۱۰۷ - سن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۶۷)

زیرا این کار میراث از سلف صالح می باشد و در این کار خوش منظر
شدن میّت می باشد. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۱۷۸ - البحر الرائق
ج ۲ ص ۱۸۳)

مسئله ۳۷۳ ◀ ۶) تخت (تختی که در آن میّت (مرده) را غسل داده می شود) و کفن (لباس میّت) وی را خوشبو گردانیده شود و شمارش این کار فرد باشد.

یعنی وقتی چیز خوشبو کننده استعمال می شود، عدد استعمال آن فرد باشد؛ مثلاً سه یا پنج یا هفت.
دلیل:

زیرا در این کار تعظیم و احترام به میّت است.
وتر «فرد» انجام داده می شود؛ زیرا رسول الله ﷺ فرموده اند: الله جلّ و علاّ فرد است و فرد را نیز دوست دارد. (فرد: ضد زوج یعنی عدد فرد).
(سنن الدارمی ج ۱ ص ۳۷۱ - صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۱۳۹ - سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۵)

رسول الله ﷺ: وقتی میّت را تجمیر (بخور بوی خوش دور وی گرداندن با مشک عنبر و مانند آن) می کنید، آن را فرد انجام دهید.
(سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۷۴ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۰۶ - مسند ابی یعلی ج ۴ ص ۱۹۷)

مسئله ۳۷۴ ◀ ۷) بعد میّت را بدون اینکه مضمضه و استنشاق داده شود غسل داده می شود. (داخل دهان و بینی وی شسته نمی شود).
دلیل:



زیرا وضوء سنت غسل است ولی چون خارج کردن آب از دهان و بینی متعذر است آن را ترک کرده می شود. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۱۸۳ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۸۳)

مسئله ۳۷۵ ◀ ۸) ناخن های میّت گرفته نمی شود.

مسئله ۳۷۶ ◀ ۹) موهای وی را شانه کرده نشود.

دلیل:

حضرت عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وقتی دیدند که میّتی را دارند شانه می کنند گفتند که برای چه شانه می کنید. (فائده ای در شانه کردن نیست). (سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۴۶ - مصنف عبدالرزاق ج ۳ ص ۴۳۶ - الآثار لابن یوسف باب فی غسل المیت و تکفینه)

زیرا این کارها برای زینت است و میّت از زینت بی نیاز است و در فرد زنده برای نظافت می باشد. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۱۹۰)

مسئله ۳۷۷ ◀ ۱۰) بر سر و ریش و سجده گاه های وی (سجده گاه وی یعنی جاهایی که در هنگام سجده به زمین می خورد) پاها، زانوها، پیشانی و دست ها)) حنوط کرده شود (حنوط؛ خوشبو کردن میّت).
دلیل:

از ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: بر سجده گاه های میّت کافور گذاشته می شود. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۳۱ - نصب الرایه باب الجنائز - سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۷۴)

سجده گاه: اعضایی که در سجده به زمین می خورد را سجده گاه های انسان گفته می شود.

زیرا (با توجه به روایات وارد شده در این باره) خوشبو کردن میّت سنت است. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۱۸۸ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۸۳ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۹۵ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۷۸)

چگونگی کفن:

مسئله ۳۷۸ ◀ (۱) سنت کفن برای مرد سه لباس می باشد:

مسئله ۳۷۹ ◀ (۱-۱) اِزار: سر تا پای میّت را در بر می گیرد و مقداری نیز از قد میّت بلندتر کرده می شود تا بتوان از بالای سر و زیر پای میّت بسته شود.

مسئله ۳۸۰ ◀ (۲-۱) قمیص: از گردن تا زیر زانو را می پوشاند؛ به این طریق که پارچه ای به اندازه ی دو برابر از گردن تا زیر زانو بریده و از وسط تا زده و از تای آن سوراخی ایجاد می شود تا سر میّت را از آن بیرون آورده شود.

مسئله ۳۸۱ ◀ (۳-۱) لفافه: سر تا پای میّت را در بر می گیرد و مقداری نیز از قد میّت بلندتر کرده می شود تا بتوان از بالای سر و زیر پای میّت بسته شود.

دلیل:



رسول الله ﷺ در سه لباس (تگه پارچه) کفن شدند. (صحیح مسلم ج ۷ ص ۹ - مسند امام احمد ج ۷ ص ۶۱ - سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۲۵ - موطا مالک ج ۲ ص ۵۴ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۲۶۱) و علماء، پیچیدن پارچه ای به عنوان عمامه بر سر میت را مستحسن (نیک) دانسته اند.

دلیل:

ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اهل خود را در پنج کفن می پیچیدند و یکی از آن ها عمامه بود. (عمده القاری ج ۸ ص ۴۸ - العرف الشذی شرح سنن الترمذی باب ما جاء فی کم کُفِّنَ النبی ؟ - التمهید ج ۲۲ ص ۱۴۰ - مصنف عبدالرزاق ج ۳ ص ۴۲۰ - الاوسط ابن المنذر ذِکْرُ تَكْفِينِ الْمَيِّتِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ)

مسئله ۳۸۲ ◀ (۲) کفن زن پنج جامه می باشد:

(۱) ازار. (۲) قمیص. (۳) لفافه. (۴) خمار (برای پوشاندن سر میت (پارچه به اندازه ای که سر وی و موهایش را بپوشاند گرفته و سر آن دوخته می شود)) (۵) خرقه (پارچه ای که با آن سینه ی میت را بسته شود).
دلیل:

دختر رسول الله ﷺ وفات یافتند و رسول الله ﷺ در ورای درب ایستاده بودند و زنان دختر ایشان را غسل می دادند و رسول الله ﷺ این پنج پارچه را به عنوان کفن می دادند. (مسند امام احمد

ج ۷ ص ۵۲۴ - سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۳۲ - السنن الصغری للبيهقي
باب التكفين و التحنيط)

مسئله ۳۸۳ ◀ (۳) کفن کفایه (اگر پارچه به اندازه ی کافی نباشد) برای مرد
إزار و لفافه است (یعنی اگر در این دو پارچه کفن کرده شود کافی
است ولی سنت رعایت کرده نمی شود).
دلیل:

در راه حج شخصی فوت شد و رسول الله ﷺ دستور دادند تا وی را در
دو لباس بپوشانند. (صحیح بخاری ج ۱ ص ۴۲۵ - مستخرج ابی عوانه
بَابُ صِفَةِ الْكَفَنِ إِذَا مَاتَ الْمُحْرِمُ وَغُسِّلَهُ وَحَظَرَ تَخْمِيرَ وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ -
مسند امام احمد ج ۱ ص ۵۳۹ - مسند الطیالسی ج ۳ ص ۷۶ - سنن
النسائی الصغری ج ۵ ص ۲۱۵)

مسئله ۳۸۴ ◀ (۴) و برای زن؛ ازار، لفافه و خمار (کفن کفایه). (الهدایه و
البنایه ج ۳ ص ۲۰۳ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۹۵ - الجوهره
النیره باب المیت - فتح القدیر ج ۲ ص ۱۱۵)

مسئله ۳۸۵ ◀ به خاطر اینکه کفن پخش نشود بسته می شود.
دلیل:

بخاطر حفظ کشف عورت. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۰۱ - البحر الرائق
ج ۲ ص ۱۸۳ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۹۵ - مجمع الانهر
ج ۱ ص ۱۷۸)



مسئله ۳۸۶ ◀ نماز جنازه فرض کفایه می باشد.

دلیل:

رسول الله ﷺ بر نجاشی نماز خواندند. (مسند امام احمد ج ۵ ص ۶۰۸ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۸۸ - سنن الصغری للنسائی ج ۴ ص ۳۷۳ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۹۱)

فرض کفایه بودن آن به اجماع امت ثابت است. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۵۵۵ - شرح النووی علی المسلم ج ۷ ص ۱۹)

مسئله ۳۸۷ ◀ (۱) تعریف فرض کفایه: یعنی فرضی که بر گردن همه ی مسلمانان است ولی اگر چند نفر از آنان آن را انجام دهند، از گردن همه ی آن ها ساقط می شود و اگر کسی انجام ندهد، همه گناه کارند.

مسئله ۳۸۸ ◀ (۲) طریقه ی نماز جنازه:

(۱) نیت نماز جنازه. (۲) تکبیر تحریمه (دست ها را مانند سائر نمازهای دیگر بالا برده می شود). (۳) سبحانک. (۴) تکبیر (الله اکبر) (۵) صلوات. (۶) تکبیر. (۷) دعاء. (۸) تکبیر. (۹) سلام.

دلیل:

رسول الله ﷺ در نماز جنازه گاهی چهار و یا پنج یا شش یا هفت یا هشت تکبیر می گفتند و وقتی خبر وفات نجاشی آمد، با صحابه رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ بر وی نماز خواندند و در آن نماز چهار تکبیر گفتند و بعد از آن، در

طول حیات خود، بر چهار تکبیر ثابت بودند. (تلخیص الحبیر
ج ۲ ص ۱۰۱ - سبل السلام ج ۲ ص ۷۲۱ - نصب الراية باب الجنائز -
نیل الاوطار ج ۴ ص ۸۹ - عمدہ القاری ج ۸ ص ۱۱۵)

رسول الله ﷺ: وقتی بر میت نماز می خوانید با اخلاص برای وی دعاء
کنید. (سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۹۶ - صحیح ابن حبان ج ۴ ذکر الأمر
لمن صلی علی میت أن یُخلَصَ له الدُّعاء - سنن الکبری للبیهقی
ج ۵ ص ۳۷۰ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۸۰)

در نیت بگوید: برای الله جلّ و علا می خوانم و دعاء برای این میت. (رد
المختار ج ۱ ص ۴۳۲ - البنايه ج ۳ ص ۲۱۵)

مسئله ۳۸۹ ◀ همه ی این ها ایستاده انجام می شود.

مسئله ۳۹۰ ◀ (۳) در نماز جنازه قرائت قرآن نیست.

دلیل:

از صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (حضرات عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و
ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) و از تابعین (عطاء و طاووس و سعید بن مسیب و ابن
سیرین و ابن جبیر و الشعبی و حکم رحمه الله عليهم اجمعین) بر
کسی که در نماز جنازه قرائت می کرد انکار می کردند و خودشان نیز
نمی خواندند. (البنايه و الهدايه ج ۳ ص ۲۱۵ - عمدہ القاری
ج ۸ ص ۱۳۹)

مسئله ۳۹۱ ◀ (۴) دعای نماز جنازه:

اگر میت (مرده) فرد بالغ باشد، این دعاء خوانده می شود:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا، وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا وَ صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا، وَ ذَكَرْنَا وَ أَنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتُهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَ مَنْ تَوَفَّيْتُهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ. برحمتك يا ارحم الراحمين. (سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۹۸ - مسند امام احمد ج ۳ ص ۵۸ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۳ - صحيح ابن حبان ج ۴ باب ذکر ما يدعو المرء به فى الصلاة على الجنائز - سنن الكبرى للبيهقى ج ۵ ص ۳۷۲ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۸۰ - المستدرک على الصحيحین ج ۱ ص ۵۱۰ - مسند امام ابی حنيفة ج ۱ ص ۲۵۰)

ای الله جَلَّالَهُ؛ ببخش و مورد غرقان قرار ده کسانی از ما را که زنده اند و کسانی را که مرده اند و کسانی را که حاضر هستند و کسانی را که غائب هستند و مردان ما را و زنان ما را و ای الله جَلَّالَهُ؛ هر آن کس را که از ما زنده می گردانی (به دنیا می آید) بر راه اسلام قرار ده و هر آن کس از ما را که می میرانی آن را بر ایمان قرار ده. قبول کن دعای ما را بخاطر رحمتت ای رحم کننده ترین رحم کننده ها.

مسئله ۳۹۲ ◀ (۵) و اگر میت فرد نابالغ باشد، این دعاء خوانده می شود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَ اجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَ مُشَفَّعًا برحمتك يا ارحم الراحمين. (عون المعبود شرح سنن ابی داود

ج ۸ ص ۴۹۶ - البحر الرائق شرح كنز الدقائق ج ۲ ص ۱۸۳ - شرح
الوقايه على القارى كتاب الصلاة - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۸۲

و اگر دختر نابالغ بود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا فَرْطًا وَ اجْعَلْهَا لَنَا أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ اجْعَلْهَا لَنَا شَافِعًا وَ
مُشَفَّعًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای الله تعالی؛ (این میّت نابالغ را) برای ما فرط (کسی که پیش از
کاروان و جلوتر از آن ها می رود، تا در رسیدن کاروان کار آن ها را
روبراه کند، به آن فرط گویند) در آخرت بگردان و آن را برای ما اجر و
ذخیره برای آخرت بگردان و آن را برای ما شفاعت کننده (شافع:
کسی که نزد دیگری می خواهد که تقصیرات تو را ببخشد) بگردان و
شفاعت وی را قبول کن؛ قبول کن دعای ما را بخاطر رحمتت ای
رحم کننده ترین رحم کننده ها.

مسئله ۳۹۳ ◀ جایگاه امام در برابر سینه ی میّت می باشد. (این کار از
مستحبات می باشد). (المبسوط السرخسی ج ۲ ص ۵۸)
دلیل:

زیرا قلب مکان ایمان است و با این کار اشاره بر ایمان وی می شود.
(البحر الرائق ج ۲ ص ۱۸۳ - حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح
ج ۱ ص ۳۰۵ - الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۲۴)

مسئله ۳۹۴ ◀ برای امامت اوّل حاکم احقّ است. (حقّ به سلطان می رسد).



دلیل:

حضرت حسین رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به سعید بن العاص رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در جنازه ی حضرت حسن رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفتند: امامت کن که اگر سنت نبود تو را نمی گذاشتم امامت کنی. (سعید بن العاص امیر (حاکم) بود). (سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۴۴ - تلخیص الحیر ج ۲ ص ۱۰۱ - سیر اعلام النبلاء ج ۴ ص ۳۷۷)

مسئله ۳۹۵ ◀ بعد از حاکم، امام جماعت میّت بر امامت احقّ می باشد.

دلیل:

وقتی حضرت عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شهید شدند حضرت عثمان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خواستند بر جنازه ی وی امامت کنند. در این حال صهیب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به آن ها گفتند: عقب بایستید که من بیشتر از شما برای نماز فرائض حضرت عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ امامت کرده ام (من اولی هستم) و امامت کردند. (المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۹۸)

مسئله ۳۹۶ ◀ بعد از آن ولیّ میّت (ترتیب میّت بر اساس ترتیب عصبات است. عصبه کسی که بعد از اصحاب فرض از میّت ارث می گیرد و ترتیب آن ها اوّل جزء میت (پسر، پسرِ پسر میّت) بعد اصل میّت (پدر میّت و پدر پدر میّت) بعد جزء پدر میّت (عموهای میّت) بعد جزء جد میّت (عموهای پدر بزرگ میّت)).

مسئله ۳۹۷ ◀ و اگر به کسی دیگر برای امامت اجازه داده شود جائز است.



دلیل:

زیرا تقدّم و امامت حقّ ولیّ است؛ پس حقّ دارد دیگری را نیز تقدیم کند. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۲۲۸ - فتح القدیر ج ۲ ص ۱۲۰)

مسئله ۳۹۸ ◀ اگر کسانی غیر از ولیّ بر میّت نماز بخوانند، ولیّ این حقّ را دارد که نماز جنازه را دوباره بخواند.

دلیل:

زیرا این نماز حقّ اولیاء میّت می باشد. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۲۱۱ - فتح القدیر ج ۲ ص ۱۲۰)

مسئله ۳۹۹ ◀ بعد از خواندن ولیّ بر میّت، کس دیگری حقّ خواندن نماز جنازه را بر آن میّت ندارد.

دلیل:

زیرا فرض با خواندن ولیّ انجام شد و نفل کردن به نماز جنازه نیز غیر مشروع است. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۲۱۱ - مراقی الفلاح شرح نور الايضاح ج ۱ ص ۳۰۵ - الجوهرة النيرة کتاب الصلاة - غرر الحکام باب الجنائز)

مسئله ۴۰۰ ◀ اگر کسی را بدون اینکه بر وی نماز جنازه بخوانند دفن کنند، مادامی که گمان این نرود که وی ریخته (گوشت و پوست وی) باشد، بر قبر وی نماز خوانده می شود.

دلیل:



رسول الله ﷺ بر (قبرستان) بقیع وارد شدند و قبر تازه ای را دیدند و پرسیدند این قبر چه کسی است؟ صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ گفتند: قبر فلانی است. پس حضرت ﷺ وی را شناختند و گفتند: چرا به من خبر ندادید؟ گفتند: شما خواب بودید و روزه دار و ما دلمان نیامد شما را اذیت کنیم. حضرت ﷺ فرمودند: دیگر این کار را نکنید. بنیم کسی از شما بمیرد و مرا خبر نکرده باشید؛ زیرا نماز من بر وی رحمت است. بعد پیش قبر رفتند و ما (صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ) نیز پشت سر ایشان صف کشیدیم و حضرت ﷺ با چهار تکبیر بر آن قبر نماز خواندند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۸۹ - المسند الجامع باب یزید بن ثابت - عمدة القاری ج ۴ ص ۲۲۹ - مسند امام احمد ج ۵ ص ۵۲۶ و ج ۴ ذکر الخبر الدالّ علی أن العلة فی صلاة المصطفی)

مسئله ۴۰۱ ◀ نماز جنازه در حال سواره بودن جائز نیست.

دلیل:

زیرا نماز جنازه از بعضی جهات مانند نمازهای دیگر می باشد مانند وجود تحریمه و.... (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۲۲۷ - البحر الرائق ج ۲ ص ۱۸۳ - حاشیة الطحطاوی ج ۱ ص ۶۰ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۸۲)

مسئله ۴۰۲ ◀ خواندن نماز جنازه در مسجد مکروه است.

دلیل:



رسول الله ﷺ: هر کس بر میت در مسجد نماز بگذارد چیزی (از ثواب) برای وی نیست. (سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۷۸ - مسند امام احمد ج ۳ ص ۳۰۱ - السنن الصغری للبيهقي بابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ فِي الْمَسْجِدِ - مسند الطيالسی ج ۲ ص ۶۵۵)

صالح رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گوید: کسانی را که رسول الله ﷺ و ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را دیده بودند را دیدم که اگر راهی نمی یافتند جز اینکه در مسجد بر میت نماز بخوانند، نماز نخوانده و آنجا را ترک می کردند. (مسند الطيالسی ج ۲ ص ۶۵۵)

مسئله ۴۰۳ ◀ اگر میت را بیرون مسجد گذاشته شود و مردم در داخل بایستند، مشائخ در کراهت این کار اختلاف کرده اند (بعضی از علماء گویند باز هم مکروه است و بعض دیگر گویند که کراهت ندارد).
دلیل:

زیرا ممکن است که مکروه بودن نماز جنازه در مسجد بخاطر این باشد که ممکن است به وسیله ی میت مسجد ملوث (نجس) شود و به همین خاطر اگر میت بیرون گذاشته شود، کراهت برداشته می شود و اگر دلیل کراهت نفس نماز خواندن باشد، با بیرون گذاشته شدن نیز کراهت برداشته نمی شود. (الهدایة و البنایه ج ۳ ص ۲۳۱)

مسئله ۴۰۴ ◀ ۶) کیفیت حمل (بردن) میت:



اگر چهار نفر باشند و تو یکی از آن ها باشی اول گوشه ی جلوی تابوت را بر دوش سمت راست بگذار و بعد گوشه ی عقب آن را بر همان طرفت بگذار و بعد گوشه ی جلوی آن را بر دوش سمت چپ بگذار و بعد گوشه ی عقب آن را بر دوش سمت چپ بگذار (یعنی این کار را به صورت دورانی و هر گوشه ای را که گرفته می شود، ده قدم برداشته شود).

دلیل:

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه: این کار (از چهار گوشه ی تابوت گرفتن) از سنت است. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۷۴ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۲۵ - مصنف ابن ابی شیبۀ ج ۳ ص ۱۶۸ - مسند الطیالسی ج ۱ ص ۱۶۹ - مسند الامام ابی حنیفۀ ج ۱ ص ۲۵۰)

مسئله ۴۰۵ ◀ در بردن میت تسریع کرده شود ولی نباید یورغه رفت (با لرزش راه رفتن و تکان خوردن).

دلیل:

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه: از رسول الله صلی الله علیه و آله در باره ی چگونگی بردن جنازه پرسیدیم؛ حضرت صلی الله علیه و آله جواب دادند: به حدّ خیب نرسد (یعنی سریع بروید ولی به حدّ تکان خوردن میت نرسد)؛ زیرا اگر میت از نیکان باشد وی را زودتر به جای نیکش رسانده اید و اگر از بدان باشد پس زودتر از هول (صدمات) دوزخ دور شده اید. (مسند امام احمد



ج ۱ ص ۶۵۰ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۵۰ - سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۷۰ -
 سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۳۰ - مسند ابی یعلی ج ۹ ص ۸۷ - نیل
 الأوطار شرح منتقى الأخبار ج ۴ ص ۱۰۳ - كنز العمال ج ۱ ص ۳۱۷۵ -
 تلخیص الحبیر فی أحادیث الرافعی الكبير ج ۲ ص ۱۰۱)

مسئله ۴۰۶ ◀ راه رفتن در پس جنازه مستحب است (وقتی میت را می برند
 و شما نیز می خواهید بروید، پس مستحب است که عقب تر از میت
 حرکت کنید).

دلیل:

رسول الله ﷺ: جنازه متبوع است نه تابع. (مسند امام احمد ج ۱ ص ۶۵۰ -
 سنن الترمذی ج ۴ ص ۵۰ - سنن ابی داود ج ۸ ص ۴۷۰ - سنن
 الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۳۰ - مسند ابی یعلی ج ۹ ص ۸۷ - نیل
 الأوطار شرح منتقى الأخبار ج ۴ ص ۱۰۳ - كنز العمال ج ۱ ص ۳۱۷۵ -
 تلخیص الحبیر فی أحادیث الرافعی الكبير ج ۲ ص ۱۰۱)

مسئله ۴۰۷ ◀ (۷) نشستن قبل از اینکه جنازه گذاشته شود مکروه است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: وقتی دنبال جنازه ای می روید، قبل از گذاشته شدن
 میت بر زمین ننشینید. (مسند امام احمد ج ۳ ص ۴۲۷ - سنن ابی داود
 ج ۸ ص ۴۵۷ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۳۷ - مسند ابی یعلی
 ج ۲ ص ۳۸۸)



مسئله ۴۰۸ ◀ ۸) قبر را لحد کرده شود (لحد: گود کردن قبر به سمت قبله).
دلیل:

رسول الله ﷺ: لحد برای ما (مسلمانان) و پاره کردن زمین برای دیگران است. (مسند امام احمد ج ۵ ص ۴۷۹ - سنن الترمذی ج ۴ ص ۹۸ - سنن ابی داود ج ۹ ص ۲۵ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۲۷۹ - سنن النسائی الصغری ج ۴ ص ۳۸۴ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۹۶)

مسئله ۴۰۹ ◀ ۹) و میّت را از طرف قبله داخل قبر گذاشته می شود.
دلیل:

رسول الله ﷺ به داخل قبری رفتند و میّت را از طرف قبله وارد قبر کردند. (سنن الترمذی ج ۴ ص ۱۱۴ - نیل الاوطار ج ۴ ص ۱۲۵ - نصب الراية باب الجنائز)

مسئله ۴۱۰ ◀ و کسی که میّت را در قبر می گذارد بگوید: «بسم الله و علي ملة رسول الله» (با نام الله جلّ و علا تو را می گذارم و به دین محمد ﷺ می سپارم).

دلیل:

رسول الله ﷺ وقتی میّت را در قبر می گذاشتند این کلمات را می گفتند و به گفتن آن امر می کردند. (المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۲۰ - صحیح ابن حبان ج ۴ ذکر ما یقول المرء إذا أراد أن یدلّی أخاه فی حفرته نسأل الله بركة ذلك الوقت - مسند امام احمد



بن حنبل ج ۲ ص ۱۰۶ - المسند الجامع باب الجنائز - الاوسط ابن المنذر باب ذكر التسمية عند وضع الميت في القبر - مسند ابي يعلى ج ۱۰ ص ۱۲۹ - سنن النسائي الكبرى ج ۶ ص ۲۶۸

مسئله ۴۱۱ ◀ و میت را به راست خوابانده و رویش را به طرف قبله گردانده می شود.

دلیل:

رسول الله ﷺ گناهان کبیره را شمردند و نام بردند که یکی از آن ها تعرض به بیت الله الحرام بود و فرمودند: استحلال (بی حرمتی) قبله ی زندگان و مردگان یکی از آن ها می باشد. (سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۲۸۱ - جامع المسانيد و المراسيل ج ۳ ص ۳۶۹ - المستدرک علی الصحيحين ج ۱ ص ۱۲۷ - سنن ابي داود ج ۸ ص ۷۷)

مسئله ۴۱۲ ◀ و اگر کفن بسته شده بود آن را باز کرده می شود.

دلیل:

رسول الله ﷺ به سمره رَضِيَ اللهُ عَنْهَا امر کردند تا عقود کفن را از پسرش که فوت شده بود باز کند. (سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۲۷۸ - مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح ج ۱ ص ۳۰۵)

زیرا دیگر خوف انتشار کفن نیست. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۲۵۴)

مسئله ۴۱۳ ◀ و با خشت خام یا نی روی لحد چیده می شود.

دلیل:



زیرا برای حضرت رسول الله ﷺ از خشت خام استفاده کردند.
 (المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۱۵ - مسند البزار ج ۳ ص ۳۰۹ -
 صحیح ابن حبان ج ۶ ص ۱۶۹ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۸ ص ۵۶۷ -
 مسند الإمام أحمد ج ۱ ص ۲۷۵)

و نیز روایت شده است که دسته ای از نی نیز استفاده شده است.
 (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۲۱۴)

مسئله ۴۱۴ ◀ و روی آن خاک ریخته می شود.

مسئله ۴۱۵ ◀ روی قبر را مانند کوهان شتر درست کرده می شود.

دلیل:

کسانی که قبر رسول الله ﷺ را دیده اند خبر دادند که قبر ایشان
 مسنم (مثل کوهان شتر) بوده است و مسطح نبوده است و همچنین
 قبر حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه. (صحیح البخاری
 ج ۱ ص ۴۶۷ - مشکاة المصابیح ج ۱ ص ۴۷۲ - الهدایه و البنايه
 ج ۳ ص ۲۵۹ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۲۱۵ - نصب الرايه با
 الجنائز)

مسئله ۴۱۶ ◀ آداب خاک ریختن بر قبر:

خاک بیشتر از آنچه که از کندن قبر خارج شده باشد ریخته نشود.
 (البنايه و الهدایه ج ۳ ص ۲۵۷)



خاک قبری را بر قبر دیگر حمل کرده نشود. (البنایه و الهدایه ج ۳ ص ۲۵۷)

آداب و رسوم مشروع، برای میت و چگونگی احوال

میت پس از مرگ:

مسئله ۴۱۷ ◀ مستحب است که حاضران برای دفن میت هر کدام با دو دست خود سه بار خاک بر قبر بریزند؛ زیرا رسول الله ﷺ این کار را انجام داده اند. (سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۸۴ - الجوهرة النيرة باب الجنائز)

مسئله ۴۱۸ ◀ بوسیدن میت جائز است و همچنین گریه کردن بر میت؛ زیرا رسول الله ﷺ عثمان بن مظعون رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را بوسیدند در حالی که ایشان گریان بودند. (سنن الترمذی ج ۴ ص ۲۵ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۱۳ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۱۳ - مشکاة المصابیح ج ۱ ص ۴۵۵)

مسئله ۴۱۹ ◀ حرمت میت مانند حرمت وی در حال حیات می باشد. رسول الله ﷺ: شکستن استخوان میت مانند شکستن آن در حال حیات وی است. (مسند امام احمد ج ۷ ص ۱۵۲ - سنن ابی داود ج ۹ ص ۲۴ - صحیح ابن حبان ج ۴ ذکر الإخبار عَمَّا يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْءِ مِنْ



تحفظ أذى الموتى ولا سيما في أجسادهم - سنن الكبرى للبيهقي
ج ۵ ص ۴۰۷)

از حضرت عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: من داخل می شدم به اتاقی که در آن رسول
الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پدرم دفن شده بودند در حالی که پوشش خود کنار گذاشته
بودم و می گفتم که اینان شوهر من و پدرم هستند (به همین خاطر
حجابی را رعایت می کردم که وقتی زنده بودند پیش آن ها رعایت
می کردم) و وقتی عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دفن شدند به الله جَلَّ جَلَالُهُ قسم که بر آن
بیت وارد نشدم مگر اینکه حجاب خود را بخاطر حیاء از عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
کامل پوشیده بودم. (مسند امام احمد ج ۷ ص ۲۸۸ - مجمع الزوائد
ج ۸ ص ۵۷ - المستدرک علی الصحيحین ج ۳ ص ۶۳ - مشکاه
المصابیح ج ۱ ص ۴۹۱)

مالک بن انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: به من چنین رسیده است که ارواح مؤمنان به
حال خود گذاشته شده هستند و هر جا که می خواهند می روند. (احیاء
علوم الدین ج ۴ ص ۴۳۴ - تنقیح القول الحثیث بشرح لباب الحديث
الباب الثامن و الثلاثون فی فضیلة ذکر القبر و أحواله - تفسیر آلوسی
ذیل آیه ۸۵ سوره ی بنی اسرائیل - شرح الصدور بشرح حال الموتی و
اهل القبور ج ۱ ص ۲۳۲)

و حضرت فاطمه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا بنت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبر عموی خود حضرت
حمزه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را هر جمعه زیارت می کردند و بر سر قبر گریه می کردند.



(السنن الصغرى للبيهقى با زیارة القبور - المستدرک على الصحیحین
ج ۱ ص ۵۳۲ - نیل الاوطار ج ۴ ص ۱۵۲ - تلخیص الحبر فی أحادیث
الرافعی الكبير ج ۲ ص ۱۰۱)

رسول الله ﷺ: هر کس به زیارت من بیاید در حالی که قصد وی فقط
زیارت من باشد، پس بر من حقّ است که در روز قیامت شفیع وی
باشم. (مجمع الزوائد ج ۳ ص ۶۶۶ - کنز العمال ج ۱ ص ۲۴۵۳ - جامع
المسانید و المراسیل ج ۷ ص ۱۸۵ - معجم الطبرانی الأوسط حرف العين
اسمه عبدان - معجم الطبرانی الكبير ج ۱۲ ص ۲۹۱)

و گفته شده است، برای همیشه؛ روح - میت - قبر خود را در هر
جمعه زیارت می کند؛ به همین خاطر زیارت قبور در شب جمعه و روز
جمعه و صبح شنبه طبق آنچه که علماء ذکر کرده اند مستحبّ است.
(التذکره فی أحوال الموتی قرطبی باب ما جاء أن أرواح الشهداء فی
الجنة دون أرواح غیرهم - فتاوی ابن حجر الهیثمی ج ۲ ص ۲ -
مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل ج ۳ ص ۳ - حاشیة الصاوی علی
الشرح الصغیر ج ۱ ص ۵۴۲)

رسول الله ﷺ: میت شخصی را که در دنیا با وی آشنا بوده اگر به وی
سلام دهد می شناسد و جواب سلام وی را می دهد. (عمدة القاری
ج ۸ ص ۶۷ - مرقاة المفاتیح ج ۴ ص ۲۵۴ - حاشیة الطحطاوی علی مراقی
الفلاح ج ۱ ص ۳۰۵)



از رسول الله ﷺ: همانا اعمال شما بر خویشاوندانتان که مرده اند عرض کرده می شود؛ اگر خیر باشد بر آن حمد الله ﷻ گویند و اگر غیر این باشد، گویند: بار الها اینان را نمیران تا وقتی که هدایتشان کنی همچنان که ما را هدایت کردی. (کنز العمال ج ۱ ص ۳۲۵ - الفتح الكبير ج ۱ ص ۲۹۲ - جامع المسانید و المراسیل ج ۲ ص ۲۱۷ - مسند امام احمد ج ۳ ص ۶۴۳ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۷۳)

از رسول الله ﷺ: وقتی زمان مرگ مؤمنی برسد، فرشتگان رحمت با ابریشمی سفید بر وی وارد شوند و گویند: خارج شو از جسد در حالی که راضی هستی و راضی کرده ای به سوی روح و ریحان - نعمت الهی - بدون غضب. پس جان مؤمن مانند بهترین مشک - با بهترین عطر - بیرون شود تا اینکه جان وی را فرشتگان دست به دست کنند تا اینکه به دروازه ی آسمان برسند. پس گویند - اهل السماء -: این چه بوی خوشی است که از زمین آمده است؛ پس وی را پیش ارواح مؤمنان ببرند؛ پس آنان از شادی شما در وقتی که غائبش بیاید شادترند - ارواح آن چنان شاد می شوند که انگار گمشده ی خود را پیدا کرده باشند، بلکه از آن هم شادترند - . پس - ارواح مؤمنان - از وی می پرسند: فلانی چه کار می کند؟ بعد گویند که او را به حالش بگذارید که وی در غم دنیا بوده است. در این حال وی گوید مگر فلانی پیش شما نیامده است؟ آنان گویند: پس وی به هاویه - جهنم -



رفته است و کافر وقتی مرگش حاضر شود فرشتگان عذاب پیشش می آیند و می گویند: خارج شو در حالی که غضب کرده شده ای به سوی عذاب الله ﷻ، پس جان وی با بدترین بوی خارج شود؛ پس با وی به دروازه ی زمین می روند؛ پس - اهل زمین - گویند که این چه بوی بدی است تا اینکه وی را پیش ارواح کفار برند. (سنن النسائی الصغری ج ۴ ص ۳۰۶ - نسائی الکبری ج ۱ ص ۶۰۳ - جامع المسانید و المراسیل ج ۱ ص ۱۹۵ - مشکاء المصابیح ج ۱ ص ۴۵۷ - الفتح الکبیر ج ۱ ص ۱۰۲ - المسند الجامع کتاب الجنائز - صحیح ابن حبان ج ۴ باب المریض و مايتعلق به)

رسول الله ﷺ: هر کس هنگام گذر بر مقابر سوره ی اخلاص را یازده بار بخواند و به اموات هدیه دهد، برای خواننده ی آن به عدد اموات ثواب داده می شود. (جامع المسانید و المراسیل ج ۷ ص ۳۸۹ - کنز العمال ج ۱ ص ۳۱۹۲ - فضائل سورة الإخلاص حسن الخلال - عمدة القاری ج ۳ ص ۱۱۴ - تحفه الأحوذی شرح سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۸۹ - مرقاة المفاتیح ج ۴ ص ۱۸۰ - مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح ج ۱ ص ۳۰۵ - الدر المختار شرح تنویر الأبصار ج ۲ ص ۲۰۴ - کنزالدقائق کتاب الحج باب الحج عن الغير)

رسول الله ﷺ: کفن های اموات خود را نیکو درست کنید؛ زیرا آنان (به خاطر کفنشان) با یکدیگر مباحات می کنند و همدیگر را در قبورشان



زیارت می کنند. (التذکره فی أحوال الموتی - شرح الصدور بشرح حال الموتی و اهل القبور ج ۱ ص ۱۹۲ - کنز العمال ج ۱ ص ۳۱۷۳)

از بریده رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (صحابی): رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما تعلیم می دادند که وقتی به مقابر می رویم (بگوئیم): «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ، وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْحِقْوَنَ، نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَ لَكُمْ الْعَافِيَةَ»

یعنی: سلام بر شما ای اهل دیار مؤمنان و مسلمانان. إِنْ شَاءَ اللَّهُ ما نیز به شما خواهیم پیوست. از الله جَلَّالَهُ برای خودمان و شما عافیت می طلبیم. (عافیه: بخشش - سلامتی). (مشکاة المصابیح ج ۱ ص ۴۸۸)

حضرت عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (صحابی) در مرض الموت بود که امور ذیل را وصیت کردند: وقتی من فوت نمودم، همراه من نوحه خوان و آتش نیاورید و وقتی مرا دفن کردید پس بر من خاک بریزید، سپس کنار قبر من بمانید به اندازه ی نحر (سر بریدن) شتران و تقسیم گوشت آنان تا با شما انس گیرم و بینم که به فرستادگان (منکر و نکیر) پروردگارم، چه جوابی می دهم. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۱۲)

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: میّت در قبر خود مانند کسی است که در حال غرق شدن می باشد که کمک می خواهد و منتظر دعائی از طرف پدر و مادر یا ولد و یا دوست مورد اطمینان است. پس وقتی این دعاء به وی برسد، پس - همین دعاء - از دنیا و آنچه در آن می باشد دوست تر و بهتر است و همانا الله جَلَّالَهُ بر اهل قبور، به سبب دعای اهل دنیا -



هدیه هایی - مانند کوه ها و هدیه ی زندگان را به مردگان می رساند،
و هدیه ی زندگان برای مردگان استغفار - طلب آمرزش - برای آن ها
و صدقه از طرف آن ها می باشد. (جامع المسانید و المراسیل
ج ۶ ص ۳۰۹ - لسان المیزان ج ۵ ص ۱۱۳ - میزان الاعتدال ج ۶ ص ۸۶ -
الفردوس بماثور الكتاب ج ۴ ص ۱۰۳)

سعد رضی الله عنه (صحابی) نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله،
همانا امّ سعد رضی الله عنه صدقه دادن و آزاد کردن را دوست می داشت؛ پس
آیا اگر من صدقه دهم یا که آزاد کنم برای وی اجری می باشد؟
حضرت صلی الله علیه و آله جواب دادند: بله. (سنن الکبری للبیهقی ج ۹ ص ۳۹۰)
وقتی خبر فوت جعفر رضی الله عنه را برای حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله آوردند
حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: برای آل جعفر غذا درست کنید؛ زیرا بر آنان
امری وارد شده است که آنان را مشغول خود می کند. (المستدرک
علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۲۷)

همانا عمران بن حصین رضی الله عنه (صحابی) وقتی اجلش نزدیک شد گفت:
وقتی من مردم پس بر شکم من دستاری ببندید و وقتی از (دفن)
برگشتید پس نحر (سر بریدن و ذبح کردن شتر) کنید و (به مردم)
اطعام کنید (غذا دهید). (مجمع الزوائد ج ۳ ص ۸۵ - معجم الطبرانی
الکبیر ج ۱۸ ص ۱۰۶)



از ابن عباس رضی اللہ عنہ: ارواح اموات در روز عید و جمعه و نیمه ی شعبان بر در خانه های خود می آیند و می گویند: آیا کسی نیست که ما را یاد کند؟ آیا کسی نیست که بر ما رحم کند؟ آیا کسی نیست که غربت ما را یاد کند؟ (تجهیز الجنائز ص ۱۶۴ چاپ دارالکتب النعمانیة کابل)

مستحب است که تا هفت روز از طرف میّت صدقه داده شود؛ به آن مقدار که وسع اولیاء میّت می رسد. (حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح ج ۱ ص ۳۰۵)

اگر ولی میّت طعامی برای فقراء بسازد و خیرات کند، حسن و نیکو است (اگر در ورثه وارث صغیر نباشد و اگر صغیر باشد، این کار از ترکه انجام نشود). (البحر الرائق شرح کنز الدقائق ج ۲ ص ۱۸۳ - مرقاء المفاتیح ج ۱۰ ص ۱۸۳ - حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح ج ۱ ص ۳۰۵ - حاشیة رد المحتار علی الدر المختار ج ۲ ص ۲۰۴)

ولی میّت از طرف میّت به مدت هفت روز صدقه دهد و اگر وسعش نرسد سه روز این کار را بکند و اگر وسعش نرسد یک روز این کار را بکند. (تجهیز الجنائز ص ۱۶۱ ناقلا عن المضمّرات و شرعہ الاسلام مخطوط تک جلدی ص ۳۹)
دلیل:

طاووس تابعی بزرگ و عمیر و مجاهد: مردگان در قبر خود تا هفت روز مفتون میشوند پس صحابه مستحب میداشتند در این ایام از طرف



میت اطعام کنند. (المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: ۸۵۲هـ) ص ۳۳۰ و أهوال القبور زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رج (المتوفی: ۷۹۵هـ) و این از مسائلی است که رأی را بدان دخالتی نیست و در حکم مرفوع است زیرا صحابه به رأی خود نمیتوانستند از غیب خبر دهند پس از رسول الله ﷺ شنیده اند.

مسئله ۴۲۰ ◀ سنت این است که ولیّ میّت قبل از تمام شدن شب اول قبر، از آنچه در وسع وی می باشد از طرف وی (میّت) صدقه دهد و اگر چیزی برای صدقه دادن نیافت پس دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد یک «آیه الكرسي» و ده «الهاکم التکاثر» بخواند و بعد از آن بگوید: بار الهاء، من این نماز را برای تو خواندم و خود می دانی که از آن چه منظوری دارم؛ پس ثواب این نماز را به قبر فلان کس برسان و الله تعالی اجری بسیار و نور و درجه و شفاعت تخصیص دهد. (تجهیز الجنازة ص ۱۶۱ ناقلاً عن شرعة الاسلام)

رسول الله ﷺ وقتی از دفن میّتی برمی گشتند زن آن میّت کسی را پیش رسول الله ﷺ فرستاده بودند و ایشان را خبر دادند که برای آن ها طعامی ساخته است و رسول الله ﷺ دعوت وی را اجابت کردند و وقتی مشغول خوردن شدند اصحاب رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ دیدند که رسول الله ﷺ



لقمه را در دهانشان می چرخانند و فرمودند: می بینم که این گوشت گوسفندی است که بدون اجازه ی صاحب وی ذبح شده است و آن زن عذر خود را بیان داشتند؛ پس رسول الله ﷺ به وی گفتند که با این گوشت اسیران را طعام دهید. (مشکاة المصابیح ج ۳ ص ۳۱۲ - سنن ابی داود ج ۹ ص ۱۸۰ - سنن الکبری للبیهقی ج ۸ ص ۲۴۰ - سنن الدارقطنی ج ۴ ص ۱۸۹)

مسئله ۴۲۱ ◀ برای مکروه دانستن طعام از اهل میّت هیچ دلیل شرعی نیست؛ مگر اینکه حدیث جبر که می گوید: ما اتّخاذا طعام را از نیاخت (نوحه) می دانستیم که آن حدیث نیز با حدیث فوق الذکر معارض است (حدیث سابق که رسول الله ﷺ دعوت زن میّت را پذیرفتند). (حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح ج ۱ ص ۳۰۵) و آن کسی که از نیاخت می شمارد از صحابه رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ است و اینکه دعوت را قبول می کند رسول الله ﷺ می باشد (فافهم و لا تغفل و لا تأخذك العصبیه).

مسئله ۴۲۲ ◀ و آن که صدقه دادن را برای ریاء انجام می دهند و این که طعام دادن برای جشن مشروعیت دارد نه برای عزاء، از نظر دلائل شرعی به پیشیزی نمی ارزد؛ چون که احادیث نفع صدقه از طرف میّت بیشتر از آن است که شمرده شود و در هیچ یک از آن ها برای صدقه دادن وقت تعیین نکرده اند و از کسانی که می گویند این کار برای



رياء است مي پرسم: آيا قلب آنان را شكافتيد وديد كه آنان براي رياء اين كار را انجام مي دهند؟ (نعوذ بالله از چشم بستن و غيب گفتن).

و چه دليلي است بر مشروعيت آن در جشن نه در حزن؟ جواب آن اين است: هيچ دليل شرعي براي آن نيست.

رسول الله ﷺ: گريه كردن بدون سر و صدا از اخلاق انبياء است و نشانه ي دل رحم بودن و اگر همراه با سر و صدا باشد، آن از شيطان است. (صحيح البخاري ج ۱ ص ۴۳۱ - صحيح مسلم ج ۶ ص ۱۸۸ - مسند امام احمد ج ۱ ص ۶۱۸ - صحيح ابن حبان ج ۱ ص ۲۴۶ - سنن الكبرى للبيهقي ج ۵ ص ۴۳۷)

فصل ۲۰ - احكام شهيد

مسئله ۴۲۳ ◀ (۱) شهيدی كه شسته نمی شود و با خونس دفن می شود کسی است كه مسلمان بوده و به سنّ بلوغ رسیده باشد و از روی ظلم كشته شده باشد و در هنگام كشته شدن جنب نباشد و قبل از استفاده از امور دنيوی بميرد و به سبب اين قتل ديه واجب نشود بلکه قصاص واجب شود.



مسئله ۴۲۴ ◀ امور دنیوی مانند خوابیدن و غذا خوردن و آب و دواء و انتقال به چادر و یا انتقال از میدان جنگ در حالی که زنده است و یا به مدت وقت یک نماز به هوش باشد و یا به چیزی وصیت کند.

مسئله ۴۲۵ ◀ اگر کسی اینگونه به قتل برسد چیزهایی غیر از لباسش را کنده می شود (کفش و سلاح و ساعت و غیره) و لباس وی را کم یا زیاد کرده می شود تا به اندازه ی کفن مسنون برسد؛ یعنی اگر لباسش از کفن مسنون کم باشد به وی اضافه کرده می شود و اگر چیزهای بیشتری پوشیده باشد از وی کنده می شود. و این مقتول را غسل داده نمی شود و بر وی نماز خوانده و با همان خونش دفن کرده می شود. دلیل:

زیرا این شخص مانند شهداء احد می باشد و هر آن کس که در این معنی باشد شهید است نه غیر آنها. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۲۶۵ - تحفه الفقهاء ج ۱ ص ۲۵۵ - العنایة شرح الهدایة باب الشهید)

رسول الله ﷺ در باره ی شهداء احد فرمودند: آنان را در گلیم هایشان پیچید و با خونهایشان دفن کنید. (مسند امام احمد ج ۶ ص ۶۰۰ - نصب الرایة باب الشهید - بدائع لاصنائع ج ۱ ص ۴۸۰ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق باب الشهید)



رسول الله ﷺ در گروه های ده نفری از شهداء، بر شهداء احد نماز خواندند. (سنن الكبرى للبيهقي ج ۵ ص ۳۱۲ - نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار ج ۴ ص ۷۱ - عمدة القاری ج ۸ ص ۱۵۳)

مسئله ۴۲۶ ◀ اگر در شهر مقتولی پیدا شود و قاتل وی معلوم نباشد، پس آن شخص غسل داده می شود.

دلیل:

زیرا در این امر قسامه و دیه واجب می شود، پس در معنی شهید نخواهد بود. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۲۷۹ - البحر الرائق شرح كنز الدقائق ج ۲ ص ۲۱۱ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق باب الشهيد - غرر الحکام باب الشهيد)

مسئله ۴۲۷ ◀ و همچنین است حکم کسی که مجروح شود و از امور دنیوی نفع ببرد و بعد بمیرد.

دلیل:

زیرا با استفاده از امور دنیوی اثر ظلم کمتر می شود؛ پس در معنی شهداء احد وارد نمی شوند. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۲۷۵ - الجوهرة النيرة باب الشهيد - كنز الدقائق باب الشهيد - فتح القدير ج ۲ ص ۱۵۲)



مسئله ۴۲۸ ◀ اگر شخصی بخاطر خروج بر علیه حاکم مسلمان کشته شود و یا راهزن باشد و در این راه کشته شود، پس آن شخص را غسل داده شود ولی نماز خوانده نمی شود.
دلیل:

زیرا حضرت علی رضی الله عنه بر باغیان نماز نخواندند و کسی نیز این کار را بر وی انکار نکرد. (البحر الرائق شرح كنز الدقائق ج ۲ ص ۲۱۱ - الهدایة و البناية ج ۳ ص ۲۸۰ - نصب الراية باب الشهيد)

مسئله ۴۲۹ ◀ اگر کسی خود کشی کند، پس غسل داده شده و نماز خوانده شود؛ زیرا وی از اهل الكبائر یعنی کسانی که گناه کبیره دارند می باشند نه اهل بغی و حدیثی که در آن آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله نماز نخواندند به این معنی است که خودشان نخواندند و به دیگری امر کردند تا بخواند. (شرح الیاس ج ۱ ص ۲۴۴)

فصل ۲۱ - نماز خوف

مسئله ۴۳۰ ◀ در میدان جنگ که دو گروه مسلمانان و کفار برابر هم باشند و هر آن احتمال برخورد باشد و در این حین وقت نماز فرا برسد، امام سپاه را به دو گروه تقسیم کند؛ اگر نماز دو رکعتی باشد، گروهی را به طرف دشمن قرار دهد و با گروه دیگر یک رکعت نماز بخواند و اگر از دو رکعت بیشتر باشد پس با گروه اول دو رکعت بخواند و این گروه

که با امام نماز خوانده است در اینجا جایشان را با گروه دوم عوض کند و گروه دوم آمده و با امام نماز بخوانند و نماز خود را بدون قرائت تمام کنند و گروه اول برگشته به همراه قرائت نماز خود را تمام کنند.

دلیل:

به آنچه که در آیه ی ۱۰۲ سوره ی نساء آمده نزدیکتر می باشد.

مسئله ۴۳۱ ◀ اگر خوف تشدید جنگ شود، نماز را سواره و فرادی و با ایماء به هر سو که قدرت توجه داشت خوانده شود.

دلیل:

زیرا نماز در حالت سواره در غیر از خوف نیز جائز است؛ مثلاً اگر کسی سوار بر مرکبی باشد و باران در حال باریدن باشد و جائی خشک برای نماز نباشد، پس بر وی جائز است که رو به قبله کرده و با ایماء نماز بخواند و اگر بر توجه به سوی قبله قادر نباشد به جهت قدرتش توجه کند و بخواند و این در حق نماز فرض می باشد. (شرح الیاس ج ۱ ص ۲۴۷ - عمدة القاری ج ۴ ص ۱۳۴ - حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح)

مسئله ۴۳۲ ◀ در مسئله ی اتوبوس؛ اول باید از راننده خواسته شود تا برای نماز نگه دارد و اگر نگه نداشت، عذر ثابت خواهد شد و اگر از راننده خواسته نشود معذور نیست و حق خواندن ندارد.



مسئله ۴۳۳ ◀ اگر در حین نماز مبارزه کند و یا راه برود و یا سوار چیزی شود، نماز وی باطل می شود.

دلیل:

زیرا این اعمال، عمل کثیر می باشند. (شرح الیاس ج ۱ ص ۲۴۷)

فصل ۲۲ - احکام نماز خواندن در کعبه

مسئله ۴۳۴ ◀ نماز (فرض و غیره) خواندن در داخل کعبه جائز می باشد گرچه پشت مقتدی به پشت امام خود باشد. (هر یک از امام و مقتدی به جهتی غیر از هم استقبال کرده باشند).

دلیل:

زیرا رسول الله ﷺ در روز فتح مکه در داخل کعبه نماز خواندند. (صحیح مسلم ج ۹ ص ۷۴ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۳۳۰ - تلخیص الحبیر فی أحادیث الرافعی الکبیر ج ۱ ص ۲۱۳ - معجم الطبرانی الکبیر ج ۱ ص ۳۴۳)

مسئله ۴۳۵ ◀ اگر پشت مقتدی به طرف صورت امام باشد جائز نیست.

زیرا هر یک از آن ها مستقبل قبله هستند. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۲۸۵)

مسئله ۴۳۶ ◀ نماز خواندن روی پشت بام کعبه مکروه است.

دلیل:



رسول الله ﷺ: از نماز خواندن در هفت مکان نهی کردند: (۱) مکانی که در آن اشغال ریخته می شود. (۲) کشتارگاه ها. (۳) مقابر. (۴) سر راه. (۵) در حمام. (۶) مکان خواب شتران. (۷) بر بالای بیت الله. (سنن الترمذی ج ۲ ص ۲۸۳ - منتخب عبد بن حمید ج ۱ ص ۲۴۶ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۴۰ - نیل الأوطار شرح منتقى الأخبار ج ۲ ص ۱۲۵ - مسند الرویانی حدیث عبدالله بن عمر)

مسئله ۴۳۷ ◀ اگر نماز گزاران به دور کعبه بایستند و نماز بخوانند و به امام اقتداء کنند و مقتدیان از امام به کعبه نزدیکتر باشند این عمل اشکالی ندارد؛ مگر اینکه در سمت امام باشند که در این صورت اگر از امام به کعبه نزدیکتر باشند، نماز ایشان فاسد می شود.

دلیل:

زیرا کسی که در سمت امام باشد و به قبله نزدیک باشد بر امام مقدم می شود و این امر مفسد نماز وی می باشد و اگر در غیر سمت امام باشد، مقدم بر امام محسوب نمی شود. (شرح الیاس ج ۱ ص ۲۴۹)

تقدم و تأخر وقتی معلوم می شود که در یک سمت باشند. (الهدایة و البناية ج ۲ ص ۲۸۵ - الجوهرة النيرة باب الصلاة فی الکعبة - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۱۰۲ - فتح القدیر ج ۲ ص ۱۶۰)





کتاب زکات

شرایط وجوب زکات از اموال:

- مسئله ۱ < ۱) مالک اموال آزاد (حر) باشد.
- مسئله ۲ < ۲) مسلمان باشد.
- مسئله ۳ < ۳) بالغ باشد.
- مسئله ۴ < ۴) مالک تامّ الاختیار اموال باشد.
- مسئله ۵ < ۵) از صاحب شدن و حصول آن مال یک سال قمری سپری شود.
- مسئله ۶ < ۶) مال نامی (رشد کننده) باشد.
- مسئله ۷ < ۷) مال به نصاب برسد.
- مسئله ۸ < ۸) بعد از کسر حاجت اصلی به نصاب برسد.
- مسئله ۹ < ۹) مال مشغول به بدهی نباشد (بدهی که طلبکار آن بنده باشد نه الله جلّ و علا).

ادله ی آن:

ترجمه ی آیه:! پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و به الله جلّ و علا تمسک جوید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب و چه یاور شایسته‌ای! (۷۸). [سوره ی الحج آیه ۷۸]

رسول الله ﷺ در آخرین حج خود (حجة الوداع) فرمودند: بدانید که بعد از من هیچ نبی نخواهد آمد و بعد از شما امتی نیز نخواهد بود.



پس الله ﷻ را عبادت کنید و نماز پنجگانه را بجای آورید و رمضان را روزه بگیرید و زکات اموال خود را با خوش دلی پردازید و اولی الامر خود را اطاعت و داخل بهشت شوید. (جامع المسانید و المراسیل ج ۱۷ ص ۱۲۷ - معجم الطبرانی ج ۸ ص ۱۵۴ - مسند الرویانی باب سیَّارٌ، وَمَكْحُولٌ، وَأَبُو طَالِبٍ، وَحَسَّانُ بْنُ عَطِيَّةَ، - مجمع الزوائد ج ۱ ص ۲۰۱ - صحیح ابن حبان ج ۵ ص ۳۲ - مسند احمد ج ۶ ص ۳۳۴).

رسول الله ﷺ: زکات بر شما فرض نشده است مگر برای حلال شدن باقی اموال خودتان... (الفتح الکبیر ج ۱ ص ۳۴۴ - جامع المسانید و المراسیل ج ۲ ص ۲۷۸ - مشکاه المصابیح ج ۱ ص ۴۹۵ - معجم ابن اعرابی حدیث الترقفی - تهذیب سنن ابی داود باب فی حقوق المال - سنن ابی داود ج ۵ ص ۸۱ - سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۴۷۲ - مسند ابی یعلی ج ۴ ص ۳۷۸ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۶۷ - مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۰۴).

وقتی رسول الله ﷺ معاذ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را به یمن فرستادند، فرمودند: آنان را به کلمه ی شهادت فرا خوان..... اگر اطاعت کردند پس به آن ها اعلام کن؛ الله ﷻ بر آنان زکات را فرض گردانیده است که از اغنیاء آنان گرفته می شود و به فقراء آنان داده می شود. (صحیح البخاری ج ۱ ص ۴۷۰ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۲۳ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۱۱۸ - مسند احمد ج ۱ ص ۳۸۶).

اسلام شرط است؛ زیرا زکات عبادت است برای رسیدن به ثواب و کافر اهل ثواب نیست. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۲۹۲).

از ابتدای اسلام تاکنون، اجماع امت بر فرضیت زکات منعقد است و کسی را که فرضیت آن را انکار کند کافر می دانند. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۲۹۰).

در اموال یتیم زکات نیست. (بر این اعتقاد هستند: عامر و جعفر از پدرش چنین روایت میکند و بر این قول هستند سفیان ثوری و عبدالله بن مبارک و عمرو بن شعيب). (مصنف ابن ابی شیبۀ ج ۳ ص ۴۲ - الاموال لابن زنجويه باب: مَنْ لَمْ يَرَ فِي أَمْوَالِ الْيَتَامَى زَكَاةً - سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۰).

یتیم در شرع: به طفل نابالغی که پدرش فوت شده باشد گفته می شود.

رسول الله ﷺ: از سه نفر قلم برداشته شده است. ۱) کسی که خواب باشد تا وقت بیدار شدن وی. ۲) از طفل تا رسیدن به سن بلوغ. ۳) از مجنون تا عاقل شدن وی. (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۳۲۴ - مسند احمد ج ۷ ص ۲۰۸ - سنن الکبری للبيهقي ج ۱۱ ص ۲۶۶ - سنن ابی داود ج ۱۲ ص ۷۲ - مسند ابی یعلی ج ۷ ص ۳۶۶).

برداشتن شدن: یعنی بر آن ها چیزی واجب نمی شود.



حضرت عثمان رضي الله عنه وقتی ماه رمضان می آمد به مردم می گفتند: این ماه، ماه زکات دادن است، پس اول بدهی های خود را اداء کنید و بعد از اموال باقی مانده ی خود زکات دهید. (السنن الکبری للبيهقي ج ۶ ص ۶۷ - موطا مالک ج ۲ ص ۱۰۵).

اموال نامی (اموال رشد کننده):

مسئله ۱۰ ◀ اموال با سه سبب نامی محسوب می شوند: (۱) ثمنیت (پول). (۲) سائمه (دامی که بیشتر سال را از صحرا تغذیه می کند). (۳) مال التجاره (اموال تجاری: مال یا اموالی که خرید و فروش می شوند و مالک آن از خرید یا فروش آن نیت تجارت کردن دارد). اگر یکی از شرائط فوق در کسی یا مال و یا اموالی نباشد، زکات واجب نمی شود در نتیجه:

مسئله ۱۱ ◀ از مال یا اموال مکاتب زکات واجب نیست. از رسول الله صلی الله علیه و آله: در اموال مکاتب تا وقت آزاد شدنش زکات نیست. (جامع المسانید و المراسیل ج ۶ ص ۱۸۵ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۹۳). از رسول الله صلی الله علیه و آله: در اموال کسی زکات نیست تا وقتی که یک سال از آن بگذرد. (سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۷۶).

مکاتب: بنده ای که با صاحب خود عقد کرده است که بهای خود را قسطی پرداخت کند به شرطی که اگر در سر موعد توانست آن را



پرداخت کند وی آزاد است و اگر نتوانست اداء کند، همان بنده باقی بماند.

مسئله ۱۲ ◀ اگر اموالی برای یک یا چندین سال مفقود شود، برای سال هایی که مفقود بوده است زکات واجب نیست. مانند مال یا اموال گمشده و یا طلبی که بدهکار آن را انکار کرده و طلبکار نیز برای طلب خود مدرکی ندارد و یا مانند مال یا اموالی که مصادره شده باشد. دلیل:

از حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ موقوفاً و مرفوعاً: در مال مفقود شده زکات نیست. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۰۶ - المبسوط للسرخی ج ۲ ص ۱۴۹ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۱۳ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق کتاب الزکاة).

موقوف: روایت شده از خود حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و مرفوع: روایت حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

مسئله ۱۳ ◀ نیت ادای زکات در وقت اداء زکات واجب است و می تواند هنگام جدا کردن زکات از اموال خود نیت ادای زکات کند که این نیز درست است.

دلیل:

زیرا زکات عبادت است و در عبادت نیت شرط است. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۱۲ - الجوهرة النيرة کتاب الزکاة - فتح القدير ج ۲ ص ۱۶۳).



مسئله ۱۴ ◀ اگر مال یا اموالی را کلاً صدقه دهد، در این صورت اگر نیت ادای زکات هم نکند، زکات آن اموال اداء می شود و از ذمه ی (گردن) شخص ساقط می شود.

دلیل:

زیرا زکات واجب در خود آن اموال می باشد و آن نیز اداء شده است. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۳۱۲ - مبسوط ج ۳ ص ۲۰ - البحر الرائق شرح کنز الدقائق ج ۲ ص ۲۱۶).

مسئله ۱۵ ◀ ۱- ثمنیت (چیزی که با آن خرید و فروش می شود): طلا و نقره از بدو خلقت برای ثمن بودن تعیین شده اند و چیزهای دیگر با تعیین آن شیء توسط مردم بعنوان ثمن، ثمن محسوب می شوند. در ثمن اگر قیمت آن به نصاب برسد از کمترین نصاب از نظر قیمت، پس در آن زکات واجب می شود و نیت تجارت نیز لازم نیست؛ زیرا پول برای تجارت و خرید می باشد. (تحفه الفقهاء ج ۱ ص ۲۶۳ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۵ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۴۲ - الدر المختار شرح تنویر الأبصار ج ۲ ص ۳۲۱ - غررالحکام باب زکاه الاموال - مجمع الانهر ج ۱ ص ۲۰۵).

مسئله ۱۶ ◀ انواع نصاب: ۱- نصاب نقره و ۲- نصاب طلا: پس کمترین نصاب یعنی هر کدام از این ها که قیمتش و ارزشش از دیگری کمتر باشد. مثلاً نصاب نقره ۱۴۰ مثقال که در حال حاضر قیمتش یک

ملیون و چهار صد هزار تومان می شود در حالیکه نصاب طلا بیست مثقال و قیمت آن در حال حاضر دو میلیون است. پس وقتی که قیمت پول یعنی ریال به یک میلیون و چهار صد هزار تومان برسد در آن زکات واجب می شود.

مسئله ۱۷ ◀ ۲- * مشتری: کسی که برای حج ثبت نام کرده است.

۱- سؤال: برای چه مسلمانان ایران به حساب سازمان حج پول واریز می کنند؟

جواب: برای اینکه با این کار خود را برای تشریف به حج ثبت نام کنند.

۲- سؤال: این چه نوع عقدی است؟

ج: این عقد اجاره می باشد. «هی بیع نفع معلوم بعوض کذا دین او عین». (مختصر الوقایه (النقایه ص ۱۱۰)) (اجاره بیع نفع است در مقابل عوض؛ مثلاً این مقدار پول در مقابل فلان کار) «الاجیر المشترك يستحق الاجر بعمله و له ان يعمل للعامة كالقصاره و نحوه» (اجیر مشترک وقتی که عمل را انجام داد مستحق اجر خواهد شد و وی می تواند برای همه کار کند و مثل سفید کردن پارچه و مانند آن) (۱۱۳ همان)).

۳- ولی این سازمان پولش را قبل از این که آنان را به حج ببرد می گیرد، آیا این اشکال ندارد؟



ج: خیر. زیرا می توان اجاره بها را پیش از تحویل مال الاجاره پرداخت کرد. «ولا تجب الاجر بالعقد بل بتعجيلها او شرطه او باستيفاءالنفع و التمكن منه» (با عقد اجاره اجر واجب نمی شود بلکه با از پیش پرداخت کردن آن و یا شرط اینکه از پیش دهد و یا با استیفای مال الاجاره یا قادر شدن بر استفاده از مال الاجاره واجب می شود) (همان ۱۱۰)).

۴- ولی این سازمان می گوید که این را به صورت امانی پیش بانک بگذارید و مشتری می تواند هر گاه که خواست پولش را پس بگیرد؟
ج: بله این مانند آن است که کسی بگوید من تو را به حج خواهم برد به شرطی که اجاره بها را پیش پیش پردازی تا تو را ارزان تر ببرم.
بالاخره این پول مال کیست جواب را روشتر توضیح بدهید؟

این پول از دست مشتری خارج شده است و مال وی محسوب نمی شود ولی اگر آن شخص بخواهد می تواند اجاره را قبل از شروع اجاره فسخ کند و در آن صورت پول به مشتری برمی گردد. پس مالک آن است و اگر سود آن را بگیرد بر وی حرام و باید زکات آن را بدهد ولی اگر آن پول را نگیرد معلوم است که پول مال سازمان حج بوده است و از ملک مشتری خارج است و به مشتری ربطی ندارد که آن سازمان با آن پول چه کار می کند. (بدا المکتری الدابه من سفره بخلاف بدا

المکاری (اجاره با پشیمان شدن مستأجر از سفرش فسخ می شود و با پشیمان شدن موجر فسخ نمی شود) (همان ۱۱۴).
و از آنجا که پس از واریز کردن، پول از ملک مشتری خارج می شود، پس زکات نیز بر گردن مشتری ثابت نیست.
در پایان این را باید یادآور شویم که اگر آن شخص پولش را پس بگیرد، معامله (عقد اجاره) فسخ می شود و نوبت وی باطل می شود و این خود دلیل بر عدم مالکیت بر آن پول می باشد.

انواع و اقسام زکات و مقدار آن و ذکر نصاب:

نصاب شتر و مقدار واجب در آن:

مسئله ۱۸ ◀ - از هر پنج (۵) نفر شتر سائمه تا نه (۹) نفر شتر، یک (۱) رأس گوسفند واجب می شود تا به بیست و پنج (۲۵) نفر شتر برسد. اگر شش (۶) نفر شتر باشد باز همان یک (۱) گوسفند می باشد و در نه (۹) نفر نیز همچنین است.

مسئله ۱۹ ◀ وقتی به ده (۱۰) نفر شتر برسد، دو (۲) رأس گوسفند واجب می شود و تا چهارده (۱۴) نفر شتر به همین صورت است.

مسئله ۲۰ ◀ وقتی به پانزده (۱۵) شتر رسید، سه (۳) رأس گوسفند واجب می شود و تا نوزده (۱۹) نفر شتر همینطور است.

مسئله ۲۱ ◀ وقتی به بیست (۲۰) شتر رسید، تا بیست و چهار (۲۴) نفر شتر نیز چهار (۴) رأس گوسفند واجب است.



مسئله ۲۲ ◀ وقتی به بیست و پنج (۲۵) نفر شتر رسید، از آن یک (۱) نفر بنت مخاض (شتر یک ساله) واجب می شود. از بیست و پنج تا سی و پنج نفر شتر نیز همین واجب است.

مسئله ۲۳ ◀ وقتی به سی و شش (۳۶) نفر رسید، یک (۱) نفر بنت لبون (شتر دو ساله) واجب می شود. از سی و شش (۳۶) تا چهل و پنج (۴۵) نفر شتر همین واجب است.

مسئله ۲۴ ◀ وقتی به چهل و شش (۴۶) نفر رسید، یک (۱) نفر حقه (شتر سه ساله) واجب می شود. از چهل و شش (۴۶) تا شصت (۶۰) نفر شتر همین واجب است.

مسئله ۲۵ ◀ وقتی به شصت و یک (۶۱) نفر رسید، یک (۱) نفر جذعه (شتر چهار ساله) واجب می شود. از شصت و یک (۶۱) نفر شتر تا هفتاد و پنج (۷۵) نفر همین واجب است.

مسئله ۲۶ ◀ وقتی به هفتاد و شش (۷۶) نفر رسید، دو (۲) نفر بنت لبون واجب می شود. و از هفتاد و شش (۷۶) تا نود (۹۰) نفر همین واجب است.

مسئله ۲۷ ◀ وقتی به نود و یک (۹۱) نفر شتر رسید، دو (۲) حقه واجب می شود. از نود و یک (۹۱) نفر تا صد و بیست (۱۲۰) نفر همین واجب است یعنی دو (۲) حقه.

مسئله ۲۸ ◀ بعد از صد و بیست (۱۲۰) نفر شتر، از هر پنج (۵) نفر شتر، یک (۱) رأس گوسفند واجب است بعلاوه ی آنچه در صد و بیست (۱۲۰) واجب شده بود؛ یعنی به اضافه ی دو (۲) حقه تا ۱۴۴ نفر شتر.

مسئله ۲۹ ◀ و بعد از صد و بیست (۱۲۰)، به بیست و پنج (۲۵) نفر رسید یک (۱) بنت مخاض به زکات اضافه کرده شود تا صد و چهل و نه (۱۴۹)؛ یعنی یک بنت مخاض به اضافه ی دو حقه که برای ۱۲۰ واجب می شد.

مسئله ۳۰ ◀ و وقتی به صد و پنجاه (۱۵۰) نفر رسید، سه (۳) حقه واجب می شود.

مسئله ۳۱ ◀ بعد از صد و پنجاه (۱۵۰) مانند آنچه در اول اداء می کرده شروع کند؛ یعنی در هر پنج (۵) نفر شتر بعد از صد و پنجاه (۱۵۰) نفر شتر، یک (۱) رأس گوسفند دهد. پس در هر چهل و شش (۴۶) تا پنجاه (۵۰) نفر شتر مازاد بر صد و پنجاه (۱۵۰) نفر شتر یک حقه اضافه دهد.

سائمه: یعنی حیواناتی که بیشتر سال را از بیرون تغذیه کنند و از دست صاحبش نخورند؛ یعنی بیشتر سال را با چرا کردن در بیرون و بدون اینکه مخارج تغذیه بر صاحبش تحمیل کند، زندگی می کند.

ردیف	تعداد شترها	نوع شتر	زکات واجب
------	-------------	---------	-----------



۱	از ۵ تا ۹	سائمه	۱ رأس گوسفند
۲	از ۱۰ تا ۱۴	سائمه	۲ رأس گوسفند
۳	از ۱۵ تا ۱۹	سائمه	۳ رأس گوسفند
۴	از ۲۰ تا ۲۴	سائمه	۴ رأس گوسفند
۵	از ۲۵ تا ۳۵	سائمه	۱ نفر بنت مخاض (شتر ۱ ساله)
۶	از ۳۶ تا ۴۵	سائمه	۱ نفر بنت لبون (شتر ۲ ساله)
۷	از ۴۶ تا ۶۰	سائمه	۱ نفر حقه (شتر ۳ ساله)
۸	از ۶۱ تا ۷۵	سائمه	۱ نفر جذعه (شتر ۴ ساله)
۹	از ۷۶ تا ۹۰	سائمه	۲ نفر بنت بون
۱۰	از ۹۱ تا ۱۲۰	سائمه	۲ نفر حقه
۱۱	از ۱۲۵ نفر شتر تا ۱۲۹ نفر شتر	سائمه	دو حقه و یک گوسفند
۱۲	۱۳۰ تا ۱۳۴	سائمه	دو حقه و دو گوسفند

۱۳	۱۳۵ تا ۱۳۹	سائمه	دو حقه و سه گوسفند
۱۴	۱۴۰ تا ۱۴۴	سائمه	دو حقه و چهار گوسفند
۱۵	۱۴۵ تا ۱۴۹	سائمه	دو حقه و یک بنت مخاض
۱۶	۱۵۰ تا ۱۵۴	سائمه	سه حقه
۱۷	۱۵۵ تا ۱۵۹	سائمه	سه حقه و یک گوسفند
۱۸	و همینطور مانند ترتیب ردیف اول ادامه داده می شود		

دلیل:

رسول الله ﷺ به عاملان صدقه (مأموران جمع آوری زکات) چنین نوشته اند و حضرات ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بر این عمل کرده اند. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۱۷ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۵ - مسند ابی یعلی ج ۹ ص ۳۵۹ - مسند احمد ج ۲ ص ۸۳).



نصاب گاو و مقدار واجب در آن:

مسئله ۳۲ ◀ از هر سی (۳۰) رأس گاو سائمه، یک (۱) رأس گاو یک ساله واجب می شود. (نر و ماده فرق نمی کند).

مسئله ۳۳ ◀ و از هر چهل (۴۰) رأس گاو، یک (۱) رأس گاو دو ساله (نر و ماده فرق نمی کند).

مسئله ۳۴ ◀ وقتی از چهل (۴۰) رأس بیشتر شود، تا رسیدن به شصت (۶۰) رأس، به حساب گاو دو ساله به زکات اضافه کرده شود؛ یعنی اگر شخصی چهل و پنج (۴۵) رأس گاو سائمه داشته باشد پس برای چهل (۴۰) رأس باید یک گاو دو ساله بدهد و برای پنج (۵) رأس دیگر، پنج چهلم گاو دو ساله را اضافه دهد.

مسئله ۳۵ ◀ وقتی به شصت (۶۰) رأس برسد، دو (۲) رأس گاو یک ساله دهد.

مسئله ۳۶ ◀ بعد از شصت (۶۰) رأس، از هر سی (۳۰) رأس گاو، یک (۱) رأس گاو یک ساله اضافه کند و از هر چهل (۴۰) رأس، یک (۱) گاو دو ساله اضافه کند. و بخاطر فیما بین مقسوم سی (۳۰) و چهل (۴۰) چیزی داده نمی شود؛ مثلاً در شصت و پنج (۶۵) همان دو (۲) رأس را که برای شصت (۶۰) رأس اداء می کرد، اداء کند و برای پنج (۵) مازاد بر شصت (۶۰) چیزی واجب نیست.



مقسوم سی (۳۰) و چهل (۴۰) به این صورت خواهد بود که؛ مثلاً در هفتاد (۷۰) رأس گاو یک بار سی (۳۰) عدد گاو و یک بار چهل (۴۰) عدد گاو وجود دارد، پس در هفتاد (۷۰) تا هفتاد و نه (۷۹) رأس، یک رأس گاو یک ساله و یک رأس گاو دو ساله واجب می شود. و در هشتاد (۸۰) که دو بار چهل (۴۰) عدد گاو وجود دارد، دو (۲) رأس گاو دو ساله واجب می شود.

ردیف	تعداد گاو ها	نوع گاو ها	زکات واجب شده
۱	۳۰ رأس	سائمه	۱ رأس گاو ۱ ساله
۲	۴۰ رأس	سائمه	۱ رأس گاو ۲ ساله
۳	از ۴۰ تا ۶۰	سائمه	برای ۴۰ رأس ۱ رأس گاو ۲ ساله + برای هر رأس گاو بیشتر، یک چهل گاو ۲ ساله
۴	۶۰ رأس	سائمه	۲ رأس گاو ۱ ساله
۵	بعد از ۶۰ رأس	سائمه	برای هر ۳۰ رأس گاو بیشتر، ۱ رأس گاو ۱ ساله اضافه شود. و برای هر ۴۰ رأس گاو بیشتر، ۱



رأس گاو ۲ ساله اضافه شود.			
یکبار برای ۳۰ رأس، ۱ گاو ۱ ساله یکبار برای ۴۰ رأس، ۱ گاو ۲ ساله	سائمه	۷۰ رأس (مقسوم ۳۰ و ۴۰)	۶

دلیل:

از معاذ بن جبل رضی الله عنه: وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستادند، این چنین دستور دادند. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۲۲ - سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۵۰۵ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۱۱۲).

نصاب گوسفند و بز و مقدار واجب در آن ها:

مسئله ۳۷ ◀ در چهل (۴۰) رأس گوسفند سائمه، یک رأس گوسفند واجب می شود.

مسئله ۳۸ ◀ در چهل (۴۰) رأس بز سائمه نیز یک رأس بز واجب می شود.

مسئله ۳۹ ◀ و تا صد و بیست (۱۲۰) رأس از آن ها همین زکات واجب است. (یعنی فی ما بین چهل (۴۰) تا صد و بیست (۱۲۰) گوسفند یا بز نیز همین یک رأس واجب می باشد).



مسئله ۴۰ ◀ در صد و بیست و یک (۱۲۱) رأس از آن ها، دو (۲) رأس واجب است.

مسئله ۴۱ ◀ و از صد و بیست و یک (۱۲۱) رأس تا دویست (۲۰۰) رأس از آن ها همین زکات واجب است (یعنی دو رأس).

مسئله ۴۲ ◀ وقتی به دویست و یک (۲۰۱) رأس برسد، سه (۳) رأس از آن ها واجب می شود و تا سیصد و نود و نه (۳۹۹) رأس همین زکات واجب است.

مسئله ۴۳ ◀ وقتی به چهار صد (۴۰۰) رأس برسد، چهار رأس از آن ها واجب می شود.

مسئله ۴۴ ◀ و بعد از چهار صد (۴۰۰) رأس، در هر صد (۱۰۰) رأس که اضافه می شود یک (۱) رأس به زکات اضافه کرده می شود. یعنی در پانصد (۵۰۰) رأس، پنج (۵) رأس و در ششصد (۶۰۰) رأس، شش (۶) رأس واجب می شود.

ردیف	تعداد گوسفند و بز	نوع	زکات واجب شده
۱	از ۴۰ تا ۱۲۰	سائمه	۱ رأس گوسفند متوسط



۲	از ۱۲۱ تا ۲۰۰	سائمه	۲ رأس
۳	از ۲۰۱ تا ۳۹۹	سائمه	۳ رأس
۴	۴۰۰	سائمه	۴ رأس
۵	بیشتر از ۴۰۰	سائمه	در هر ۱۰۰ رأس، ۱ رأس اضافه می شود (مثلاً در ۵۰۰، ۵ رأس و در ۶۰۰، ۶ رأس)

دلیل:

حضرت ابوبکر رضی الله عنه به انس رضی الله عنه چنین نوشت و گفت: این زکاتی است که رسول الله صلی الله علیه و آله برای گوسفند فرض گردانیده است. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۵۲۷ - صحیح ابن حبان ج ۴ ص ۱۵).

نصاب اسب و مقدار واجب در آن:

مسئله ۴۵ ◀ اگر قیمت اسب سائمه به نصاب زکات برسد، از هر اسب مادیان یا مختلط یک دینار و یا یک چهارم قیمت اسب واجب است.
دلیل:

از رسول الله ﷺ: در هر اسب سائمه یک دینار یا ده درهم واجب است.
(نصب الرأیه باب صدقه السوائم - الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۳۳۸ -
المبسوط ج ۲ ص ۱۸۶).

مسئله ۴۶ ◀ زکات این حیوانات وقتی واجب است که این حیوانات سائمه باشند؛ یعنی بیشتر سال را از بیرون تغذیه کنند و از دست صاحبش نخورند.
دلیل:

رسول الله ﷺ: در شتر و گاو عامل (حیوانی که از آن کار کشیده می شود مانند زراعت) زکات نیست. (السنن الصغری للبيهقي باب صدقه نعم السائمه - بلوغ المرام ج ۱ ص ۱۱۴ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۸۸).
و این نوع از حیوانات را علوفه داده می شده است.

مسئله ۴۷ ◀ در گوساله زکات نیست مگر اینکه همراه گاو باشد. همین طور است بره و بزغاله و بچه شتر؛ یعنی زکات نیست مگر اینکه همراه این ها از جنس بزرگ آن موجود باشد که در این صورت زکات واجب خواهد شد. (اگر به نصاب برسد).
دلیل:

زیرا شریعت در مورد اداء زکات حیوانات نوع بزرگ آن ها یعنی از لحاظ سنی رسیده را واجب گردانده است. پس وقتی همه کوچک هستند، در بین آن ها نوعی که مورد نظر شرع باشد وجود ندارد، پس



زکات نیز واجب نمی شود مگر اینکه بین این ها یک حیوان بزرگ باشد که در این صورت از روی تابعیت زکات واجب می شود. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۳۴۵).

در عرف، مردم به بچه ی هر حیوان نامی می دهند؛ مثلاً بره برای بچه گوسفند و گوساله به بچه گاو پس منظور شرع این است که وقتی به حدی رسید که به آن نام خود حیوان را می دهند، زکات واجب می شود. مثلاً وقتی گوساله گاو شد و بره گوسفند شد.

مسئله ۴۸ ◀ برای ادای واجب از این حیوانات، حیوان میانه واجب است. مثلاً شخصی چهل گوسفند داشته باشد. اگر بخواهد که زکاتش را بدهد باید گوسفندی را بدهد که از لحاظ ارزش در بین گوسفندان میانه باشد؛ مثلاً گوسفندی داریم که دویست هزار تومان است و گوسفندی نیز داریم که چهارصد هزار تومان باشد و گوسفندی هم داریم که سیصد هزار تومان ارزش دارد، پس واجبش همان گوسفند سیصد هزار تومانی می باشد.

مسئله ۴۹ ◀ اگر بین گوسفندهای مزکی (زکات دهنده) گوسفند میانه وجود نداشته باشد، پس خوب را گرفته و ما به التفاوت آن را به مزکی برگردانده شود و یا گوسفند پست را گرفته و ما به التفاوت آن را از مزکی بگیرد.

دلیل:

رسول الله ﷺ: بهترین اموال مردم را به عنوان زکات نگیرید بلکه
میانه را بگیرید. (کنز العمال ج ۱ ص ۱۲۳۹ - جامع المسانید و المراسیل
ج ۸ ص ۱۹۳).

نصاب طلا:

مسئله ۵۰ ◀ وقتی طلا به بیست مثقال برسد، زکات واجب در آن، یک
چهلیم آن بیست مثقال خواهد بود (یعنی از بیست مثقال نیم مثقال).
دلیل:

رسول الله ﷺ: ... وقتی طلا به بیست دینار برسد و بر آن یک سال
بگذرد، پس در آن نیم مثقال طلا به عنوان زکات واجب است. (سنن
ابی داود ج ۴ ص ۴۴۷ - نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار ج ۴ ص ۱۸۶ -
نصب الراية فصل فی الذهب).
دینار: سکه ی طلا که وزن آن یک مثقال می باشد.

نصاب نقره:

مسئله ۵۱ ◀ وقتی نقره به صد و چهل مثقال برسد، زکات واجب در آن
یک چهلیم آن صد و چهل مثقال خواهد بود (یعنی سه و نیم مثقال).
یعنی از هر دویست (۲۰۰) درهم، پنج (۵) درهم.
درهم: سکه ی نقره که وزن هر ده (۱۰) درهم، هفت مثقال می باشد.



مسئله ۵۲ ◀ و از هر یک پنجم که به نصاب اولیه اضافه شود، همان مقدار (یک پنجم زکات اولیه) به زکات اضافه کرده می شود؛ یعنی نصاب اولیه در طلا که همان بیست مثقال می باشد اگر چهار مثقال اضافه شود یا کسی بیست و چهار مثقال طلا داشته باشد، پس زکات واجب در آن نیم مثقال به اضافه ی یک پنجم نیم مثقال می باشد. در نقره نیز همین گونه است.

دلیل:

رسول الله ﷺ به معاذ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمودند تا از کسور آن ها زکات نگیرد. (سنن الکبری للبیهقی ج ۶ ص ۳۷).

رسول الله ﷺ: زکات نیست تا وقتی که نقره به پنج اواق (معادل دویست درهم) نرسد. وقتی به پنج اواق رسید در آن پنج درهم واجب است و بعد از این، از هر چهل درهم یک درهم به زکات اضافه کرده می شود. (سنن الدارمی ج ۱ ص ۳۸۳ - صحیح ابن حبان ج ۶ ص ۱۴۰ - جامع المسانید و المراسیل ج ۴ ص ۱۶).

مسئله ۵۳ ◀ طلا و نقره، شمش باشد یا که مستعمل (مصنوع) فرقی ندارد، مقدار نصاب و مقدار واجب همان می باشد.

مصنوع: اشیاء ساخته شده از طلا و نقره.

دلیل:

زیرا وجوب زکات بخاطر مال نامی می باشد و طلا و نقره در اصل خلقت برای تجارت ساخته شده اند. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۳۷۸).

مسئله ۵۴ ◀ در طلا و نقره، هر فلزی که غالب باشد به حساب همان فلز می باشد؛ یعنی اگر طلا و نقره مخلوط باشند، اگر طلا غالب باشد، آن شیء طلا محسوب می شود و اگر نقره غالب باشد پس نقره محسوب می شود.

مسئله ۵۵ ◀ اگر ناخالصی بر طلا یا نقره غالب باشد، پس بر آن شیء قیمت گذاشته می شود. اگر قیمتش به نصاب برسد در آن صورت در آن زکات واجب خواهد بود.

ناخالصی یعنی فلزی غیر از طلا و نقره .

دلیل:

زیرا نمی توان از نقره و طلا اشیائی ساخت مگر اینکه به آن فلز دیگری اضافه شود، پس اعتبار در اینجا به غالبیت فلز می باشد. (الهدایه و البنایه ج ۳ ص ۳۷۳ - حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح ج ۱ ص ۳۸۸ - حاشیه رد المحتار علی الدر المختار ج ۲ ص ۳۲۱ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۱۱۰).

مسئله ۵۶ ◀ در اشیائی غیر از موارد ذکر شده زکات نیست مگر اینکه با آن اشیاء قصد تجارت داشته باشد.

دلیل:



از سمره رضی اللہ عنہا (صحابی): رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به ما امر می کردند تا زکات اشیائی را که برای بیع گذاشته بودیم اداء کنیم. (سنن الکبری للبیہقی ج ۴ ص ۱۴۷ - المسند الجامع ج ۷ ص ۵۳ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۳۶۲ - الدراية فی تخریج احادیث الهدایة ج ۱ ص ۲۶۰).

مسئله ۵۷ ◀ و نیت تجارت در وقت مالک شدن آن شیء وجود داشته باشد.
مسئله ۵۸ ◀ اگر به شخصی ارثی برسد و وی در هنگام مالک شدن آن ارث نیت تجارت کند، نیت وی معتبر نبوده و ارث وی مال التجاره محسوب نمی شود.

مسئله ۵۹ ◀ وقتی قیمت مال التجاره به نصاب برسد، واجب است که یک چهلیم آن را زکات دهد.

مسئله ۶۰ ◀ * در زکات و صدقه ی فطریه و کفارت و عشر و نذر می توان قیمت آن چیز را پرداخت کرد؛ مثلاً اگر بر گردن کسی گوسفند واجب شده باشد، می تواند قیمت گوسفند را بدهد.

مسئله ۶۱ ◀ * اگر بر اموال کسی یک سال گذشته باشد و قبل از ادای زکات آن قسمتی از آن اموال هلاک شود، به مقدار اموال هلاک شده از زکات کم کرده می شود.

مسئله ۶۲ ◀ **زکات در نصاب می باشد نه در عفو:** مثلاً شخصی چهل شتر داشته باشد و بر آن یک سال گذشته باشد، زکات واجب در آن همان زکات واجب در سی و شش شتر می باشد؛ یعنی یک بنت

لبون. پس آن شخص زکات سی و شش شتر را اداء کرده است و برای چهار شتر دیگر سهمی از زکات پرداختی تعلق نگرفته است. پس اگر از آن چهل شتر، پانزده نفر آن هلاک شوند در این صورت یک بنت مخاض (زکات واجب در بیست و پنج) بر وی واجب می شود نه بیست و پنج چهل بنت لبون.

در چهل شتر اگر بر آن یکسال بگذرد یک بنت لبون واجب میشود حال اگر ۱۵ نفر هلاک شوند در این صورت زکات باقی مانده را می دهیم نه اینکه بگوییم در چهل یک بنت لبون بود پس با هلاک ۱۵ شتر همین سهم را از بنت لبون کم کنیم!!!

مسئله ۶۳ ◀ * اموال اضافه شده در میان سال به همجنسش اضافه کرده می شود و از همان سال مالی قبلی محسوب می شود. یعنی به طور مثال شخصی در روز عید قربان بیست مثقال طلا به دست آورده باشد، حال ابتدای سال مالی وی همان روز عید قربان سال آینده خواهد بود و اگر آن شخص قبل از سررسید عید قربان آینده صاحب طلای دیگری هم بشود، طوری که در آخر سال جمع طلای وی به چهل برسد، پس وی باید زکات همان چهل مثقال را بدهد.

مسئله ۶۴ ◀ * اگر شخصی طلا و نقره را با هم داشته باشد، طلا را به نقره اضافه کند تا به این وسیله نصاب زکات کامل شود.



مثلاً شخصی ده مثقال طلا و شصت مثقال نقره داشته باشد، قیمت طلا را به نقره اضافه کرده می شود؛ اگر قیمت آن ده مثقال طلا معادل هشتاد مثقال نقره باشد، پس زکات نقره واجب می شود.

مسئله ۶۵ ◀ اگر اشیائی غیر از طلا و نقره داشته باشد (و آن اشیاء برای تجارت باشند)، پس قیمت آن ها را به طلا یا نقره ی خود اضافه کند تا نصاب کامل شود.

دلیل:

زیرا وجوب زکات در همه ی این اشیاء (طلا و نقره و غیر این ها) بخاطر تدارک دیده شدن آن ها برای تجارت می باشد. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۳۸۷ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۴۷ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۰۷).

مسئله ۶۶ ◀ * نقصان نصاب در اثناء سال هدر است؛ یعنی به وجوب زکات خللی وارد نمی کند. مثلاً شخصی اول سال بیست مثقال طلا داشته باشد و قبل از گذشتن یک سال، دو مثقال آن کم شود و بعد قبل از گذشتن همان سال طلاهای وی به بیست مثقال برسد، بر وی زکات واجب است.

دلیل:

زیرا در اعتبار کمال نصاب در طول سال حرج (سختی) می باشد؛ پس فقط در ابتداء لازم است برای انعقاد وجوب زکات و در آخر برای

وجوب ادای زکات. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۳۸۶ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۴۷ - الجوهرۃ النيرة ج ۱ ص ۴۷۹).

فصل: نصب عاشر (قرار دادن دولت اسلامی، کسی را برای گرفتن زکات تجار بر سر راه آن ها)

مسئله ۶۷ ◀ بر سر راهی که تجار از آن عبور می کنند، کسی را برای گرفتن زکات اموال تجار گمارده می شود.

مسئله ۶۸ ◀ پس آن شخص (عاشر) از تاجر مسلمان یک چهلیم اموال وی را به عنوان زکات بگیرد.

مسئله ۶۹ ◀ و از ذمی (غیر مسلمانی که در دار اسلام زندگی می کند) یک بیستم اموال وی را بگیرد.

دلیل:

رسول الله ﷺ بر اموال مسلمین یک چهلیم و از اموال اهل ذمه یک بیستم و از اموال اهل غیر ذمه یک دهم را فرض گردانیدند. (مجمع الزوائد ج ۳ ص ۲۱۳ - نصب الراية ج ۴ ص ۲۹۹ - المعجم الاوسط للطبرانی ج ۷ ص ۱۷۷).

این عمل را از هر تاجر در هر سال، یک بار انجام دهد.

مسئله ۷۰ ◀ اگر این دو (مسلمان و ذمی) بگویند که هنوز یک سال نشده است یا که بگویند مدیون هستند و یا بگویند به عاشری دیگر (که



وجود آن عاشر ثابت شده باشد) پرداخت کرده اند و یا بگویند که به فقیری آن را پرداخت کرده اند، پس به آن دو قَسَم دهد (برای ادّعی خود قسم یاد کنند) و بعد از قسم ادّعی آنان قبول کرده می شود. دلیل:

زیرا این تاجر منکر وجوب زکات بر وی می باشد و قول، قول منکر است با قسم یاد کردن وی. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۹۱).

مسئله ۷۱ ◀ در زکات حیوانات سائمه اگر بگویند به فقیر داده اند، تصدیق کرده نمی شود و باید از آن ها زکات گرفته شود. دلیل:

زیرا اخذ زکات حق سلطان است و در این کار ابطال حق وی می باشد. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۹۲ - العنایة شرح الهدایة ج ۲ ص ۱۳۰ - بدائع الصنائع ج ۴ ص ۱۰۵ - فتح القدير ج ۴ ص ۱۰۹).

مسئله ۷۲ ◀ از حربی (کافری که در کشوری غیر مسلمان زندگی می کند) یک دهم اموال وی گرفته می شود. این در صورتی است که معلوم نباشد کشور متبوع وی چه مقدار از تاجران ما می گیرند. دلیل:

رسول الله ﷺ بر اموال مسلمین یک چهلیم و از اموال اهل ذمه یک بیستم و از اموال اهل غیر ذمه یک دهم را فرض گردانیدند. (مجمع

الزوائد ج ۳ ص ۲۱۳ - نصب الراية ج ۴ ص ۲۹۹ - المعجم الاوسط للطبرانی ج ۷ ص ۱۷۷).

مسئله ۷۳ ◀ اگر معلوم باشد که آن ها از تاجران ما چه مقدار می گیرند، پس عاشر همان مقدار از تجّار آنان بگیرد.

مسئله ۷۴ ◀ اگر کشور متبوع وی همه اموال تجّار ما را بگیرد، عاشر نباید از تجار آن ها همه ی اموالشان را بگیرد.

مسئله ۷۵ ◀ اگر کشور متبوع وی چیزی از تجّار ما نگیرد، پس عاشر نیز نباید از تجار آنان چیزی بگیرد.

دلیل:

زیرا گرفتن از آن ها به طریقه ی مجازات می باشد. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۹۷). (مجازات: جزای مقابل دادن).

مسئله ۷۶ ◀ از خمر ذمی عشر گرفته می شود.

مسئله ۷۷ ◀ از خوک ذمی چیزی گرفته نمی شود.

دلیل:

زیرا قیمت اشیاء ذوات قیم در حکم خود آن اشیاء می باشد و خوک از این قبیل (ذوات قیم) می باشد و قیمت اشیاء ذوات الأمثال مانند آن نیست و خمر از این قبیل (ذوات الامثال) می باشد. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۳۹۹ - البحر الرائق شرح كنز الدقائق ج ۶ ص ۲۸ - دررالحکام شرح غرر الاحکام ج ۲ ص ۳۶۸).



ذوات امثال: اشیائی که مانند خود آن شیء یافت شود مانند چیزهائی که به لیتر یا کیلو فروخته می شوند؛ مانند شیر و غیر این ها.
ذوات قیمی: اشیائی که مانند خود آن شیء یافت نمی شود مانند حیوانات که نمی توان گفت که یکی از این ها مانند دیگری در همه چیز مساوی است.

مسئله ۷۸ ◀ از امانت نیز چیزی گرفته نمی شود.

دلیل:

زیرا امانت دار اجازه ی ادای زکات امانت را ندارد. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۰۰ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۱۲).

مسئله ۷۹ ◀ حربی اگر به دار خود برگردد و دوباره به دار اسلام وارد شود، پس دوباره از وی عشر گرفته می شود.

دلیل:

زیرا وی با امان نامه ی جدیدی برگشته است و أخذ عشر از وی موجب هلاک کل مال وی نخواهد شد. (الهدایة البنايه ج ۳ ص ۳۹۸ - درالحکام شرح غرر الاحکام ج ۲ ص ۳۶۷).

مطلب خمس:

مسئله ۸۰ ◀ اگر شخصی معدن طلا یا مانند آن را در زمین های خراجی یا عشری پیدا کند، پس از آن خمس (یک پنجم آن معدن) واجب می شود و الباقی آن اگر زمین مالک نداشته باشد، به شخص می رسد. دلیل:

رسول الله ﷺ: ... در معدن خمس واجب است. (المعجم الكبير للطبرانی ج ۱۷ ص ۱۴ - صحيح ابن خزيمة ج ۴ ص ۴۶ - السنن الصغرى للبيهقي ج ۱ ص ۳۷۴ - المستدرک على الصحيحين ج ۵ ص ۴۸۴).

مردی گنجی پیدا کرد و پیش حضرت علی رضی الله عنه برد و حضرت علی رضی الله عنه نیز خمس آن را گرفتند و باقی آن را به یابنده دادند و به رسول الله ﷺ خبر دادند و رسول الله ﷺ آن را تأیید کردند. (نصب الراية ج ۲ ص ۳۸۲).

مسئله ۸۱ ◀ و اگر در ملک کسی باشد، باقی آن به مالک زمین می رسد. دلیل:

زیرا صاحب زمین، صاحب ظاهر و باطن آن می باشد. (شرح الیاس ج ۱ ص ۲۷۴).

مسئله ۸۲ ◀ اگر در حیاط خود شخص معدن یافت شود، پس در آن هیچ چیز واجب نیست و کل آن متعلق خود شخص خواهد بود.



دلیل:

همچنان که برای حیاط شخص عشر و خراج نیست، پس خمس نیز واجب نیست. (الهدایة البنایه ج ۳ ص ۴۰۸ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۵۳).
مسئله ۸۳ ◀ اگر در زمین متعلق به خودش یافت شود پس در این مسئله در یک روایت آمده است که خمس واجب نیست.

دلیل:

زیرا معدن از اجزاء زمین می باشد و همچنان که در اجزاء دیگر زمین خمس نیست پس در این جزء نیز خمس نیست. (البحر الرائق ج ۶ ص ۳۶).

مسئله ۸۴ ◀ و در روایتی دیگر آمده است که در آن خمس واجب است.

دلیل:

همچنان که در زمین عشر یا خراج واجب می شود پس خمس نیز واجب می شود. (الهدایة البنایه ج ۳ ص ۴۰۸ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۵۳).

مسئله ۸۵ ◀ در مروارید و عنبر و فیروزه ای که در کوه یافت می شود خمس واجب نیست.

دلیل:



عکرمه رضی اللہ عنہ: در مروارید و زمرد زکات نیست مگر اینکه برای تجارت باشد. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۴۳ - الدراية فی تخریج أحادیث الهدایة ج ۱ ص ۲۶۲ - نصب الراية ج ۴ ص ۲۴۷).

مسئله ۸۶ ◀ اگر گنج (دفینه) یافت شود، پس اگر در آن شیء یافته شده علامت اسلام باشد حکم آن حکم لقطه می باشد.
لقطه: اشیائی که شخصی گم کند و دیگری آن را بیابد مانند پول و غیر آن.

مسئله ۸۷ ◀ اگر در آن علامت کفر باشد پس از آن خمس واجب می شود و الباقی آن اگر زمین غیر مملوک باشد، به یابنده می رسد.
مسئله ۸۸ ◀ اگر در زمین مملوک کسی یافت شود، در این صورت به اولین مالک آن زمین به هنگام فتح آن سرزمین می رسد.
دلیل:

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: اگر آن را (شیء را) در منطقه ی مسکونی یا در بیراهه پیدا کنی پس بشناسان و اعلام کن (حکم لقطه را دارد) و اگر در خرابه ی جاهلی بیابی، پس در آن (گنج) و رکاز (اشیاء قیمتی که به طور طبیعی یافت می شود) خمس واجب است. (مسند حمیدی ج ۲ ص ۲۱۴ - المستدرک علی الصحیحین ج ۵ ص ۴۸۴ - کنز العمال ج ۱۵ ص ۱۸۴ - نصب الراية ج ۲ ص ۳۸۱)



مسئله ۸۹ ◀ اگر شخصی در دارحرب (سرزمین کفر) گنج یا معدن بیابد، کل آن به مستأمن (کسی که با اجازه ی آن کشور وارد آن کشور شده است) می رسد. (و خمس در آن واجب نیست).
دلیل:

زیرا آن شیء متعلق به کسی نبوده و مانند آن است که دزدی کرده باشد و در اموال دزدی خمس نیست. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۴۱۲ - العنایة شرح الهدایة ج ۳ ص ۱۵۶).

مسئله ۹۰ ◀ اگر در حیاط کسی (حربی) بیابد، باید آن را به مالکش برگرداند.
دلیل:

زیرا اگر آن را بردارد خیانت کرده است و رسول الله ﷺ فرموده است: برای هر خائنی در روز قیامت پرچمیست که با آن خیانتکار بودن وی شناخته می شود. (البنایة ج ۳ ص ۴۱۱ - المستدرک علی الصحیحین ج ۶ ص ۲۳۲ - شعب الایمان ج ۷ ص ۳۷۹ - کنز العمال ج ۳ ص ۵۱۷ - مسند الشاشی ج ۲ ص ۶۶).

مسئله ۹۱ ◀ اگر متاعی (کالایی) را در دار حرب و در مکانی غیر مملوک بیابد خمس واجب می شود و الباقی به یابنده تعلق می گیرد.



مطلب عشر:

مسئله ۹۲ ◀ اگر در کوهستان عسل بیابد یا که میوه، پس بر وی عشر (یک دهم) آن واجب می شود گرچه آن عسل یا میوه کم باشد باز عشر آن واجب است.

دلیل:

هلال رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از بنی متعان عشر عسل خود را به رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می آوردند. (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۱۲۶ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۴۰۲ - التلخیص الحبیر ج ۲ ص ۳۷۰ - الدراية فی تخریج احادیث الهدایة ج ۱ ص ۲۶۴).

مسئله ۹۳ ◀ همچنین در عسل زمین های عشری نیز عشر واجب می شود.

دلیل:

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اهل یمن چنین نوشتند که از اهل عسل (زنبورداران)، عشر آن ها را بگیرد. (الدراية فی تخریج احادیث الهدایة ج ۱ ص ۲۶۴ - الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۲۸).

مسئله ۹۴ ◀ اگر دیمی باشد یا اینکه به وسیله ی سیلاب آبیاری شود، در آن عشر واجب می شود.

مسئله ۹۵ ◀ اگر به وسیله ی موتور آب و مانند آن آبیاری شود، نصف عشر (یک بیستم) واجب می شود.



دلیل:

رسول الله ﷺ: در آنچه که به وسیله ی آسمان یا چشمه آبیاری می شود عشر فرض است و در آنچه که با نضح و سانیه آبیاری می شود نصف عشر (یک بیستم) فرض است. (صحیح البخاری ج ۵ ص ۴۹۰ - صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۱۷ - اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۷۹۰ و ۲۷۹۱).

ناضح (نضح): شتری که به وسیله ی آن آب بیرون آورده می شود. سانیه: آنچه از زرع و حیوان که به وسیله ی حیوان به آن ها آب داده می شود.

مسئله ۹۶ ◀ در هیزم، علف و نی عشر نیست.

دلیل:

زیرا مالکان زمین و باغ ها عادتاً نمی گذارند که این گیاهان برویند بلکه زمین را از آن ها پاک می کنند. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۴۲۴).

مسئله ۹۷ ◀ اگر کسی در زمین خود این اشیاء را بکارد، در آن عشر واجب است. (الهدایة و البنایة ج ۳ ص ۴۲۴).

مسئله ۹۸ ◀ در پرداخت عشر نباید خرج زراعت برداشته شود؛ یعنی از هر آنچه که از زمین خارج شود، از همان محصول عشر دهد.

دلیل:

زیرا رسول الله ﷺ با متفاوت شدن زحمت، مقدار عشر واجب شده را تغییر دادند و از یک دهم به یک بیستم کم کردند، پس برداشتن

مخارج آن زمین قبل از عشر بی معنی است و در این کار نادیده گرفتن واجب شرع می باشد. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۳۲ - البحر الرائق ج ۶ ص ۴۹ - الجامع الصغير و شرحه النافع الكبير ج ۱ ص ۱۳۱ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۲۰).

مسئله ۹۹ ◀ آب آسمان و چاه و چشمه، عشری محسوب می شوند.

دلیل:

رسول الله ﷺ: در آنچه که به وسیله ی آسمان یا چشمه آبیاری می شود عشر فرض است و در آنچه که با نضح و سانیه آبیاری می شود نصف عشر (یک بیستم) فرض است. (صحیح البخاری ج ۵ ص ۴۹۰ - صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۱۷ - اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۷۹۰ و ۲۷۹۱).

مسئله ۱۰۰ ◀ نهرهایی که عجم آن را حفر کرده باشند، آن زمین هایی که با آن ها آبیاری شود خراجی محسوب می شوند.

مسئله ۱۰۱ ◀ رودخانه های سیحون و جیحون و دجله و فرات در نظر امام

ابویوسف رَضِيَ اللهُ عَنْهُ خراجی محسوب می شوند و از نظر امام محمد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عشری هستند.

دلیل:

دلیل امام محمد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: وی می گوید زیرا این آب ها تحت حمایت کسی نیست، پس عشری هستند و امام ابویوسف رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گوید که بر روی آن ها به وسیله ی کشتی ها پل ها ساخته می شود، پس این



دلیل است که این آب ها مورد حمایتند (حامیان آن ها عجم می باشند)، پس خراجی هستند. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۴۰ - البحر الرائق ج ۶ ص ۵۶ - الجوهرة النيرة ج ۶ ص ۱۲۳ - بدائع الصنائع ج ۴ ص ۱۶۸).

مسئله ۱۰۲ ◀ سرزمین عرب و سرزمین هایی که اهل آن ها بدون جنگ مسلمان شده اند و سرزمین هایی که با جنگ تصرف شده و بین لشکر اسلام تقسیم شده باشند و سرزمین بصره همه عشری هستند.

مسئله ۱۰۳ ◀ سواد عراق (نام سرزمینی که وسعت آن از موصل تا آبادان و از عذیب تا حلوان می باشد) خراجی است.

مسئله ۱۰۴ ◀ سرزمین هایی که تصرف شده و مالکان زمین را به حال خود باقی گذاشته اند، خراجی است.

مسئله ۱۰۵ ◀ سرزمین هایی که با اسلام مصالحه کرده باشند نیز خراجی می باشند.

مسئله ۱۰۶ ◀ خراج دو گونه می باشد:

۱- خراج مقاسمه: خراجی که حاصل زراعت را تقسیم کرده می شود؛ مانند اینکه ربع یا نصف وضع شود.

۲- خراج مؤظف: مانند آنچه که حضرت عمر رضی الله عنه بر اهل سواد وضع کردند؛ برای هر جریب زمین که به آب دسترسی دارد یک صاع از گندم یا جو بعلاوه یک درهم و برای یک جریب از زمین هایی که در

آن چیزهایی مانند یونجه کاشته می شود پنج درهم وضع کردند و برای یک جریب از باغ انگور و نخل که به هم پیوسته باشند دو برابر آن (ده درهم) و غیر این ها به قدر طاقت. (النقایه فصل خمس المعدن - شرح الیاس ج ۱ ص ۲۷۹ - الدرالمختار ج ۴ ص ۱۸۶ - دررالحکام شرح غرر لحکام ج ۳ ص ۳۹۱ - العنایه شرح الهدایه ج ۸ ص ۸۳ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۶۲ - مجمع الانهر ج ۲ ص ۴۶۲)

جریب را شصت گز در شصت گز گفته اند. (النهر الفائق ج ۳ ص ۲۳۶)

مسئله ۱۰۷ ◀ اگر آب زمین قطع شود، خراج نیست.

مسئله ۱۰۸ ◀ همچنین زمینی که بر آن آب غالب شود (آن زمین را آب فرا گیرد).

مسئله ۱۰۹ ◀ و همچنین اگر به زراعت آفت برسد.

دلیل:

زیرا در خراج، نماء (سبز شدن گیاه) تقدیری معتبر است؛ یعنی امکان زراعت معتبر است نه حقیقت زراعت، پس در این وجوه زراعت غیر ممکن می شود؛ پس خراج نیز واجب نمی شود. (الاختیار لتعلیل المختار ج ۴ ص ۱۵۲ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۵۴ - تبیین الحقائق ج ۹ ص ۴۱۹).

مسئله ۱۱۰ ◀ اگر صاحب زمین خراجی زمین را بلااستفاده بگذارد، در آن خراج واجب می باشد.



دلیل:

زیرا وی قادر بر زراعت بوده و کوتاهی کرده؛ پس زراعت تقدیری بوده است و خراج لازم. (مجمع الانهر ج ۴ ص ۳۴۹ - دررالْحکام شرح غررالْحکام ج ۳ ص ۳۹۴ - مجمع الانهر ج ۲ ص ۴۶۶).

مسئله ۱۱۱ ◀ اگر صاحب زمین خراجی مسلمان شود، باز باید خراج آن را بدهد. (نه عشر).

مسئله ۱۱۲ ◀ اگر زمین خراجی را مسلمان بخرد باز آن مسلمان باید خراج زمین را بدهد.

دلیل:

حضرت عمر رضی الله عنه به زنی که مسلمان شده بود و قبلاً خراج می داد چنین نوشت: اگر آنچه که از زمین قبلاً می پرداخته است بپردازد، پس زمین مال وی است و اگر این کار را نکند، زمین از آن مسلمانان است. (السنن الکبری للبیهقی ج ۹ ص ۱۴۱ - کنز العمال ج ۴ ص ۵۵۳ - تلخیص الحبیر ج ۴ ص ۱۵۵ - فتح القدیر ج ۶ ص ۴۰).

صحابه رضی الله عنه وقتی زمین خراجی می خریدند مثل صاحب قبلی آن خراج می پرداختند. (دررالْحکام شرح غررالْحکام ج ۳ ص ۳۹۴ - الدراية فی تخریج احادیث الهدایة ج ۲ ص ۱۳۱ - البحر الرائق ج ۵ ص ۱۱۸).

مسئله ۱۱۳ ◀ اگر غیر مسلمان زمین عشری بخرد، پس بر آن زمین خراج وضع کرده می شود.



دلیل:

زیرا زکات عبادت است برای رسیدن به ثواب و کافر اهل ثواب نیست. (الهدایة و البنایه ج ۳ ص ۲۹۲).

مصرف زکات (مستحقّ زکات و کسانی که زکات به آن ها داده می شود).

هفت نفر واجد شرایط دریافت زکات می باشند:

مسئله ۱۱۴ ◀ ۱- کسی که دارائی دارد ولی به نصاب نمی رسد.

مسکین: کسی که چیزی ندارد.

مسئله ۱۱۵ ◀ ۳- عامل الصدقه: کسی که زکات مردم را جمع کرده و به

مستحقّین می دهد.

و این شخص فقط می تواند مزد خود را به مقدار عملش از زکات بگیرد.

مسئله ۱۱۶ ◀ ۴- مکاتب: کسی که غلام کسی باشد و به طور قسطی

خودش را بخواهد آزاد کند و به وی تا آزاد کردن خود و پرداخت قسطش کمک کرده می شود.

مسئله ۱۱۷ ◀ ۵- مدیون: کسی که بدهی دارد و نصابی فاضل از بدهی

خود ندارد.



مسئله ۱۱۸ ◀ ۶- فی سبیل الله: کسی که برای رفتن به جنگ خرجی ندارد (قول امام ابویوسف رحمہ اللہ) و یا کسی که بر وی حج فرض شده ولی نتواسته است که حج را اداء کند. (قول امام محمد رحمہ اللہ).

مسئله ۱۱۹ ◀ ۷- ابن السبیل: کسی که از وطنش دور افتاده و برای برگشت چیزی ندارد. (گرچه در خانه اش دارای اموال باشد).
دلیل:

ترجمه ی آیه: زکات ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند، و کسانی که الفت داده می شود دل های ایشان را و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه الله جل جلالہ و واماندگان در راه، این، یک فریضه ی الهی است و الله جل جلالہ دانا و حکیم است! [سوره ی التوبه آیه ۶۰]

مؤلفه ی قلوب: به کسانی گفته می شود که کنار مسلمانان زندگی می کنند و یا تازه مسلمان شده ها و یا کسانی که از آن ها ممکن است ضرری به مسلمانان برسد و در زمان رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به آن ها مقداری از زکات داده می شد و به اجماع امت، بعد از عزّت و قوّت یافتن اسلام، اعطای زکات به آن ها ممنوع شد و دیگر از مصرف محسوب نمی شوند و فقط همان هفت گروه که مذکور شد، موارد مصرف زکات می باشند. (الہدایۃ و البنایۃ ج ۳ ص ۴۴۴).



مؤلفه ی قلوب در زمان رسول الله ﷺ و در زمان خلافت ابوبکر رضی الله عنه منحل شد. (سنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۲۰ - التلخیص الحبیر ج ۳ ص ۲۴۶ - نصب الراية ج ۴ ص ۲۸۰).

مسئله ۱۲۰ ◀ مزگی می تواند زکات خود را برای همه ی این مصارف تقسیم کند و همچنین مجاز است که به یکی از این مصارف پردازد. مزگی: کسی که زکات می پردازد. دلیل:

از ابن عباس رضی الله عنهما: به هر یک از این صنف ها زکات اداء کنی، از ذمه (گردنت) ساقط است. (التلخیص الحبیر ج ۳ ص ۲۴۴ - نصب الراية ج ۴ ص ۲۸۴ - اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۸۰۶).

رسول الله ﷺ: به سلمه بن صخر الانصاری فرمودند: به صاحب زکات بنی زریق برو و از آن ها زکات را برای خودت بگیر. (مسند احمد ج ۳۳ ص ۱۷۹ - سنن الترمذی ج ۱۲ ص ۱۳۶ - تلخیص الحبیر ج ۳ ص ۴۷۷).

مسئله ۱۲۱ ◀ این پرداخت باید به صورت تملیک باشد.

تملیک: مالک گرداندن طرف مقابل.

دلیل:

الله جلّ و علا می فرماید: «... و بدهید زکات را ...» (۴۳ / سوره البقره) و این دادن (ایتاء) یعنی مالک گرداندن کسی را گویند. (الاختیار لتعلیل



المختار ج ۱ ص ۱۲۹ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۲۵۱ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۲۸).

مسئله ۱۲۲ ◀ مزگی نمی تواند زکات خود را به شوهرش یا زنش یا که پسر یا دخترش یا که نوه ی خود یا به پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ خود بدهد. و همچنین نمی تواند به مملوک (کنیز یا غلام خود) بدهد.
دلیل:

حضرت علی رضی الله عنه: از زکات فرض، برای فرزند و پدر هیچ حقی نیست. (سنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۳۹۴ - کنز العمال ج ۶ ص ۶۱۱).
مسئله ۱۲۳ ◀ علماء اجماع دارند بر اینکه زوج نمی تواند زکات خود را به زوجه بپردازد. (اکمال المعلم شرح صحيح المسلم ج ۳ ص ۲۷۶ - فتح الباری ج ۳ ص ۳۳۰ - اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۸۱۲).
دلیل:

زیرا منافع آنان مشترک می باشد پس تملیک کامل حاصل نمی شود و کمال تملیک در زکات واجب است. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۶۷ - اللباب فی شرح الكتاب ج ۱ ص ۸۰ - فتح القدیر ج ۴ ص ۲۰۰).
مسئله ۱۲۴ ◀ همچنین نمی تواند به کسی که غنی باشد زکات دهد.
غنی: کسی که دارای نصاب فطریه باشد.

دلیل:



رسول الله ﷺ: گرفتن زکات بر غنی حلال نیست. (سنن ابی داود ج ۱ ص ۵۱۴ - الدراية فی تخریج احادیث الهدایة ج ۱ ص ۲۶۶ - سنن الصغری للبيهقي ج ۲ ص ۷۳).

مسئله ۱۲۵ ◀ همچنين نمی تواند به طفل غنی یا مملوک غنی بدهد.

دلیل:

زیرا طفل غنی بخاطر اموال پدرش غنی محسوب می شود. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۷۰ - الجوهرۃ النيرة ج ۱ ص ۴۹۴ - اللباب فی شرح الكتاب ج ۱ ص ۸۰ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۳۲۰).

مسئله ۱۲۶ ◀ همچنين نمی تواند به بنی هاشم و مملوک آنان نیز زکات دهد.

دلیل:

رسول الله ﷺ: زکات برای محمد ﷺ و آل محمد حلال نیست؛ زیرا زکات چرک اموال مردم می باشد. (الهدایة و البناية ج ۳ ص ۴۷۱ - السنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۳۹۵ - المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۳۷ - المعجم الكبير ج ۵ ص ۵۴ - بلوغ المرام من ادلة الاحکام ج ۱ ص ۲۳۷).

مسئله ۱۲۷ ◀ ذمی نیز از موارد مصرف زکات نیست (غیرمسلمان).

دلیل:



رسول الله ﷺ: (زکات را) از اغنياء مسلمين بگير و به فقراء آنان بپرداز.
(شرح معانی الآثار ج ۴ ص ۳۷۲ - التلخیص الحبير ج ۳ ص ۲۴۴ - نصب
الراية ج ۴ ص ۲۸۷ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۶۱).

مسئله ۱۲۸ ◀ اگر زکات خود را به شخصی بدهد و بعد معلوم شود که آن
شخص مملوک خودش بوده است، پس بر وی لازم است که زکات
خود را به کسی دیگر دهد و آنچه که به مملوک خود داده است از
زکاتش محسوب نمی شود.

دلیل:

زیرا در این عمل، تمليک که رکن زکات است وجود ندارد. (الهدایة و
البنایة ج ۳ ص ۴۷۶ - العنایة ج ۳ ص ۲۱۱ - اللباب شرح الكتاب
ج ۱ ص ۸۰).

مسئله ۱۲۹ ◀ و اگر به کسی زکات خود را اداء کند و به گمان خود وی را
از موارد مصرف زکات بدانند و بعد معلوم شود که وی مورد مصرف
زکات نبوده است، بر وی لازم نیست که زکاتش را دوباره بپردازد و در
غیر از مملوک خود همان از زکاتش محسوب می شود.

دلیل:

شخصی زکات خود را در کنار مردی در مسجد گذاشت تا وی آن را
بردارد ولی پسرش آن را برداشت و آن مزگی گفت که والله من قصد
دادن به تو را نداشتم بلکه آن از زکات بود. در این حال رسول الله ﷺ

فرمودند: ای یزید (اسم مزکی)؛ برای تو است آنچه نیت کردی (از زکات) و ای معن (اسم پسر مزکی) تو را نیز آنچه گرفتی. (صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۴۰ - کنز العمال ج ۳ ص ۴۲۰ - مشکل الآثار للطحاوی ج ۱۰ ص ۱۰۵).

مسئله ۱۳۰ ◀ و این عمل موقعی است که مزگی (زکات دهنده) بیشتر گمانش بر این باشد که کسی که به وی زکات اداء می کند، مصرف زکات باشد ولی اگر بداند و یا گمان کند که مصرف نباشد، از زکاتش محسوب نخواهد شد.

یادآوری: مصرف زکات: شخصی که می توان به وی زکات داد؛ یعنی همان هفت نفر که گفته شد.

مسئله ۱۳۱ ◀ مستحب است که وقتی زکاتی به فردی می دهد، آن مقدار پردازد که آن شخص از درخواست کمک از دیگری در آن روز مستغنی باشد.

دلیل:

رسول الله ﷺ در باره ی صدقه ی فطر فرمودند که فقراء را در این روز از درخواست کمک بی نیاز گردانید. (بدائع الصنائع ج ۳ ص ۶۰ - البناية و الهدایة ج ۳ ص ۴۷۹).

مسئله ۱۳۲ ◀ پرداخت زکات به مقدار یک نصاب به فقیری غیر از مدیون مکروه است.



دلیل:

زیرا با ادای آن زکات غناء حاصل می شود و در این مسئله گرچه اداء به غنی نیست ولی نزدیک به آن است. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۴۷۸).
مسئله ۱۳۳ ◀ بردن و نقل زکات از شهری به شهری دیگر مکروه است مگر اینکه از نزدیکان وی در آن شهر باشد و یا اینکه اهل آن شهر محتاج تر باشند.

دلیل:

رسول الله ﷺ وقتی معاذ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را به یمن فرستادند فرمودند: زکات را از اغنیاء آنان بگیر و به فقراء آنان بده. (سنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۸ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۱۱۴ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۶).

صدقه ی فطریه:

مسئله ۱۳۴ ◀ مقدار واجب در صدقه ی فطریه، اگر از گندم یا کشمش بدهد نصف صاع است و اگر از جو و خرما باشد باید یک صاع از آن ها بدهد.

دلیل:

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: رسول الله ﷺ صدقه ی فطر را از خرما و جو یک صاع و از گندم نصف صاع فرض گردانیدند. (سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۲)

- سنن النسائی الصغرى ج ۵ ص ۵۲ - جامع المسانيد و المراسيل ج ۴ ص ۴۴۵ - مشکاه المصابيح ج ۱ ص ۵۰۴).

مسئله ۱۳۵ ◀ اگر دو «من» گندم بدهد جائز است.

دلیل:

رسول الله ﷺ زکات فطر را به مقدار دو «مُد» از گندم قرار دادند. (سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۲ - سنن النسائی الصغرى ج ۵ ص ۵۲ - جامع المسانيد و المراسيل ج ۴ ص ۴۴۵ - مشکاه المصابيح ج ۱ ص ۵۰۴ - سنن الکبرى للبيهقى ج ۶ ص ۱۰۷ - شرح المعانى و الاثار ج ۲ ص ۴۱ - نصب الرايه باب صدقه الفطر - الجوهر النقى صدقه الفطر).
مُد: مقياس وزنى به ميزان دو رطل و رطل تقريباً ۴۰۰ گرم است.
صدقه ی فطريه واجب است بر:

مسئله ۱۳۶ ◀ ۱- مسلمان باشد.

مسئله ۱۳۷ ◀ ۲- آزاد باشد.

مسئله ۱۳۸ ◀ ۳- نصاب زکات داشته باشد گرچه آن نصاب نامى (رشد کننده) نباشد؛ يعنى همان اموالى که در آن ها زکات واجب مى شد و آن به سه چيز بود: ۱- ثمنيت. ۲- سائمه بودن. ۳- نيت تجارت.

دلیل:



اسلام شرط است؛ برای اینکه این صدقه قربت (نزدیکی جستن به الله ﷺ) می باشد و آن از مسلمان جائز است و حریت شرط است تا تملیک حاصل شود. (الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۴۸۳ و ۴۸۴).

غنی بودن از شرایط وجوب است؛ زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: صدقه واجب نیست مگر اینکه شخص غنی باشد. (مسند امام احمد ج ۲ ص ۴۶۰).

و هر کس این مقدار از اموال داشته باشد، زکات گرفتن بر وی حرام می شود و بر وی قربانی واجب می شود و همچنین دادن نفقه ی خویشاوند محتاج بر وی واجب می شود. (النقایه ص ۳۸ - الهدایه و البنايه ج ۳ ص ۴۸۵).

مسئله ۱۳۹ ◀ هر کس که بر وی صدقه ی فطر واجب شود، پس وی باید صدقه ی مملوکان خود را و نیز اطفال فقیر خود را بدهد.
دلیل:

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: رسول الله ﷺ صدقه ی فطر را مقدّر کردند تا از طرف خودش و مملوکش و اولاد صغیرش اداء کرده شود. (سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۲ - سنن النسائی الصغری ج ۵ ص ۵۲ - جامع المسانید و المراسیل ج ۴ ص ۴۴۵ - مشکاه المصابیح ج ۱ ص ۵۰۴).





کتاب صوم

مسئله ۱ ◀ تعریف صوم (روزه): باز داشتن خود از خوردن و آشامیدن و جماع، همراه با نیت روزه، از صبح صادق تا غروب آفتاب. (بدایع الصنائع ج ۲ ص ۷۵).
دلیل:

ترجمه ی آیه: آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آن‌ها لباس شما هستند؛ و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و این کارِ ممنوع را انجام می‌دادید)؛ پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آن‌ها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند! [سوره ی البقرة آیه ۱۸۷]

مسئله ۲ ◀ اگر کسی بخواهد روزه ی ماه رمضان را بگیرد، از شب یعنی باید قبل از فجر صادق نیت روزه گرفتن نماید.

مسئله ۳ ◀ اگر تا قبل از نصف النهار شرعی نیت کند، روزه اش صحیح است.

نصف النهار شرعی (نیم روز): نهار (روز) شرعی از صبح صادق است تا غروب آفتاب؛ پس نصف النهار همان چاشتگاه خواهد بود. (الهدایه ج ۱ ص ۱۱۶ - الاختیار لتعلیل المختار ج ۱ ص ۱۲۷ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ج ۱ ص ۳۱۵ - الجوهرة النيرة ج ۱ ص ۱۳۶).
فرض کنید فجر صادق ساعت پنج صبح طلوع کند و غروب آفتاب ساعت پنج بعد از ظهر باشد، پس نصف النهار آن ساعت ۱۱ خواهد بود.

مسئله ۴ ◀ طریقه ی نیت روزه ی ماه رمضان: ۱- نیت روزه ی ماه رمضان کند. ۲- نیت مطلق روزه کند؛ یعنی فقط نیت می کند که امروز روزه است و تعیین نمی کند چه نوع روزه ای. ۳- نیت روزه ی نفل کند. ۴- نیت روزه ی قضاء کند. ۵- نیت روزه ی نذر نماید. با هر یک از نیت های فوق، روزه از فرض رمضان واقع می شود.

مسئله ۵ ◀ انواع روزه: ۱- روزه ی فرض. ۲- روزه ی قضاء. ۳- روزه ی نفل. ۴- روزه ی کفاره. ۵- روزه ی نذر.
دلیل:

زیرا روزه ی ماه رمضان برای گرفتن روزه ی فرض از طرف شرع تعیین شده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۱۷).



پس در ماه رمضان، نیت شخص معتبر نیست بلکه گفته ی شرع معتبر است برای کسانی غیر از مریض و مسافر.

و از حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و حضرت عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت شده است که یوم الشک را روزه می گرفته اند و این روزه قطعاً به نیت نفل بوده است. (المبسوط للسرخسی ج ۳ ص ۶۰ - بدایع الصنایع ج ۲ ص ۷۸ - البنایه ج ۴ ص ۲۱ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۴۱).

مسئله ۶ ◀ در همه ی این طریقه های نیت در ماه رمضان، باز روزه اش از روزه ی فرض وی محسوب می شود مگر اینکه روزه دار مسافر یا مریض باشد که در این صورت از آنچه که نیت کرده است واقع خواهد شد نه از فرض رمضان. مثلاً اگر کسی در ماه رمضان نیت روزه ی نفل بکند، از فرض وی محسوب می شود مگر در مورد مسافر و مریض که نیت وی به هر چه باشد، همان واقع می شود.

مسئله ۷ ◀ روزه ی نفل، با نیت کردن روزه ی نفل و نیت روزه ی مطلق اداء می شود. و برای نیت کردن تا نصف النهار شرعی وقت دارد.

دلیل: از حضرت عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: روزی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ما وارد شدند و پرسیدند: آیا چیزی برای خوردن دارید؟ گفتیم: خیر. ایشان فرمودند: پس من امروز روزه هستم. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۲۹ - سنن النسائی



ج ۴ ص ۱۹۵ - مصنف عبدالرزاق ج ۴ ص ۲۷۶ - المعجم الاوسط
ج ۷ ص ۲۳۳).

مسئله ۸ ◀ همچنین است نیت نذر معین.

مسئله ۹ ◀ و این دو روزه (نفل و نذر معین) با نیت واجبى غير این دو
اداء نمى شوند.

مسئله ۱۰ ◀ برای روزه ی قضاء و كفارت و نذر، مطلق نیت کردن قبل از
فجر صادق لازم و واجب است و همچنین تعیین اینکه چه نوع روزه
ای می خواهد بگیرد نیز واجب است.

مسئله ۱۱ ◀ روزه ی یوم الشک برای خواص و برای کسی که عادت دارد
روز معینی را روزه بگیرد و با یوم الشک موافق آمده باشد بهتر است.
مثلاً شخصی هر دوشنبه را روزه است و اتفاقاً روزه یوم الشک هم روز
دوشنبه می شود پس بر وی روزه گرفتن بهتر است.

خواص: کسانی که می دانند باید روز یوم الشک را به نیت نفل گرفته
شود و می دانند که اگر هلال رؤیت نشود از فرضشان نخواهد بود.
و غیر این اشخاص تا نصف النهار، از ممنوعات روزه خود را نگه دارند
و بعد از نصف النهار اگر رؤیت هلال رمضان ثابت نشد، اعمال منافی
روزه انجام دهند.

دلیل :



رسول الله ﷺ: کسی از شما یک یا دو روز قبل از ماه رمضان روزه نگیرد مگر کسی باشد که آن روز با روزه ی عادت ی وی موافق آمده باشد. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۲۸ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۶۲ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۲۸ - مسند احمد ج ۱۳ ص ۱۹۱). (در این صورت بر آن کس اشکالی وارد نیست).

توضیح اینکه مثلاً کسی در هر پنجشنبه عادت دارد که روزه باشد و اتفاقاً یوم الشک نیز روز پنجشنبه باشد، پس بر وی اشکالی ندارد که روزه بگیرد.

اهمیت این فرمایش حضرت رسول الله ﷺ در این زمانه به خوبی آشکار شده است؛ زیرا کسانی که در این زمانه روزه ی یوم الشک (یا به عنوان پیشواز) را می گیرند آن را از فرضشان حساب کرده و در اواخر رمضان مدعی می شوند که سی روز آن ها تمام شده و اقدام به افطار می کنند که این عمل فساد ی عظیم در دین است. توفیق ملت مسلمان و همچنین علماء را از الله تعالی مسئلت دارم.

مسئله ۱۲ ◀ در یوم الشک، نیت کردن برای روزه ی واجب مکروه است؛ یعنی اینکه بگوید: روزه ی رمضان را می گیرم.

مسئله ۱۳ ◀ اگر نیت کند که اگر فردا از رمضان باشد من روزه ام و اگر از رمضان نباشد روزه نیستم، روزه ی وی صحیح نیست.

دلیل:

از حضرت علی رضی الله عنه و حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که یوم الشک را با نیت نفل روزه می گرفته اند. (المبسوط للسرخی ج ۳ ص ۶۰ - بدایع الصنائع ج ۲ ص ۷۸ - البنیة ج ۴ ص ۲۱ - نصب الراية ج ۲ ص ۴۴۱).

مسئله ۱۴ ◀ اگر در آن روز چنین نیت کند که اگر فردا از رمضان باشد من روزه ی رمضان گرفته ام و اگر رمضان نباشد من روزه ی قضاء گرفته ام؛ اگر با این نیت روزه بگیرد و رمضان بودن آن روز ثابت شود، از روزه ی رمضان محسوب خواهد شد و الا روزه ی وی نفل محسوب می شود نه از روزه ی قضاء یا روزه ای دیگر.

مسئله ۱۵ ◀ اگر کسی به تنهایی هلال رمضان یا هلال شوال را ببیند (هر چند رویت وی مردود شمرده شود)، در هر دو صورت روزه بگیرد و حق افطار ندارد و اگر افطار کند باید قضای آن را بجای آورد ولی کفاره ندارد.

دلیل:

زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده اند که رمضان را با دیدن هلال رمضان شروع به روزه گرفتن کنید و افطار را نیز با دیدن هلال شوال آغاز کنید و آن شخص هلال را دیده است ولی در دیدن وی با مردود اعلام شدن از طرف قاضی شبهه ای وارد شد. از این جهت بر وی کفاره نیست ولی بر وی لازم است که روزه بگیرد. (صحیح البخاری



ج ۳ ص ۲۷ - صحيح مسلم ج ۲ ص ۷۶۲ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۵۹ -
هدایه ج ۱ ص ۱۱۸).

مسئله ۱۶ ◀ در رویت هلال رمضان، اگر هوا ابری باشد، قول یک نفر عادل را که می گوید هلال را دیده است قبول کرده می شود (چه مرد باشد چه زن باشد).

دلیل:

از ابن عمر رضی الله عنه: به رسول الله صلی الله علیه و آله خبر دادم که هلال رمضان را دیدم، پس رسول الله صلی الله علیه و آله روزه گرفتند و به مردم امر کردند که روزه بگیرند. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۰۲ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۳۶).

مسئله ۱۷ ◀ برای فطر در روز ابری شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن لازم است و همچنین لفظ شهادت نیز شرط است؛ یعنی بگوید که من شهادت می دهم که هلال شوال را دیدم و همچنین عدالت شاهد نیز شرط است.

دلیل:

در زمان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مردم در باره ی رویت و عدم رویت هلال شوال اختلاف کردند و در این هنگام دو بادیه نشین پیش رسول الله صلی الله علیه و آله شهادت دادند که هلال شوال را دیده اند و حضرت صلی الله علیه و آله قبول کرده و افطار کردند و به آن امر کردند. (سنن ابی داود

ج ۲ ص ۳۰۱ - سنن الدار قطنی ج ۳ ص ۱۲۳ - السنن الصغری للبيهقي
ج ۲ ص ۹۱ - نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۲۳ - مرعاه المفاتيح ج ۶ ص ۴۵۰.

مسئله ۱۸ ◀ برای اثبات هلال رمضان و یا هلال شوال در هوای صاف و غیر ابری، شهادت جمع عظیم شرط است.
دلیل:

زیرا در روزی که هوا صاف و مردم در تلاش برای دیدن هلال ماه می باشند، اگر عده ی کمی بگویند که هلال را دیده اند و بقیه نبینند، در اینجا احتمال غلط و اشتباه آن شخص مدعی رویت بیشتر خواهد بود. (مراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۴۳ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۲۳۶ - رد المختار ج ۲ ص ۳۸۸).

اشرط رویت توسط جمعیت بسیار در این زمان بسیار به جا و حاجت به آن محسوس می باشد؛ زیرا عده ای پیدا شده اند که برای اینکه فتوای آخوند خود را صحیح جلوه دهند، به هر کاری تن می دهند و حتی شهادت دروغ نیز می دهند؛ پس در این زمان پر واضح است که باید جماعت رویت کنندگان آن مقداری باید باشند که اتفاق و اجتماع آنان بر شهادت دروغ غیر ممکن باشد.

مسئله ۱۹ ◀ اگر رمضان را با قول دو شخص عادل شروع کرده باشند و سی روز کامل شده باشد، پس افطار حلال است ولی اگر رمضان را با



قول یک نفر عادل شروع کرده باشند و به حساب آن سی روز کامل شده باشد، افطار حلال نبوده بلکه با رؤیت افطار کنند.
دلیل:

زیرا فطر با خبر یک فرد ثابت نمی شود. همچنین است اگر با قول یک فرد، سی روز روزه بگیرند. (الهدایه ج ۱ ص ۱۱۹ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۰).

مسئله ۲۰ ◀ شرایط رؤیت هلال ماه ذی الحجه برای عید قربان نیز مانند بحث رویت هلال شوال (عید فطر) می باشد. (الهدایه ج ۱ ص ۱۱۹ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۱ - ملتقى الابحر ج ۱ ص ۲۵۸ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۰).
دلیل:

زیرا در اثبات این هلال، نفع بندگان الله ﷻ می باشد؛ یعنی خوردن از گوشت قربانی. (الجواهره النیره ج ۱ ص ۱۴۵ - الهدایه ج ۱ ص ۱۱۹ - حاشیه الطحطاوی ج ۱ ص ۶۵۴).

فصل مفسدات روزه (اعمالی که روزه را باطل می کنند)

مسئله ۲۱ ◀ ۱- جماع (نزدیکی کردن زن و مرد).

مسئله ۲۲ ◀ ۲- لواط.



مسئله ۲۳ ◀ ۳- خوردن غذا و یا دارو.

مسئله ۲۴ ◀ ۴- آشامیدن.

مسئله ۲۵ ◀ اگر کسی این اعمال را در ماه رمضان عمداً انجام دهد، بر وی قضاء آن و همچنین کفارت لازم می شود.

مسئله ۲۶ ◀ کفارت آن: ۱- آزاد کردن یک برده. ۲- اگر نتواند پس دو ماه متوالی روزه بگیرد و اگر در اثناء آن یک روز روزه بشکند باید دوباره از اول آن دو ماه را شروع کند. ۳- اگر از آن عاجز و ناتوان باشد پس به شصت مسکین طعام دهد. برای هر مسکین به اندازه ی صدقه ی فطریه.

دلیل:

حضرت ابو هریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: رسول الله ﷺ به شخصی که روزه ی ماه رمضان را شکسته بود امر کردند تا مانند کفارت ظهار کفارت دهد. (سنن الدارقطنی ۳ص ۱۶۷ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۵۰ - الدرایه فی تخریج احادیث الهدایه ج ۱ ص ۲۷۹).

فردی در زمان رسول الله ﷺ در ماه رمضان چیزی تناول کرد (خورد). رسول الله ﷺ به وی دستور دادند تا بنده ای آزاد کند و یا دو ماه روزه بگیرد و یا اینکه به شصت نفر غذا دهد. (سنن الدارقطنی ۳ص ۱۶۷ - مرقاة المفاتیح ج ۴ ص ۱۳۹۱ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۵۰ - الدرایه فی تخریج احادیث الهدایه ج ۱ ص ۲۷۹).



روزی فردی بر رسول الله ﷺ وارد شد و گفت: یا رسول الله ﷺ هلاک شدم (به دادم برس). حضرت ﷺ فرمودند: چه شده است؟ فرد گفت: با زن خود نزدیکی (جماع) کردم و من روزه بودم. رسول الله ﷺ فرمودند: آیا می توانی بنده ای (برده ای) را آزاد کنی؟ فرد جواب داد: خیر. رسول الله ﷺ فرمودند: آیا می توانی دو ماه روزه ی پی در پی بگیری؟ فرد جواب داد: خیر. حضرت فرمودند: آیا می توانی به شصت مسکین طعام دهی؟ فرد جواب داد: خیر. حضرت ﷺ چند لحظه ای درنگ کردند. در این حین برای حضرت ﷺ سبدی بزرگ از خرما آوردند و حضرت ﷺ فرمودند: آن شخص کجاست؟ پس فرد گفت: من هستم. حضرت ﷺ فرمودند: این را بگیر و صدقه ده. آن فرد گفت: آیا کسی فقیرتر از خودم در این دیار وجود دارد تا من به وی صدقه دهم؟ پس رسول الله ﷺ خندیدند و گفتند: باشد با خانواده ات بخور و یک روز را روزه بگیر. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۳۲ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۸۱ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۱۳ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۹۳).

این حکم که خودش بخورد و کفارت را بر وی لازم کرده نشده خاص این شخص می باشد. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۱۳ - التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید ج ۷ ص ۱۶۷ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۵۱ - الدرایه فی تخریج احادیث الہدایه ج ۱ ص ۲۸۰ - المسند الجامع ج ۱۷ ص ۱۷۹).

مسئله ۲۷ ◀ کفارت فقط در شکستن روزه ی ماه رمضان می باشد.

دلیل:

زیرا کفارت بخاطر هتک حرمت ماه رمضان می باشد و این معنی (حرمت و احترام وقت) در غیر رمضان وجود ندارد. (تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۹ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۲۹ - مجمع الانهر ۱ ص ۲۴۱).

مسئله ۲۸ ◀ اگر از روی خطاء (در ماه رمضان) این اعمال را انجام دهد و روزه بشکند، فقط قضاء واجب می شود.

قضاء: یعنی برای جبران آن یک روز روزه بگیرد.

خطا: یعنی اینکه شخص روزه بودنش را بیاد دارد ولی هنگام غسل یا شستن دهان به طور غیر عمدی آب به حلقوم وی می رود.

دلیل: زیرا عذر خطا به ندرت پیش می آید ولی عذر نسیان غالب است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۰ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۲).

مسئله ۲۹ ◀ همچنین است اگر بر آن کار اکراه کرده شود؛ یعنی روزه دار را مجبور به افطار کنند.

دلیل:

زیرا اکراه عذری است از طرف کسی که روزه حق وی نیست ولی نسیان عذری است که از طرف صاحب حق روزه (الله عزوجل) حادث شده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۰ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۲).



مسئله ۳۰ ◀ همچنین است اگر به گمان شب بودن عمل منافی روزه انجام دهد.

مسئله ۳۱ ◀ اگر دواء از راهی غیر از سوراخ های روی پوست که جای خارج شدن عرق است (مسام) به مغزش برسد و یا که به معده اش برسد، در این صورت نیز قضاء واجب می شود.
دلیل:

رسول الله ﷺ: روزه را داخل شدن شیء باطل می کند نه خارج شدن آن. (مسند ابی یعلی ج ۸ ص ۷۵).

زیرا از راه زخم به معده و مغز داخل شده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۳).

مسئله ۳۲ ◀ اگر سنگ ریزه ببلعد نیز قضاء واجب می شود.
دلیل:

رسول الله ﷺ: روزه را داخل شدن شیء باطل می کند نه خارج شدن آن. (مسند ابی یعلی ج ۸ ص ۷۵ - مرقاة المفاتیح ج ۴ ص ۱۳۴۹ - نصب

الریة ج ۲ ص ۴۵۴ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۶۷ - البنایه ج ۴ ص ۶۴).

مسئله ۳۳ ◀ اگر به عمد استفراغ کند، قضاء واجب است.
دلیل:

از رسول الله ﷺ: هر کس به غیر عمد استفراغ کند بر وی قضای روزه اش نیست ولی کسی که عمداً خود را وادار به استفراغ کند پس بر وی قضای آن واجب است. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۸۹ - شرح السنه



للبغوى ج ٦ ص ٢٩٣ - عمده القارى ج ١١ ص ٣٥ - مرقاه المفاتيح ج ٤ ص ١٣٩٣ - نيل الاوطار ج ٤ ص ٢٤١ - نصب الرايه ج ٢ ص ٤٤٨).

مسئله ٣٤ ◀ اگر از روى فراموشى افطار کند، روزه ی وی نمى شکند و قضاء ندارد و به روزه اش ادامه بدهد.

فراموشى: اينکه کسى يادش نباشد که روزه است و شروع به خوردن مى کند و بعد به يادش مى آيد که روزه بوده است.
دليل:

رسول الله ﷺ: هر کس در رمضان از روى فراموشى افطار کند، پس بر وی قضاء و كفارت نيست. (المستدرک على الصحيحين ج ١ ص ٥٩٥ - السنن الكبرى للبيهقى ج ٤ ص ٣٨٧ - معرفه السنن و الاثار ج ٦ ص ٢٧٢ - مرقاه المفاتيح ج ٤ ص ١٣٩٠).

مسئله ٣٥ ◀ احتلام روزه را نمى شکند.

دليل:

رسول الله ﷺ: سه چیز روزه را نمى شکند: حجامت (خون دادن)، استفراغ و احتلام (در خواب جنب شدن). (سنن الترمذی ج ٣ ص ٨٨ - المعجم الاوسط ج ٦ ص ٣٨٠ - حليه الاولياء ج ٨ ص ٣٥٧ - مرقاه المفاتيح ج ٤ ص ١٣٩٩ - نصب الرايه ج ٢ ص ٤٤٦).

مسئله ٣٦ ◀ اگر به چیز شهوانى نگاه کند و منى نازل شود، روزه نمى شکند و قضاء ندارد.



دلیل:

زیرا در این صورت جماع وجود ندارد؛ نه از لحاظ صورت و نه از لحاظ معنی. (البنایه ج ۴ ص ۳۸ - الجوهرة النيرة ج ۱ ص ۱۳۸ - فتح القدير ج ۲ ص ۳۲۹).

مسئله ۳۷ ◀ اگر بدون اختیار غبار و یا دود یا مگس وارد حلق وی شود نیز روزه نمی شکند.

دلیل:

زیرا نمی توان از این اتفاقات احتراز کرد. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۱ - الجامع الصغير و شرحه نافع الكبير ج ۱ ص ۱۴۰).

مسئله ۳۸ ◀ اگر با حیوانی جماع کند، اگر منی نازل شود فقط قضاء واجب می شود و کفارت ندارد و اگر نازل نشود، قضاء واجب نیست.

دلیل:

زیرا در این مسئله جنایت کامل نیست؛ زیرا جنایت کامل موقعی است که در محل مشتهی باشد (محل جماع جایی باشد که انسان آن را می خواهد) و جماع با حیوان را انسان عاقل انجام نمی دهد پس این کار فقط از انسان نادان سر می زند. (البنایه ج ۴ ص ۵۴ - العنایه شرح الهدایه ج ۲ ص ۳۳۸).

مسئله ۳۹ ◀ و یا اینکه به غیر از سبیلین جماع کند، اگر منی نازل شود قضاء واجب می شود و اگر نازل نشود قضاء واجب نیست.

مسئله ۴۰ ◀ و اگر ببوسد و یا اینکه لمس کند در این صورت اگر منی نازل شود قضاء واجب می شود و اگر نازل نشود قضاء واجب نیست.
دلیل:

رسول الله ﷺ با زنان خود ملامسه و تقبیل می کردند در حالی که روزه بودند. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۳۰ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۹۸ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۲۵۷).

مسئله ۴۱ ◀ اگر باقی مانده طعام بین دندانهایش را ببلعد، در این صورت اگر آنچه بین دندانهایش بوده کوچکتر از نخود باشد، روزه ی وی باطل نیست و اگر به اندازه ی نخود یا بیشتر باشد روزه را باطل می کند.
دلیل:

زیرا امکان اجتناب از این کار نیست و آنچه که بین دندان ها باقی مانده است تابع آب دهان می باشد. (تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۴ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۴ - مراقی الفلاح ج ۱ ص ۲۴۷ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۱۲۱ - حاشیة الطحطاوی ج ۱ ص ۶۶۲).

مسئله ۴۲ ◀ اگر آن را از دهانش بیرون بیاورد و بعد ببلعد، در هر صورت کوچک یا بزرگ باشد، روزه اش باطل است. (درر الحکام ج ۱ ص ۲۰۷ - تحفه الملوک ج ۱ ص ۱۴۱ - ملتقى الابحر ج ۱ ص ۳۶۳ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۴ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۴).



مسئله ۴۳ ◀ اگر یک دانه ی کنجد را بِجَوَد و بخورد روزه اش باطل نمی شود. اگر بدون جویدن ببلعد باطل می کند.

دلیل:

زیرا آن یک عدد کنجد به وسیله ی جویده شدن در دهان متلاشی شده و چیزی به حلق وی نمی رسد. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۱ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۵ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۴۱ - البحر الرائق ج ۲ ص ۲۹۴).

مسئله ۴۴ ◀ اگر کسی استفراغ کند و قیء وی برگردد، اگر قیء زیاد باشد روزه اش باطل می شود.

قیء: استفراغ، و زیاد بودنش این است که هنگام استفراغ جلوگیری از آن سخت باشد.

دلیل:

از رسول الله ﷺ: هر کس به غیر عمد استفراغ کند بر وی قضای روزه اش نیست ولی کسی که عمداً خود را وادار به استفراغ کند پس بر وی قضای آن واجب است. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۸۹ - شرح السنه للبغوی ج ۶ ص ۲۹۳ - عمده القاری ج ۱ ص ۳۵ - مرقاء المفاتیح ج ۴ ص ۱۳۹۳ - نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۴۱ - نصب الرایه ج ۲ ص ۴۴۸).

مسئله ۴۵ ◀ امام محمد رحمته الله می گویند: اگر قیء را روزه دار به صنع خودش برگرداند، روزه می شکند و الا نمی شکند.

دلیل:

زیرا این کار توسط روزه دار صورت گرفته است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۱ - البنایه ج ۴ ص ۵۱ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۲۶ - الجامع الصغیر و شرحه نافع الکبیر ج ۱ ص ۱۴۰).

مسئله ۴۶ ◀ چشیدن طعام بدون خوردن آن برای روزه دار مکروه است.
مسئله ۴۷ ◀ جویدن شیء بدون خوردن آن نیز مکروه است مگر اینکه برای جویدن طعام کودک ضرورت باشد که در این صورت مکروه نیست.

دلیل:

زیرا با این کار احتمال فاسد کردن روزه زیاد است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۳ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۱۶۹ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۴۳).
مسئله ۴۸ ◀ اگر ترس از انزال منی و یا وقوع در جماع داشته باشد، بوسیدن مکروه است.

دلیل:

جوانی از رسول الله ﷺ از بوسیدن در زمان روزه سؤال کرد. ایشان ﷺ وی را از این کار نهی کردند. در همان مجلس پیرمردی آمد و وی نیز از بوسه در رمضان پرسید. حضرت ﷺ جواب دادند: اشکالی ندارد.
صحابه رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ که در آن مجلس بودند با تعجب به حضرت ﷺ نگاه کردند. حضرت ﷺ فرمودند: می دانم که از چه تعجب می کنید؛



پیرمرد می تواند خودش را نگه دارد. (مسند احمد ج ۱۱ ص ۳۵۱ - المعجم الكبير للطبرانی ج ۱۳ ص ۵۶ - عمده القاری ج ۱۱ ص ۱۰ - کنز العمال ج ۸ ص ۵۰۲ - المبسوط للسرخسی ج ۳ ص ۵۹).

مسئله ۴۹ ◀ استعمال مسواک (سنتی) در حالت روزه بودن اشکالی ندارد.

دلیل:

رسول الله ﷺ در هنگام روزه بودن نیز مسواک استعمال می کرده اند. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۳۱ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۰۷ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۹۵).

مسئله ۵۰ ◀ سرمه زدن مکروه نیست.

دلیل:

رسول الله ﷺ سرمه می زدند در حالی که روزه بودند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۳۶ - مسند ابی یعلی ج ۸ ص ۲۲۵ - المعجم لاصغیر للطبرانی ج ۱ ص ۲۴۶).

مسئله ۵۱ ◀ شیخ فانی اگر از روزه گرفتن عاجز شود، برای هر یک روز روزه مسکینی را طعام دهد.

مسئله ۵۲ ◀ مقدار طعام برای هر روز مانند صدقه ی فطریه است.

دلیل:



ترجمه ی آیه: و بر کسانی که روزه برای آن ها طاقت فرسات
(همچون پیرمردان) لازم است کفاره بدهند؛ مسکینی را اطعام کنند.
[سوره ی البقره آیه ۱۸۴]

مسئله ۵۳ ◀ هر گاه قدرت روزه بیابد باید قضاء آن را بجای آورد.

دلیل:

زیرا برای جواز فدیّه، استمرار عجز وی شرط می باشد. (الهدایه
ج ۱ ص ۱۲۴ - درر الحکام ج ۱ ص ۲۱۰ - البحر الرائق ج ۲ ص ۳۰۸ -
اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۱۷۱).

شیخ فانی: کسی که آنقدر پیر شده است که هر روز از قوّتش کم می
شود و امید بهبودی آن نیست.

اگر زن حامله خوف این را داشته باشد که اگر روزه بگیرد به خودش و
یا به بچه اش آسیبی برسد، می تواند روزه نگیرد و بعداً آن را قضاء
کند.

مسئله ۵۴ ◀ اگر مریضی از زیادت مرضش بترسد، می تواند روزه را بعداً
قضاء کند.

مسئله ۵۵ ◀ مسافر می تواند افطار کرده و بعداً قضای آن را بگیرد.

دلیل:

ترجمه ی آیه: هر کس که از شما بیمار یا در سفر باشد، به همان
تعداد از روزهای دیگر روزه بدارد. [سوره ی البقره آیه ۱۸۴]



رسول الله ﷺ: الله تعالى برای مسافر و مریض و حامله روزه گرفتن (در ماه رمضان) را ساقط کرده است و می تواند بعداً بگیرد. (سنن النسائی ج ۴ ص ۱۸۰ - مسند احمد ج ۳ ص ۴۳۶ - صحیح ابن خزیمه ج ۳ ص ۲۶۷).

مسئله ۵۶ ◀ همچنین است کسی که به بچه شیرخواره شیر می دهد و بترسد که روزه بر خودش یا بچه اش ضرر خواهد زد، پس وی می تواند روزه نگیرد و بعداً قضاء کند.

مسئله ۵۷ ◀ بر هیچ یک از این اشخاص فدیة لازم نیست.
دلیل:

زیرا فدیة در حق کسی است که امید قدرت یافتن بر قضاء را ندارد (مانند شیخ فانی) و اینان (مسافر و مریض و ...) عاجز مطلق نیستند. (بدائع الصنائع ج ۲ ص ۱۰۴). یعنی ناتوانی آنان گذرا است و همیشگی نیست.

مسئله ۵۸ ◀ اگر روزه برای مسافر ضرری نداشته باشد، گرفتن روزه ی رمضان برای وی مستحب است.
دلیل:

از ابی سعد خدری رَوَى اللهُ عَنْهُ: همراه رسول الله ﷺ در مسافرت بودیم و بعضی از ما روزه بودند و بعض دیگر روزه نبودند و هیچ کدام از ما بر دیگری ایراد نمی گرفت؛ زیرا نظر بر این بود که هرکس قدرت روزه



داشت پس بر وی روزه گرفتن خوب بود و هر کس قدرت آن را نداشت پس بر وی روزه نگرفتن خوب بود. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۸۷ - صحیح ابن خزیمه ج ۳ ص ۲۶۰ - صحیح ابن حبان ج ۳۲۵ - السنن الکبری للبیہقی ج ۴ ص ۴۱۲).

مسئله ۵۹ ◀ اگر مسافر و مریض که روزه نگرفته بودند و بعد از صحت از مرض و آمدن مسافر از مسافرت به اندازه ی روزه ی قضاء شده زندگی کنند ولی قضای روزه را بجای نیاورند، پس بر وارثان وی لازم است که به جای آن ها فدیہ دهند.

مسئله ۶۰ ◀ اگر به اندازه ی روزه های قضاء شده زندگی نکنند بلکه کمتر زندگی کنند، پس به مقدار زندگی فدیہ دهند. زیرا در قرآن مذکور است (فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرٍ؛ یعنی در وقتی دیگر قضای آن را بجای آورند). (المبسوط للسرخسی ج ۳ ص ۸۹ - الہدایہ ج ۱ ص ۱۲۴ - تبیین الحقائق ج ۱ ص ۳۳۴ - الجواهرۃ النیرہ ج ۱ ص ۱۴۲).

مثلاً شخص مریض بخاطر مرضش ده (۱۰) روز روزه را افطار کرده باشد و بعد از ماه رمضان از بیماریش رها شود؛ اگر به مقدار ده روز سالم زندگی کند و بعد فوت شود پس بر ورثه ی وی واجب است که به مقدار آن ده روز فدیہ دهند و اگر مثلاً چهار روز سالم زندگی کند، پس بر وارثان وی واجب است که فدیہ ی چهار روز را بدهند.



مسئله ۶۱ ◀ در وجوب ادای فدیة، وصیت شرط است.

دلیل:

از ابن عمر رضی اللہ عنہما (مرفوعاً): رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: هر کس بمیرد و روزه ی قضاء داشته باشد، پس از طرف وی فدیة داده شود. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۸۷ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۸ - صحیح ابن خزیمه ج ۳ ص ۲۷۳ - معجم ابن مقرئ ج ۱ ص ۱۲۰ - حلیۃ الاولیاء ج ۱ ص ۲۴۶).

مسئله ۶۲ ◀ و این فدیة از یک سوم مال میت اداء کرده می شود.

مسئله ۶۳ ◀ فدیة هر یک وقت نماز مانند فدیة ی یک روز روزه است؛ یعنی به مقدار صدقه ی فطریه می باشد.

دلیل:

زیرا نماز دارای اهمیّت بیشتری می باشد. (البحر الرائق ج ۲ ص ۳۰۷ - حاشیۃ الطحطاوی علی مراقی الفلاح).

مسئله ۶۴ ◀ کسی نمی تواند بجای کس دیگر روزه بگیرد و یا نماز وی را بخواند.

دلیل:

از ابن عمر رضی اللہ عنہما و ابن عباس رضی اللہ عنہما: هیچ کس به جای دیگری نمی تواند نماز بخواند و یا روزه بگیرد. (موطا مالک ج ۳ ص ۴۳۴ - مصنف



عبدالرزاق ج ۹ ص ۶۱ - السنن الكبرى للبيهقي ج ۳ ص ۲۵۷ - شرح
مشكل الآثار ج ۶ ص ۱۷۶).

مسئله ۶۵ ◀ اگر کسی روزه ی نافله را شروع کند، بر وی لازم است که
آن را تمام کند. اگر آن را بشکند باید قضای آن را بجای آورد.
دلیل:

از حضرت عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: من و حفصه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روزه (نفل) گرفته بودیم و
در همان روز برای ما طعامی هدیه آوردند و رسول الله ﷺ به ما
فرمودند: روزه را بشکنید و به جایش یک روز روزه بگیرید. (سنن ابی
داود ج ۲ ص ۳۳۰ - صحیح ابن حبان ج ۸ ص ۲۸۴ - عمده القاری
ج ۱۱ ص ۷۷).

مسئله ۶۶ ◀ در روزهای عید فطر و سه روز عید قربان و یک روز پس از
آن روزه گرفتن حرام است.
دلیل:

رسول الله ﷺ: در روز عید فطر و عید قربان نباید روزه گرفت. (صحیح
مسلم ج ۲ ص ۷۹۹ - مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۳۸۸).
رسول الله ﷺ: در سال پنج روز را روزه گرفته نشود: در روز عید فطر و
عید قربان و سه روز ایام تشریق . (مسند الحارث ج ۱ ص ۴۳۳ - مسند
ابی یعلی ج ۵ ص ۲۹۲ - سنن الدار قطنی ج ۳ ص ۲۰۹ - عمده القاری
ج ۱۱ ص ۱۱۵ - شرح مسند ابی حنیفه ج ۱ ص ۲۴۷).



ایام تشریق: سه روز بعد از روز اول عید قربان را ایام تشریق گویند.

مسئله ۶۷ ◀ اگر کسی در این روزها نیت روزه ی نفل کند، بر وی اتمام آن لازم نیست بلکه آن را بشکند و قضاء نیز ندارد.

مسئله ۶۸ ◀ نذر روزه ی این روزها درست است ولی باید در آن روز افطار کرده و بعداً آن را قضاء کند.

مسئله ۶۹ ◀ اگر به روزه ی نذرش وفا کند و در آن روزها روزه بگیرد، نذرش را اداء کرده است.

مسئله ۷۰ ◀ روزه ی نفل را بخاطر مهمانی و یا داشتن مهمان می توان شکست و گناهی ندارد و بعداً آن را باید قضاء کند.
دلیل:

سلمان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به دیدار ابوالدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رفتند. وقتی غذا آوردند ابوالدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نخوردند. سلمان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به وی گفتند: چرا نمی خوری؟ وی گفت: روزه هستم. سلمان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفتند که باید بخوری تا من نیز بخورم و ابوالدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نیز خوردند. بعد پیش رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتند و این اتفاق را تعریف کردند. حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: سلمان راست گفته است. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۳۸ - مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۱۹۳ - صحیح ابن خزیمه ج ۳ ص ۳۰۹ - صحیح ابن حبان ج ۲ ص ۲۴).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحابش رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را برای مهمانی دعوت کردند. وقتی غذا آوردند یکی از اصحاب خود را کنار کشید. حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:



چه کاری است که می کنی؟ آن مرد گفت: من روزه ام. حضرت ﷺ فرمودند: برادرت برای شما به تکلف افتاده و غذا مهیا کرده است؛ پس روزه ات را بشکن و بجای آن یک قضاء به جای آور. (مسند الطیالسی ج ۳ ص ۶۵۵ - السنن الکبری للبیہقی ج ۷ ص ۴۳۰).

مسئله ۷۱ ◀ اگر مسافری از سفر برگردد و روزه نداشته باشد باید خود را در ادامه ی روز از منہیات روزه نگاه دارد.
یعنی نخورد و نیاشامد و جماع نکند.
دلیل:

رسول الله ﷺ در روز عاشورا به مردی از قوم اسلم دستور داد که بین مردم اعلام کند: هر کس چیزی نخورده پس روزه بگیرد و کسی که چیزی خورده است بقیه ی روز را چیزی نخورد. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۴۴ - سنن النسائی ج ۴ ص ۱۹۲).

مسئله ۷۲ ◀ همچنین اگر حائض از حیضش پاک شود، باید باقی مانده از روز را امساک کند.

امساک: خود را از منہیات روزه نگاه داشتن.

مسئله ۷۳ ◀ همچنین است حکم کسی که در روزهای رمضان به بلوغ برسد و نیز حکم کافری که در روزهای ماه رمضان مسلمان شود. و بر این دو قضای آن روز واجب نیست.



مسئله ۷۴ ◀ اگر مقیم روزه دار به سفر رود، روزه ی آن روز را کامل کند و اگر قبل از اتمام آن روز در سفر روزه اش را بشکند، کفارت ندارد.
دلیل:

زیرا در این افطار شبهه ی مباح بودن خوردن بخاطر سفر می باشد و کفارت نیز با عروض شبهه دفع می شود. (البحر الرئق ج ۲ ص ۳۱۲ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۲۵۲).

مسئله ۷۵ ◀ اگر شخصی کل ماه رمضان را با جنون سپری کند، بر وی قضای آن ماه نیست. ولی اگر در بعضی از روزها جنون بر وی عارض شود و بقیه ی ایام رمضان را عاقل باشد، پس بر وی قضای روزهای با جنون سپری شده واجب است.
دلیل:

زیرا در وجوب یک ماه کامل حرج پیش می آید و در کمتر از آن حرجی نیست. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

مسئله ۷۶ ◀ اگر در ماه رمضان بیهوش شود، روزهایی را که بیهوش بوده است، قضاء کند مگر روزی را که در آن بیهوش شده و روزه دار بوده، قضاء ندارد.
دلیل:

زیرا برای روزه، هر روز نیت روزه کردن لازم است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۲۵ - البحر الرئق ج ۲ ص ۳۱۲).



یاد آوری: از رسول الله ﷺ: هر کس بعد از رمضان شش روز روزه بگیرد مانند آن است که تمام عمر خود را روزه گرفته باشد. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۲۲ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۲۴ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۱۲۳ - سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۴۷).

فصل اعتکاف:

مسئله ۷۷ ◀ اعتکاف سنت مؤکده است.

دلیل:

رسول الله ﷺ در ده روز آخر هر رمضان اعتکاف می گزیدند و بعد از ایشان زنان وی به این امر مشغول شدند. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۴۷ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۳۱ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۳۱).

مسئله ۷۸ ◀ اعتکاف سنت کفائی می باشد؛ زیرا در زمان رسول الله ﷺ کسی به این کار مبادرت نکرده است و همچنین بعد از ایشان نیز همه به اینکار مبادرت نکرده اند. (اعلاء السنن ج ۶ ص ۲۹۱۹).

اعتکاف: اقامت کردن شخص روزه دار در مسجد با نیت اعتکاف را گویند.

مسئله ۷۹ ◀ کمترین حد اعتکاف یک روز می باشد.

مسئله ۸۰ ◀ اگر معتکف در زمانی کمتر از یک روز از مسجد خارج شود، قضای آن بر وی واجب است.



مسئله ۸۱ ◀ معتكف از مسجد خارج نشود مگر برای قضای حاجت و رفتن به جمعه.

مسئله ۸۲ ◀ برای رفتن به جمعه، بعد از زوال خورشید از مسجد خارج شود.

مسئله ۸۳ ◀ اگر مسجد وی از مصلاّی جمعه دور باشد پس در زمانی خارج شود که به جمعه بتواند برسد و سنن جمعه را بتواند بجای آورد.

مسئله ۸۴ ◀ مکث معتكف در مصلاّی جمعه بیشتر از نماز جمعه، اعتکاف را باطل نمی کند.

مسئله ۸۵ ◀ اگر لحظه ای بدون عذر از مسجد خارج شود، اعتکاف وی باطل است.

مسئله ۸۶ ◀ معتكف می تواند در مسجد بخورد و بنوشد و بخوابد و تجارت و معامله کند ولی نباید مبيع (کالا) را بیاورد.

مسئله ۸۷ ◀ معتكف نباید در مسجد سکوت کند؛ یعنی همیشه مشغول ذکر باشد. (ذکر یعنی قرآن، نماز و تسبیح و تهلیل...)

مسئله ۸۸ ◀ معتكف چیزی جز خیر به زبان نیاورد.



مفسدات اعتكاف [كارهاي كه اعتكاف را باطل مي

كند]:

مسئله ۸۹ ◀ ۱- جماع گرچه از روی فراموشی باشد و یا اینکه در شب باشد.

مسئله ۹۰ ◀ ۲- جماع به غیر از فرج اگر منی نازل شود.

مسئله ۹۱ ◀ ۳- اگر بیوسد و منی نازل شود.

مسئله ۹۲ ◀ ۴- اگر لمس کند و منی نازل شود. و این اعمال در مسجد حرام است.

دلیل :

از حضرت عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: طریقه ی اعتكاف این است كه معتكف به عیادت مریض و به جنازه نرود و با زنش ملامسه و یا جماع نداشته باشد و از مسجد خارج نشود مگر برای برآوردن حاجت ضروری خود و اعتكافی بدون روزه نیست و همچنین اعتكاف فقط در مسجد جامع می باشد. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۳۳).

مسئله ۹۳ ◀ زن در خانه به اعتكاف بنشیند.

دلیل:

زیرا مكان ادای نماز زن خانه اش می باشد پس مكان اعتكاف وی نیز همان مكان نماز وی می باشد؛ یعنی خانه ی وی. (المبسوط



للسرخسی ج ۳ ص ۱۱۹ - تحفه الفقهاء ج ۱ ص ۳۷۳ - الهدایه
ج ۱ ص ۱۲۹).

اگر کسی نذر چند روز اعتکاف را بکند، پس باید شب های آن نیز
معتکف باشد.

مسئله ۹۴ ◀ و پی در پی باید اعتکاف بنشیند گرچه این توالی را شرط
نکرده باشد.
دلیل:

زیرا با ذکر ایام، شب های آن نیز داخل می شود. (الهدایه
ج ۱ ص ۱۳۰).

مسئله ۹۵ ◀ اگر دو روز را نذر کند باید شب هایش را نیز معتکف باشد و
اگر در این دو روز فقط روزها را نذر کند این نیز درست است.



کتاب حج

شرایط وجوب حج:

حج بر کسی واجب است که:

مسئله ۱ ◀ ۱- مسلمان باشد.

مسئله ۲ ◀ ۲- آزاد باشد.

مسئله ۳ ◀ ۳- مکلف باشد.

مسئله ۴ ◀ ۴- از نظر جسمی سالم باشد و بینائی داشته باشد.

مسئله ۵ ◀ ۵- خرجی سفر داشته باشد.

مسئله ۶ ◀ ۶- تا برگشتن از حج، خرج خانواده ی خود را نیز داشته باشد.

مسئله ۷ ◀ ۷- راه سفر حج امن باشد.

دلیل:

فرض بودن حج:



ترجمه ی آیه: در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم. و هر که بدان داخل شود ایمن است. برای الله ﷻ، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است. و هر که راه کفر پیش گیرد، بداند که الله ﷻ از جهانیان بی نیاز است. [سوره ی آل عمران آیه ۹۷] و استطاعت مذکور در این آیه را رسول الله ﷺ به زاد و راحله ی توشه ی راه و مرکب تفسیر کرده اند. (سنن الترمذی ج ۱۰ ص ۲۵۹ - نصب الرايه ج ۵ ص ۴۵ - عمده القاری ج ۱۴ ص ۱۷۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۴ ص ۵۳۶ - سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۱۹۳ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۶۰۸).

رسول الله ﷺ: هر کس مانعی مانند سلطان ظالم یا سختی آشکار و مرض نداشته باشد و با این حال به حج نرود، پس وی می تواند به دین یهود یا مسیحیان بمیرد. (السنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۳۳۴ - مسند الرویانی ج ۳ ص ۴۱۴ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۸۳ - تحفه الفقهاء ج ۱ ص ۳۷۹).

مسئله ۸ ◀ برای زن موقعی حج واجب می شود که بعد از داشتن شرایط مذکوره، شوهر یا محرم وی در آن سفر همراه وی باشد. (اگر بین مکه و منزل زن مسافت سفر باشد).

دلیل:



رسول الله ﷺ: زن حق رفتن به حج را ندارد مگر اینکه همراهش محرم یا شوهرش باشد. مردی از رسول الله ﷺ پرسید: من عازم جنگ فی سبیل الله هستم و زنم نیز می خواهد به حج برود. چه کار کنم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: برگرد و همراه زنت حج بجای آور. (مسند احمد ج ۷ ص ۹۵ - نصب الرايه ج ۵ ص ۵۱ - مرقاه المفاتيح ج ۸ ص ۴۴۶ - سنن الكبرى للبيهقي ج ۵ ص ۲۲۶ - المعجم الكبير للطبرانی ج ۱۱ ص ۴۲۴ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۴۹ - صحيح ابن حبان ج ۹ ص ۷۳).

مسئله ۹ ◀ حج در تمام عمر یک بار فرض است.

دلیل:

از رسول الله ﷺ پرسیدند که آیا حج در هر سال می باشد یا اینکه در عمر یک مرتبه واجب است؟ رسول الله ﷺ جواب دادند: در عمر یک مرتبه فرض است و باقی آن نفل خواهد بود. (سنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۴۴۷ - المستدرک علی الصحيحین ج ۴ ص ۱۵۳ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۳۸ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۳۰ - کنز العمال ج ۵ ص ۲۲ - نصب الرايه ج ۵ ص ۳۵).

مسئله ۱۰ ◀ فرضیت حج علی الفور است.

علی الفور: یعنی در اولین فرصت باید به حج برود و تأخیر نکند.

دلیل:



رسول الله ﷺ: برای بجای آوردن حج (فرض) تعجیل کنید زیرا نمی دانید که چه بر شما عارض خواهد شد؛ از مریض شدن و غیر آن. (مسند امام احمد ج ۶ ص ۲۵۳ - المسند الجامع ج ۹ ص ۲ - کنز العمال ج ۵ ص ۲۴ - عمده القاری ج ۹ ص ۱۲۸ - سنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۳۴۰).

مسئله ۱۱ ◀ اگر کودکی نابالغ برای ادای حج احرام ببندد و در اثناء آن احرام به سن بلوغ برسد و با همان احرام حج را تمام کند، این حج از فرض وی واقع نمی شود ولی اگر دوباره به نیت حج فرض احرام ببندد، پس در این صورت از حج فرضش محسوب می شود.

از رسول الله ﷺ: هر کودکی که حج بجای آورده باشد وقتی به بلوغ برسد باید حج فریضه اش را بجای آورد و هر اعرابی (کافر) قبل از اسلام آوردن حج بجای آورد، بر وی لازم است وقتی مسلمان شد حش را اداء کند و هر بنده ای که حج بجای آورده باشد، بعد از آزاد شدنش برای ادای فریضه اش باید (دوباره) به حج رود. (السنن الصغری للبیهقی ج ۳ ص ۵۰۰ - المعجم الاوسط للطبرانی ج ۳ ص ۱۴۰ - بلوغ المرام ج ۱ ص ۲۶۴ - کنز العمال ج ۵ ص ۹۹ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۴۷۳).



فرائض حج:

مسئله ۱۲ ◀ ۱- احرام (نیت حج همراه با تلبیه).

مسئله ۱۳ ◀ ۲- وقوف عرفه (روز نهم ماه ذی الحجه در صحرای عرفات بودن).

مسئله ۱۴ ◀ ۳- طواف زیارت (از روز دهم ذی الحجه به بعد، هفت بار دور زدن گرد کعبه).

تلبیه: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (سنن الصغری ج ۴ ص ۱۶ - المعجم الاوسط ج ۲ ص ۲۸۸ - موطا مالک ج ۱ ص ۳۳۱ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۵۸ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۷۵ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۳۳۶ - سنن الدارمی ج ۵ ص ۳۷۷ - صحیح البخاری ج ۶ ص ۱۰۷ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۲۱).

ترجمه: بارالها دعوت تو را پذیرفتم، هیچ شریکی نداری، دعوتت را پذیرفتم، همانا حمد و سپاس تو راست و نعمت نیز تو راست و ملک و پادشاهی تو راست، هیچ شریکی نداری.

دلیل:

زیرا هیچ عبادتی بدون نیت صحیح نیست و ذکرى همراه با نیت لازم است؛ مانند تکبیر تحریمه همراه نیت نماز. (الهدایه و البنايه ج ۴ ص ۱۷۷ - الجوهره النيره ج ۲ ص ۸۴).



رسول الله ﷺ: حج یعنی وقوف عرفه. (السنن الكبرى للبيهقي ج ۵ ص ۱۷۳ - السنن الكبرى للنسائي ج ۲ ص ۴۲۴ - المستدرک علی الصحيحین ج ۴ ص ۲۴۸ - سنن ابن ماجه ج ۹ ص ۱۱۴ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۳۹ - سنن الدارقطني ج ۶ ص ۳۰۸ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۳۰۹).

یعنی هر کس به وقوف عرفه برسد رکن حج را به جای آورده است. ترجمه ی آیه: ... و بر گرد خانه ی گرامی کعبه، طواف کنند. [سوره ی الحج آیه ۲۹]

واجبات حج:

مسئله ۱۵ ◀ ۱- وقوف مزدلفه: بعد از وقوف عرفه در مکانی به نام مزدلفه بودن.

مسئله ۱۶ ◀ ۲- سعی بین صفا و مروه.

مسئله ۱۷ ◀ ۳- رمی الجمار: سنگ زدن به شیطان.

مسئله ۱۸ ◀ ۴- طواف صدر: طواف کعبه برای خداحافظی از بیت الله. این طواف برای غیر اهل مکه می باشد.

مسئله ۱۹ ◀ ۵- حلق: تراشیدن موی سر بعد از رمی جمره در روز عید قربان (روز دهم ذی الحجه).

دلیل:

ترجمه ی آیه: ... و چون از عرفات بازگشتید خدا را در مشعرالحرام یاد کنید. [سوره ی بقره آیه ی ۱۹۸]

رسول الله ﷺ: هر کس همراه ما این نماز را خوانده باشد و در این مکان (مزدلفه) وقوف کرده باشد، همانا اگر قبل از این وقوف، در عرفه نیز وقوف کرده باشد، حج وی تمام است. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۴۰ - سنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۱۷۳ - مسند الحمیدی ج ۳ ص ۱۰۷).

رسول الله ﷺ در عرفه وقوف کردند و وقتی خورشید غروب کرد به طرف مزدلفه حرکت کردند. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۳۳ - مسند البزار ج ۱ ص ۱۱۱ - نصب الرايه ج ۵ ص ۱۷۱ - مسند ابی یعلی ج ۱ ص ۲۶۴).

رسول الله ﷺ بر صفا صعود کردند و به طرف بیت الله رو کرده و دعاء کردند. (نصب الرايه ج ۵ ص ۱۴۰ - السنن الصغری للبیهقی ج ۲ ص ۱۷۹ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۵۸ - سنن ابن ماجه ج ۹ ص ۲۰۰ - سنن الدارمی ج ۵ ص ۴۳۹ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۲۴۵).

رسول الله ﷺ رمی جمره را انجام داده اند. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۲۲ - سنن ابن ماجه ج ۹ ص ۲۰۰ - سنن الکبری للبیهقی ج ۲ ص ۳۵۳ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۲۴۵).

رسول الله ﷺ: کسی که حج به جای می آورد، آخرین نسک وی طواف باشد. (السنن الصغری للبیهقی ج ۲ ص ۲۴ - المعجم الکبیر للطبرانی ج ۱۱ ص ۴۳ - موطا امام محمد ج ۲ ص ۴۱۵ - سنن ابن ماجه



ج ۹ ص ۱۹۴ - صحيح مسلم ج ۷ ص ۶ - مسند احمد ج ۱ ص ۲۲۲).
(طواف وداع).

رسول الله ﷺ در روز اول عيد قربان رمی جمره را انجام دادند و بعد به منی آمده و قربانی کرده و بعد به حلاق (کسی که سر می تراشد) امر کردند تا سرشان را بتراشد. (صحيح مسلم ج ۶ ص ۴۴۳ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۱۰۵ - نصب الرايه ج ۵ ص ۱۹۹).

مسئله ۲۰ ◀ بقیه افعال حج سنت یا مستحب هستند.

مسئله ۲۱ ◀ ماه های حج شوال و ذیقعه و ده روز اول ذی الحجه می باشد؛ یعنی از روز عيد فطر تا عيد قربان.
دلیل:

ترجمه ی آیه: حج در ماه های معینی است و کسانی که (با بستن احرام) حج را بر خود فرض کرده اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست. (سوره البقره آیه ی ۱۹۷).

از ابن زبیر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و ابن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: ماه های حج، شوال و ذیقعه و ده روز اول ذی الحجه می باشد. (السنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۳۴۲ - سنن الدارقطني ج ۶ ص ۲۳۹ - صحيح البخاری ج ۶ ص ۱۲۵ - نصب الرايه ج ۵ ص ۲۹۵ - مبسوط ج ۵ ص ۷۵).

مسئله ۲۲ ◀ بستن احرام حج قبل از ماه های حج مکروه است.

دلیل:



زیرا مدت احرام طولانی می شود و احتمال وقوع عملی حرام می رود و دیگر اینکه احرام از یک سو به رکن بودن شبیه است؛ پس مانند انجام دادن رکن قبل از وقتش خواهد بود. (مبسوط ج ۵ ص ۷۷ - تبیین الحقائق ج ۴ ص ۴۶۱ - فتح القدیر ج ۳ ص ۱۸).

مسئله ۲۳ ◀ عمره سنت است.

از رسول الله ﷺ پرسیده شد که آیا عمره واجب است؟ حضرت ﷺ جواب دادند: خیر ولی انجام دادن آن افضل خیر است. (سنن الترمذی ج ۴ ص ۷ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۱۰۸ - البحر الرائق ج ۳ ص ۶۳ - تلخیص الحبیر ج ۲ ص ۴۹۳ - السنن الکبری للبیهقی ج ۴ ص ۳۴۹ - المعجم الاوسط للطبرانی ج ۱۴ ص ۳۳۸ - مسند امام احمد ج ۲۸ ص ۴۲۶).

مسئله ۲۴ ◀ افعال عمره: ۱- طواف کعبه ۲- سعی بین صفا و مروه.

مسئله ۲۵ ◀ عمره در تمام روزهای سال جائز است و فقط در روز عرفه و چهار روز بعد آن مکروه است.

از حضرت عائشه رَضِیَ اللہُ عَنْہَا: عمره در تمام روزهای سال صحیح است مگر در پنج روز (روز عرفه و چهار روز بعد آن). (الاثار لابن یوسف ج ۲ ص ۴۴ - نصب الرایه ج ۵ ص ۴۲۱).

مسئله ۲۶ ◀ حرم مکه دارای حد و حدودی می باشد؛ یعنی دارای مرز مشخص می باشد.



مسئله ۲۷ ◀ هر کس که قصد داخل شدن به مکه را داشته باشد، بدون احرام حق عبور از آن مرز را ندارد.

مسئله ۲۸ ◀ آن مرز را میقات گویند.

مسئله ۲۹ ◀ میقات مدنی: کسی که بخواهد از طرف مدینه وارد شود، میقات وی مکانی به نام «ذوالحلیفه» است.

مسئله ۳۰ ◀ میقات عراقی: کسی که از طرف عراق وارد می شود، مکانی به نام «ذات عرق» است.

مسئله ۳۱ ◀ میقات شامی: کسی که از طرف سوریه (شام) وارد می شود، مکانی به نام «جحفه» است.

مسئله ۳۲ ◀ میقات نجدی: کسی که از طرف نجد وارد می شود، مکانی به نام «قرن» است.

دلیل:

رسول الله ﷺ چنین فرموده اند. (سنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۴۵۳ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۵۸ - سنن الدارمی ج ۵ ص ۳۵۱ - سنن النسائی ج ۸ ص ۴۸۹ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۱۵۹ - صحیح البخاری ج ۶ ص ۶۷ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۱۳ - مسند امام احمد).

مسئله ۳۳ ◀ تأخیر احرام از این مکان ها حرام است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: از میقات بدون احرام عبور نکنید. (المعجم الكبير للطبرانی ج ۱۱ ص ۴۳۵ - نصب الرايه ج ۵ ص ۶۳).

ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هر کسی را که از میقات می گذشت بر می گرداند تا احرام بسته و بعد وارد حرم شود. (موطا امام محمد ج ۲ ص ۲۱۴ - مسند الشافعی ص ۸۰۷ - تلخیص الحبیر ج ۲ ص ۲۴۳).

مسئله ۳۴ ◀ حاج (حاجی) می تواند قبل از رسیدن به میقات احرام بندد.
دلیل:

از رسول الله ﷺ: هر کس از مسجد الاقصی احرام حج یا عمره ببندد، گناهان پس و پیش وی بخشیده می شود و بهشت بر وی واجب می شود. (سنن الدارقطنی ج ۳ ص ۳۴۳ - سنن ابس داود ج ۲ ص ۱۴۳ - اخبار مکه للفاکھی ج ۱ ص ۴۱۰ - مسند ابی یعلی ج ۱۲ ص ۳۵۹ - المعجم الاوسط ج ۶ ص ۳۱۹ - السنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۴۴).

از حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در باره ی منظور از اتمام حج و عمره در آیه ی ۱۹۶ بقره سؤال شد. وی جواب دادند: احرام بستن از خانه ات. (السنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۴۵۴ - المستدرک علی الصحیحین ج ۷ ص ۲۱۸ - موطا امام محمد ج ۲ ص ۲۱۴ - کنز العمال ج ۲ ص ۳۵۹ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۴۸۰).



طریقه ی ادای مناسک (اعمال) حج:

مسئله ۳۵ ◀ کسی که قصد احرام بستن برای حج کند اول وضوء بگیرد (اگر غسل کند بهتر است).

دلیل:

رسول الله ﷺ برای احرام بستنشان غسل کردند. (سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۲ - المعجم الكبير للطبرانی ج ۵ ص ۱۳۵ - سنن الدار قطنی ج ۶ ص ۲۲۱).

مسئله ۳۶ ◀ و ازار و رداء بپوشد.

ازار و رداء: دو تکه پارچه که یکی به جای شلوار مورد استفاده قرار می گیرد و دیگری به عنوان پیراهن و این دو هیچ یک دوخته شده نیست و پارچه ی محض می باشد.

دلیل:

رسول الله ﷺ ازار و رداء پوشیدند که دوخته شده نبود. (السنن الصغری للبيهقي ج ۱ ص ۴۵۶ - صحيح البخاری ج ۶ ص ۱۰۰ - تلخیص الحبير ج ۲ ص ۵۱۸).

مسئله ۳۷ ◀ این دو لباس باید پاک باشد و بعد خودش را خوشبو کند.

دلیل:

از حضرت عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: من با دست های خودم رسول الله ﷺ را برای احرامشان خوشبو گرداندم. (سنن الصغری للبيهقي ج ۲ ص ۱۷ - صحيح



ابن خزيمة ج ۴ ص ۳۰۱ - صحيح البخارى ج ۱ ص ۴۷۳ - صحيح مسلم ج ۶ ص ۱۵۲).

مسئله ۳۸ ◀ و دو رکعت نماز بخواند.

رسول الله ﷺ بعد از احرام دو رکعت نماز خواندند. (سنن الكبرى للبيهقى ج ۵ ص ۴۴ - صحيح مسلم ج ۶ ص ۱۲۳ - سنن النسائي ج ۵ ص ۱۷۴).

مسئله ۳۹ ◀ کسی که قصد حج مفرد کند (فقط احرام حج، بدون عمره) بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي.

ترجمه: بارالها من قصد حج دارم پس آن را بر من آسان بگردان و آن را از من قبول کن.

مسئله ۴۰ ◀ بعد تلبیه گوید: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ. (سنن الصغرى ج ۴ ص ۱۶ - المعجم الاوسط ج ۲ ص ۲۸۸ - موطا مالک ج ۱ ص ۳۳۱ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۵۸ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۷۵ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۳۳۶ - سنن الدارمی ج ۵ ص ۳۷۷ - صحيح البخارى ج ۶ ص ۱۰۷ - صحيح مسلم ج ۶ ص ۱۲۱).

ترجمه: بارالها دعوت تو را پذیرفتم، هیچ شریکی نداری، دعوتت را پذیرفتم، همانا حمد و سپاس تو راست و نعمت نیز تو راست و ملک و پادشاهی تو راست، هیچ شریکی نداری.



مسئله ۴۱ ◀ از این تلبیه چیزی کم نکند و اگر بر آن چیزی اضافه کند رواست.

دلیل:

زیرا بزرگان صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بر این تلبیه کلماتی اضافه کرده اند. (الهدایه و البنايه ج ۴ ص ۱۷۵ سنن الصغری ج ۴ ص ۱۶ - المعجم الاوسط ج ۲ ص ۲۸۸ - موطا مالک ج ۱ ص ۳۳۱ - سنن ابی داود ج ۵ ص ۲۵۸ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۷۵ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۳۳۶ - سنن الدارمی ج ۵ ص ۳۷۷ - صحیح البخاری ج ۶ ص ۱۰۷ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۲۱).

حال این شخص محرم (دارای احرام حج) شد.

محرم (کسی که احرام بسته است) باید از این اشیاء دوری کند:

مسئله ۴۲ ◀ ۱- از رفت (از به زبان آوردن چیزهایی که در جمع گفته نمی شود مانند آنچه با زنش از کلام زناشوئی می گوید).

مسئله ۴۳ ◀ ۲- از فسوق (از حدود شرع خارج شدن و اعمال و گفتار نامشروع به زبان آوردن).

مسئله ۴۴ ◀ ۳- از جدال (جرّ و بحث کردن با کسی).

دلیل:

ترجمه ی آیه: حج، در ماه‌های معینی است و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج) حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست. [سوره ی بقره آیه ی ۱۹۷]

مسئله ۴۵ ◀ ۴- کشتن شکار خشکی.

دلیل:

ترجمه ی آیه: صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است تا (در حال احرام) از آن بهره‌مند شوید ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می‌شوید، بترسید. [سوره ی مائده آیه ی ۹۶]

مسئله ۴۶ ◀ ۵- از اشاره کردن به صید (شکار) برای شکار آن.

مسئله ۴۷ ◀ ۶- نشان دادن مکان شکار برای کسی که می‌خواهد آن را شکار کند.

دلیل:

قتاده رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ غیر محرم بود و شکار کرد و صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ که محرم بودند از آن خوردند و بعد پیش رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و به ایشان این اتفاق را عرض کردند و حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: آیا شما (که محرم هستید) برای شکار آن اشاره ای کردید؟ و یا اینکه کمک کردید؟ یا شکار کردید؟ صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ جواب دادند: خیر ما هیچ یک از این کار ها را نکردیم.



پس رسول الله ﷺ فرمودند: می توانید بخورید. (سنن الکبری للنسائی ج ۲ ص ۳۷۲ - نصب الرايه ج ۵ ص ۳۷۵ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۱۷۴).

رسول الله ﷺ: اگر صیدی را محرم شکار نکند و برای محرم شکار کرده نشود، خوردن از آن بر محرم حلال است. (سنن الصغری للبيهقي ج ۴ ص ۱۰۰ - المستدرک علی الصحيحین ج ۴ ص ۲۰۴ - سنن ابی داود ج ۱ ص ۵۷۲ - سنن الدارقطنی ج ۷ ص ۳۸ - سنن النسائی ج ۹ ص ۲۱۸).

مسئله ۴۸ ◀ ۷- از استعمال مواد خوشبو کننده مانند عطر دوری کند.

مسئله ۴۹ ◀ ۸- همچنین از شستشو با صابون های خوشبو و معطر.

دلیل:

رسول الله ﷺ: حاج «الشَّعْثُ التَّفِلُّ» است؛ یعنی سر و بدنش غبار آلود و بدون استعمال بوی خوش است. (سنن الکبری للبيهقي ج ۴ ص ۳۳۰ - سنن ابن ماجه ج ۸ ص ۴۴۴ - سنن الترمذی ج ۱۰ ص ۲۵۹ - سنن الدار قطنی ج ۲ ص ۲۱۷ - مسند البزار ج ۱ ص ۴۴).

مسئله ۵۰ ◀ ۹- گرفتن ناخن ها.

دلیل:

بخاطر حدیث مذکور و گرفتن ناخن نیز مخالف «شعث و تفل» بودن حاج می باشد. (شرح الیاس ج ۱ ص ۳۲۰ حاشیه شماره ی ۸ - شرح الوقایه ج ۱ ص ۳۲ حاشیه شماره ی ۱۲).

مسئله ۵۱ < ۱۰- پوشاندن صورت خود.

مسئله ۵۲ < ۱۱- پوشاندن سر.

دلیل:

رسول الله ﷺ در باره ی کسی که در حج فوت شده بود فرمودند: سر و روی وی را نپوشانید زیرا وی در روز قیامت تلبیه گوینان مبعوث خواهد شد. (سنن الکبری للبیهقی ج ۳ ص ۳۹۱ - السنن الکبری للنسائی ج ۲ ص ۳۴۳ - معجم الطبرانی ج ۱۰ ص ۴۶ - سنن ابن ماجه ج ۹ ص ۲۱۵ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۹۸).

مسئله ۵۳ < ۱۱- کوتاه کردن موی سر.

مسئله ۵۴ < ۱۲- تراشیدن موی سر.

مسئله ۵۵ < ۱۲- گرفتن موی بدن.

دلیل:

ترجمه ی آیه: و متراشید سرهای خود را. [سوره ی بقره آیه ی ۱۹۶]

مسئله ۵۶ < ۱۴- پوشیدن لباس دوخته شده.

مسئله ۵۷ < ۱۵- پوشیدن عمامه.

مسئله ۵۸ < ۱۶- پوشیدن کفش (هر نوع کفشی که پا را کاملاً بپوشاند)

ولی می تواند دمپائی یا مانند آن که استخوان بر آمده ی روی پا را نمی پوشاند، استفاده کند.



مسئله ۵۹ ◀ ۱۷- پوشیدن لباسی که با مواد خوشبو رنگ شده باشد (اگر بوی خوش آن رفته باشد اشکالی ندارد).

دلیل:

رسول الله ﷺ از این اعمال نهی فرموده اند. (صحیح البخاری ج ۴ ص ۴۸۰ - مسند احمد ج ۱۲ ص ۲۶۸ - سنن النسائی ج ۲ ص ۳۳۶).

کارهایی که برای حاج جائز است:

مسئله ۶۰ ◀ ۱- حمام رفتن.

دلیل:

زیرا رسول الله ﷺ وقتی محرم بودند غسل می کردند. (صحیح البخاری ج ۷ ص ۸۳ - صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۹۳ - سنن النسائی ج ۹ ص ۳ - سنن ابن ماجه ج ۹ ص ۱۲۳ - سنن ابی داود ج ۱ ص ۵۷۰).

مسئله ۶۱ ◀ ۲- زیر سایه رفتن.

دلیل:

رسول الله ﷺ این عمل را انجام می دادند. (صحیح مسلم ج ۶ ص ۴۲۸ - صحیح ابن حبان ج ۹ ص ۲۶۵ - سنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۶۹ - مسند امام احمد ج ۵۵ ص ۲۴۹ - کنز العمال ج ۵ ص ۲۹۶).

مسئله ۶۲ ◀ ۳- بستن همیان به کمر خود (چیزی دوخته شده برای نگهداری پول).

دلیل:

از حضرت عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا در باره ی همیان برای حاج پرسیده شد و وی جواب دادند: نفقه (پول) خود را در آن نگهدارید. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۴ ص ۵۰ - سنن الکبری للبیہقی ج ۵ ص ۶۹ - تلخیص الحبیر ج ۲ ص ۵۹۴ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۱۸۶).

در این مواقع تلبیه زیاد گوید:

- مسئله ۶۳ ◀ ۱- هر گاه نماز بخواند.
- مسئله ۶۴ ◀ ۲- هر گاه به بلندی سوار شود.
- مسئله ۶۵ ◀ ۳- هر گاه از دره ای پائین رود.
- مسئله ۶۶ ◀ ۴- هر گاه سواری را ببیند.
- مسئله ۶۷ ◀ ۵- هرگاه در سحر بیدار شود.

دلیل:

زیرا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مواقع زیاد تلبیه می گفتند. (البدر المنیر ج ۶ ص ۱۵۱ - التلخیص الحبیر ج ۲ ص ۵۲۰).

و همچنین سلف صالح (صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ) تلبیه گفتن در این مواقع را مستحب می دانسته اند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۳۱ - معرفة السنن و الآثار ج ۷ ص ۱۳۱ - المبسوط للسرخی ج ۴ ص ۸ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۴ - نصب الراية ج ۳ ص ۳۳).



طریقه ی ادای حج:

مسئله ۶۸ ◀ در ابتداء وقتی که وارد مکه می شود اول از همه به مسجد الحرام برود.

مسئله ۶۹ ◀ و وقتی بیت الله را دید تکبیر (الله اکبر) گوید و تهلیل (لا اله الا الله) گوید و دعاء کند.

مسئله ۷۰ ◀ بعد به طرف حجرالأسود برود، تکبیر و تهلیل گوید و دستهایش را مانند بالا بردن در نماز بالا ببرد.

مسئله ۷۱ ◀ اگر بتواند، بدون آزار و اذیت دیگران حجرالأسود را ببوسد و لمس کند.

مسئله ۷۲ ◀ اگر ممکن نباشد با چیزی آن را لمس کند و آن شیء را ببوسد.

مسئله ۷۳ ◀ و اگر از آن کار نیز عاجز باشد و نتواند، پس رو به حجرالأسود کرده و تکبیر و تهلیل و تحمید (الحمد لله گفتن) گوید و بر رسول الله ﷺ صلوات بفرستد.

مسئله ۷۴ ◀ و طواف قدوم خود را انجام دهد.

مسئله ۷۵ ◀ طواف قدوم برای غیر اهل مکه سنت است.

دلیل:

اولین کاری که رسول الله ﷺ موقع داخل شدن به مکه انجام دادند این بود که وضوء ساخته و طواف کردند. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۵۲ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۰۶ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۲۰۷).

طریقه ی طواف کردن:

مسئله ۷۶ ◀ وقتی وارد مسجد الحرام می شود، رو به در کعبه کرده به طرف راست خود برود. (طوری که هنگام طواف دست چپش به طرف کعبه خواهد بود).

مسئله ۷۷ ◀ از پس حطیم طواف کند.

حطیم: همان دیوار نعلی شکل کنار کعبه که در طواف، خود کعبه و این دیوار را دور بزند و از بین کعبه و این دیوار عبور نکند.

مسئله ۷۸ ◀ این کار را هفت بار انجام دهد.

مسئله ۷۹ ◀ در سه دور اول رمل کند.

رمل: کتف خود را تکان دادن، مانند کسانی که می خواهند مبارزه کنند.

مسئله ۸۰ ◀ در این سه دور کتف سمت راست خود را برهنه بگذارد (به این کار اضطباع گویند).

دلیل:



حضرت عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدم آیا حطیم از بیت الله (محسوب) می شود یا که خیر؟ ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جواب دادند: بله از بیت الله محسوب می شود ... (صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۴۶ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۷۳ - مسند اسحاق بن راهویه ج ۳ ص ۸۸۵).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طواف برای بار اول در سه دور اول رمل می کردند و در چهار دور آخر راه می رفتند. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۵۸ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۲۰ - مسند امام احمد ج ۱۰ ص ۲۹).

مسئله ۸۱ ◀ هر بار که به حجر الأسود می رسد تکبیر و تهلیل و دعاء بجای آورد.

مسئله ۸۲ ◀ لمس کردن «رکن الیمانی» مستحب است.

دلیل:

از ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقط «رکن یمانی» و «حجرالأسود» را استلام می کردند. (صحیح البخاری ج ۱ ص ۴۴ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۴۴ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۵۰).

استلام: لمس کردن و بوسیدن.

مسئله ۸۳ ◀ هر یک از گوشه های کعبه دارای نامی بخصوص می باشد و «رکن الیمانی» نام یکی از آن ها است.

مسئله ۸۴ ◀ طواف را با بوسیدن و لمس «حجرالأسود» تمام کند.



مسئله ۸۵ ◀ بعد از طواف دو رکعت نماز بخواند. این نماز بعد از هر طواف واجب است.

مسئله ۸۶ ◀ این نماز را در مقام ابراهیم (ع) و یا هر جای دیگر از مسجد الحرام اداء کند.

مسئله ۸۷ ◀ بعد از این نماز برگشته و «حجر الأسود» را بوسیده و لمس کند و از مسجد خارج شود و بین صفا و مروه سعی کند.
دلیل:

رسول الله ﷺ بعد از طواف وقتی به نزد مقام ابراهیم (ع) رسیدند این آیه ({وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى} [البقرة: ۱۲۵]) و از «مقام ابراهیم» نمازگاه برگزینید) را تلاوت کرده و دو رکعت نماز گزارند و بعد برگشته و «حجر الأسود» را استلام کردند و بعد به طرف صفا حرکت کردند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - سنن النسائی ج ۵ ص ۲۳۶ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۳۴).

طریقه ی سعی:

مسئله ۸۸ ◀ اول به «صفا» رفته و وقتی به به بالای «صفا» برسد، رو به «بیت الله» کند و تکبیر و تهلیل و صلوات بخواند و دو دستش را بلند کند و دعاء کند.



مسئله ۸۹ ◀ بعد به طرف «مروه» راه برود و بین دو میله ی سبز سریعتر راه برود.

مسئله ۹۰ ◀ وقتی به بالای «مروه» رسید، همان کارهایی را انجام دهد که در «صفا» انجام داده بود.

مسئله ۹۱ ◀ بعد به طرف «صفا» سعی کند. وقتی به «صفا برسد» این دومین سعی وی می باشد و این کار را هفت بار انجام دهد.
دلیل:

وقتی رسول الله ﷺ به نزدیکی «صفا» رسیدند، فرمودند: از آنچه که الله تعالی شروع کرده است، سعی خود را شروع می کنم و بر «صفا» ایستاده و دعا و تهلیل بجای آوردند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۳۴ - سنن الدارمی ج ۲ ص ۱۱۶۷). (یعنی در قرآن اول ذکر صفا آمده است و بعد مروه).

مسئله ۹۲ ◀ بعد از سعی در مکه ساکن شود و از احرام خارج نشود (زیرا وی احرام حج مفرد بسته است).

مسئله ۹۳ ◀ در این مدت هر مقدار که خواست طواف نفل به جای آورد.

مسئله ۹۴ ◀ امام در روز هفتم ذی الحجه برای مردم خطبه می خواند و در آن مناسک (اعمال حج) را توضیح می دهد.
دلیل:

رسول الله ﷺ در این روز برای مردم خطبه خواندند و مناسک حج را تعلیم دادند. (المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۶۳۲ - السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۱۸۰ - التلخیص الحبیر ج ۲ ص ۵۴۴).

مسئله ۹۵ ◀ سپس در روز نهم در «عرفات» خطبه می خواند و بعد در روز یازدهم در «منا» خطبه می خواند.

دلیل:

رسول الله ﷺ این کار را انجام دادند. (السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۷۱ - نیل الاوطار ج ۳ ص ۳۶۴ - البدر المنیر ج ۶ ص ۱۶۲).

مسئله ۹۶ ◀ در روز هشتم (روز تروییه) به «منا» برود و در آنجا تا صبح روز عرفه بماند.

مسئله ۹۷ ◀ و در صبح عرفه به سوی عرفات حرکت کند.

دلیل:

رسول الله ﷺ صبح روز «تروییه» به منا آمدند و تا صبح عرفات در آنجا ماندند و بعد به عرفات رفتند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۱۵ - نیل الاوطار ج ۵ ص ۶۵).

مسئله ۹۸ ◀ تمام صحرای عرفات بجز مکانی به نام «بطن عرنه» موقف می باشد.

یعنی در هر جای عرفات بایستد، فرض وقوف عرفات را انجام داده است.



دلیل:

رسول الله ﷺ: سرتاسر عرفات محل وقوف می باشد بغیر از «بطن عرنه». (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۰۲ - موطا مالک ج ۳ ص ۵۶۹ - مسند احمد ج ۲۷ ص ۳۱۶ - صحيح ابن خزيمة ج ۴ ص ۲۵۴).

مسئله ۹۹ ◀ بعد از زوال خورشید (در نیم روز)، امام حج مانند خطبه ی جمعه برای مردم خطبه می خواند.

مسئله ۱۰۰ ◀ در این روز نماز ظهر و عصر را با هم خوانده می شود.

مسئله ۱۰۱ ◀ و شرط جمع این دو نماز: ۱- جماعت. ۲- احرام می باشد و با یک اذان و دو اقامت اداء می شود؛ یعنی کسی می تواند بین این دو نماز را جمع کند که با جماعت اداء کند و محرم (دارای احرام) باشد.

مسئله ۱۰۲ ◀ اگر کسی دارای این شرایط نباشد، نمی تواند بین این دو نماز را جمع بکند؛ یعنی کسی که تنها و بدون جماعت نماز بخواند، نمی تواند هر دو را با هم بخواند و همچنین کسی که محرم نیست نمی تواند بین دو نماز جمع کند.

دلیل:

رسول الله ﷺ اینچنین عمل کرده اند. (صحيح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - مصنف ابن ابی شيبه ج ۳ ص ۲۵۵ - سنن الدارمی ج ۲ ص ۱۱۶۷ - صحيح ابن حبان ج ۴ ص ۳۱۱).

مسئله ۱۰۳ ◀ بعد از خواندن نماز به «موقف» (مکانی که در آنجا ایستاده می شود تا فرض وقوف عرفه انجام شود) حرکت کرده می شود.

مسئله ۱۰۴ ◀ غسل کردن قبل از حرکت به «موقف»، سنت است.

مسئله ۱۰۵ ◀ اگر برای لحظه ای در «موقف» بایستد فرضش انجام شده است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: حج همان عرفه است (رکن اصلی حج عرفه است)؛ هر کس قبل از طلوع فجر «یوم نحر» به عرفات برسد همانا به حجتش رسیده است. (مسند طيالسی ج ۲ ص ۶۴۳ - مسند حمیدی ج ۲ ص ۱۴۷ - مصنف ابین ابی شیبہ ج ۳ ص ۲۲۵ - المعجم الاوسط ج ۵ ص ۲۸۵).

مسئله ۱۰۶ ◀ برای انجام وقوف عرفه، دانستن شرط نیست؛ یعنی اگر کسی در عرفه بایستد و خودش نداند که آن مکان عرفه است، باز فرضش اداء شده است.

مسئله ۱۰۷ ◀ و یا اینکه در حالت خواب در آنجا بایستد باز فرضش اداء شده است.

مسئله ۱۰۸ ◀ همچنین شخص بیهوش را اگر همراهان وی به عرفات ببرند باز فرضش اداء شده است.

مسئله ۱۰۹ ◀ بعد از غروب آفتاب «عرفه» را به سوی «مزدلفه» ترک کند.

دلیل:



رسول الله ﷺ تا غروب خورشید در عرفات ماندند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۸۲ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۲۲ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۳۴ - سنن الدارمی ج ۲ ص ۱۱۶۷).

مسئله ۱۱۰ ◀ و با اقامت در هر جای «مزدلفه» واجبش اداء می شود بجز مکانی به نام «وادی محسر». دلیل:

رسول الله ﷺ: تمام نقاط مزدلفه محل انجام نسک می باشد بجز «وادی محسر». (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۰۲ - موطا مالک ج ۳ ص ۵۶۹ - مسند امام احمد ج ۲۷ ص ۳۱۶ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۲۵۴).

مسئله ۱۱۱ ◀ در «مزدلفه»، نماز مغرب و عشاء را با هم در وقت عشاء، با یک اذان و یک اقامه بخواند. دلیل:

رسول الله ﷺ در مزدلفه با یک اذان و یک اقامه مغرب و عشاء را اداء کردند. (مسند احمد ج ۹ ص ۱۶۶ - سنن النسائی ج ۵ ص ۲۶۰ - مسند ابی یعلی ج ۱۰ ص ۱۶۸ - مستخرج ابی عوانه ج ۲ ص ۳۷۹).

مسئله ۱۱۲ ◀ اگر کسی نماز مغربش را در وقت مغرب بخواند، باید آن را در وقت عشاء و قبل از فجر صادق اعاده کند؛ یعنی در این روز خواندن مغرب در وقت عشاء واجب است.

مسئله ۱۱۳ ◀ نماز صبح را اول وقت بخواند سپس بایستد و دعاء کند و وقتی هوا روشن شد به منا بیاید و «رمی جمره» را انجام دهد. (هفت بار سنگ زدن به شیطان).
دلیل:

رسول الله ﷺ اینچنین عمل کرده اند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۸۲ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۲۲ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۳۴).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: رسول الله ﷺ به ضعیفان اهل خود می گفت که به منی بروید ولی قبل از فجر صادق (صبح) رمی جمار را بجای نیاورید. (شرح مشکل الآثار ج ۹ ص ۱۲۳ - السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۱۶ - عمدہ القاری ج ۱۰ ص ۱۵).

مسئله ۱۱۴ ◀ طریقه ی سنگ زدن: انگشت شست را با انگشت سبابه قفل کند و سنگ ریزه را بر روی ناخن انگشت شست خود گذاشته و سنگ را پرتاب کند. (این عمل را «خذف» گویند).

مسئله ۱۱۵ ◀ و هر بار، تکبیر گوید.

مسئله ۱۱۶ ◀ در اول رمی جمره تلبیه گفتن را قطع کند.



دلیل:

رمی رسول الله ﷺ را اینچنین روایت کرده اند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۸۲ - سنن النسائی ج ۵ ص ۲۶۷).
مسئله ۱۱۷ ◀ حاج مفرد اگر بخواهد می تواند دم شکرانه ذبح کند.

دم شکرانه: ذبح کردن گوسفند برای به جای آوردن شکرانه ی موفقیت در اتمام و حاجی شدن.

مسئله ۱۱۸ ◀ بعد از ذبح دم، موهایش را کوتاه کند.

مسئله ۱۱۹ ◀ تراشیدن سر از کوتاه کردن افضل است.

دلیل:

رسول الله ﷺ به منی آمدند و رمی جمار بجای آوردند و بعد به قربانگاه رفتند و بعد از آن به حلاق (کسی که سر می تراشد؛ سلمانی) فرمودند تا سر ایشان را بتراشد. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۴۷ - السنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۱۶۸ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۶۲).

مسئله ۱۲۰ ◀ همه ی چیزهایی که با احرام بستن برای حاج حرام شده بود، بعد از تراشیدن سر حلال شد بجز نزدیکی به زنش.

یعنی می تواند لباس عادی بپوشد و چیزهای خوشبو کننده استفاده کند و کفش بپوشد و کلاه و عمامه سرش بگذارد...

دلیل:



رسول الله ﷺ: هر کس رمی جمره ی عقبه را انجام دهد و ذبح و حلق را بجای آورد، همه محرّمات حج بر وی حلال می گردد بغیر از زنان. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۲۳۸ - مسند اسحق بن راهویه ج ۲ ص ۴۳۲ - السنن الکبریٰ للنسائی ج ۴ ص ۲۱۷ - مسند ابی یعلیٰ ج ۷ ص ۴۴۱ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۳۰۳).

مسئله ۱۲۱ ◀ بعد از اینکه از احرام بیرون آمد، طواف زیارت (طواف فرض) را به جای آورد.

دلیل:

در روز اول عید قربان رسول الله ﷺ به مکه برگشتند و (طواف زیارت را انجام دادند) و بعد برگشتند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۵۰ - مسند امام احمد ج ۸ ص ۴۹۸ - مسند البزار ج ۱۲ ص ۱۵۸ - السنن الکبریٰ للبیهقی ج ۴ ص ۲۱۸ - صحیح ابن خزیمه ج ۴ ص ۳۰۴).

مسئله ۱۲۲ ◀ اگر سعی صفا و مروه را قبلاً انجام داده باشد، در این طواف رمل نکند (رمل: لرزاندن کتف ها و حالت جنگ به خود گرفتن).

مسئله ۱۲۳ ◀ وقت طواف زیارت سه روز عید قربان است.

دلیل:

زیرا در آیات ۲۸ و ۲۹ طواف را بر ذبح عطف کرده است و معطوف در حکم معطوف علیه می باشد. (الهدایه ج ۱ ص ۱۴۵ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۳۳).



مسئله ۱۲۴ ◀ و انجام آن در روز اول عید قربان افضل (بهتر) است.
دلیل:

این افضلیت، با اجماع امت ثابت است. (البنایه ج ۴ ص ۲۵۲).

مسئله ۱۲۵ ◀ بعد از طواف زیارت نزدیکی به زن نیز حلال می گردد.

مسئله ۱۲۶ ◀ تأخیر طواف زیارت از روزهای عید قربان مکروه بوده و دم واجب می شود. (قربانی کردن گوسفند).
دلیل:

از ابن عباس رضی الله عنه: هر کس نسکی را تقدیم یا تأخیر کند، پس بر وی دم واجب است. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۶۲ - شرح مشکل الآثار ج ۱۵ ص ۲۸۸).

مسئله ۱۲۷ ◀ در روز دوم عید قربان رمی جمار انجام دهد. (به هر سه شیطان سنگ بزند).

مسئله ۱۲۸ ◀ به ترتیب از شیطان نزدیک به «مسجد خیف» شروع کند.

مسئله ۱۲۹ ◀ با هر سنگ زدن تکبیر گوید.

مسئله ۱۳۰ ◀ بعد از سنگ زدن شیطان اول و دوم بایستد و دعاء کند و در سومی نایستد.

دلیل:

حضرت عائشه رضی اللہ عنہا حج رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم را اینچنین توصیف کردند.
(سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۰۱ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۱۴۰ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۶۸).

مسئله ۱۳۱ ◀ در روز سوم نیز این عمل را تکرار کند.

مسئله ۱۳۲ ◀ اگر در روز چهارم در منی بماند، این عمل را تکرار کند.
دلیل:

ترجمه ی آیه: خداوند را در روزهایی چند یاد کنید (ایام منی)، و هر که در دو روز شتاب کند (از راه منی)، مرتکب گناهی نشده است. هر پرهیزگاری هم که تأخیر کند گناهی نکرده است. از خدا بترسید و بدانید که همگان به پیشگاه وی گرد می‌آیند. [سوره ی بقره آیه ۲۰۳]

مسئله ۱۳۳ ◀ ماندن در منی در روز چهارم مستحب است.

دلیل:

زیرا رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم روز چهارم را نیز ماندند. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۰۱ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۱۴۰ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۶۸).

مسئله ۱۳۴ ◀ اگر قبل از طلوع فجر روز چهارم منی را ترک کند، رمی آن روز ساقط می شود.

مسئله ۱۳۵ ◀ هنگام رجوع به مکه، در مکانی به نام «محصب» اطراق کند.

دلیل:



زیرا رسول الله ﷺ در «محصب» اطراق کردند و بعد وارد مکه شدند.
(صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۸۰ - الجامع لابن وهب ج ۱ ص ۷۷ - اخبار
مکه ج ۴ ص ۴۲ - المنتقى ج ۱ ص ۱۳۱ - صحیح ابن خزیمه
ج ۲ ص ۷۹).

مسئله ۱۳۶ ◀ بعد وارد مکه شده و «طواف صدر» انجام دهد. (طواف خدا
حافظی).
دلیل:

مردم بعد از انجام مناسک حج هر کدام از سمتی به خانه هایشان
برمی گشتند و رسول الله ﷺ به آن ها امر فرمودند که آخرین کار آنان
در حج، بیت الله باشد (یعنی طواف بیت الله). (صحیح مسلم
ج ۲ ص ۹۶۳ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۲۰ - مسند الشافعی
ج ۱ ص ۱۳۱).

مسئله ۱۳۷ ◀ در این طواف رمل و سعی نیست.

مسئله ۱۳۸ ◀ بعد از آب زمزم بنوشد.

دلیل:

حضرت عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا با خود از آب زمزم برمی داشتند و می گفتند که
رسول الله ﷺ این کار را می کرده است. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۸۶ -
مسند ابی یعلی ج ۸ ص ۱۳۹ - شرح السنه للبغوی ج ۷ ص ۳۰۰).

مسئله ۱۳۹ ◀ آستانه ی در کعبه را ببوسد.



مسئله ۱۴۰ ◀ رخ و سینه اش را به ملتزم چسبانده و از پرده ی کعبه گرفته با اخلاص کامل دعاء کند و از اینکه باید آنجا را ترک کند اظهار ناخوشنودی کرده و گریه کند.

دلیل:

عبدالله بن عمر رضی الله عنه این کارها را انجام دادند و گفتند: رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که این چنین عمل می کند. (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۹۸۷).

مسئله ۱۴۱ ◀ و به صورت قهقری بر گردد تا اینکه از مسجد خارج شود. (قهقری؛ عقب عقب راه رفتن).

مسئله ۱۴۲ ◀ زن سرش را بپوشاند و پوشش از روی صورت خود بردارد. (نقاب یا مانند آن نبندد).

مسئله ۱۴۳ ◀ اگر بر روی صورتش چیزی بیاندازد و آن چیز با صورتش تماس نداشته باشد جائز است.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله: احرام مرد در سر وی و احرام زن در صورت وی می باشد؛ یعنی مرد سرش را نپوشاند و زن صورت خود را. (سنن الدارقطنی ج ۳ ص ۳۶۳ - السنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۷۴ - معرفه السنن و الاثار ج ۷ ص ۱۳۹).

مسئله ۱۴۴ ◀ زن نباید تلبیه را جهراً بگوید.

جهر: بلند کردن صدا.



دلیل:

از ابن عباس رضی اللہ عنہ و ابن عمر رضی اللہ عنہ: زن تلبیه را به جهر نگوید. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۲۸ - السنن الصغیر للبیہقی ج ۲ ص ۱۵۲ - عمدہ القاری ج ۹ ص ۱۷۱).

مسئله ۱۴۵ ◀ در سعی بین صفا و مروہ نباید بدوَد بلکه آرام آرام راه برود. از ابن عمر رضی اللہ عنہ: بر زن رمل و سعی نیست. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۵۰ - سنن الدارقطنی ج ۳ ص ۳۶۵ - حلیہ الاولیاء ج ۹ ص ۳۶).
مسئله ۱۴۶ ◀ زن سرش را نباید بتراشد بلکه به مقدار سر انگشت از آن کوتاه کند.

دلیل:

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم زنان را از تراشیدن موی سر منع کرده اند. (سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۴۷ - سنن النسائی ج ۸ ص ۱۳۰ - مسند البزار ج ۲ ص ۹۲ - عمدہ القاری ج ۱۰ ص ۶۴).
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بر زن تقصیر (کوتاه کردن) واجب است. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۰۳ - سنن الدارمی ج ۲ ص ۱۲۱۲ - المعجم الکبیر للطبرانی ج ۱۲ ص ۲۵۰).

مسئله ۱۴۷ ◀ زن لباس عادی بپوشد (لباس دوخته شده بپوشد).

دلیل:



زیرا پوشیدن لباس دوخته نشده موجب کشف عورت می شود و آن حرام است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۴۹ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۳۹).

مسئله ۱۴۸ ◀ اگر حجرالأسود شلوغ باشد، زن نباید به آن نزدیک شود.

مسئله ۱۴۹ ◀ حیض دیدن زن به غیر از طواف چیزی از مناسک حج را منع نمی کند.

دلیل:

حضرت عائشه رضی الله عنہا برای حج همراه رسول الله صلی الله علیه و آله از مدینه خارج شدند. در راه حج حضرت عائشه رضی الله عنہا حائض شدند و گریه کنان پیش رسول الله صلی الله علیه و آله رفتند و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر آنچه که حاج انجام می دهد را انجام بده به غیر از طواف بیت الله. (صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۰۱ - مسند امام احمد ج ۴۰ ص ۱۳۲ - صحیح مسلم ج ۸۷۳).

مسئله ۱۵۰ ◀ اگر کسی حجّش فوت شود باید طواف کند و سعی صفا و مروه انجام دهد و از احرام خارج شده و در سال بعد قضای آن را بجای آورد.

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله به کسی که حجّش را باطل کرده بود فرمودند: به حج خود ادامه دهید و دمی قربانی کنید و در سال آینده حج خود را قضاء کنید. (المراسیل لابی داود ج ۱ ص ۱۴۷ - السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۲۷۲).



فوت شدن حج: یعنی باطل شدن حج.

فصل حج قران:

مسئله ۱۵۱ ◀ حج قران، از دیگر انواع حج افضل است.

دلیل:

رسول الله ﷺ: ای آل محمد حج و عمره را با هم بجای آورید. (الهدایه ج ۱ ص ۱۵۰)

مسئله ۱۵۲ سه نوع حج وجود دارد: ۱- حج مفرد. ۲- حج قران. ۳- حج تمتع.

مسئله ۱۵۳ ◀ حج فرض را می توان با هر یک نوع از این انواع اداء کرد.

مسئله ۱۵۴ ◀ تعریف حج قران: احرام بستن برای انجام حج و عمره؛ یعنی در میقات، انجام حج و عمره را یکجا نیت می کند.

مسئله ۱۵۵ ◀ نیت حج قران: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي.

ترجمه: بار الهای، من قصد ادای حج و عمره را دارم پس آن دو را بر من آسان بگردان و آن ها را از من قبول بفرما.

طریقه ی ادای حج قرآن:

مسئله ۱۵۶ ◀ وقتی به مکه رسید، برای عمره اش طواف کند و در سه دور اول رمل کند.

مسئله ۱۵۷ ◀ بعد از طواف، سعی «صفا» و «مروه» بجای آورد و مانند حج مفرد که قبلاً توضیح داده شد، حبش را بجای آورد.
دلیل:

الله تعالی می فرماید: به سبب ادای عمره تا هنگام حج. [سوره ی البقره آیه ۱۹۶] (یعنی اول عمره اداء می شود بعد حج)

مسئله ۱۵۸ ◀ بعد از رمی روز اول عید قربان «دم قرآن» خود را ذبح کند.
مسئله ۱۵۹ ◀ اگر از قربانی کردن عاجز باشد (فقیر باشد)، به جای آن ده روز روزه بگیرد: سه روز آن را در مکه قبل از عید قربان و هفت روز آن را در هر مکانی می تواند بگیرد.
دلیل:

ترجمه ی قرآن: حج و عمره را برای خدا کامل به جای آرید و اگر شما را از حج بازداشتند، آن قدر که میسر است قربانی کنید و سر متراشید تا قربانی شما به قربانگاهش برسد. اگر یکی از شما بیمار یا در سرش آزاری بود به عنوان فدیة روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی کند. و چون ایمن شوید، هر که از عمره تمتع به حج باز آید، آن قدر که او را میسر است قربانی کند. و هر که را قربانی میسر نشد سه روز



در حج روزه ندارد و هفت روز چون از حج باز گردد، تا ده روز کامل شود. و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد. از خدا بترسید و بدانید که خدا به سختی عقوبت می کند. [سوره ی بقره آیه ۱۹۶]

مسئله ۱۶۰ ◀ اگر نتواند سه روز روزه را قبل از قربان بگیرد، دم بر وی تعیین می یابد.
دلیل:

حضرت عمر رضی الله عنه به کسی که برای وی اینچنین اتفاقی افتاده بود چنین حکم کرد. (المبسوط للسرخسی ج ۴ ص ۱۸۱ - البنايه ج ۴ ص ۲۷۹ - الهدایه ج ۱ ص ۱۵۲ - نصب الرايه ج ۳ ص ۱۱۲ - شرح معانی الآثار ج ۲ ص ۲۴۸).

حج تمتع:

مسئله ۱۶۱ ◀ حج تمتع: در ماه های حج، از میقات برای انجام عمره احرام می بندد و بعد از انجام عمره از احرام بیرون می آید و بعد از آن برای حج در روز «تروییه» (روز هشتم ماه ذی الحجه) احرام می بندد و مناسک حج را مانند حج مفرد انجام دهد.

مسئله ۱۶۲ ◀ احرام بستن برای حج قبل از روز تروییه بهتر است.

مسئله ۱۶۳ ◀ برای تمتع دم قربانی کند و این دم واجب است.



مسئله ۱۶۴ ◀ اگر از قربانی کردن عاجز باشد، مانند حج قرآن روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۵ ◀ حج تمتع از حج مفرد افضل است.

مسئله ۱۶۶ ◀ در عمره، وقتی طواف را شروع کرد تلبیه را قطع کند.

مسئله ۱۶۷ ◀ اگر کسی همراه با هدی احرام ببندد، پس وی از احرام عمره

بیرون نیاید و برای حج احرام ببندد.

مسئله ۱۶۸ ◀ بردن هدی به حج افضل است.

دلیل:

رسول الله ﷺ حج تمتع بجای آوردند و با خود هدی بردند و فرمودند:

هر کس همراه با هدی احرام بسته باشد پس از احرام خود بیرون نیاید

و کسی که با هدی احرام نبسته باشد بعد از ادای اعمال عمره از احرام

بیرون بیاید و بعداً برای حش احرام ببندد. (صحیح البخاری

ج ۲ ص ۱۶۷ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۰۱ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۶۰

- سنن النسائی ج ۵ ص ۱۵۱).

هدی: گوسفند یا شتری که حاج برای قربانی کردن در حرم با خود

می آورد.

مسئله ۱۶۹ ◀ اهل مکه فقط برای حج مفرد احرام می بندند.

دلیل:



ترجمه ی قرآن: (البته) این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد [اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است. [سوره ی بقره آیه ۱۹۶]

فصل جنایات در حج:

انواع جنایاتی که با انجام آن، بر گردن حاج دم (گوسفند) واجب می شود:

جنایت: عملی که خلاف مشروع باشد؛ مثلاً امری را انجام ندهد و یا عملی نهی شده را انجام دهد.

مسئله ۱۷۰ ◀ ۱- اگر عضوی از بدن خودش را خوشبو کند.

مسئله ۱۷۱ ◀ ۲- اگر عضوی را کِرم یا روغن بمالد.

مسئله ۱۷۲ ◀ ۳- لباس دوخته شده را یک روز کامل بپوشد.

مسئله ۱۷۳ ◀ ۴- اگر سرش را یک روز کامل بپوشاند.

مسئله ۱۷۴ ◀ ۵- اگر یک چهارم و یا بیشتر سرش را بتراشد.

مسئله ۱۷۵ ◀ ۶- اگر موی یک عضو را بتراشد.

مسئله ۱۷۶ ◀ ۷- اگر ناخن های یک دست یا یک پا را بگیرد.

مسئله ۱۷۷ ◀ ۸- اگر تمام ناخن هایش را در یک مجلس بگیرد.

مسئله ۱۷۸ ◀ ۹- اگر طواف فرضش (طواف زیارت) را بدون وضوء انجام

دهد.

مسئله ۱۷۹ ◀ ۱۰- اگر طوافی غیر از طواف زیارت را بدون غسل انجام دهد.

مسئله ۱۸۰ ◀ ۱۱- اگر قبل از امام از عرفات برگردد و از حدود عرفات خارج شود.

مسئله ۱۸۱ ◀ ۱۲- اگر واجبی را ترک کند.

مسئله ۱۸۲ ◀ ۱۳- اگر اکثر واجب را ترک کند (مثلاً سعی بین صفا و مروه را کلاً ترک کند و انجام ندهد و یا اکثر آن را ترک کند).

مسئله ۱۸۳ ◀ ۱۴- نسکی (عمل) را از دیگر نسک تأخیر کند. (مثلاً قبل از رمی روز عرفه، سرش را بتراشد و در حجّ قران قبل از رمی ذبح کند....)

مسئله ۱۸۴ ◀ ۱۵- اگر طواف فرضش را از روزهای عید قربان تأخیر کند.

مسئله ۱۸۵ ◀ ۱۶- اگر در سه دور یا کمتر از سه دور طواف فرضش را ترک کند.

مسئله ۱۸۶ ◀ اگر اکثر طواف فرض را ترک کند، برای همیشه محرم باقی می ماند و حق خروج از احرام را ندارد تا وقتی که فرضش را انجام دهد.

دلائل:

رسول الله ﷺ از این اعمال نهی فرموده اند: ۱- از پوشیدن لباس دوخته شده. ۲- از پوشیدن عمامه. ۳- از پوشیدن کفش (هر نوع



کفشی که پا را کاملاً بپوشاند) ولی می تواند دمپایی یا مانند آن که استخوان بر آمده روی پا را نمی پوشاند، استفاده کند. ۴- از پوشیدن لباسی که با مواد خوشبو رنگ شده باشد (اگر بوی خوش آن رفته باشد اشکالی ندارد). (صحیح البخاری ج ۴ ص ۴۸۰ - مسند امام احمد ج ۱۲ ص ۲۶۸ - سنن النسائی ج ۲ ص ۳۳۶).

و متراشید سرهای خود را. [سوره ی بقره آیه ی ۱۹۶]

رسول الله ﷺ: بدن خود را به هنگام محرم بودن خوشبو نکن و حناء استفاده نکن. (المعجم الكبير للطبرانی ج ۲۳ ص ۴۱۸ - معرفه السنن و الاثار ج ۷ ص ۱۶۸ - نصب الرايه ج ۳ ص ۱۲۴ - مجمع الزوائد ج ۳ ص ۲۱۸).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: هر کس نسکی را تقدیم یا تأخیر کند پس بر وی دم واجب است. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۶۲ - شرح مشکل الاثار ج ۱۵ ص ۲۸۸).

مسئله ۱۸۷ ◀ اگر طواف فرضش را در حالت جنابت انجام دهد، پس بدنه واجب می شود. [بدنه: شتر]

در جنایات مذکور در ذیل، صدقه دادن به اندازه ی «نصف صاع» واجب می شود (تقریباً دو کیلو گندم و یا معادل آن):

مسئله ۱۸۸ ◀ ۱- اگر از جنایات ذکر شده جنایتی کمتر انجام دهد. (مثلاً سرش را کمتر از یک روز بپوشاند).

مسئله ۱۸۹ ◀ ۲- اگر طواف غیر فرض را بدون وضوء انجام دهد.

مسئله ۱۹۰ ◀ ۳- اگر کمی از واجب را ترک کند.

مسئله ۱۹۱ ◀ ۴- اگر سر کسی دیگر را بتراشد.

مسئله ۱۹۲ ◀ اگر بخاطر عذری از شیء خوشبو استفاده کند و یا بخاطر عذری سرش را بتراشد، پس بر وی واجب است که یکی از این سه عمل را انجام دهد: ۱- ذبح گوسفند. ۲- سه صاع گندم به شش نفر فقیر صدقه دهد و یا ۳- سه روز روزه بگیرد.

رسول الله ﷺ به کسی که از روی عذر سرش را تراشیده بود امر فرمودند تا اینکه گوسفندی قربانی کند و یا سه روز روزه بگیرد و یا به شش مسکین طعام دهد. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۰ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۷۲ - مسند امام احمد ج ۳۰ ص ۴۶).

مسئله ۱۹۳ ◀ اگر حاجی قبل از وقوف عرفه با همسرش نزدیکی کند، حج وی باطل می شود و بر وی لازم است که حش را ادامه دهد و دم ذبح کند و سال دیگر آن را قضاء کند. لازم نیست که در موقع قضاء حج از همسرش جدا نگه داشته شود.

مسئله ۱۹۴ ◀ اگر بعد از وقوف عرفه این جنایت (نزدیکی با همسر) را انجام دهد، پس بر وی بدنه واجب می شود.



دلیل:

از رسول الله ﷺ پرسیده شد که اگر کسی تمام اعمال حش را انجام داده باشد و فقط طواف فرضش باقی باشد و قبل از این طواف با همسرش مقاربت کند حکم آن چیست؟ حضرت ﷺ جواب دادند: شتری قربانی کند. (موطا مالک روایت محمد بن حسن ج ۱ ص ۱۷۲). همچنین از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نیز چنین حکمی مروی است. (نصب الرایه ج ۳ ص ۱۲۷ - الاثار لابى يوسف ج ۱ ص ۱۱۸ - مسند ابن الجعد ج ۱ ص ۹۶ - السنن الصغرى للبيهقى ج ۲ ص ۱۶۰).

مسئله ۱۹۵ ◀ اگر بعد از تراشیدن سرش این جنایت (نزدیکی با همسر) را انجام دهد، پس بر وی دم (ذبح گوسفند) واجب می شود.

دلیل:

زیرا احرام وی در حق نزدیکی به زن باقی است و دیگر ممنوعیات حج بر طرف شده است، پس بر وی گوسفند واجب است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۶۱ - اللباب فی شرح الکتاب ج ۱ ص ۲۰۶ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۰).

یعنی ممنوعیت های حج کم شده و فقط حرمت نزدیکی باقی مانده است پس با گوسفند جبران می شود.

مسئله ۱۹۶ ◀ اگر محرمی صیدی را بکشد و یا اینکه صید را به قاتل نشان دهد، پس بر وی واجب است که جزای آن را بپردازد و قیمت آن را دو



شخص عادل در مکان وقوع جنایت یا مکانی نزدیک آن تعیین می کنند و با قیمت آن هدی خریده و در مکه ذبح کند و یا طعام خریده به فقراء بدهد؛ مانند صدقه ی فطر -یعنی نصف صاع به هر مسکین- و یا به جای هر نصف صاع گندم، یک روز روزه بگیرد.

مسئله ۱۹۷ ◀ اگر در آخر، چیزی کمتر از قیمت نصف صاع بماند، وی می تواند همان باقی مانده را صدقه دهد و یا به جای آن یک روز روزه بگیرد؛ یعنی اگر از کفارت صیدی که کشته است بخواهد برای مساکین طعام دهد پس برای هر مسکین باید به مقدار فطریه بدهد. در این صورت اگر قیمت صید طوری باشد که مقداری از قیمت به نیم صاع نرسد، پس وی در مورد این پول کم مخیر است که همان مقدار باقی مانده را صدقه دهد و یا اینکه نصف صاع را بدهد.

دلیل:

ترجمه ی آیه: ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد، کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد یا (به جای قربانی) اطعام مستمندان کند یا معادل آن روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده ولی هر کس تکرار کند،



خدا از او انتقام می گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است. [سوره ی مائده آیه ۹۵]

فردی به نام ابی قتاده رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ همراه کاروانی بود و همه به غیر از ابی قتاده رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ احرام بسته بودند. در بین راه ابی قتاده رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ صیدی شکار کرد و صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفتند که ما از گوشت صید نمی خوریم و به نزد رسول الله ﷺ آمدند و حضرت ﷺ فرمودند: اگر محرم اشاره یا کمک نکرده باشد، می تواند بخورد. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۳ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۵۳ - السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۳۰۹).

مسئله ۱۹۸ ◀ اگر نقص و عیبی به صید برساند، قیمت نقصان بر وی واجب می شود.

مسئله ۱۹۹ ◀ اگر نقص آنچنان باشد که صید دیگر نتواند خود را از دشمن محافظت کند، قیمت آن صید واجب می شود.
دلیل:

زیرا با این کار، مانع محافظت صید از خود شده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۶۷ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۶۶ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۴ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۲۹۷).

مسئله ۲۰۰ ◀ اگر تخم پرنده ای را بشکند، قیمت آن واجب می شود.
دلیل:

از رسول الله ﷺ: در شکستن تخم صید، قیمت آن واجب است. (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۳۱ - مصنف عبدالرزاق ج ۴ ص ۴۲۳ - المعجم الاوسط ج ۶ ص ۲۳۴ - سنن الدارقطنی ج ۳ ص ۲۸۰ - السنن الکبری للبيهقي ج ۵ ص ۳۳۹ - معرفة السنن و الاثار ج ۷ ص ۴۶۶).

رسول الله ﷺ: در شکستن تخم صید، یک روز روزه گرفتن واجب است. (سنن الدارقطنی ج ۳ ص ۲۷۹).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: اگر دو تخم از تخم های صید را بشکند یک درهم بر گردن وی واجب است و اگر یکی را بشکند نصف درهم واجب است. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۸۹).

مسئله ۲۰۱ ◀ اگر کسی صید حرم را بدوشد، قیمت شیر آن واجب می شود. دلیل:

زیرا شیر جزوی از اجزاء صید می باشد. (بدائع الصنائع ج ۱ ص ۲۰۳ - الهمدیه ج ۱ ص ۱۶۸ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۵).

مسئله ۲۰۲ ◀ اگر کسی گیاه و علف حرم را بچیند، قیمت آن واجب می شود.

مسئله ۲۰۳ ◀ اگر فردی غیر محرم صید حرم را ذبح کند، قیمت صید واجب می شود.

مسئله ۲۰۴ ◀ اگر علف یا گیاه متعلق به شخصی باشد و خشکیده باشد و همچنین گیاهی باشد که مردم آن را کاشته باشند، در این موارد



ضمان برای حق شرع واجب نیست. (جنایت محسوب نمی شود و اگر مالک طلب ضمان کند، باید قیمت آن را بدهد).

مسئله ۲۰۵ ◀ به غیر از گیاهی به نام «اذخر» هیچ گیاهی نباید چیده و یا چریده شود.

دلیل:

رسول الله ﷺ: این حرم، تا روز قیامت حرام است؛ پس علف آن به غیر از گیاه «اذخر»، چیده و چرانده نشود و صید آن شکار کرده نشود و صیدی را از سایه رانده نمی شود. (صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۴ - مصنف عبدالرزاق ج ۵ ص ۱۳۹ - صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۷۶ - المعجم الکبیر للطبرانی ج ۱۱ ص ۳۳۵ - السنن الکبری للبیهقی ج ۵ ص ۳۱۹).

مسئله ۲۰۶ ◀ اگر شپشی و یا ملخی را بکشد، در این جنایت صدقه ای و لو اندک بدهد.

دلیل:

حضرت عمر رضی الله عنه: یک دانه خرما از ملخ بهتر است. این را در باره ی محرمی که ملخی را کشته بود گفتند. (موطا مالک ج ۳ ص ۶۱۲ - الاثار لابن یوسف ج ۱ ص ۱۰۵ - مصنف عبدالرزاق ج ۴ ص ۴۱۰).

مسئله ۲۰۷ ◀ حیواناتی که در کشتن آن ها چیزی واجب نمی شود:

۱- کلاغ. ۲- زغن (مرغ گوشت ربا، مرغ موش ربا). ۳- عقرب. ۴- مار. ۵- موش. ۶- سگ هار (و سگ گزنده). ۷- پشه. ۸- حیوان وحشی اگر حمله کند.

دلیل:

رسول الله ﷺ به قتل این حیوانات در حل (غیر حرم) و حرم اجازه داده اند. (صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۲۹ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۵۶ - سنن النسائی ج ۵ ص ۲۰۸ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۳۱).

مسئله ۲۰۸ ◀ برای محرم ذبح حیوان اهلی اشکالی ندارد.

دلیل:

زیرا این حیوانات صید (وحشی) نیستند. (اهلی هستند). (الهدایه ج ۱ ص ۱۶۹ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۶۷ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۶ - البحر الرائق ج ۳ ص ۳۹).

مسئله ۲۰۹ ◀ اگر صیدی را کسی غیر محرم ذبح کرده باشد و در این کار

محرمی دخالت نداشته باشد، محرم می تواند از آن تغذیه کند.

دلیل:

کسی به نام ابی قتاده رضی الله عنه همراه کاروانی بود و همه به غیر از ابی قتاده رضی الله عنه احرام بسته بودند. در بین راه ابی قتاده رضی الله عنه صیدی شکار کرد و صحابه رضی الله عنه گفتند که ما از گوشت صید نمی خوریم و به نزد رسول الله ﷺ آمدند و حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر محرم اشاره یا کمک



نکرده باشد، می تواند بخورد. (صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۳ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۵۳ - السنن الکبری للبیہقی ج ۵ ص ۳۰۹).

مسئله ۲۱۰ ◀ اگر کسی هنگام دخول به حرم صیدی در دستش باشد، باید آن را آزاد کند.

مسئله ۲۱۱ ◀ اگر آن را فروخته باشد باید بیع را فسخ کرده و صید را برگرداند و الا بر وی جزای آن واجب است.

مسئله ۲۱۲ ◀ اگر هنگام احرام بستن صیدی (در قفس و یا خانه) داشته باشد، آزاد کردن آن لازم نیست.

دلیل:

زیرا صحابه رضی اللہ عنہ هنگام احرام پرندگان را در قفس نگه می داشتند و آن ها را آزاد نمی کردند. (الادب المفرد ج ۱ ص ۱۹۸).

مسئله ۲۱۳ ◀ اگر کسی صید محرمی دیگر را آزاد کند و محرم آن صید را قبل از احرام گرفته باشد، آزاد کننده ی صید ضامن است.

دلیل:

زیرا هنگام غیر محرم بودن گرفته و وی مالک آن می باشد و کسی حق تعرض به مال دیگری را ندارد. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۰ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۶۹ - مجمع الانهر ج ۱ ص ۳۰۱).

مسئله ۲۱۴ ◀ اگر محرمی صید محرمی دیگر را بکشد، هر یک از آن ها قیمت صید را ضامن می شود؛ یعنی هر یک از آن ها قیمت یک صید را بدهند؛ یعنی در یک صید دو قیمت واجب می شود.
دلیل:

زیرا هر کدام جنایتی انجام داده اند؛ یکی با گرفتن صید و دیگری با کشتن آن. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۱ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۷۰ - البحر الرائق ج ۳ ص ۴۵).

مسئله ۲۱۵ ◀ و بعد از ادای قیمت، کسی که صید را گرفته بود می تواند قاتل صید را ضامن کرده و قیمت مضمونه را از وی بگیرد.

مسئله ۲۱۶ ◀ هر آنچه که بر حاج مفرد یک دم واجب باشد، بر قران (حاجی قران کننده) دو دم واجب می شود. مثلاً اگر حاج مفرد سرش را قبل از ذبح بتراشد، بر وی یک دم واجب می شود و بر قارن دو دم.
مسئله ۲۱۷ ◀ فقط در عبور از میقات بدون احرام، همچنان که بر حاج مفرد یک دم واجب می شود بر قارن نیز یک دم واجب می شود.
دلیل:

یک دم بخاطر حش و دم دیگر بخاطر عمره اش. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۱ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۷۰ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۷).
(قارن دو احرام را با هم بسته است).



مسئله ۲۱۸ ◀ اگر دو شخص محرم صیدی را با هم بکشند، جزای دو صید واجب می شود.

دلیل:

زیرا هر دوی آن ها جنایت کاملی را انجام داده اند و هر کدام عمل ممنوع در احرامش را انجام داده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۱ - المبسوط للسرخسی ج ۴ ص ۸۰ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۷۱ - البحر الرائق ج ۳ ص ۳۱).

مسئله ۲۱۹ ◀ اگر دو شخص غیر محرم صیدی را با هم بکشند، جزای یک صید واجب می شود.

دلیل:

زیرا اینان احرام ندارند و فقط جزای صید را باید بدهند، مانند کسانی که اموال کسی را هلاک می کنند. (بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۰۸ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۷۱ - الجوهره النیره ج ۱ ص ۱۷۷).

مسئله ۲۲۰ ◀ اگر محرم صیدی را بخرد و یا بفروشد، هر دوی این معاملات باطل است.

دلیل:

زیرا صید برای محرم مانند خمر در حق مسلمانان است؛ یعنی حق تصرف در آن ها را ندارد. (فتح القدیر ج ۳ ص ۱۰۶).

مسئله ۲۲۱ ◀ اگر محرم صیدی را ذبح کند، آن صید حرام است.

دلیل:

ترجمه ی آیه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه که در احرام باشید شکار را مکشید. هر که صید را به عمد بکشد جزای او قربانی کردن حیوانی است همانند آنچه کشته است... [سوره ی مائده آیه ۹۵]

مسئله ۲۲۲ ◀ اگر از صید بخورد، قیمت آنچه را که خورده است را ضامن می شود.

دلیل:

زیرا وی آنچه که احرام وی را حرام کرده بود خورده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۶۹ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۰۴ - البحر الرائق ج ۳ ص ۳۹).

مسئله ۲۲۳ ◀ اگر محرمی غیر از ذابح (ذبح کننده) از آن بخورد، ضامن نیست.

ذابح: کسی که صید را ذبح کرده است.

مسئله ۲۲۴ ◀ اگر صیدی را از حرم خارج کرده شود و آن صید بعد از بچه آوردن به همراه بچه اش بمیرد، قیمت هر دوی آن ها را ضامن است.

مسئله ۲۲۵ ◀ اگر بعد از خارج کردن قیمت آن صید را بپردازد و بعد هر دوی آن صیدها بمیرند، قیمت بچه را ضامن نیست.

دلیل:

زیرا صید حرم مستحق در امان بودن هستند؛ پس واجب است که برگردانده شود. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۲).



فصل احصار (ممنوع شدن محرم از حج):

مسئله ۲۲۶ ◀ اگر حاج که قصد حج کرده و احرام بسته باشد از ادامه ی حج و ادای آن منع کرده شود، دمی را از کسی که به حرم داخل می شود بفرستد و روزی را برای ذبح آن دم تعیین کنند و بعد از ذبح آن، حاج منع شده از حج می تواند از احرام خود خارج شود.

دلیل:

ترجمه ی آیه: و حج و عمره برای خدا به اتمام رسانید پس اگر از (حج یا عمره) بازداشته شوید لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و متراشید سرهای خود را تا آنکه قربانی بمکانش برسد... [سوره ی البقره آیه ۱۹۶]

احصار (منع شدن از حج): بازداشتن حاج را از حج.

مسئله ۲۲۷ ◀ منع شدن یکی از این دو فرض، احصار محسوب نمی شود:

۱- وقوف عرفه. ۲- طواف زیارت.

مسئله ۲۲۸ ◀ علل مانع از ادامه ی حج: ۱- وجود دشمن. ۲- مریض شدن (طوری که نتواند حج را ادامه دهد).

دلیل:

رسول الله ﷺ: هر کس مریض شود و یا که (از اعضای بدنش) بشکند، از حجش حلال شده است و باید بعداً به جای آن حج بجا آورد. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۷۳ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۶۸ - سنن النسائی



ج ۵ ص ۱۹۸ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۲۸ - مسند امام احمد ج ۲۴ ص ۵۰۹). يعنى مى تواند از ادامه ى حش باز ايستد و حلال شود.

از ابن عباس رضي الله عنه: هر كس احرام حج يا عمره ببندد و بعد دچار مريضى شود كه ادامه ى احرام بر وى سخت آيد، مى تواند حلال شود و بايد بعداً قضاي آن را بجاي آورد. (جامع البيان للطبرى ج ۳ ص ۲۲ ذيل آيه ۱۹۶ البقره - معرفه السنن و الاثار ج ۷ ص ۴۹۰ - فتح البارى لابن حجر ج ۴ ص ۳ - مرعاه المفاتيح ج ۹ ص ۴۲۸).

مسئله ۲۲۹ ◀ كسى كه براى حج مفرد احرام بسته است يك گوسفند و كسى كه براى قران احرام بسته است براى حلال شدن و بيرون آمدن از احرام بايد دو دم بفرستد.

از ابن عمر رضي الله عنه: آيا سنت رسول الله صلى الله عليه وآله براى شما كافى نيست؟ هر كس از شما از حش بازداشته شود پس طواف بيت الله نمايد و سعى صفا و مروه بجاي آورده و حلال گردد و بعداً قضاي حش را بجاي آورد؛ پس هدى ذبح كند و اگر هدى نيافت روزه بگيرد. (صحيح البخارى ج ۳ ص ۹ - سنن النسائى ج ۵ ص ۱۶۹ - السنن الكبرى للبيهقى ج ۵ ص ۳۶۵ - عمده القارى ج ۱۰ ص ۱۴۵).

مسئله ۲۳۰ ◀ محل ذبح آن «دم» حرم مى باشد و اگر در غير حرم ذبح كند، آن حاج نمى تواند از احرام بيرون آيد.

دلیل:

ابن عباس رضی اللہ عنہ به کسی که هدی خود را در غیر حرم ذبح کرده بود امر کردند تا هدی خود را اعاده کند و دوباره در حرم ذبح کند و گفتند: رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به اصحابش رضی اللہ عنہ امر کردند تا در عمره ی قضاء هدی خود را اعاده کنند. (سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۷۳ - المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۶۶۰ - معرفه السنن و الاثار ج ۷ ص ۴۹۴).

مسئله ۲۳۱ ◀ کسی که برای حج مفرد احرام بسته بود و از آن منع شده بود، در قضای آن یک حج و یک عمره باید بجای آورد و کسی که از حج قرآن حلال شده بود، باید در قضای آن یک حج و دو عمره بجای آورد و کسی که از عمره حلال شده بود یک عمره بر وی واجب است. دلیل:

از ابن مسعود رضی اللہ عنہ: «محصر» هدی بفرستد و اگر توانست با عمره حلال شود و در آینده نیز قضای حش را بجای آورد و اگر بدون عمره حلال شده باشد پس بر وی عمره و حج واجب است که در آینده باید بجای آورد و این قول ابن عباس رضی اللہ عنہ نیز می باشد. (جامع البیان للطبری ج ۳ ص ۴۱۳ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۱۶۲ - الدر المنثور ج ۱ ص ۵۱۲ - اعلاء السنن ج ۷ ص ۳۵۱۲ و ۳۵۱۳ و ۳۵۱۴).

رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم حضرت عائشه رضی اللہ عنہ را برای قضای عمره اش همراه برادرش عبدالرحمان بن ابی بکر رضی اللہ عنہ فرستادند و وی نیز قضای



عمره اش را بجای آورد. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۴۰ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۷۰ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۵۳ - سنن النسائی ج ۱ ص ۱۳۲).
مسئله ۲۳۲ ◀ کسی از ادامه حج منع می شود و وی برای بیرون آمدن از احرام (حلال شدن) به مکه «دم» می فرستد و بعد احصار (منع) برداشته می شود، در این صورت اگر وی این امکان را داشته باشد که هم به حج و هم به دم فرستاده شده قبل از ذبح برسد، پس وی باید برای ادای حج اقدام کند و ادامه دهد.

مسئله ۲۳۳ ◀ و اگر به یکی از این ها (ادای حج و ذبح دم) نتواند برسد، پس وی می تواند با ذبح حلال شده بعداً حش را قضاء کند.

حج از طرف دیگری:

مسئله ۲۳۴ ◀ اگر کسی از ادای حج عاجز باشد پس می تواند کسی دیگر را به جای خودش بفرستد تا از طرف وی حج بجای آورد و این حج از طرف وی (أمر) واقع می شود به شرط اینکه عاجز بودن وی تا زمان مرگ ادامه داشته باشد و مأمور، از طرف آمر نیت حج نماید.
 دلیل:

فردی از رسول الله ﷺ از بجای آوردن حج از طرف پدر پرسیدند و حضرت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمودند: بله، از طرف پدرت حج بجای آور همچنان که می توانستی بدهی پدرت را بدهی. (مسند امام احمد ج ۳ ص ۳۲۱ -

سنن الدارمی ج ۲ ص ۱۱۵۷ - الآثار لابن یوسف ج ۱ ص ۱۲۴ - مصنف
ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۸۰ - اخبار مکہ ج ۱ ص ۳۸۸ - مسند ابی یعلیٰ
ج ۱۲ ص ۸۲ - شرح مشکل الآثار ج ۶ ص ۳۷۰ - صحیح ابن حبان
ج ۹ ص ۳۰۳).

مسئله ۲۳۵ ◀ کسی که از طرف دیگری برای حج آمده باشد و از ادامه حج
منع کرده شود، پس آمر باید دم احصار را بدهد.
دلیل:

زیرا آمر حاج را داخل احرام کرده است و خارج کردن وی نیز بر عهده
ی آمر می باشد. (المبسوط للسرخسی ج ۴ ص ۱۵۶ - تحفۃ الفقهاء
ج ۱ ص ۴۲۹ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۱۵ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۸۶).

مسئله ۲۳۶ ◀ و کسی که بدل کسی دیگر به حج می رود، اگر برای حج
قران احرام ببندد، دم قران بر گردن خود حج کننده (مأمور) می باشد و
همچنین اگر حاج (مأمور به حج بدل) جنایتی مرتکب شود، جزای آن
بر گردن خود او می باشد.

مسئله ۲۳۷ ◀ اگر کسی که حج بدل انجام می دهد، قبل از وقوف عرفه با
نزدیکی به زنش حج را باطل کند، وی پولی را که از طرف آمر برای
انجام حج خرج کرده بود را ضامن می شود و باید آن را به آمر بدهد.
دلیل:



زیرا این عمل جنایتی است که به اختیار از مأمور به حج صادر شده است. (الهدایه ج ۱ ص ۱۷۹ - البنایه ج ۴ ص ۴۷۷).

مسئله ۲۳۸ ◀ اگر کسی که به حج بدل می رود در راه حج بمیرد، پس از طرف آمر، از خانه ی آمر (نه از جائی که مأمور فوت شده است) حج کرده می شود و برای ادای این حج از یک سوم باقی مانده از اموال آمر خرج کرده می شود.

هدی: بردن هر حیوانی که صلاحیت قربانی کردن برای عید قربان را دارد می باشد؛ مانند گوسفند و بز و گاو و شتر. هر چیزی که شرایط لازم برای قربانی روز عید قربان را نداشته باشد به آن هدی نمی گویند.

دلیل:

کسی از رسول الله ﷺ چنین سؤال کرد که بر من بدنه (شتر) واجب شده است و من غنی هستم ولی بدنه برای نحر (ذبح) نمی یابم؟ (چه کار کنم؟) حضرت ﷺ فرمودند: هفت گوسفند بگیر و به جای بدنه ذبح کن. (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۴۸ - مسند امام احمد ج ۵ ص ۴۰ - اعلاء السنن ج ۱۰ ص ۴۷۰).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در باره ی هدی سؤال شد. وی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ جواب دادند: هدی از شتر یا گاو و یا گوسفند می باشد. (صحیح البخاری



ج ۲ ص ۱۶۷ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۵۵ - السنن الكبرى للبيهقي ج ۵ ص ۳۵).

مسئله ۲۳۹ ◀ صاحبان «دم نفل» و «دم متعه» و «دم قران» می توانند از آن بخورند. از دم هایی غیر از این ها حق خوردن ندارند.

دم: گوسفندی که برای انجام مناسک حج در حرم ذبح می شود. رسول الله ﷺ در حج خود و با دست خودشان شصت و سه (۶۳) شتر قربانی کردند و بعد بقیه را حضرت علی رضی الله عنه قربانی کردند و از هر کدام از شتران قربانی مقداری گرفته و غذا درست کرده و تناول کردند. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۸۶ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۸۲ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۲۲ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۳۳۴).

مسئله ۲۴۰ ◀ «دم قران» و «دم متعه» باید در روزهای عید قربان ذبح کرده شوند.

دلیل:

ترجمه ی آیه: پس از گوشت آن ها (از قربانی ها) بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید! (۲۸) سپس باید آلودگی هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه ی گرامی کعبه طواف کنند (۲۹). [سوره ی حج آیه ی ۲۸ و ۲۹]

مسئله ۲۴۱ ◀ و دم های دیگر به روزهای عید قربان خاص نیستند.



مسئله ۲۴۲ ◀ و همه ی دم ها خاص حرم هستند؛ یعنی باید در حرم ذبح کرده شوند.

دلیل:

الله تعالی در باره ی جزاء صید می گوید: «هدی که به کعبه برسد.» [سوره ی مائده آیه ۹۵] و این برای دیگر دم ها نیز اصل است.

مسئله ۲۴۳ ◀ جل و طناب هدی را نیز صدقه داده می شود.

مسئله ۲۴۴ ◀ اجرت ذبح آن را از هدی نمی دهند بلکه باید آن را از مال خودش بپردازد.

دلیل:

رسول الله ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه دستور دادند تا بدنه ها (شترهای هدی) را با تمام چیزهایش یعنی گوشت و پوست و طناب و جلش صدقه دهد و کرایه ی نحر (ذبح) کننده را نیز از هدی ندهد بلکه از خودش بدهد. (صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۷۲ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۵۴ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۴۹ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۳۵ - مسند الحمیدی ج ۱ ص ۱۷۳).

مسئله ۲۴۵ ◀ و نباید بر هدی سوار شد مگر اینکه ضرورت در آن باشد.

دلیل:

رسول الله ﷺ: اگر مجبور باشی بر هدی خود به احسان و معروف سوار شو تا وقتی که مرکبی بیابی. (صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۶۱ - سنن ابی



داود ج ۲ ص ۱۴۷ - سنن النسائي ج ۵ ص ۱۷۷ - مسند امام احمد ج ۲۲ ص ۳۰۵).

مسئله ۲۴۶ ◀ و هدی را نباید دوشیده شود.

دلیل:

زیرا شیر جزئی از بدن هدی می باشد، پس برای خودش استفاده نکند. (المبسوط للسرخسی ج ۴ ص ۱۴۵ - الهدایه ج ۱ ص ۱۸۲ - اللباب فی شرح الكتاب ج ۱ ص ۲۲۵).

مسئله ۲۴۷ ◀ اگر هدی در راه هلاک شود و یا عیب فاحش و زیاد به آن برسد، اگر آن هدی، هدی واجب باشد باید به جای آن دیگری را ذبح کند و آن هدی معیوب برای خودش خواهد بود.

دلیل:

رسول الله ﷺ: اگر هدی کسی در راه هلاک شود، اگر هدی نفل باشد لازم نیست بدل آن را بدهد ولی اگر هدی نذر باشد، بر وی لازم است که به جای آن هدی دیگری بدهد. (صحيح ابن خزيمة ج ۴ ص ۱۵۵ - سنن الدارقطني ج ۳ ص ۲۶۶ - المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۶۱۶ - السنن الصغير للبيهقي ج ۲ ص ۲۱۸).

مسئله ۲۴۸ ◀ اگر قبل از وقوف عرفه شهادت داده شود که روز عرفه در فلان تاریخ است نه در تاریخی که گمان می شده، شهادت آنان را قبول کرده می شود و اگر بعد از وقوف عرفه شهادت داده شود که



شما بعد از روز عرفه وقوف کرده اید، در این صورت شهادت آنان قبول کرده نشود.

مسئله ۲۴۹ ◀ اگر کسی نذر کند که حج را با پای پیاده انجام دهد، بر وی لازم است تا وقت طواف زیارت، پیاده مناسک حج را انجام دهد.

کتاب نکاح

مسئله ۱ ◀ جشن عروسی را هر چند روز که باشد اگر از روی تفاخر نباشد می توان گرفت.
دلیل:

رسول الله ﷺ وقتی با ام المومنین صفیه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ازداواج کردند به مدت سه روز ولیمه دادند. (مسند ابی یعلی ج ۶ ص ۴۴۶ - المطالب العالیه ج ۵ ص ۱۷۹).

مسئله ۲ ◀ نکاح عقدی است که با ایجاب و قبول از طرفین منعقد می شود.

ایجاب: تقاضا کردن و جواب خواستن.

قبول: تقاضای شخص را قبول کردن و جواب وی را دادن.

مسئله ۳ ◀ الفاظ ایجاب و قبول به زمان ماضی (گذشته) ادا شوند مانند این کلام:

یک شخص بگوید: «زَوَّجْتُ (خودم را به زوجیت تو در آوردم)» و دیگری در جواب وی بگوید: «زوجیت تو را قبول کردم». در اینجا ایجاب و قبول با لفظ ماضی گذشته بیان شده است و نکاح صحیح است.

مسئله ۴ ◀ و همچنین می تواند از یک شخص لفظ امر وارد شود و دیگری با لفظ ماضی جواب دهد مانند این کلام؛ شخص بگوید: «زَوَّجْنِي بِنْتِكَ: دختری را به زوجیت من در بیاور» و دیگری بگوید: «زَوَّجْتُ: تزویج کردم یعنی دخترم را به زوجیت تو در آوردم». در این حالت که ایجاب به لفظ امر و قبول به لفظ ماضی بیان شد، نکاح صحیح است.

مسئله ۵ ◀ اگر این کلمات بین پسر و دختر در حضور شاهدان رد و بدل شود، گرچه معنی آن را نیز ندانند نکاح منعقد می گردد.

مسئله ۶ ◀ اگر مردی به زنی بگوید: «نفس خود را به من دادی» و زن چنین جواب دهد: «داد»، به جای اینکه بگوید «دادم»، در این صورت نیز نکاح منعقد است.



مسئله ۷ ◀ اگر زنی به مردی بگوید: «تو نفس مرا پذیرفتی» و مرد چنین جواب دهد: «پذیرفت» بجای اینکه بگوید «پذیرفتم»، در این صورت نیز نکاح منعقد است.

مسئله ۸ ◀ همچنین با گفتن «داد» و «پذیرفت» در جواب «دادی» و «پذیرفتی» در بیع و شراء نیز صحیح است؛ یعنی اگر کسی که می خواهد کالایی را بخرد و به طرف بگوید که این کالا را در مقابل فلان چیز به من دادی و فروشنده بگوید «داد» بجای گفتن «دادم»، این معامله نیز منعقد است.

مسئله ۹ ◀ با گفتن زن و مرد در حضور شاهدان به این مضمون که «ما زن و شوهریم» و منظورشان عقد نکاح باشد، نکاح منعقد نمی گردد. دلیل:

رسول الله ﷺ بلال رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را فرستادند تا از انصار -رضی الله عنهم اجمعین- برای خود زنی را نکاح کند. بلال رَضِيَ اللهُ عَنْهُ رفتند و به آنان خبر دادند و انصار گفتند: تو برده ای حبشی هستی و امتناع کردند و بلال رَضِيَ اللهُ عَنْهُ جواب دادند: اگر رسول الله ﷺ به من امر نمی کردند من هرگز نمی آمدم. آنان گفتند: آیا رسول الله ﷺ به تو امر کرده است؟ بلال رَضِيَ اللهُ عَنْهُ جواب دادند: بله و انصار قبول کردند و گفتند: پس تو مالک آن زن شدی (المراسیل لابی داود ج ۵ ص ۹۸ - تحفه الاشراف بمعرفه

الاطراف ج ۱۳ ص ۱۷۸ - المبسوط للسرخسی ج ۵ ص ۹۸ - بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۳۱). و با این قول نکاح منعقد گشت.

الفاظی که نکاح با آن منعقد می گردد:

مسئله ۱۰ ◀ ۱- مشتقات کلمه نکاح مانند نکحت و انکحت و ناکح (نکاح کردم، به نکاح تو در آمدم ...)

مسئله ۱۱ ◀ ۲- مشتقات کلمه ی تزویج مانند تزوّجت و زوّجت....

مسئله ۱۲ ◀ ۳- یا هر لفظی که برای مالک شدن عین یک شیء و یا کالا در زمان حال گذاشته شده باشد؛ نیز نکاح منعقد می گردد مانند کلماتی که دال بر فروش یا خرید یا هبه و یا بخشیدن باشد. به عنوان مثال اگر زن بگوید: «من نفس خود را به تو فروختم» و مرد بگوید: «قبول کردم»، نکاح منعقد می گردد.

دلیل:

انعقاد نکاح برای رسول الله ﷺ با لفظ هبه در آیه ۵۰ سوره ی احزاب آمده است. (بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۳۰).

زنی نزد رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: من خود را برای شما هبه کردم. رسول الله ﷺ سکوت کردند و شخصی از صحابه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفتند: یا رسول الله ﷺ اگر شما را حاجتی نباشد این زن را به من دهید. رسول الله ﷺ درخواست کردند که چیزی به عنوان مهریه به زن بدهد ولی



آن صحابی چیزی نداشت و رسول الله ﷺ فرمودند: این زن را به ملک تو در آوردم در برابر آنچه که از قرآن یاد داری. (المعجم الكبير للطبرانی ج ۶ ص ۱۳۳ - صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۰۴۰ - صحيح بخاری ج ۷ ص ۶).

شرایط صحت نکاح:

مسئله ۱۳ ◀ ۱- هر دو عاقد گفته ی یکدیگر را بشنوند.

عاقد: کسی که عقد نکاح را جاری می کند. این عاقد می تواند خود مرد و زن باشند که می خواهند به نکاح یکدیگر در بیایند و یا وکیل آن ها باشد.

مسئله ۱۴ ◀ ۲- دو مرد و یا یک مرد و دو زن به عنوان شاهد در هنگام عقد نکاح حضور داشته باشند. این شاهدان باید مکلف و مسلمان باشند و گفته ی عاقدان را هر دو با هم در یک زمان بشنوند.
دلیل:

رسول الله ﷺ: نکاح نیست مگر اینکه با اجازه ی ولی دختر باشد و دو نفر عدل شاهد باشند. (مصنف عبدالرزاق ج ۶ ص ۱۹۵ - مسند الرویانی ج ۱ ص ۱۰۴ - صحيح این حبان ج ۹ ص ۳۸۶ - المعجم الاوسط ج ۵ ص ۳۶۳ - المعجم الكبير ج ۱۸ ص ۱۴۳).

رسول الله ﷺ: زناکاران کسانی هستند که بدون شاهد خود را به کسی نکاح می کنند. (المعجم الكبير ج ۱۲ ص ۱۸۲ - مشکاه المصابيح

ج ۲ ص ۸۳۸ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۰۳ - السنن الكبرى للبيهقي
ج ۷ ص ۲۰۴).

از حضرت عمر رضي الله عنه: شهادت یک مرد و دو زن در نکاح مقبول است.
(موطا مالک روایت امام محمد شیبانی ج ۱ ص ۱۸۰ - مصنف
عبدالرزاق ج ۸ ص ۳۳۱).

مسئله ۱۵ ◀ ۳- اگر شاهدان دو شخص فاسق باشند، نکاح صحیح است
ولی اگر بین عاقدان اختلاف پیش بیاید، شهادت این دو فاسق به کار
نمی آید؛ یعنی نکاح را با شهادت دو فاسق نمی توان اثبات کرد.
مسئله ۱۶ ◀ ۴- شاهدان می توانند از فرزندان عاقدان باشند.

مسئله ۱۷ ◀ ۵- همچنین می تواند فرزند یکی از آن ها باشد و اگر
اختلافی پیش بیاید شهادت به نفع قریب خود قبول کرده نمی شود.
مثلاً اگر نکاح در حضور دو پسر مرد جاری شده باشد و اختلافی بین
زن و شوهر پیش بیاید، شهادت این دو شاهد به نفع پدرشان مقبول
نیست.

مسئله ۱۸ ◀ ۶- مرد مسلمان می تواند در حضور دو شاهد ذمی، ذمیه را
نکاح کند و در صورت بروز اختلاف بین این زن و شوهر، شهادت
شاهد ذمی به نفع ذمیه قبول کرده نمی شود.
ذمی و ذمیه: مرد و زن اهل کتاب که در مملکت اسلامی زندگی می
کنند.

مسئله ۱۹ ◀ ۷- کسی که برای نکاح وکیل شده باشد، اگر موکل حاضر
شود، این وکیل به عنوان شاهد محسوب می شود.



مسئله ۲۰ ◀ ۸- همچنین اگر دختر بالغ خودش در مجلس نکاح خود حاضر شود، «ولی» شاهد محسوب می شود.

بحث محارم:

نکاح کسانی که بر یک فرد حرام است:

مسئله ۲۱ ◀ ۱- «اصل» یک فرد بر آن فرد حرام (محرم) است.
«اصل» یعنی پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ آن فرد الی آخر؛ پس مرد نمی تواند مادر خود را به نکاح خود در بیاورد و دختر نمی تواند به نکاح پدرش در بیاید.

مسئله ۲۲ ◀ ۲- «فروع» فرد بر وی حرام است.
«فروع» یک فرد به فرزندان آن فرد گفته می شود؛ مانند پسر آن فرد و دختر و نوه و نتیجه و... . پس یک مرد نمی تواند دختر خود و یا نوه ی خود را به نکاح خود در بیاورد و همچنین یک زن نمی تواند به نکاح پسرش و یا نوه اش در بیاید.

مسئله ۲۳ ◀ ۳- خواهران شخص بر وی حرام (محرم) هستند.

مسئله ۲۴ ◀ ۴- عمه های فرد بر وی حرام هستند.

مسئله ۲۵ ◀ ۵- خاله های فرد بر وی حرام هستند.

مسئله ۲۶ ◀ ۶- مادر شوهر فرد نیز بر آن فرد حرام است.

مسئله ۲۷ ◀ ۷- دخترزن فرد نیز بر آن فرد حرام است.



مسئله ۲۸ ◀ ۸- زن بابای فرد نیز همچنین حرام است.

دلیل:

نکاح نکنید آنچه را که پدرانیتان نکاح کرده اند. [سوره ی النساء آیه ۲۲]

مسئله ۲۹ ◀ ۸- زن فرزندان (عروس) فرد نیز بر وی حرام است.

مسئله ۳۰ ◀ ۹- هر آنچه که از روی نسب حرام است از روی رضاع نیز حرام می گردد؛ یعنی کسانی که در بالا از روی نسب حرام بودند، این اشخاص در رضاع نیز بر فرد حرام می گردند.

دلیل:

رسول الله ﷺ: هر آنچه که در نسب حرام بود، با رضاع حرام می گردد. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۲۳ - مسند الشافعی ج ۲ ص ۱۹ - مصنف عبدالرزاق ج ۷ ص ۴۷۵ - سنن سعید بن منصور ج ۱ ص ۲۸۲ - مسند امام احمد ج ۵ ص ۲۴۱ - صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۷۰).

مسئله ۳۱ ◀ ۱۰- اگر کسی با زنی زنا کرده باشد، دختر آن زن بر آن زانی حرام است.

مسئله ۳۲ ◀ ۱۱- اگر کسی زنی را مساس کرده باشد، دختر آن زن بر آن فرد حرام است.

مسئله ۳۳ ◀ ۱۲- اگر زنی مردی را مساس کرده باشد، پس دختر آن زن بر آن مرد حرام است.



مسئله ۳۴ ◀ ۱۳- اگر کسی به فرج داخل (داخل عورت) زنی نگاه کرده باشد، دختر آن زن بر آن کس حرام است.

مسئله ۳۵ ◀ ۱۴- همچنین مادر این زن ها نیز بر آن فرد حرام است.
دلیل:

ترجمه ی آیه: حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها آمیزش جنسی داشته‌اید- و چنانچه با آن‌ها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آن‌ها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند - نه پسرخوانده‌ها- و (نیز حرام است بر شما اینکه) میان دو خواهر جمع کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده، چرا که الله ﷻ آمرزنده و مهربان است. [سوره ی النساء آیه ۲۳]

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و عبد بن زمعه رضی الله عنه در نسب کودکی دعوا کردند. سعد رضی الله عنه گفتند: یا رسول الله ﷺ، پسر برادرم با من عهد کرد که این کودک پسر وی می باشد. شما به شباهتش نظری بیاندازید. و عبد بن زمعه رضی الله عنه نیز گفتند: این کودک برادر من است که در فراش پدرم از زن پدرم به دنیا آمد. رسول الله ﷺ به کودک نظر انداختند و

دیدند که شباهتی بسیار به عتبه دارد. سپس فرمودند: ای عبد این کودک برای دوست؛ زیرا کودک به فراش می رسد و زانی محجور و محروم می گردد و ای سوده بنت زمعه، تو نیز از وی در حجاب باش و حجاب خود را بپوش. (مصنف عبدالرزاق ج ۷ ص ۴۴۳ - مسند امام احمد ج ۴۱ ص ۴۴۲ - مستخرج ابی عوانه ج ۳ ص ۱۲۷ - موطا مالک ج ۲ ص ۴۶۰ - مسند ابی داود الطیالسی ج ۳ ص ۵۹ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۰۸۰).

رسول الله ﷺ: هرکس به فرج زنی نگاه کند، دختر و مادر آن زن بر وی حرام می گردد. (مصنف ابن ابی شیبه ج ۳ ص ۴۸۰ - فتح الباری ج ۹ ص ۱۵۶ - البنايه ج ۵ ص ۳۷).

مسئله ۳۶ ◀ اگر دختر کمتر از نه (۹) سال داشته باشد مشتهاة نیست؛ یعنی این احکام مذکوره در حق وی ثابت نیست. مشتهاة: دختری که به حدی از سن رسیده که مردان به وی با چشم شهوانی نگاه می کنند.

مسئله ۳۷ ◀ ۱۵ - محارم زن یک فرد بر آن فرد حرام است. مانند عمه و خاله و خواهر زن و ... یک فرد، مادامی که زنش در نکاح وی باشد، بر آن فرد حرام است. دلیل:



رسول الله ﷺ: شخص نباید بین زن و عمه ی زنش در نکاح جمع کند. همچنین بین زن و خاله اش نیز جمع نکند. (موطا مالک ج ۱ ص ۵۷۸ - سنن سعید بن منصور ج ۱ ص ۲۰۹ - مسند امام احمد ج ۱۶ ص ۳۵ - مسند البزار ج ۱۵ ص ۲۳۴ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۰۲۸ - صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۲ - سنن النسائی ج ۶ ص ۹۶).

مسئله ۳۸ ◀ اگر شخصی به عنوان مثال دو خواهر را با هم به نکاح خود در بیاورد، وی حق نزدیکی به هیچکدام از آن دو را ندارد تا وقتی که یکی از آن ها را بر خود حرام گرداند که در این صورت می تواند با آن دیگری نزدیکی داشته باشد.

مسئله ۳۹ ◀ نکاح کردن دختران اهل کتاب (یهودی و مسیحی) جائز است.

دلیل:

ترجمه ی آیه: امروز، همه ی چیزهای پاک برای شما حلال شده است و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما نیز برای آنان حلال است. و (ازدواج با) زنان پاکدامن و با ایمان و نیز زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده شده مانعی ندارد. در صورتی که مهریه زنان را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار و نه دوست گیرنده ی پنهانی و هر کس به ایمان خود کفر ورزد، قطعاً عمل او تباه شده و او در آخرت از زیانکاران است. [سوره ی مائده آیه ۵]



حضرت عثمان رضي الله عنه زنی مسیحی را برای خود نکاح کرد و آن زن مسلمان شد. (سنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۲۷۹ - شرح صحيح البخاری ج ۷ ص ۴۳۴ - تاريخ المدينة لابن شبه ج ۳ ص ۹۸۱).

مسئله ۴۰ ◀ نکاح کنیز، با وجود قدرت نکاح زن آزاد نیز صحيح و جائز است.

مسئله ۴۱ ◀ هنگام احرام حج نیز جاری کردن عقد نکاح جائز است.
دلیل:

از ابن عباس رضي الله عنه: رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت میمونه رضي الله عنها را در حالت احرام به نکاح خود در آوردند. (موطا مالک ج ۱ ص ۱۴۹ - الاثار لابی یوسف ج ۱ ص ۱۱۶ - مسند ابی داود الطیالسی ج ۴ ص ۳۷۸ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۷۹ - مسند البزار ج ۱۱ ص ۲۱۱ - صحيح ابن حبان ج ۹ ص ۴۳۷ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۱۹۲ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۶۹ - صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۰۳۱ - صحيح البخاری ج ۳ ص ۱۵ - سنن النسائی ج ۵ ص ۱۹۱).

از حضرت عائشه رضي الله عنها: رسول الله صلی الله علیه و آله بعضی از زنان خود را در حالت احرام نکاح کردند. (صحيح ابن حبان ج ۹ ص ۴۴۰ - السنن الکبری للنسائی ج ۵ ص ۱۸۴ - سنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۳۴۶ - عمده القاری ج ۱۰ ص ۱۹۵).



مسئله ۴۲ ◀ نکاح زنی که از زنا حامله شده باشد قبل از وضع حملش جائز است ولی قبل از وضع حمل نباید نزدیکی کرد.

مسئله ۴۳ ◀ نکاح کنیز شخص به خود آن شخص جائز نیست.

مسئله ۴۴ ◀ نکاح غلام زن به خود زن صحیح نیست.

مسئله ۴۵ ◀ نکاح کافر غیر کتابی جائز نیست.

دلیل:

ترجمه ی آیه: و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند و قطعاً کنیز با ایمان از زن (آزاد) مشرک بهتر است، اگر چه (زیبایی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی درآورد. و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان آورند و قطعاً برده ی با ایمان از مرد (آزاد) مشرک بهتر است، هر چند (زیبایی و موقعیت و ثروت او) شما را به شگفتی وادارد. آن مشرکان (شما را) به سوی آتش دعوت می کنند، در حالی که الله جلّ و علاه با فرمان و دستورات خود، شما را به بهشت و آمرزش فرا می خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می کند تا شاید متذکر شوند. [سوره ی البقره آیه ۲۲۱]

مسئله ۴۶ ◀ اگر شخصی چهار زن داشته باشد، نکاح زن پنجم جائز نیست مگر اینکه یکی از چهار زن را طلاق دهد و عدت آن زن تمام شود، در این صورت می تواند زن دیگری را به نکاح خود در بیاورد.

دلیل:

از حضرت علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: اگر یکی از چهار زنش را طلاق دهد، تا تمام شدن عدت آن حق ندارد زن دیگری را نکاح کند. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۵۲۴ - الجوهر النقی ج ۷ ص ۱۵۱).

مسئله ۴۷ ◀ داشتن بیش از چهار زن در یک زمان جائز نیست.

دلیل:

قیس بن حارث رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفتند: من وقتی مسلمان شدم هشت زن داشتم و رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من فرمودند: فقط چهار نفر از آنان را نگه دار. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۲۸ - مصنف عبدالرزاق ج ۷ ص ۱۶۲ - سنن سعید بن منصور ج ۲ ص ۴۶ - مسند ابی یعلی ج ۱۲ ص ۲۹۰ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۷۲ - السنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۲۴۱ - سنن الدارقطني ج ۴ ص ۴۰۶).

مسئله ۴۸ ◀ اگر شخص غلام (بنده) باشد، بیش از دو زن جائز نیست.

مسئله ۴۹ ◀ نکاح کنیز بر کسی که زن آزاد داشته باشد جائز نیست. و

همچنین در عدت زن آزاد نیز جائز نیست.

مسئله ۵۰ ◀ نکاح زن حامله ای که نسب حملش ثابت شده باشد نیز جائز

نیست.

مسئله ۵۱ ◀ نکاح موقت (صیغه کردن) متعه جائز نیست.

دلیل:



رسول الله ﷺ: همانا الله تعالى متعه را تا روز قیامت حرام گردانید.
(سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۳۱ - مسند امام احمد ج ۲۴ ص ۶۹ - المنتقى
لابن جارود ج ۱ ص ۱۷۵ - صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۰۲۵ - سنن الدارمی
ج ۳ ص ۱۴۰۳ - معرفه السنن و الاثار ج ۱۰ ص ۱۷۶).

مسئله ۵۲ ◀ در مورد صیغه کردن شبهاتی را مطرح کرده اند که ذکر آن
شبهات و جواب آن ها خالی از لطف نیست.

خداوند در آیه ی ۲۴ سوره ی النساء می فرماید:

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ
لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا
اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴).

ترجمه ی آیه:

و حرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالک شده است دست
شما لازم ساخته است خدا بر شما و حلال کرده شد شما را ما سوای
این همه محرمات (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید باموال
خویش عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان پس کسیکه لذت گرفتید
باو از زنان بدهید ایشان را مهر ایشان مقرر کرده شده و نیست بر شما
گناه در آنچه با یک دیگر راضی شدید بعد مهر مقرر هر آئینه خدا دانا
استوار کار. (دهلوی؛ مترجم سنی است).



ترجمه ای دیگر:

و زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر آن ها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید (زیرا اسارت آن ها در حکم طلاق است) این ها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از این ها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آن ها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است. (۲۴) (مکارم؛ مترجم شیعه است).

با توجه به ترجمه ی این آیات، مترجم سنی کلمه ای از این آیه را بر نکاح معنی کرده و مترجم شیعه بر صیغه معنی نموده است و آن کلمه استمتاع می باشد که در این آیه مذکور است.

معنی لغوی استمتاع: استفعال از متع می باشد.

متع: اصل صحیح که بر منفعت و امتداد داشتن در شیء خیر می باشد.

(معجم مقاییس اللغة احمد ابن فارس ج ۵ ص ۲۹۳).

متع النهار: وقت قبل از زوال خورشید را گویند. (العین الفراهیدی

ج ۲ ص ۸۳ - جمهره اللغة ج ۱ ص ۴۰۳).



متع النهار: روز به درازا کشید. (معجم مقائیس اللغة احمد ابن فارس ج ۵ ص ۲۹۴).

والمتاع: هر آنچه که انسان در بر آوردن نیاز خود از آن استفاده می کند مانند اثاث منزل. (العين الفراهیدی ج ۲ ص ۸۳ - تهذيب اللغة ج ۲ ص ۱۷۳).

متاع: انتفاع همراه با امتداد مدت آن. (معجم مقائیس اللغة احمد ابن فارس ج ۵ ص ۲۹۴).

متع: توشه ی کم را گویند. (تهذيب اللغة ج ۲ ص ۱۷۶ - لسان العرب ج ۸ ص ۳۳۲).

تمتع: لذت بردن از چیزی. (معجم مقائیس اللغة ج ۵ ص ۲۹۴).

اصل متع: امتداد و ارتفاع. (معجم مقائیس اللغة ج ۵ ص ۲۹۴).

نتیجه گیری از اقوال اهل لغت:

متع یا متعه: ۱- نفع گرفتن از چیزی. ۲- لذت بردن. ۳- انتفاع از

چیزی برای مدتی دراز. ۴- به درازا کشیدن روز و امثال آن.

استمتاع: از باب استفعال و به معنی طلب تمتع و انتفاع کردن می باشد.

در این کلمه استمتاع مذکور را نمی توان صیغه کردن و متعه کردن معنی کرد؛ زیرا در لغت بدین معنی نیامده است.

برای اثبات اینکه کلمه استمتاع در اینجا به معنی نکاح آمده است توضیحی می دهیم.

در آیه ی قبل این آیه در موضوع زنانی که نکاح آن ها بر مرد حرام است صحبت می کند و در آیه ی مورد بحث حلال بودن زنانی غیر از زنان مذکور را بیان می کند و می گوید که وقتی با نکاح از این زنان انتفاع و لذت بردید، اجر آن ها را که همان مهرشان می باشد بدهید و در خود آیه نیز دلیلی بر این مدّعی ما وجود دارد و آن کلمه ی «محصنین» می باشد که برای کسی که این عمل را انجام می دهد، صفت احسان اثبات می کند که به اعتراف شیعه و طبق روایتی از آن ها زن صیغه ای را صفت احسان ثابت نیست؛ پس ذکر «محصنین غیر مسافحین» (عفت طلب کنان نه شهوت رانان) و یا (در حالی که پاکدامن باشید و از زنا خودداری نمایید) دلیلی است بر اینکه منظور آیه نکاح حلال می باشد.

و روایاتی که بر حلال بودن متعه ذکر شده همه منسوخ هستند و ابن عباس رضی الله عنه نیز بعد از اینکه بر نهی رسول الله صلی الله علیه و آله آگاه شدند، از گفته ی خود مبنی بر جایز بودن متعه برگشتند

دلیل:

رسول الله صلی الله علیه و آله از متعه ی زنان و همچنین از خوردن گوشت الاغ نهی کردند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۳۰ - موطا مالک ج ۱ ص ۵۹۴ - الاثار



لابی یوسف ج ۱ ص ۱۵۲ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۲۵۴ - مصنف
عبدالرزاق ج ۴ ص ۵۲۴ - سنن سعید بن منصور ج ۱ ص ۲۵۱ - مسند
امام احمد ج ۲ ص ۳۸۴).

و همچنین آیه ۵ سوره ی المؤمنون فقط دو نوع استفاده از زنان را
اجازه می دهد و غیر آن دو را ناجائز می داند همچنان که وقتی از
حضرت عائشه رَضِیَ اللہُ عَنْہَا از متعه می پرسند ایشان جواب می دهند که بین
من و شما قرآن حاکم است و آن این آیه است {وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ
حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ
ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ...} [سوره ی مؤمنون آیات ۵، ۶ و
[۷] (المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۳۳۴).

ترجمه ی آیه: آن ها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ
می کنند... (۵) تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که
در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند (۶) و کسانی که غیر از این
طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (۷) [سوره ی مؤمنون آیات ۵، ۶ و ۷]
خداوند در اینجا کسانی را که از فرج زنان با نکاح استفاده می کنند
می ستاید و همچنین کسانی که از کنیزان خودشان انتفاع می برند را
نیز ستایش می کند و می گوید: کسانی که به غیر از این ها استفاده
کنند، آنان از حدود الهی تجاوز کنندگان هستند. از جمله ی
تجاوز کنندگان، صیغه کنندگان می باشند.





فصل اولیاء و اکففاء

مسئله ۵۳ ◀ نکاح زن یا دختر آزاد و بالغ صحیح است، گرچه بدون «کفو» باشد و گرچه ولی حضور نداشته باشد.

دلیل:

ترجمه ی آیه: پس اگر (بعد از دو طلاق و دو رجوع، برای بار سوم) او را طلاق داد، دیگر آن زن بر او حلال نخواهد بود، مگر آنکه به نکاح مرد دیگری درآید (و با او آمیزش نماید). پس اگر (همسر دوم) او را طلاق داد، مانعی ندارد که به یکدیگر بازگشت کنند (و زن با همسر اول خود مجدداً ازدواج نماید). البته در صورتی که امید داشته باشند حدود الهی را برپا دارند. و این ها حدود الهی است که خداوند آن را برای افرادی که آگاهند بیان می کند. [سوره ی بقره آیه ۲۳۰]

توضیح: در این آیه نکاح را به خود زن نسبت داده است نه به ولی وی، پس معلوم می شود که زن حق نکاح خود را دارد.

رسول الله ﷺ: زنانی که شوهر خود را از دست داده اند، از ولی خود بر نفسشان احق هستند و در نکاح «بکر» باید از خود «بکر» اجازه گرفته شود و سکوت وی اجازه ی وی محسوب می شود. (موطا مالک ج ۱ ص ۵۶۹ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۱۷۲ - مسند الحمیدی ج ۱ ص ۴۵۲ - مسند احمد ج ۳ ص ۳۷۷ - مسند ابی حنیفه ج ۱ ص ۲۳۶)

- سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۰۸ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۳۲ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۰۳۷ - سنن الدارمی ج ۳ ص ۱۳۹۸).
بکر: دختر شوهر ندیده.

مسئله ۵۴ ◀ اگر دختری بدون اجازه ی ولی، خود را به نکاح شخص غیر کفو در بیاورد، در این صورت ولی می تواند اعتراض کند.
اعتراض: شکایت کردن ولی و خواستن فسخ این نکاح.
مسئله ۵۵ ◀ و روایت شده است که نکاح بدون اجازه ی ولی به غیر کفو باطل است.

مسئله ۵۶ ◀ ولی نمی تواند به اجبار دختر بالغه را به نکاح کسی در بیاورد، هر چند که دختر بکر باشد.
دلیل:

دختری نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: پدرم مرا به نکاح پسر برادرش در آورده است تا به وسیله ی من مقام پسر برادرش را بلند گرداند. (آیا من حقی دارم؟) رسول الله ﷺ امر نکاح را به دست دختر داد و آن دختر گفت: من به پدرم اجازه دادم ولی با این کار می خواستم به زنان اعلام کنم که پدر بدون اجازه ی دختر در نکاح حقی ندارد. (سنن الدارقطنی ج ۴ ص ۳۳۵ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۴۵۹ - مسند امام احمد ج ۴ ص ۴۹۲).



کیفیت اجازه گرفتن از دختر برای جاری ساختن نکاح:

مسئله ۵۷ ◀ اگر دختر هنگام شنیدن خبر نکاحش و هنگام اجازه خواستن برای نکاح سکوت اختیار کند، این معنی را می دهد که وی به آن نکاح راضی است به شرطی که نام زوج گفته شود و گفتن مبلغ مهر شرط نیست.

مسئله ۵۸ ◀ همچنین اگر بخندد نیز معنی رضایت را می دهد.

مسئله ۵۹ ◀ و گریه کردن بدون صدا نیز علامت رضا است.

مسئله ۶۰ ◀ اگر با صدا گریه کند، علامت نارضایتی و عدم اجازه ی وی به آن نکاح می باشد.

رسول الله ﷺ: زنانی که شوهر خود را از دست داده اند، از ولی خود بر نفسشان احق هستند و در نکاح بکر باید از خود بکر اجازه گرفته شود و سکوت وی اجازه ی وی می باشد. (موطا مالک ج ۱ ص ۵۶۹ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۱۷۲ - مسند الحمیدی ج ۱ ص ۴۵۲ - مسند امام احمد ج ۳ ص ۳۷۷ - مسند ابی حنیفه ج ۱ ص ۲۳۶ - سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۰۸ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۳۲ - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۰۳۷ - سنن الدارمی ج ۳ ص ۱۳۹۸).

مسئله ۶۱ ◀ اگر ولی دور (خویش دور) برای نکاح اجازه بخواهد، دختر باید با گفتار رضایت خود را اعلام کند.

مسئله ۶۲ ◀ اگر از «ثیب» اجازه ی نکاح خواسته شود، وی باید به زبان خود اعلام رضایت کند.

ثیب: زن شوهر دیده را گویند.
دلیل:

رسول الله ﷺ: برای ولی ثیب در حق نکاح امری ثابت نیست. (مصنف عبدالرزاق ج ۶ ص ۱۴۵ - مسند امام احمد ج ۵ ص ۲۰۶ - صحیح ابن حبان ج ۹ ص ۳۹۹ - سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۳۳).

رسول الله ﷺ: ثیب خودش امرش را بیان کند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۰۲ - مسند ابن ابی شیبه ج ۲ ص ۲۷۸ - مسند احمد ج ۲۹ ص ۲۶۰).

مسئله ۶۳ ◀ اگر پرده ی بکارت دختری به وسیله ی زنا پاره شود و یا به وسیله ی چیزی غیر از جماع، حکم دختر «بکر» را دارد.

مسئله ۶۴ ◀ اگر بین دختر و پسری بر سر اینکه آیا دختر نکاح را قبول کرده است یا که خیر اختلاف پیش بیاید، در این صورت اگر دختر بگوید من نکاح را رد کردم و پسر بگوید سکوت کردی، قول دختر پذیرفته می شود و اگر پسر بر سکوت دختر شاهد بیاورد، شهادت قبول کرده می شود و نکاح ثابت می شود.
دلیل:



زیرا پسر ادّعی لزوم عقد و مالک شدن بضع را دارد و دختر آن را دفع می کند، پس دختر منکر حکم است و قول وی قبول کرده می شود. (الهدایه مع شرحه البنایه ج ۵ ص ۸۹ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۲۵).

مسئله ۶۵ ◀ اگر پسر شاهد بیاورد، به دختر قسم داده نمی شود.

مسئله ۶۶ ◀ ولی می تواند دختر نابالغ خود را به نکاح کسی در بیاورد، گرچه آن دختر نابالغ، «ثیب» باشد.

مسئله ۶۷ ◀ اگر دختر نابالغ را پدر وی و یا پدر بزرگ وی به نکاح کسی در بیاورد، آن نکاح لازم می شود و دختر هنگام بلاغت حق فسخ آن نکاح را ندارد.

اگر کسی غیر از پدر و پدر بزرگ کودک را به نکاح کسی در آورده باشد، آن دختر یا پسر هنگام بلوغ و یا هنگام شنیدن نکاح بعد از بلوغ، حق فسخ آن نکاح را دارند.

دلیل:

زیرا خویشاوندی برادر ناقص است و این نقصان باعث کمتر بودن شفقت در حق صغیره خواهد بود و با اجازه ی فسخ هنگام بلوغ، امکان جبران این نقص وجود دارد. همچنین است در مورد دیگر خویشاوندان. (الهدایه ج ۱ ص ۱۹۳ - الجوهره النیره ج ۲ ص ۹ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۲۸).



مسئله ۶۸ ◀ اگر دختر بکر در آن وقت سکوت اختیار کند، معنی رضایت به آن ناکح را می دهد.

مسئله ۶۹ ◀ و اختیار دختر تا آخر مجلس ادامه ندارد و باید در حال اختیار کند، گرچه دختر نداند که اختیارش تا آخر مجلس نیست.
دلیل:

زیرا سرزمین اسلام سرزمین علم است و جاهلیتِ دختر عذر نیست؛ زیرا وی می تواند علم بیاموزد. (الهدایه مع شرحه البنايه ج ۵ ص ۹۷).

مسئله ۷۰ ◀ اختیار ثیب و پسر، بدون رضایت صریح و یا دلالت بر رضایت باطل نمی شود.

مسئله ۷۱ ◀ همچنین با بلند شدن و رفتن از مجلس نیز اختیار آن ها باطل نمی شود.

«ولی» چه کسانی هستند؟

مسئله ۷۲ ◀ ۱- «عصبه» به ترتیبی که در فرائض مذکور است به شرطی که آن «عصبه» آزاد و مکلف باشد و همچنین در حق صغیره ی مسلمان، ولی نیز باید مسلمان باشد. ترتیب عصبات از این قرار است:
اول پسر شخص، بعد پدر، بعد جد پدری، بعد برادر و بعد عمو.
دلیل:



از رسول الله ﷺ: حق نکاح برای عصبات ثابت است. (نصب الرايه ج ۳ ص ۱۹۵ - الدرايه في تخریج احاديث الهدايه ج ۲ ص ۶۲ - المبسوط للسرخسی ج ۴ ص ۲۱۹).

مسئله ۷۳ ◀ ۲- مادر.

مسئله ۷۴ ◀ ۳- ذی رحم محرم. هرچه در نسب نزدیکتر باشد آن شخص به ولایت اولی است.
دلیل:

رسول الله ﷺ: «دایی» ولی کسی است که ولی ندارد. (مسند امام احمد ج ۲۸ ص ۴۳۲ - السنن الکبری للنسائی ج ۶ ص ۱۱۵ - جامع المسانید و المراسیل ج ۸ ص ۲۱۸ - کنز العمال ج ۱۱ ص ۱۳).

مسئله ۷۵ ◀ ۴- مولی الموالاه: کسی است که با دیگری عهد کرده باشد که اگر من جنایتی انجام دهم او تاوان آن را بدهد و اگر بمیرد ارث به وی برسد.

مسئله ۷۶ ◀ ۵- قاضی ای که اجازه نکاح صغیر به وی داده شده باشد.
دلیل:

رسول الله ﷺ: سلطان ولی کسی است که ولی ندارد. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۰۵ - موطا مالک ج ۱ ص ۱۸۱ - مسند ابی داود الطیالسی ج ۳ ص ۷۲ - مسند الشافعی ج ۱ ص ۲۷۵).



مسئله ۷۷ ◀ اگر به خواستگاری دختری بیاید و آن شخص کفو آن دختر باشد و ولی نزدیک دختر حضور نداشته باشد و آن خواستگار منتظر خبر رسیدن از ولی نزدیک نشود و زود جواب بخواهد، در این صورت ولی دورتر می تواند آن دختر را تزویج کند.

مسئله ۷۸ ◀ و در نزد بعضی اگر ولی نزدیک به مقدار سفر دور باشد، ولی دورتر می تواند تزویج کند.

کفائت (مثل و مانند و همسان بودن)

کفائت در نکاح از چند منظر مورد اعتناء می باشد:

مسئله ۷۹ ◀ ۱- برابری از لحاظ نسب (تیره و طایفه): طایفه ی قریش به یکدیگر کفو می باشند و عرب با همدیگر کفو هستند.
دلیل:

رسول الله ﷺ: قریش برای هم کفو هستند و عرب برای هم کفو هستند. (نصب الرايه ج ۳ ص ۱۹۷ قَالَ صَاحِبُ "التَّنْقِيحِ": هَذَا مُنْقَطِعٌ، إِذْ لَمْ يُسَمَّ شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ بَعْضَ أَصْحَابِهِ).

مسئله ۸۰ ◀ ۲- در غیر عرب در بحث نکاح، برابر بودن در اسلام (پدران و خود وی) شخص معتبر است. پس کسی که پدر و پدر بزرگش مسلمان باشند با کسانی که چندین پشت از وی مسلمان بوده اند برابر



خواهند بود. اگر کسی فقط پدرش مسلمان باشد با کسی که پدر و پدر بزرگش مسلمان است برابر (کفو) نیست. همچنین کسی که فقط خودش مسلمان باشد با کسی که پدرش نیز مسلمان است کفو نیست.

مسئله ۸۱ ◀ ۳- کفایت در آزاد بودن (بنده و غلام نبودن) اعتبار کرده می شود؛ مانند شرایط ذکر شده در بحث اسلام شخص و اجدادش می باشد.

مسئله ۸۲ ◀ ۴- از روی دیانت و دینداری اعتبار کرده می شود؛ در نتیجه شخص فاسق با دختر مرد صالح کفو نیست.

مسئله ۸۳ ◀ ۵- و از روی مالداري و غناء اعتبار کرده می شود؛ در نتیجه کسی که قدرت پرداخت مهریه و نفقه را ندارد با دختر فقیر کفو نیست. کسی که قادر بر پرداخت مهریه ی نقد باشد، با دختر غنیه (مالدار) کفو است.

مسئله ۸۴ ◀ ۶- از روی حرفه اعتبار کرده می شود؛ پس کسانی مانند قالیباف و حجام و رفتگر و دباغ با عطار و مانند آن کفو نیستند.

مسئله ۸۵ ◀ اگر دختر یا زنی با مهری کمتر از مهر مثل خود را به نکاح کسی در بیاورد، ولی وی می تواند اعتراض کند تا مهر را کامل کند و یا که از هم جدا شوند.



مسئله ۸۶ ◀ اگر شخصی غیر از ولی شخصی را به نکاح کسی در بیاورد، این نکاح به اجازه دختر یا پسری موقوف است که آن ها نکاح کرده اند.

مسئله ۸۷ ◀ یک فرد غیرفضولی می تواند ولایت هر دو طرف را داشته باشد؛ مانند پدر بزرگ که دو نفر از نوه هایش را به نکاح هم در می آورد.

فضولی: کسی غیر از ولی که به وی وکالت نکاح داده نشده است.

فصل مهر:

مسئله ۸۸ ◀ حداقل مهری که در عقد نکاح تعیین می شود معادل ده درهم نقره می باشد.
دلیل:

رسول الله ﷺ: مهر کمتر از ده درهم نباشد. (السنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۳۹۳ - اعلاء السنن ج ۸ ص ۳۷۳۹ - مسند ابی یعلی ج ۴ ص ۷۲ - المعجم الاوسط ج ۱ ص ۶ - المطالب العالیه لابن حجر ج ۵ ص ۱۷۰ - سنن الدارقطني ج ۴ ص ۳۵۸).

از حضرت علی رضی الله عنه نیز چنین روایت شده است. (مصنف عبدالرزاق ج ۶ ص ۱۷۹ - السنن الکبری للبيهقي ج ۷ ص ۳۹۳ - معرفه السنن و الاثار ج ۱۰ ص ۲۱۸ - سنن الدارقطني ج ۴ ص ۲۷۴).



مسئله ۸۹ ◀ اگر کسی مهری کمتر از این حد تعیین کند، باید معادل ده درهم را بدهد.

مسئله ۹۰ ◀ اگر مهری بیشتر از آن تعیین شود، همان مهر تعیین شده واجب می شود.

زمان وجوب مهر (زمانی که دادن مهریه از آن به بعد بر گردن زوج واجب می شود):

مسئله ۹۱ ◀ ۱- اگر بعد از نکاح یکی از زوجین فوت شود، در آن صورت دادن مهریه واجب می شود و باید به زوجه داده شود.
دلیل:

رسول الله ﷺ در باره ی زنی به نام بروع بنت واشق چنین حکم کرده اند. (مصنف عبدالرزاق الصنعانی ج ۶ ص ۲۹۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۵۵ - مسند امام احمد ج ۲۵ ص ۲۹۱ - المنتقى لابن جارود ج ۱ ص ۱۷۹).

مسئله ۹۲ ◀ ۲- اگر زوج با زوجه خلوت کند و خلوت طوری باشد که برای آن ها مانعی از عمل جماع نباشد.
دلیل:



رسول الله ﷺ هر کسی که روسری زنش را بردارد، بر گردن وی مهر واجب می شود؛ چه با وی آمیزش کند و چه آمیزش نکند. (سنن الدارقطنی ج ۴ ص ۴۷۳ - اتحاف المهره لابن حجر ج ۱۹ ص ۴۴۶ - التلخیص الحبیر ج ۳ ص ۴۰۸ - عمدہ القاری ج ۲۰ ص ۲۳۲).

اسبابی که مانع از نزدیکی و جماع محسوب می شوند:

مسئله ۹۳ ◀ ۱- مانع حسی؛ به طور مثال یکی از آن ها مریض باشد، مرضی که از نزدیکی منع کند.

مسئله ۹۴ ◀ ۲- مانع شرعی؛ مانند اینکه این خلوت در ماه رمضان بوده باشد و یا در حالت احرام باشند و یا اینکه خلوت در هنگام مشغول بودن یکی از زوجین یا هر دوی آن ها بر اقامه ی نماز فرض بوده باشد.

مسئله ۹۵ ◀ ۳- مانع طبیعی مانند اینکه زن حائض باشد و یا اینکه زن نفساء باشد.

مسئله ۹۶ ◀ نداشتن آلت تناسلی و یا اخته بودن و یا بلند نشدن آلت مانع محسوب نمی شود؛ در نتیجه اگر چنین کسانی با زن یا دختری بعد از نکاح خلوت کنند، مهریه ی کامل بر گردن آن ها واجب می شود.
دلیل:



زیرا بر گردن زن واجب بود که خود را در اختیار شوهرش قرار دهد و آن نیز حاصل شد. (الهدایه مع شرحه البنایه ج ۵ ص ۱۵۱ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۴۴).

مسئله ۹۷ ◀ اگر کسی قبل از خلوت صحیحه زنش را طلاق دهد، نصف مهریه واجب می شود.
دلیل:

الله تعالی می فرماید:

ترجمه ی آیه: اگر برایشان مهری معین کرده‌اید و پیش از نزدیکی طلاقشان گفتید، نصف آنچه مقرر کرده‌اید باید بپردازید؛ مگر آنکه زنان ببخشند، یا کسی که عقد نکاح به دست اوست، آن را ببخشد. و بخشیدن شما به پرهیزگاری نزدیکتر است. و فضیلت را میان خود فراموش مکنید که الله جَلَّالَهُ به کارهایی که می‌کنید بیناست. [سوره ی بقره آیه ۲۳۷]

مسئله ۹۸ ◀ اگر کسی زنش را قبل از خلوت صحیحه طلاق دهد و مهریه نیز تعیین نشده باشد، در این صورت متعه واجب می شود.
متعه: چیزهایی مانند چادر و یا لباس زنانه را گویند.
دلیل:

ترجمه ی آیه: اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع) آن‌ها را (با هدیه‌ای



(مناسب) بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران الزامی است. [سوره ی بقره آیه ۲۳۶]

مسئله ۹۹ ◀ اگر بعد از خلوت صحیحه طلاق دهد و مهریه تعیین نشده باشد، مهریه مثل واجب می شود.

تعریف مهریه مثل: مهری است که بین قوم پدری یک زن با توجه به سن، جمال، مال، عقل، دین، شهر، زمان، بکارت و ثیب بودن آن زن متداول است.

مسئله ۱۰۰ ◀ نکاح بدون ذکر و تعیین مهریه جائز است.
دلیل:

کسی نزد عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه آمد و خبر داد که مردی زنی را نکاح کرده و زن وی فوت شده و مهری تعیین نشده بوده است. عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه نیز به مهر مثل زنان قومش حکم کرد و با حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله تأیید شد. (مصنف عبدالرزاق الصنعانی ج ۶ ص ۲۹۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۵۵ - مسند امام احمد ج ۲ ص ۲۹۱ - المنتقى لابن جارود ج ۱ ص ۱۷۹).



مسئله ۱۰۱ ◀ همچنین با نفی مهریه نیز جائز است؛ یعنی بگویند که مهریه نمی خواهد.

مسئله ۱۰۲ ◀ همچنین با تعیین مالی غیر متقوم نیز نکاح جائز است.
غیر متقوم: مال بی ارزش از نظر شرع، مانند خمر و خون و مردار.
مسئله ۱۰۳ ◀ و همچنین با مهریه ای که جنسش مجهول و نامعلوم باشد مانند اینکه بگوید لباس می دهم و یا اینکه بگوید دابه ای خواهم داد.
مسئله ۱۰۴ ◀ و در این چهار صورت مهر مثل واجب می شود. (بدون ذکر مهریه و...)

دلیل:

حدیثی که در مورد عدم تعیین مهر گفته شد و عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه حکم کردند. (مصنف عبدالرزاق الصنعانی ج ۶ ص ۲۹۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۵۵ - مسند امام احمد ج ۲۵ ص ۲۹۱ - المنتقى لابن جارود ج ۱ ص ۱۷۹).

مسئله ۱۰۵ ◀ اگر صفت مهریه مجهول ولی جنسش معلوم باشد، از آن جنس میانه واجب می شود؛ مانند اینکه گاو را به عنوان مهریه تعیین کنند و صفت آن را بیان نکنند، در این صورت گاو به عنوان مهریه با قیمت میانه واجب می شود.

دلیل:

زیرا مهر، معاوضه ی مالی در برابر شیء غیر مالی می باشد و مانند لازم شدن مال از ابتداء بر عهده ی کسی می باشد؛ پس معلومیت جنس کافی است، مانند دیه. (الهدایه ج ۱ ص ۲۰۳ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۵۰ - البنایه ج ۵ ص ۱۷۰ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۷۵).

مسئله ۱۰۶ ◀ مهر شیء مالی و بضع زن شیء غیر مالی است و در نکاح و پرداخت مهریه این دو معاوضه کرده می شوند.

مسئله ۱۰۷ ◀ اگر زوج غلام باشد و به جای مهریه بگوید که من به زوجه خدمت خواهم کرد، همان خدمت واجب می شود.

مسئله ۱۰۸ ◀ اگر یکی از دو شیء متفاوت در قیمت را به عنوان مهریه ذکر کنند، در این صورت مهریه مثل و قیمت آن دو شیء را باید تعیین کرده شود و هر کدام از این سه که میانه باشد همان را به عنوان مهریه تعیین کرده می شود؛ مثلاً قیمت شیء اول ۱۰۰ باشد و قیمت شیء دوم ۲۰۰ باشد و مهریه مثل ۱۵۰ باشد، مهریه مثل واجب می شود ولی اگر مهریه مثل ۳۰۰ باشد شیء دوم به عنوان مهریه محسوب می شود و اگر مهریه مثل کمتر از ۱۰۰ باشد، همان ۱۰۰ که قیمت شیء اول است به عنوان مهریه تعیین می شود.

مسئله ۱۰۹ ◀ در این مسئله اگر شخص زنش را قبل از خلوت صحیحه طلاق دهد، نصف شیء کم ارزشتر از هر سه واجب می شود.



مسئله ۱۱۰ ◀ اگر در نکاح این چنین شرط کند که اگر زنش را از شهرشان بیرون نبرد مهریه یک هزار خواهد بود و اگر بیرون ببرد دو هزار خواهد بود، در این صورت اگر به گفته اش وفا کند و از شهر بیرون نبرد همان هزار به عنوان مهریه واجب می شود ولی اگر به وعده اش وفا نکند مهریه مثل واجب می شود با این شرط که مهریه مثل از هزار کمتر نباشد و از دوهزار بیشتر نباشد.

دلیل:

زیرا در صورت اقامت زن، شرط اول صحیح بود و همان مسمی واجب شد و در صورت عمل نکردن به شرط، شرط باطل شد و با بطلان شرط، نکاح صحیح است؛ پس مهر مثل واجب می گردد. (الاختیار لتعلیل المختار ج ۳ ص ۱۰۶ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۷۳).

مسئله ۱۱۱ ◀ اگر زوج به دو نفر اشاره کند و بگوید این دو غلام را مهریه قرار می دهم و بعد معلوم شود که یکی از آن ها آزاد بوده است، فقط همان یک بنده به عنوان مهریه واجب می شود به شرطی که قیمت آن غلام به ده درهم برسد.

مسئله ۱۱۲ ◀ اگر در نکاح بکارت را شرط کند و بعد معلوم شود که زن ثیب بوده است، باز کل مهریه واجب می شود.



مسئله ۱۱۳ ◀ در نکاح فاسد قبل از وطی (نزدیکی) چیزی واجب نمی شود و بعد از وطی، نسب ولد آن ها ثابت می شود و مهریه مثل واجب می گردد. البته از مهریه تعیین شده بین عاقدین بیشتر نشود.

یادآوری: مهر مثل، **مهری** است که بین قوم پدری یک زن با توجه به سن، جمال، مال، عقل، دین، شهر، زمان، بکارت و ثیب بودن آن زن متداول است.

مسئله ۱۱۴ ◀ اگر در بین قوم پدری زنی مانند وی پیدا نشود، پس مهری که متداول بین اجانب است حساب کرده می شود نه مادر و قوم مادری زن.
دلیل:

کسی نزد عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه آمد و خبر داد که مردی زنی را نکاح کرده و زن وی فوت شده و مهری تعیین نشده بوده است. عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه نیز به مهر مثل زنان قومش حکم کرد و با حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله تأیید شد. (مصنف عبدالرزاق الصنعانی ج ۶ ص ۲۹۴ - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۲۵۵ - مسند امام احمد ج ۲ ص ۲۹۱ - المنتقى لابن جارود ج ۱ ص ۱۷۹).

مسئله ۱۱۵ ◀ اگر مهریه تعیین شود، ولی دختر می تواند ضامن مهریه ی وی باشد، گرچه آن دختر صغیره باشد.



مسئله ۱۱۶ ◀ اگر طرفین نقد یا مهلت دار بودن مهریه را تعیین کنند، همان معتبر است و اگر تعیین نکنند، پس عرف معتبر است؛ اگر عرف نقد حساب می کند، نقد و اگر عرف مهلت دار حساب می کند، مهلت دار خواهد بود.

مسئله ۱۱۷ ◀ قبل از گرفتن مهریه ی نقدی، زن حق دارد زوج را از وطی منع کند و همچنین از سفر کردن با وی امتناع کند
دلیل:

زیرا مهر معاوضه ی مالی در برابر غیر مالی می باشد و مانند این است که مال از ابتداء و بدون معامله ای بر کسی واجب شده باشد؛ پس اگر جنس معلوم باشد برای وجوب آن بر وی کافی است مانند دیده. (الهدایه ج ۱ ص ۲۰۳ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۵۰ - البنايه ج ۵ ص ۱۷۰ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۷۵).

مسئله ۱۱۸ ◀ و این حق برای زن محفوظ است هر چند بعد از نزدیکی با رضایت خودش باشد؛ یعنی قبل از گرفتن مهر نقدی، زن هر گاه که خواست می تواند زوج را از نزدیکی منع کند ولی نفقه ی زن ساقط نمی شود و زن می تواند بدون اجازه ی زوج به سفر برود و برای برآورده کردن مایحتاج خود از خانه بیرون رود.
دلیل:

زیرا مهریه حق زوجه است همچنان که نزدیکی حق زوج است، پس زوجه تا حقی را نگیرد می تواند از دادن حق زوج امتناع کند و حق منع زوج نیز زمانی ثابت است که حق زوجه را اداء کرده باشد و تا حقی را نداده باشد، حق منع از خروج را ندارد. (تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۵۵ - الہدایہ ج ۱ ص ۲۰۶ - البحر الرائق ج ۳ ص ۱۸۹).

مسئله ۱۱۹ ◀ زوج می تواند بعد از پرداخت مهریه زنش را به هر کجا که خواست کوچ دهد.

مسئله ۱۲۰ ◀ و گفته شده است که زوج نباید با زنش به مسافرت رود و به این قول فتوا داده شده است.

مسئله ۱۲۱ ◀ اگر زوج به زوجه چیزی بفرستد و بعد اختلاف کنند و زوج بگوید: «آن را به حساب مهریه داده ام» و زوجه بگوید: «آن هدیه بود»، قول زوج مقبول است مگر اینکه خوراکی باشد که در این صورت هدیه محسوب می شود نه از مهریه.

دلیل:

زیرا زوج کسی است که زوجه را مالک آن چیز گردانیده و وی بهتر می داند که به چه منظور فرستاده است ولی در چیزهای خوارکی در عادت از مهر فرستاده نمی شود، پس قول زوج مقبول است. (بدائع الصنائع ج ۲ ص ۳۰۸ - الہدایہ ج ۱ ص ۲۰۷ - تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۵۸ - الجوهره النیره ج ۲ ص ۲۰).



مسئله ۱۲۲ ◀ زوج زن آزاد، با اجازه ی زنش حق عزل ولد را دارد.

عزل: جلوگیری از حاملگی را گویند.

دلیل:

رسول الله ﷺ از عزل بدون اجازه زن نهی فرموده اند. (سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۲۰ - المعجم الاوسط ج ۴ ص ۸۷ - مشکاء المصابيح ج ۲ ص ۹۵۴ - السنن الكبرى للبيهقي ج ۷ ص ۳۷۶).

مسئله ۱۲۳ ◀ فرزند در دین تابع دینِ بهتر هر کدام از والدین می باشد؛ پس اگر پدر بچه ای مسلمان باشد و مادرش مسیحی، بچه مسلمان محسوب می شود و اگر پدر یا مادر مسیحی و دیگری مجوسی باشد، بچه ی آن ها مسیحی محسوب می شود.

مسئله ۱۲۴ ◀ اگر پدر و مادر بچه ای معلوم نباشد، در دین تابع دار «کشورش» می شود؛ پس اگر در کشور مسلمان باشد، مسلمان محسوب می شود.

مسئله ۱۲۵ ◀ مجوسی از مسیحی بدتر است.

مسئله ۱۲۶ ◀ اگر دو غیر مسلمان بدون شاهد با هم ازدواج کرده باشند و بعد مسلمان شوند، اگر آن ها قبل از اسلام معتقد بوده باشند که ازدواج بدون شاهد صحیح است، بعد از اسلام، با نکاح قبلی زن و شوهر باقی می ماند.

مسئله ۱۲۷ ◀ همچنین است اگر قبل از اتمام عدت کافر با هم ازدواج کرده باشند.

مسئله ۱۲۸ ◀ اگر دو محرم با هم ازدواج کرده باشند، بعد از اسلام از هم جدا کرده می شوند.

مسئله ۱۲۹ ◀ اگر شوهر زن مجوسی مسلمان شود و یا زن مرد کافر مسلمان شود، در این دو صورت به همسر آن ها اسلام را عرض کرده می شود و به اسلام دعوت کرده می شود، اگر همسرشان اسلام بیاورد زن و شوهر باقی می مانند و اگر از اسلام آوردن امتناع کند، از هم جدا کرده می شوند و این جدایی در صورت امتناع شوهر از اسلام، طلاق محسوب می شود و در صورت امتناع زن مهر واجب نمی شود مگر اینکه با زن نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۱۳۰ ◀ اگر در کشور غیر مسلمان این مسئله پیش بیاید (مسئله ی مسلمان شدن یکی از زوجین که در بالا ذکر شد)، اگر قبل از اسلام همسرشان سه حیض بگذرد، طلاق بائن واقع می شود.

مسئله ۱۳۱ ◀ زوجین غیر مسلمان اگر دارشان مختلف شود، بین آن ها طلاق بائن واقع می شود.

مثلاً اگر زنی از کشور غیر مسلمان به کشور مسلمان هجرت کند، پس از شوهرش طلاق می شود.

مسئله ۱۳۲ ◀ دار دو نوع است: ۱- دار اسلام. ۲- دار کفر.



مسئله ۱۳۳ ◀ اگر یکی از زوجین اسیر شود، جدایی واقع نمی شود.

مسئله ۱۳۴ ◀ اگر یکی از زوجین مرتد شود، در حال بین آن ها فسخ نکاح واقع می شود.

مرتد شدن: خارج شدن از اسلام را گویند.

مسئله ۱۳۵ ◀ در این صورت به زنی که با وی همخوابی شده باشد کل مهر واجب می شود و اگر قبل از همخوابی ارتداد صورت گیرد، اگر شوهر مرتد شده باشد نصف مهریه واجب است و اگر زن مرتد شده باشد چیزی واجب نمی شود.

مسئله ۱۳۶ ◀ اگر زن و شوهر با هم مرتد شوند و با هم به اسلام بازگردند، نکاح آن ها باقی است.

مسئله ۱۳۷ ◀ اگر یکی از آن ها قبل از دیگری به اسلام باز آید، نکاح آن ها باطل می شود.

مسئله ۱۳۸ ◀ تمام زنان یک شخص در تقسیم برابر هستند.

تقسیم اینکه چه مدت پیش هر کدام از آن ها باشد و در خوراک و البسه و چیزهای دیگر.

مسئله ۱۳۹ ◀ اگر یکی از زنان یک مرد مملوکه باشد (کنیز)، در تقسیم نصف زن آزاد را دارد.

مسئله ۱۴۰ ◀ در رفتن به سفر تقسیم نیست و شوهر می تواند هر کدام را که بخواهد ببرد.

مسئله ۱۴۱ ◀ ولی قرعه انداختن بین آن ها بهتر است.

رسول الله ﷺ به هنگام اراده ی سفر، بین زنان خود برای تعیین اینکه چه کسی را ببرند قرعه می انداختند. (البنایه ج ۵ ص ۲۵۴).

مسئله ۱۴۲ ◀ زن می تواند از نوبت خود بگذرد و اگر بعداً پشیمان شد، باز پس گیرد.

دلیل:

زیرا سوده بنت زمعه رضی الله عنها یکی از همسران حضرت رسول الله ﷺ نوبت خود را به حضرت عائشه رضی الله عنها دادند. (البنایه ج ۵ ص ۲۵۴).
و حق برگشت ثابت است؛ زیرا وی حقی که برایش بوده است را هبه کرده است و در هبه حق باز پس گرفتن ثابت است. (البنایه ج ۵ ص ۲۵۴).



منابع

قرآن کریم

- ۱- الآثار لابن يوسف يعقوب بن إبراهيم بن حبيب بن سعد بن حبتة الأنصاري (المتوفى: ۱۸۲هـ) المحقق: أبو الوفا الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت عدد الأجزاء: ۱
- ۲- الآثار لمحمد ابن الحسن، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد الشيباني (المتوفى: ۱۸۹هـ)، مصدر الكتاب: موقع جامع الحديث
- ۳- أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس المكي الفاكهي (المتوفى: ۲۷۲هـ)، المحقق: د. عبد الملك عبد الله دهيش، الناشر: دار خضر - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴، عدد الأجزاء: ۶ أجزاء في ۳ مجلدات
- ۴- إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، تحقيق: مركز خدمة السنة والسير، بإشراف د. زهير بن ناصر الناصر (راجعته ووجد منهج التعليق والإخراج)، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة) - ومركز خدمة السنة والسير النبوية (بالمدينة)، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م، عدد الأجزاء: ۱۹
- ۵- احاديث اسماعيل بن جعفر: المؤلف: إسماعيل بن جعفر بن أبي كثير الأنصاري الزرقى مولاهم، أبو إسحاق المدني - ويكنى أيضا: أبا إبراهيم (المتوفى: ۱۸۰هـ) دراسة وتحقيق: عمر بن رفود بن رفيد السقياني الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، الرياض - شركة الرياض للنشر والتوزيع الطبعة: الأولى: ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م عدد الأجزاء: ۱
- ۱- الإحكام في أصول الأحكام المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: ۴۵۶هـ) المحقق: الشيخ أحمد محمد شاكر قدم له: الأستاذ الدكتور إحسان عباس الناشر: دار الآفاق الجديدة، بيروت عدد الأجزاء: ۸
- ۲- احكام القرآن جصاص: أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: ۳۷۰هـ) المحقق: محمد صادق القمحاوي عضو لجنة مراجعة المصاحف بالأزهر الشريف الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت تاريخ الطبعة: ۱۴۰۵ هـ
- ۳- الاختيار لتعليل المختار: عبد الله بن محمود بن مودود الموصلی البلدحي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي (المتوفى: ۶۸۳هـ) عليها تعليقات: الشيخ محمود أبو دقيقة (من علماء الحنفية ومدرس بكلية أصول الدين سابقا) الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمية - بيروت، وغيرها) تاريخ النشر: ۱۳۵۶ هـ - ۱۹۳۷ م عدد الأجزاء: ۵
- ۴- الاسماء و الصفات للبيهقي: المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردى الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ۴۵۸هـ)، حققه وخرج أحاديثه وعلق عليه: عبد الله بن محمد الحاشدي، قدم له: فضيلة الشيخ مقبل بن هادي الوادعي، الناشر: مكتبة السوادي، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، عدد الأجزاء: ۲
- ۵- ابوالمنتهى شرح فقه الاكبر: بي تا بي جا.
- ۶- اشعه اللمعات شرح مشكات المصابيح
- ۷- اعلاء السنن: ظفر احمد عثمانى تهنوى على ضوء ما افاده اشرف على التهنوى نشر اداره القران و علوم الاسلامى كراچى پاکستان. ۱۴۱۸ ه ق.
- ۸- احياء علوم الدين: ابوحامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ۵۰۵هـ) الناشر: دار المعرفهز - بيروت ۰ عدد الاجزاء: ۴.
- ۹- الاوسط ابن المنذر: الكتاب: الاوسط لابن المنذر، المؤلف: أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: ۳۱۹هـ)
- ۱۰- أصول السرخسي، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ۴۸۳هـ)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، عدد الأجزاء: ۲
- ۱۱- الأموال لابن زنجويه، المؤلف: أبو أحمد حميد بن مخلد بن قتيبة بن عبد الله الخراساني المعروف بابن زنجويه (المتوفى: ۲۵۱هـ)، تحقيق الدكتور: شاكر ذيب فياض الأستاذ المساعد - بجامعة الملك سعود، الناشر: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، عدد الأجزاء: ۱

- ١٢- البحر الرائق شرح كنز الدقائق المؤلف: زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ٩٧٠هـ) وفي آخره: تكملة البحر الرائق لمحمد بن حسين بن علي الطوري الحنفي القادري (ت بعد ١١٣٨ هـ) وبالhashية: منحة الخالق لابن عابدنا الناشر: دار الكتاب الإسلامية الطبعة: الثانية - بدون تاريخ عدد الأجزاء: ٨
- ١٣- البحر المحيط في أصول الفقه المؤلف: أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي (المتوفى: ٧٩٤هـ) الناشر: دار الكتب الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ - ١٩٩٤م عدد الأجزاء: ٨
- ١٤- بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث: الكتاب: بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، المؤلف: أبو محمد الحارث بن محمد بن داهر التميمي البغدادي الخصيب المعروف بابن أبي أسامة (المتوفى: ٢٨٢هـ)، المنتقى: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان بن أبي بكر الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ)، المحقق: د. حسين أحمد صالح الباكري، الناشر: مركز خدمة السنة والسيرة النبوية - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ - ١٩٩٢، عدد الأجزاء: ٢
- ١٥- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: ٥٨٧هـ) الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الثانية، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م عدد الأجزاء: ٧
- ١٦- البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير المؤلف: ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: ٨٠٤هـ) المحقق: مصطفى أبو الغيط وعبد الله بن سليمان وياسر بن كمال الناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية الطبعة: الأولى، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م عدد الأجزاء: ٩
- ١٧- بلوغ المرام من أدلة الأحكام المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ) تحقيق وتعليق: سمير بن أمين الزهري الناشر: دار الفلق - الرياض الطبعة: السابعة، ١٤٢٤هـ عدد الأجزاء: ١
- ١٨- بلغة السالك لأقرب المسالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير (الشرح الصغير، هو شرح الشيخ الدردير لكتابه المسمى أقرب المسالك لمذهب الإمام مالك)، المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد الخلوتي، الشهير بالصاوي المالكي (المتوفى: ١٢٤١هـ)، الناشر: دار المعارف، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، عدد الأجزاء: ٤
- ١٩- البناء في شرح الهداية: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: ٨٥٥هـ) الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م عدد الأجزاء: ١٣
- ٢٠- تاريخ المدينة لابن شبة، المؤلف: عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبيدة بن ربيعة النميري البصري، أبو زيد (المتوفى: ٢٦٢هـ)، حققه: فهد محمد شلتوت، طبع على نفقة: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، عام النشر: ١٣٩٩هـ
- ٢١- تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي عثمان بن علي بن محجن البارع، فخر الدين الزيلعي الحنفي (المتوفى: ٧٤٣هـ) الحاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشلبي (المتوفى: ١٠٢١هـ) الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة الطبعة: الأولى، ١٣١٣هـ
- ٢٢- تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المؤلف: جمال الدين أبو الحجاج يوسف بن عبد الرحمن المزني (المتوفى: ٧٤٢هـ)، المحقق: عبد الصمد شرف الدين، طبعة: المكتب الإسلامي، والدار القيمة، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ ١٩٨٣م
- ٢٣- تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذ المؤلف: أبو العلا محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المباركفوري (المتوفى: ١٣٥٣هـ) الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت عدد الأجزاء: ١٠
- ٢٤- تحفة الملوك (في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة النعمان)، المؤلف: زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي (المتوفى: ٦٦٦هـ)، المحقق: د. عبد الله نذير أحمد، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ، عدد الأجزاء: ١
- ٢٥- الترغيب والترهيب من الحديث الشريف المؤلف: عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري (المتوفى: ٦٥٦هـ) المحقق: إبراهيم شمس الدين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت
- ٢٦- تفسير الجلالين جلال الدين محمد بن أحمد المحلي (المتوفى: ٨٦٤هـ) وجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (المتوفى: ٩١١هـ) الناشر: دار الحديث - القاهرة الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ١
- ٢٧- تفسير روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني المؤلف: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي (المتوفى: ١٢٧٠هـ) المحقق: علي عبد الباري عطية الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت



- ٢٨- تفسير كابل:
- ٢٩- التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١٩هـ - ١٩٨٩م، عدد الأجزاء: ٤
- ٣٠- تجهيز الجنازة بر حاشية جواهر النفيس حامد ابن كمال الدين صلاح الدين البوبكاني ١٣١٢ - تاريخ طبع ١٨٩٥م - نعماني كتيخانه كابل افغانستان. ١ جزء
- ٣١- تنقيح القول الحثيث بشرح لباب الحديث: محمد بن عمر نووي الجاوي البنتي إقليمياً، التنازي بلداً. الناشر: دار الفكر. عدد المجلدات: ٢
- ٣٢- تهذيب اللغة: محمد بن أحمد بن الأزهرى الهروى، أبو منصور (المتوفى: ٣٧٠هـ). المحقق: محمد عوض مرعب. الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت. الطبعة: الأولى، ٢٠٠١م. عدد الأجزاء: ٨
- ٣٣- التقرير والتجبير المؤلف: أبو عبد الله، شمس الدين محمد بن محمد بن محمد المعروف بابن أمير حاج ويقال له ابن الموقت الحنفى (المتوفى: ٨٧٩هـ) الناشر: دار الكتب العلمية
- ٣٤- التمهيد لما فى الموطأ من المعانى والأسانيد : أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ) تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوى ، محمد عبد الكبير البكرى الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب عام النشر: ١٣٨٧ هـ عدد الأجزاء: ٢٤
- ٣٥- تهذيب الكمال فى أسماء الرجال المؤلف: يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكى أبى محمد القضاءى الكلبى المزى (المتوفى: ٧٤٢هـ) المحقق: د. بشار عواد معروف الناشر: مؤسسه الرساله - بيروت
- ٣٦- كتاب التوحيد وإثبات صفات الرب عز وجل المؤلف: أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى النيسابورى (المتوفى: ٣١١هـ) المحقق: عبد العزيز بن إبراهيم الشهوان الناشر: مكتبة الرشد - السعودية - الرياض الطبعة: الخامسة، ١٤١٤هـ - ١٩٩٤م عدد الأجزاء: ٢
- ٣٧- التوضيح لحل غوامض التنقيح، عبيد الله بن مسعود، ٢(ج) آرام باغ، باكستان، تجارخانه كتب
- ٣٨- جامع المسانيد و المراسيل: جلال الدين السيوطى. بى تا بى جا.
- ٣٩- الجوهره النيره: أبو بكر بن علي بن محمد الحدادى العبادى الزبيديّ اليمنى الحنفى (المتوفى: ٨٠٠هـ) الناشر: المطبعة الخيرية الطبعة: الأولى، ١٣٢٢هـ عدد الأجزاء: ٢
- ٤٠- حاشية السندى على البخارى : محمد بن عبد الهادى السندى المدنى ، الحنفى، أبو الحسن محدث، حافظ مفسر فقيه ولد فى السند وتوفى بالمدينه. بى تا بى جا.
- ٤١- حاشية الطحطاوى على مراقى الفلاح شرح نور الإيضاح المؤلف: أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحطاوى الحنفى - توفى ١٢٣١ هـ المحقق: محمد عبد العزيز الخالدى الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة: الأولى ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م عدد الأجزاء: ١
- ٤٢- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء المؤلف: أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: ٤٣٠هـ) الناشر: السعادة - بجوار محافظة مصر، ١٣٩٤هـ - ١٩٧٤م ثم صورتها عدة دور منها ١ - دار الكتاب العربى - بيروت - دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - دار الكتب العلمية - بيروت (طبعة ١٤٠٩هـ بدون تحقيق) عدد الأجزاء: ١٠
- ٤٣- الدعاء للطبراني: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: مصطفى عبد القادر عطا الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٣ عدد الأجزاء: ١
- ٤٤- درر الحكام شرح غرر الأحكام المؤلف: محمد بن فرامرز بن علي الشهير بملا - أو منلا أو المولى - خسرو (المتوفى: ٨٨٥هـ) الناشر: دار إحياء الكتب العربية الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ عدد الأجزاء: ٢
- ٤٥- رد المختار على الدر المختار: ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقى الحنفى (المتوفى: ١٢٥٢هـ) الناشر: دار الفكر-بيروت الطبعة: الثانية، ١٤١٢هـ - ١٩٩٢م عدد الأجزاء: ٦



- ٤٦- روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجعافيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ) الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع الطبعة: الطبعة الثانية ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م عدد الأجزاء: ٢
- ٤٧- سلاح المؤمن في الدعاء والذكر المؤلف: محمد بن محمد بن علي بن همام أبو الفتح، تقي الدين، المعروف بابن الإمام (المتوفى: ٧٤٥هـ) المحقق: محيي الدين ديب مستو الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ - ١٩٩٣م عدد الأجزاء: ١
- ٤٨- سنن ابن ماجه: المؤلف: ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجه اسم أبيه يزيد (المتوفى: ٢٧٣هـ) تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي عدد الأجزاء: ٢
- ٤٩- سنن أبي داود: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: ٢٧٥هـ) المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت عدد الأجزاء: ٤
- ٥٠- سنن الترمذي: محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩هـ) المحقق: بشار عواد معروف الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت سنة النشر: ١٩٩٨م عدد الأجزاء: ٦
- ٥١- سنن الدارقطني: أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: ٣٨٥هـ) حققه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب الأرناؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٤م عدد الأجزاء: ٥
- ٥٢- سنن الدارمي. دار الكتب العلمية. و أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد الدارمي، التميمي السمرقندي (المتوفى: ٢٥٥هـ) تحقيق: حسين سليم أسد الداراني الناشر: دار المغني للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ - ٢٠٠٠م عدد الأجزاء: ٤
- ٥٣- السنن الكبرى المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ) المحقق: محمد عبد القادر عطا الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م
- ٥٤- سنن النسائي الصغرى دار المعرفة - لبنان - ١٩٩٨.
- ٥٥- سنن النسائي الكبرى: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ) حققه وخرج أحاديثه: حسن عبد المنعم شلبي أشرف عليه: شعيب الأرناؤوط قدم له: عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م عدد الأجزاء: (١٠ و ٢ فهارس)
- ٥٦- السنن الكبرى، المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ)، المحقق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م
- ٥٧- الكتاب: شرح السنة، المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى: ٥١٦هـ)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط - محمد زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - دمشق، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م، عدد الأجزاء: ١٥
- ٥٨- شرح صحيح مسلم للقاضي عياض المسمى اكمال المعلم بفوائد مسلم المؤلف: عياض بن موسى بن عياض بن عمرو بن اليحصبي السبتي، ابوالفضل (المتوفى: ٥٤٤هـ) المحقق: الدكتور يحيى اسماعيل الناشر: دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزيع، مصر الطبعة: الاولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م عدد الاجزاء: ٨
- ٥٩- شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، سنة الولادة ٨٤٩هـ / سنة الوفاة ٩١١هـ تحقيق عبد المجيد طعمه حلبي، الناشر دار المعرفة، سنة النشر ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م، مكان النشر لبنان، عدد الأجزاء ١
- ٦٠- شرح مسند أبي حنيفة، المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: ١٠١٤هـ) ، المحقق: الشيخ خليل محيي الدين الميسر، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م، عدد الأجزاء: ١
- ٦١- شرح معاني الآثار، المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: ٣٢١هـ)، حققه وقدم له: (محمد زهري النجار - محمد سيد جاد الحق) من علماء الأزهري



- الشریف، راجعه ورقم کتبه وأبوابه وأحاديثه: د يوسف عبد الرحمن المرعشلى - الباحث بمركز خدمة السنة بالمدينة النبوية، الناشر: عالم الكتب، الطبعة: الأولى - ١٤١٤ هـ ١٩٩٤ م، عدد الأجزاء: ٥ (٤ وجزء للفهارس)
- ٦٢- شرح الوقايه مع حاشيته عمده الرايه المؤلف: عبدالله ابن مسعود. المحقق: الدكتور صلاح محمد ابوالحاج. الناشر: مركز علماء العالمى للدراسات و تقنيه المعلومات الطبعة: الاولى . عدد الاجزاء: ١٠
- ٦٣- شرح سنن ابن ماجه - الإعلام بسنته عليه السلام المؤلف: مغلطاي بن قليج بن عبد الله البكجری المصرى الحكرى الحنفى، أبو عبد الله، علاء الدين (المتوفى: ٧٦٢هـ) المحقق: كامل عويضة الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م عدد الأجزاء: ٥
- ٦٤- شرح الزركشى (مكتبة العبيكان (١٩٩٣ج٧)-
- ٦٥- شرح المحلى على جمع الجوامع الجلال المحلى. دار احياء التراث العربى.
- ٦٦- شرح العقاید النسفيه. بى تا بى جا.
- ٦٧- شرح القسطلانى. إرشاد السارى لشرح صحيح البخارى المؤلف: أحمد بن محمد بن أبى بكر بن عبد الملك القسطلانى القيتيى المصرى، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: ٩٢٣هـ) الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر الطبعة: السابعة، ١٣٢٣ هـ عدد الأجزاء: ١٠
- ٦٨- شرح مشكل الآثار المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجرى المصرى المعروف بالطحاوى (المتوفى: ٣٢١هـ) تحقيق: شعيب الأرناؤوط الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ ١٤٩٤ م عدد الأجزاء: ١٦ (١٥ وجزء للفهارس)
- ٦٩- شرح الوقايه ملا على القارى. فتح باب العناية بشرح النقاية المؤلف: ملا على القارى (ت ١٠١٤هـ)
- ٧٠- شرح الوقايه مع حاشيته عمده الرايه، المؤلف: عبدالله ابن مسعود، المحقق: الدكتور صلاح محمد أبو الحاج، الناشر: مركز العلماء العالمى للدراسات وتقنيه المعلومات، الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ١٠
- ٧١- شرح الياس على النقاية ملا فخرالدين ١٢٨٩ مطبعة مرتضى محمد عزيزالدين دهلى
- ٧٢- صحيح ابن حبان لإحسان فى تقريب صحيح ابن حبان المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمى، أبو حاتم، الدارمى، البُستى (المتوفى: ٣٥٤هـ) ترتيب: الأمير علاء الدين على بن بلبان الفارسى (المتوفى: ٧٣٩ هـ) حققه وخرج أحاديثه وعلق عليه: شعيب الأرناؤوط الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م
- ٧٣- صحيح ابن خزيمة: أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى النيسابورى (المتوفى: ٣١١هـ) حققه وعلق عليه وخرج أحاديثه وقدم له: الدكتور محمد مصطفى الأعظمى الناشر: المكتب الإسلامى الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م عدد الأجزاء: ٢
- ٧٤- صحيح البخارى: الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ عدد الأجزاء: ٩
- ٧٥- صحيح مسلم: المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤلف: أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى المتوفى : ٢٦١ هـ المحقق : مجموعة من المحققين الناشر : دار الجيل - بيروت الطبعة : مصورة من الطبعة التركية المطبوعة فى استانبول سنة ١٣٣٤ هـ عدد الأجزاء : ٨
- ٧٦- صحيح ابن خزيمة أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى النيسابورى (المتوفى: ٣١١هـ) حققه وعلق عليه وخرج أحاديثه وقدم له: الدكتور محمد مصطفى الأعظمى الناشر: المكتب الإسلامى الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م عدد الأجزاء: ٢
- ٧٧- الطهور للقاسم بن سلام: أبو عبيد القاسم بن سلام بن عبد الله الهروى البغدادى (المتوفى: ٢٢٤هـ) حققه وخرج أحاديثه: مشهور حسن محمود سلمان الناشر: مكتبة الصحابة، جدة - الشرفية، مكتبة التابعين، سليم الأول - الزيتون الطبعة: الأولى، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م عدد الأجزاء: ١



- ٧٨- عمدة القارى شرح صحيح البخارى المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابى الحنفى بدر الدين العينى (المتوفى: ٨٥٥هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت عدد الأجزاء: ٢٥ × ١٢
- ٧٩- عمل اليوم والليلة المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن على الخراسانى، النسائى (المتوفى: ٣٠٣هـ) المحقق: د. فاروق حمادة الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ عدد الأجزاء: ١
- ٨٠- العناية شرح الهداية المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومى البابر تى (المتوفى: ٧٨٦هـ) الناشر: دار الفكر بى تا
- ٨١- غذاء الألباب فى شرح منظومة الآداب المؤلف: شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفارينى الحنبلى (المتوفى: ١١٨٨هـ) الناشر: مؤسسة قرطبة - مصر الطبعة: الثانية، ١٤١٤ هـ / ١٩٩٣ م عدد الأجزاء: ٢
- ٨٢- فتح البارى شرح صحيح البخارى المؤلف: أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ رقم كتيبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب عليه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز عدد الأجزاء: ١٣
- ٨٣- فتح القدير المؤلف: كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسى المعروف بابن الهمام (المتوفى: ٨٦١هـ) الناشر: دار الفكر الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ عدد الأجزاء: ١٠
- ٨٤- فضائل الصحابة المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيبانى الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣ تحقيق: د. وصى الله محمد عباس عدد الأجزاء: ٢
- ٨٥- فقه كيدانى، لطف الله نسفى. ايران گنبد قابوس.
- ٨٦- فيض البارى على صحيح البخارى المؤلف: (أمالى) محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميرى الهندى ثم الديوبندى (المتوفى: ١٣٥٣هـ) المحقق: محمد بدر عالم الميرتهى، أستاذ الحديث بالجامعة الإسلامية بداهيل (جمع الأمالى وحررها ووضع حاشية البدر السارى إلى فيض البارى) الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م عدد الأجزاء: ٦
- ٨٧- فتاوى ابن حجر هيثمى: احمد بن محمد بن على بن حجر الهيتمى السعدى الأنصارى، شهاب الدين شيخ الاسلام، ابوالعباس، فقيه باحث مصرى. الناشر: دار الفكر. تاريخ الإصدار: ١٩٨٣. عدد المجلدات: ٤
- ٨٨- فتح القدير، المؤلف: كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسى المعروف بابن الهمام (المتوفى: ٨٦١هـ)، الناشر: دار الفكر، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، عدد الأجزاء: ١٠
- ٨٩- الفتح الكبير: عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى (المتوفى: ٩١١هـ). المحقق: يوسف النبهانى. الناشر: دار الفكر - بيروت / لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣ م. عدد الأجزاء: ٣.
- ٩٠- الفردوس بمانور الخطاب: شيرويه بن شهردار بن شيرويه بن فناخسرو، أبو شجاع الديلمى الهمدانى (المتوفى: ٥٠٩هـ). المحقق: السعيد بن بسبونى زغلول. الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م. عدد الأجزاء: ٥
- ٩١- القضاء والقدر المؤلف: أحمد بن الحسين بن على بن موسى الخسروجردى الخراسانى، أبو بكر البيهقى (المتوفى: ٤٥٨هـ) المحقق: محمد بن عبد الله آل عامر الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض / السعودية الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠ م عدد الأجزاء: ١
- ٩٢- قواعد الأحكام فى مصالح الأنام المؤلف: أبو محمد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام بن أبى القاسم بن الحسن السلمى الدمشقى، الملقب بسلطان العلماء (المتوفى: ٦٦٠هـ) راجعه وعلق عليه: طه عبد الرؤوف سعد الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية - القاهرة (وصورتها دور عدة مثل: دار الكتب العلمية - بيروت، ودار أم القرى - القاهرة) طبعة: جديدة مضبوطة منقحة، ١٤١٤ هـ - ١٩٩١ م عدد الأجزاء: ٢
- ٩٣- كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال المؤلف: علاء الدين على بن حسام الدين ابن قاضى خان القادرى الشاذلى الهندى البرهانفورى ثم المدنى فالمكى الشهير بالمتقى الهندى (المتوفى: ٩٧٥هـ) المحقق: بكرى حيانى - صفوة السقا الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الطبعة الخامسة، ١٤٠١هـ/١٩٨١م



- ٩٤- الباب في شرح الكتاب المؤلف: عبد الغنى بن طالب بن حمادة بن إبراهيم الغنيمي الدمشقي الميداني الحنفي (المتوفى: ١٢٩٨هـ) حققه، وفصله، وضبطه، وعلق حواشيه: محمد محيي الدين عبد الحميد الناشر: المكتبة العلمية، بيروت - لبنان عدد الأجزاء: ٤
- ٩٥- لسان العرب: محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (المتوفى: ٧١١هـ). الناشر: دار صادر - بيروت. الطبعة: الثالثة - ١٤١٤ هـ. عدد الأجزاء: ١٥
- ٩٦- لسان الميزان: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ). المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند. الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان. الطبعة: الثانية، ١٣٩٠هـ - ١٩٧١م. عدد الأجزاء: ٧
- ٩٧- اللع في أصول الفقه المؤلف: أبو إسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: ٤٧٦هـ) الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الثانية ٢٠٠٣ م - ١٤٢٤ هـ عدد الأجزاء: ١
- ٩٨- الجامع ابو محمد عبدالله بن وهب بن مسلم المسلم القرشي (المتوفى: ١٩٧هـ). المحقق: الدكتور رفعت فوزي عبدالمطلب - الدكتور علي عبدالباسط مزيد. الناشر: دارالوفا الطبعة، الاولى ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م عدد الاجزاء ١
- ٩٩- الجامع في الحديث لابن وهب: المؤلف: أبو محمد عبد الله بن وهب بن مسلم المصري القرشي (المتوفى: ١٩٧هـ) المحقق: مصطفى حسن حسين محمد ابوالخير، استاذ الحديث و علومه المساعد - كليه اصول الدين - القاهرة الناشر: دار ابن جوزي - الرياض الطبعة: الاولى ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م عدد الاجزاء ١
- ١٠٠- المبدع في شرح المقنع المؤلف: إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: ٨٨٤هـ) الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م عدد الأجزاء: ٨
- ١٠١- المبسوط المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ٤٨٣هـ) الناشر: دار المعرفة - بيروت الطبعة: بدون طبعة تاريخ النشر: ١٤١٤هـ - ١٩٩٣م عدد الأجزاء: ٣٠
- ١٠٢- مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ١٠٧٨هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ عدد الأجزاء: ٢
- ١٠٣- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ) المحقق: حسام الدين القدسي الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة عام النشر: ١٤١٤ هـ ١٩٩٤ م عدد الأجزاء: ١٠
- ١٠٤- المجموع شرح المذهب ((مع تكملة السبكي والمطيعي)) المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ) الناشر: دار الفكر
- ١٠٥- المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه المؤلف: أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة البخاري الحنفي (المتوفى: ٦١٦هـ) المحقق: عبد الكريم سامي الجندي الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م عدد الأجزاء: ٩
- ١٠٦- مختصر الوقايع (النقاية). إيران گنبد قابوس.
- ١٠٧- المخلصيات وأجزاء أخرى لأبي طاهر المخلص المؤلف: محمد بن عبد الرحمن بن العباس بن عبد الرحمن بن زكريا البغدادي المخلص (المتوفى: ٣٩٣هـ) المحقق: نبيل سعد الدين جرار الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية لدولة قطر الطبعة: الأولى، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م
- ١٠٨- المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: عبد القادر بن أحمد بن مصطفى بن عبد الرحيم بن محمد بدران (المتوفى: ١٣٤٦هـ) المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الثانية، ١٤٠١ عدد الأجزاء: ١
- ١٠٩- مراتب الشريعة وحاشيه البناني . دارالفكر بي تا. دو جلدی.
- ١١٠- مراقى الفلاح شرح متن نور الإيضاح المؤلف: حسن بن عمار بن علي الشرنبلالي المصري الحنفي (المتوفى: ١٠٦٩هـ) اعتنى به وراجع: نعيم زرزور الناشر: المكتبة العصرية الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م عدد الأجزاء: ١

- ١١١- مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح المؤلف: أبو الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحمانى المباركفوري (المتوفى: ١٤١٤هـ) الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند الطبعة: الثالثة - ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م
- ١١٢- مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح المؤلف: على بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروى القارى (المتوفى: ١٠١٤هـ) الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م عدد الأجزاء: ٩
- ١١٣- مستخرج أبى عوانة المؤلف: أبو عوانة يعقوب بن إسحاق بن إبراهيم النيسابورى الإسفرايينى (المتوفى: ٣١٦هـ) تحقيق: أيمن بن عارف الدمشقى الناشر: دار المعرفة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م. عدد الأجزاء: ٥
- ١١٤- المستدرك على الصحيحين المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبى الطهمانى النيسابورى المعروف بابن البيع (المتوفى: ٤٠٥هـ) تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠ عدد الأجزاء: ٤
- ١١٥- المستصفي المؤلف: أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ) تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافى الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الأولى، ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م عدد الأجزاء: ١
- ١١٦- مسند أبى حنيفة مصدر الكتاب : موقع جامع الحديث <http://www.alsunnah.com>
- ١١٧- مسند أبى داود الطيالسى المؤلف: أبو داود سليمان بن داود بن الجارود الطيالسى البصرى (المتوفى: ٢٠٤هـ) المحقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركى الناشر: دار هجر - مصر الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م عدد الأجزاء: ٤
- ١١٨- مسند أبى يعلى المؤلف: أبو يعلى أحمد بن على بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمى، الموصلى (المتوفى: ٣٠٧هـ) المحقق: حسين سليم أسد الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤ عدد الأجزاء: ١٣
- ١١٩- مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى (المتوفى: ٢٤١هـ) المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: دار الحديث - القاهرة الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م
- ١٢٠- مسند إسحاق بن راهويه - مسند ابن عباس المؤلف: أبو يعقوب إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم الحنظلى المروزي المعروف بـ ابن راهويه (المتوفى: ٢٣٨هـ) المحقق: محمد مختار ضرار المفتى الناشر: دار الكتاب العربى الطبعة: الأولى، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢
- ١٢١- مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبيد الله العتقى المعروف بالبزار (المتوفى: ٢٩٢هـ)
- ١٢٢- مسند الشاميين المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبرانى (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤ عدد الأجزاء: ٤
- ١٢٣- مسند الشهاب المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر بن على بن حكيمون القضاى المصرى (المتوفى: ٤٥٤هـ) المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦ عدد الأجزاء: ٢
- ١٢٤- المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) وعادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) وصبرى عبد الخالق الشافعى (حقق الجزء ١٨) الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م) عدد الأجزاء: ١٨
- ١٢٥- المسند الجامع حققه ورتبه وضبط نصه: محمود محمد خليل الناشر: دار الجيل للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، الشركة المتحدة لتوزيع الصحف والمطبوعات، الكويت الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م عدد الأجزاء: ٢٢ (٢٠ جزء ومجلدان فهارس)
- ١٢٦- مسند الحميدى المؤلف: أبو بكر عبد الله بن الزبير بن عيسى بن عبيد الله القرشى الأسدى الحميدى المكى (المتوفى: ٢١٩هـ) حقق نصوصه وخرج أحاديثه: حسن سليم أسد الدارنى الناشر: دار السقا، دمشق - سوريا الطبعة: الأولى، ١٩٩٦ م عدد الأجزاء: ٢



- ١٢٧ - مسند السراج المؤلف: أبو العباس محمد بن إسحاق بن إبراهيم بن مهران الخراساني النيسابوري المعروف بالسراج (المتوفى: ٣١٣هـ) حققه وخرج أحاديثه وعلق عليه: الأستاذ إرشاد الحق الأثرى الناشر: إدارة العلوم الأثرية، فيصل آباد - باكستان الطبعة: ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م عدد الأجزاء: ١
- ١٢٨ - المسند للشاشي: اسم الكاتب هيثم الشاشي و الناشر مؤسسه الرسالة.
- ١٢٩ - المسند الشافعي المؤلف: الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبى القرشي المكي (المتوفى: ٢٠٤هـ) الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان صححت هذه النسخة: على النسخة المطبوعة في مطبعة بولاق الأميرية والنسخة المطبوعة في بلاد الهند عام النشر: ١٤٠٠ هـ
- ١٣٠ - مسند الفاروق: مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضى الله عنه وأقواله على أبواب العلم المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ) المحقق: عبد المعطى قلعجي دار النشر: دار الوفاء - المنصورة الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م عدد الأجزاء: ٢
- ١٣١ - مشكاة المصابيح المؤلف: محمد بن عبد الله الخطيب العمري، أبو عبد الله، ولي الدين، التبريزي (المتوفى: ٧٤١هـ) المحقق: محمد ناصر الدين الألباني الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة: الثالثة، ١٩٨٥ عدد الأجزاء: ٣
- ١٣٢ - مصنف ابن أبي شيبة المسمى بالكتاب المصنف في الأحاديث والآثار المؤلف: أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستى العيسى (المتوفى: ٢٣٥هـ) المحقق: كمال يوسف الحوت الناشر: مكتبة الرشد - الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ عدد الأجزاء: ٧
- ١٣٣ - المصنف عبدالرزاق المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: ٢١١هـ) المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي الناشر: المجلس العلمي - الهند يطلب من: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة: الثانية، ١٤٠٣ عدد الأجزاء: ١١
- ١٣٤ - المطالب العالیه للحافظ ابن حجر العسقلاني مصدر الكتاب : موقع جامع الحديث <http://www.alsunnah.com>
- ١٣٥ - معجم ابن الأعرابي مصدر الكتاب : موقع جامع الحديث <http://www.alsunnah.com>
- ١٣٦ - معجم الشيوخ المؤلف: ثقة الدين، أبو القاسم على بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر (المتوفى: ٥٧١هـ) المحقق: الدكتور وفاء تقي الدين الناشر: دار البشائر - دمشق الطبعة: الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م عدد الأجزاء: ٣
- ١٣٧ - المعجم الأوسط المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد , عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني الناشر: دار الحرمين - القاهرة عدد الأجزاء: ١٠
- ١٣٨ - المعجم الكبير المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الثانية عدد الأجزاء: ٢٥ ويشمل القطعة التي نشرها لاحقا المحقق الشيخ حمدي السلفي من المجلد ١٣ (دار الصميعي - الرياض / الطبعة الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م)
- ١٣٩ - معرفة السنن والآثار المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ) المحقق: عبد المعطى أمين قلعجي الناشر: جامعة الدراسات الإسلامية (كراتشي - باكستان)، دار قتيبة (دمشق - بيروت)، دار الوعى (حلب - دمشق)، دار الوفاء (المنصورة - القاهرة) الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩١ م عدد الأجزاء: ١٥
- ١٤٠ - معرفة الصحابة لابن منده المؤلف: أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن محمد بن يحيى بن منده العبدى (المتوفى: ٣٩٥هـ) حققه وقدم له وعلق عليه: الأستاذ الدكتور/ عامر حسن صبرى الناشر: مطبوعات جامعة الإمارات العربية المتحدة الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م عدد الأجزاء: ١
- ١٤١ - منح الجليل شرح مختصر خليل المؤلف: محمد بن أحمد بن محمد عlish، أبو عبد الله المالكي (المتوفى: ١٢٩٩هـ) الناشر: دار الفكر - بيروت الطبعة: بدون طبعة تاريخ النشر: ١٤٠٩ هـ / ١٩٨٩ م عدد الأجزاء: ٩



- ۱۴۲- موطأ الإمام مالك، المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ۱۷۹هـ)، صححه ورقمه وخرج أحاديثه وعلق عليه: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، عام النشر: ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۵ م، عدد الأجزاء: ۱
- ۱۴۳- من فضائل سورة الإخلاص وما لقارئها، المؤلف: أبو محمد الحسن بن محمد بن الحسن بن علي البغدادي الخلال (المتوفى: ۴۳۹هـ)، المحقق: محمد بن رزق بن طرهوني، الناشر: مكتبة لينه - القاهرة - دمنهور، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲هـ عدد الأجزاء: ۱
- ۱۴۴- كنز الدقائق، المؤلف: أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفي (المتوفى: ۷۱۰هـ)، المحقق: أ. د. سائد بكداش، الناشر: دار البشائر الإسلامية، دار السراج، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲هـ - ۲۰۱۱م، عدد الأجزاء: ۱
- ۱۴۵- العرف السذی شرح سنن الترمذی، المؤلف: محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميري الهندي (المتوفى: ۱۳۵۳هـ)، تصحيح: الشيخ محمود شاكر، الناشر: دار التراث العربي - بيروت، لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م
- ۱۴۶- عون المعبود شرح سنن أبي داود: عون المعبود شرح سنن أبي داود، ومعه حاشية ابن القيم: تهذيب سنن أبي داود وإيضاح علله ومشكلاته. المؤلف: محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، الصديقي، العظيم آبادي (المتوفى: ۱۳۲۹هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۵ هـ. عدد الأجزاء: ۱۴
- ۱۴۷- نخبة اللالی محمد بن سليمان الريحاي شارح الكنز متوفى ۱۲۲۸. ناشر وقف الاخلاص. ۱۹۹۶م
- ۱۴۸- نصب الرأیة لأحادیث الهدایة مع حاشيته بغية الأملی فی تخريج الزیلعی المؤلف: جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزیلعی (المتوفى: ۷۶۲هـ) قدم للكتاب: محمد يوسف البنوري صححه ووضع الحاشية: عبد العزيز الديوبندي الفنجاني، إلى كتاب الحج، ثم أكملها محمد يوسف الكاملفوري المحقق: محمد عوامه الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بيروت - لبنان / دار القبلة للثقافة الإسلامية - جدة - السعودية الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸هـ/ ۱۹۹۷م عدد الأجزاء: ۴
- ۱۴۹- نظم المتنائر من الحديث المتواتر المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أبي الفيض جعفر بن إدريس الحسني الإدريسي الشهير بـ الكتاني (المتوفى: ۱۳۴۵هـ) المحقق: شرف حجازي الناشر: دار الكتب السلفية - مصر الطبعة: الثانية المصححة ذات الفهارس العلمية عدد الأجزاء: ۱
- ۱۵۰- نور الانوار وقمر الانوار، (۱ج) محمد عبدالحليم، ملتان، پاکستان، کتب خانہ مجیدیه.
- ۱۵۱- نیل الأوطار المؤلف: محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: ۱۲۵۰هـ) تحقيق: عصام الدين الصبايطي الناشر: دار الحديث، مصر الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م عدد الأجزاء: ۸
- ۱۵۲- كتاب العين، المؤلف: أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد بن عمرو بن تميم الفراهيدي البصري (المتوفى: ۱۷۰هـ)، المحقق: د مهدي المخزومي، د إبراهيم السامرائي، الناشر: دار ومكتبة الهلال، عدد الأجزاء: ۸
- ۱۵۳- الهداية في شرح بداية المبتدى المؤلف: علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين (المتوفى: ۵۹۳هـ) المحقق: طلال يوسف الناشر: دار احياء التراث العربي - بيروت - لبنان عدد الأجزاء: ۴
- ۱۵۴- (سایت آموزشکده فنی و حرفه ای پسران رشت وشهید چمران: تالار گفتمان در تاریخ ۱۷-۱-۱۳۸۹)
- ۱۵۵- (سایت رشد در تاریخ ۱۷-۱۲-۸۸).
- ۱۵۶- تحفه الفقهاء المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي أحمد، أبو بكر علاء الدين السمرقندي (المتوفى: نحو ۵۴۰هـ) الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م
- ۱۵۷- تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ۳۱۰هـ)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الإسلامية بدار هجر الدكتور عبد السند حسن يمامة، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، عدد الأجزاء: ۲۶ مجلد ۲۴ مجلدان فهارس
- ۱۵۸- المراسيل، المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدی السجستاني (المتوفى: ۲۷۵هـ)، المحقق: شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸، عدد الأجزاء: ۱



- ١٥٩- مسند ابن الجعد، المؤلف: على بن الجعد بن عبيد الجوهري البغدادي (المتوفى: ٢٣٠هـ)، تحقيق: عامر أحمد حيدر، الناشر: مؤسسة نادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ - ١٩٩٠
- ١٦٠- مسند الطيالسي: أبو داود سليمان بن داود بن الجارود الطيالسي البصري (المتوفى: ٢٠٤هـ)، المحقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي. الناشر: دار هجر - مصر. الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م. عدد الأجزاء: ٤
- ١٦١- مسند أبي يعلى، المؤلف: أبو يعلى أحمد بن على بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي، الموصلي (المتوفى: ٣٠٧هـ)، المحقق: حسين سليم أسد، الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤، عدد الأجزاء: ١٣
- ١٦٢- مسند الامام ابوحنيفه: أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطى بن ماه (المتوفى: ١٥٠هـ). تحقيق: عبد الرحمن حسن محمود. الناشر: الآداب - مصر
- ١٦٣- مسند الروياني، المؤلف: أبو بكر محمد بن هارون الروياني (المتوفى: ٣٠٧هـ)، المحقق: أيمن على أبو يمانى، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤١٦، عدد الأجزاء: ٢
- ١٦٤- مسند عبدالله بن عمر الطرسوسى: أبو أمية محمد بن إبراهيم بن مسلم الخزاعى البغدادي ثم الطرسوسى (المتوفى: ٢٧٣هـ). المحقق: أحمد راتب عرموش. الناشر: دار النفائس - بيروت. الطبعة: الأولى، ١٣٩٣. عدد الأجزاء: ١
- ١٦٥- مصباح الزجاجة: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايمار بن عثمان البوصيري الكنانى الشافعى (المتوفى: ٨٤٠هـ). المحقق: محمد المنتقى الكشناوى. الناشر: دار العربية - بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٣ هـ عدد الأجزاء: ٤
- ١٦٦- المعجم لابن مقرئ المؤلف: ابوبكر محمد بن ابراهيم بن على بن عاصم بن زازان الاصبهاني الخازن، المشهور بابن مقرئ (المتوفى ٥٣٨) تحقيق : ابي عبدالحمن عادل بن سعد الناشر: مكتبه الرشيد، الرياض، شركت رياض النشر الطبعه: الاولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م عددالاجزاء:١
- ١٦٧- معجم الطبراني الأوسط: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني. الناشر: دار الحرمين - القاهرة. عدد الأجزاء: ١٠
- ١٦٨- معجم الطبراني الكبير: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى. دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة. الطبعة: الثانية. عدد الأجزاء: ٢٥
- ١٦٩- معجم مقاييس اللغة: أحمد بن فارس بن زكرياء القزوينى الرازى، أبو الحسين (المتوفى: ٣٩٥هـ). المحقق: عبد السلام محمد هارون. الناشر: دار الفكر. عام النشر: ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م. عدد الأجزاء: ٦
- ١٧٠- ملتقى الابهري: المؤلف: إبراهيم بن محمد بن إبراهيم الحلي الحنفى (المتوفى: ٩٥٦هـ)، المحقق: خرح آياته وأحاديثه خليل عمران المنصور، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م، عدد الأجزاء: ٤
- ١٧١- المنتقى من السنن المسندة، المؤلف: عبد الله بن على بن الجارود، أبو محمد النيسابورى (ت: ٣٠٧)، أرقام هذه النشرة تتفق مع طبعة: دار الكتب العلمية - بيروت، عدد الأجزاء: ١، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ
- ١٧٢- المنتقى: ابوالحسن نورالدين على بن ابي بكر بن سليمان بن ابي بكر الهيثمى (المتوفى: ٨٠٧هـ)، المحقق حسين احمد صالح الباكرى، الناشر: مركز خدمة السنه و السيره النبويه - المدينه المنوره، الطبعة: الاولى، ١٤١٣ - ١٩٩٢، عدد الاجزاء: ٢
- ١٧٣- منحة السلوك فى شرح تحفة الملوك، المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابى الحنفى بدر الدين العيني (المتوفى: ٨٥٥هـ)، المحقق: د. أحمد عبد الرزاق الكبيسى، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨هـ - ٢٠٠٧م، عدد الأجزاء: ١
- ١٧٤- المنهاج شرح صحيح مسلم بن حجاج المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ) الناشر: دار احياء التراث العربى - بيروت الطبعة: الثانية، ١٣٩٢ عدد الاجزاء: ١٨ (فى ٩ مجلدات)
- ١٧٥- مواهب الجليل فى شرح مختصر خليل؛ المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسى المغربى، المعروف بالحطاب الرعيني المالكي (المتوفى: ٩٥٤هـ)، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثالثة، ١٤١٢هـ - ١٩٩٢م، عدد الأجزاء: ٦



- ١٧٦- موطأ مالك برواية محمد بن الحسن الشيباني، المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ)، تعليق وتحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، الناشر: المكتبة العلمية، الطبعة: الثانية، مَزِيْدَةٌ منقَّحَةٌ، عدد الأجزاء: ١
- ١٧٧- ميزان الاعتدال: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْمَاز الذهبى (المتوفى: ٧٤٨هـ). تحقيق: على محمد البجاوى. الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت - لبنان. الطبعة: الأولى، ١٣٨٢ هـ - ١٩٦٣ م. عدد الأجزاء: ٤